

محتوای کلیه مضمونین دریافت رتبه

نیمسال دوم سال ۹۹

(جامانده)

۱

## اسناد تحولی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

اشاره

با توجه به تغییرات سریع فناوری و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن، پیچیدگی‌های دنیای کار به همراه ظهور چالش‌ها مفاهیمی از قبیل توسعه‌ی پایدار، آموزش مادام‌العمر، آموزش برای همه، و کار شایسته‌ی جهانی‌سازی و استانداردهای توسعه، به ویژه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ضرورت دارد افراد کشور در هر بخش از زندگی اجتماعی و حرفه‌ای خود به طور مستمر دانش، مهارت و نگرش خود را توسعه دهند، تا در جامعه‌ی دانش محور زندگی و کار هدفمندی داشته باشند. آموزش و مهارت‌آموزی سبب پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری و تسهیل مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی می‌شود. به طور کلی آموزش و مهارت‌آموزی سبب افزایش درآمد و کاهش فقر می‌شود. محصول این آموزش‌ها، دانش و مهارت موتورهای رشد اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی هستند و سرمایه‌گذاری در این آموزش سرمایه‌گذاری برای آینده تلقی می‌شود.

@dabirfile

در متن سیاست‌های کلی نظام که بر اساس تعریف مجمع تشخیص مصلحت نظام «مجموعه‌ای هماهنگ از جهت‌گیری‌ها و راهبردهای کلان نظام برای تحقق اهداف قانون اساسی در دوره زمانی مشخص می‌باشد» به خصوص در سالهای اخیر به موضوع اقتصادی کشور توجه ویژه‌ای شده است. از آن جایی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان مولد اشتغال نقش مؤثری در توسعه پایدار کشورها دارد و گزارش جهانی نشان می‌دهد با افزایش میزان ثبت نام در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای نرخ سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها افزایش یابد، از این رو سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به عنوان یکی از اسناد بالادستی در کنار قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران و نقشه جامع علمی کشور خاستگاه طراحی و تدوین برنامه‌های درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد و تحلیل سیاست‌های کلی نظام از منظر تربیت و آموزش نیروی انسانی و کار، اشتغال، کارآفرینی، بازار کار، پیشرفت و حرفه‌ای، خاص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کاهش فقر و کاربرد فناوری برای هدف‌گذاری، جهت‌دهی و تعیین الگو و تنظیم برنامه‌ها امری ضروری است.

در تعدادی از این سیاست‌ها بر اهمیت جایگاه و نقش آموزش و پرورش در خصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت مستقیم تأکید شده است و در دیگر سیاست‌های مرتبط به اصول و مأموریت‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کلیه ارکان نظام نام برای تحقیق و دستیابی به اهداف ترسیم شده موظف شده‌اند.

قابل ذکر است در برنامه های درسی فنی و حرفه ای و کاردانش علاوه بر اصول دین محوری، تقویت هویت ملی، اعتبار نقش یادگیرنده، اعتبار نقش مرجعیت معلم، اعتبار نقش پایه ای خانواده، جامعیت، توجه به تفاوت های فردی، تعادل، یادگیری مادام العمر، جلب مشارکت و تعامل، یکپارچگی و فراگیری، اصول تنوع بخشی آموزش ها، انعطاف پذیری، آموزش بر اساس نیاز بازار کار، اخلاق حرفه ای، توسعه پایدار، کاهش فقر و تولید ثروت، شکل گیری تدریجی هویت حرفه ای مورد توجه قرار می گیرد.

به عنوان نمونه در سیاست های کلی اشتغال، ابلاغی ۱۳۹۰ نقش آموزش و پرورش به عنوان یکی از نظام های آموزشی در آموزش نیروی انسان متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای فعلی بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقاء توان کارآفرینی و توأم کردن آموزش و مهارت و جلت همکاری بنگاه های اقتصادی جهت استفاده از ظرفیت آن ها مشخص شده است و در سیاست های کلی تحول در آموزش و پرورش ابلاغی ۱۳۹۱، تقویت آموزش های فنی و حرفه ای مورد تاکید قرار گرفته است.

کلید واژه ها: تربیت، نیروی انسانی، اشتغال، کارآفرینی، بازار کار، مهارت، فنی و حرفه ای، رفع فقر، فناوری

مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

این منشور که به عنوان بنیان نظری تحول بنیادین به تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است. مبانی تمام سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و تولید اثرات تحولی در نظام تعلیم و تربیت بیت در جمهوری اسلامی ایران می باشد.

**@dabirfile**

بخش هایی از این سند که ارتباط بیشتری با شاخص های آموزش های فنی و حرفه ای عبارتند از:

ویژگی مرحله چهارم تربیت (شامل سال های ده، یازده و دوازده دوره متوسطه نظام فعلی)

- وی افزود هماهنگی و همسویی میان برنامه ها و فعالیت های عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت، اعم از تربیت رسمی و غیررسمی، تخصصی و عمومی برای مشارکت سازنده ی متربی در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی جامعه (ویژگی تربیت در این دوره هم اندیشی، مشارکت و ملازمت است که باید مبانی فعالیت های خودجوش و برانگیختگی درونی متربی قرار گیرد).
- ایجاد شرایط لازم برای کسب تجربیاتی که به فرد در تجزیه و تحلیل موقعیت، موضع گیری شایسته نسبت به فراموقعیت، و انتخاب راه های مناسب برای اصلاح مداوم موقعیت به گونه ای کمک کند که به سبک زندگی شخصی مبتنی بر نظام معیار اسلامی دست یابد.

• تدارک شرایطی که امکان برقراری رابطه پیوستگی عمیق و ژرف میان ابعاد وجودی (جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی) و شکل گیری یکپارچه سازی ترکیبی و تعالی هویت ویژه فرد را فراهم کند.

• ایجاد فرصت های تربیتی متنوع برای رویارویی متربیان با مسائل پیچیده در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و کسب تجربیات واقعی در به کارگیری توانایی های ذهنی، قدرت تخیل و ابتکار در یافتن راه حل هایی مناسب برای مشارکت سازنده در جامعه ی

صالح

• زمینه‌سازی برای انتخاب‌های متن‌بیین عناصر سه‌گانه برنامه درسی به منظور وحدت بخشی میان نقش‌های وجودی و اجتماعی متربیین همسو با نیازهای حال و آینده جامعه.

• با توجه به اهمیت خانواده در نظام اجتماعی، تدارک دیدن برنامه‌ها و فرصت‌های تربیتی به گونه‌ای که ضمن توجه به تفاوت‌های خُلقی و خُلقی متربیین، مهارت‌های ورود به زندگی مستقل، زندگی خانوادگی، تربیت فرزند و زندگی حرفه‌ای را در آنان به وجود آورد.

با مشارکت عوامل صحیح و مؤثر در جریان تربیت، در پایان دوره‌ی تربیت رسمی و عمومی، بر حسب علاقه‌ها و توانایی‌ها آن‌ها و تجربیات کسب شده متربیین درطول تربیت رسمی و عمومی، دوره‌ی یک تا دو ساله‌ای برای تکمیل فرآیند به کارگیری آموخته‌های کسب شده در فرصت‌های واقعی زندگی سازماندهی خواهد شد. این دوره متناسب با جهت‌گیری اختیاری آن برای ورود به زندگی خانوادگی، زندگی حرفه‌ای و یا ادامه تحصیل و کسب تخصص خواهد بود.

### ساحت‌های تعلیم و تربیت

#### ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

##### الف) حدود و قلمرو

@dabirfile

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد سه‌گانه زندگی آدمی است. یعنی بُعد اقتصادی و معیشتی انسان‌هاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی‌های متربیین در تدبیر امور معاش و تلاش اقتصادی حرفه‌ای است (اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش برای حفظ و توسعه ثروت، بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام معاملات، و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی)

##### ب) رویکرد

مهم‌ترین جهت‌گیری ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای «جهت‌گیری کل‌نگر و تلفیقی» است که برخی مشخصه‌های آن عبارت‌اند از:

- توسعه متوازن و متعادل ابعاد و ساحت‌های وجودی فرد در راستای تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی.
- درونی‌سازی ارزش‌های اصیل دینی و اخلاقی در زمینه‌ی اقتصادی و حرفه‌ای، ارزش کار و تلاش کسب حلال، انصاف و عدالت، تعاون، وفای به عهد، پرهیز از اسراف و تبذیر، گرایش به ایجاد و توسعه شایستگی‌های متربیین، برای یادگیری مادام‌العمر.

• با توجه به شکل‌گیری و توسعه الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی.

• رفع موانع بین مراحل تربیت رسمی و عمومی و ساحت‌های تربیتی بین نظام تربیت رسمی و عمومی و نیازهای جامعه و بین مدرسه و جامعه از طریق:

• تلفیق مناسب تربیت اقتصادی و حرفه‌ای با تربیت رسمی و عمومی در همه مراحل تربیت رسمی و عمومی

• به حساب آوردن نیازهای فردی، تحول مشاغل و حرفه‌ها در جامعه

توجه به تجربه کاری (که بخشی از فرایند یادگیری است)

• ایجاد شایستگی یادگیری مادام‌العمر، به گونه‌ای که به متریبان اجازه دهد، به شناخت و اصلاح مستمر موقعیت اقتصادی

خود در جامعه بپردازد و شایستگی‌های حرفه‌ای عام خود را به طور مداوم توسعه دهند.

در نتیجه، به جای رویکردهای دانش به نور یا مهارت مدار خشک و محصور شده در دوره‌ی زمانی، به رویکردی کل‌گرا و

تلفیقی از تربیت در ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای نیاز خواهد بود که نتیجه آن توسعه و تعالی تمامی ظرفیت‌های وجودی

متریبان در راستای اصلاح و بهبود مستمر موقعیت خود و دیگران در همه ساحت‌ها، به ویژه تربیت اقتصادی و حرفه‌ای است

و بی‌تردید یکی از زمینه‌های تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی به شمار می‌آید.

(ج اصول

انعطاف‌پذیری (فیلم در ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی، از طریق هماهنگی ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی با  
@dabirfile

ساختار اقتصادی کشور، و هم در برنامه‌ی درسی از طریق هماهنگی با ایجاد شایستگی‌های جدید در متریبان و به روز رسانی

مستمر آن)

• تأکید بر تربیت مستمر و مداوم (تربیتی که متریبان شایستگی‌های لازم را با خود آموزی مستمر و به‌روزرسانی توانمندی‌های

خود به دست آورند)

• توجه به کارآفرینی (برنامه‌های درسی باید تا حد امکان بتوانند متریبان را کارآفرین و توانمند تربیت کند، به نحوی که

راه‌های آشنایی و پاسخگویی به نیازهای متنوع جامعه و بازار کار را فرا گیرند و می‌توانند برای خود و دیگران کار تولید کنند)

• توجه به تفاوت‌های فردی و تنوع علاقه‌ها و استعداد‌های متریبان در تولید برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس

• توجه به شایستگی‌های عام، پیش‌نیاز رشد حرفه‌ای و اقتصادی

• تأکید بر کسب شایستگی‌های اخلاقی در بهره‌گیری از طبیعت در چارچوب نظام معیار اسلامی

• کسب شایستگی‌های مناسب در متریبان به منظور حل مسائل فردی و گروهی آن‌ها، در ارتباط با خانواده، جامعه و محیط

کار

• استفاده مطلوب از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

ساحت تربیت علمی و فناوری

## الف) حدود و قلمرو

ساحت تربیت علمی و فناوری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر بر کسب شایستگی‌هایی (صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌هایی) است که متریبان را در شناخت، بهره‌گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری می‌کند تا بر اساس آن متریبان قادر شوند، با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی (نگاه آیه‌ای به هستی) و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت (نگاه ابزاری)، بینشی ارزش مدار کسب کنند.

ترکیب نگاه آیه و ابزاری به تصرف و بهره‌گیری مسئولانه از طبیعت منجر خواهد شد، که می‌تواند به راهبردی اساسی در نگاه انسان به طبیعت و اقدام و مراقبت از آنان بیانجامد.

لذا این ساحت از تربیت ناظر بر رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فرهنگ و درک دانش‌های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش‌افزایی، به کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی برای بروز خلاقیت و نوآوری، و نیز ناظر بر کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است.

## ب) رویکرد

مهم‌ترین جهت‌گیری ساحت تربیت علمی و فناوری، جهت‌گیری کل‌نگران و تلفیقی در چارچوب نظام معیار اسلامی این است که برخی از مشخصه‌های آن عبارتند از:

**@dabirfile**

- تلفیق نظر و عمل یا توجه همزمان به تربیت نظری و عملی که در معنای وسیع‌تر، ناظر بر تلفیق علم و فناوری است.
- تلفیق نگاه آیه‌ای به طبیعت و نگرش ابزاری و شناخت آن باهم (یعنی ضمن شناخت طبیعت به مفهوم آیه‌ای از آیات جمال و جلال الهی، تلاش می‌شود به صورت روشمند و اخلاقی از آن بهره گرفته شود)
- تأکید بر هماهنگی علم و دین
- ملاحظه در هم تنیدگی مرزهای علوم و رشته‌های علمی که طی آن تلاش می‌شود متریبان دیدگاه و نگرشی جامع نسبت به جهان هستی بیابند.
- با توجه به ارزش مداری محتوا که این موضوع عمدتاً ناظر و چرایی آموخته‌هاست، نه صرفاً چیست آن‌ها. از این رو، شایستگی‌های کسب شده (یادگیری‌ها) باید مفید و سودمند باشند؛ یعنی در راستای غایت و هدف تربیت و همچنین متناسب با مرتبط با زندگی یادگیرنده‌ها باشند و به آن‌ها عمل کنند تا مستمر به شناخت و عمل برای اصلاح و بهبود موقعیت خود و دیگران پردازند.
- تلفیق مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های علمی به ویژه تلفیق بین مهارت‌های فرآیندی، در تربیت علمی و فناوری، و به کارگیری مهارت‌های مربوط به سواد اطلاعاتی و ارتباطی در جریان یادگیری محتوا، به منزله‌ی روش و ابزاری برای یاددهی و یادگیری عمیق‌تر و بهتر.

**ج) اصول**

- توجه به درک متریبان از جهان هستی، از نظر ارتباط با خدا (درک عظمت خلقت و تعظیم خالق)
- توجه متعادل و متوازن درس های علوم نظری (انسانی، ریاضی و تجربی) و کاربردی و حوزه فناوری
- ارتباط محتوای یادگیری با زندگی فردی و اجتماعی حال و آینده متریبان
- ارزشمداری و توسعهی ارزشهای اخلاقی
- رشد توانمندیهای تفکر منطقی، خلاق، نقاد و حل مسئله
- زمینهسازی برای تولید علم از طریق تکمیل و تعالی توانمندیها و مهارت‌های علمی (کمی و کیفی) متناسب با نیازها و زندگی متریبان

- با توجه به چشم‌انداز آینده رشد و توسعه علم و فناوری در زندگی بشر

**چرخش‌های تحولی**

مهم‌ترین چرخش‌ها از وضع موجود به وضع مطلوب، تبدیل نهاد فعلی با کارکرد صرفاً آموزشی به نهادی است که وظیفه و رسالت اصلی آن «بستر سازی برای دستیابی به نسل آینده به مرتبه قابل قبولی از آباد گی به منظور تحقق حیات طیبه در تمام ابعاد» است، اهم این چرخش‌ها عبارتند از:

**@dabirfile**

- از نهادی آموزشی به نهادی فرهنگی - اجتماعی و مولد و سرمایه‌ی انسانی
  - از کنترل بیرونی و ایجاد محدودیت، به خویشتن بانی (تقوا) ارزشمداری عقلانی و مسئولیت‌پذیری
  - از انحصاری انگاری در تربیت، به مشارکت و مسئولیت‌پذیری ارکان و عوامل صحیح و مؤثر
  - از یکسان نگری و تولید انبوه، به پذیرش تنوع و تکثر در چارچوب نظام معیار اسلامی
  - از نگاه تجزیه‌ی و تفکیکی به نگاهی یکپارچه نگر و تلفیقی به هویت انسان در تمام ابعاد و ساحت‌های تربیت
  - از دانش‌آموز منفعل در کلاس به متربی فعال در محیط‌های تربیتی
  - از روش‌های خشک، فردی و انعطاف‌ناپذیر به روش‌های خلاق، فعال و گروهی
  - از انباشت اطلاعات و حافظه محوری، به کسب شایستگی‌ها در تمام ساحت‌های تربیت
  - از سازگاری با شرایط محیطی، به هویت‌یابی و مقاومت در برابر شرایط نامساعد و تغییر آنها
- از آنجایی که زیر نظام‌های تربیت رسمی و عمومی مسیر اجرایی و عملی تحقق چرخش‌ها نشان می‌دهد، برخی از این چرخش‌های اساسی در هر یک از زیر نظام‌ها عبارتند از:

**زیر نظام راهبری تربیتی و مدیریت**

- از مدیریت اداری و کنترلی به راهبری تربیتی مبتنی بر نظام معیار اسلامی

- تمرکزگرایی به مشارکت جویی و مسئولیت‌پذیری مبتنی بر خرد جمعی
- از برنامه‌ریزی‌های موردی و پراکنده به برنامه‌ریزی‌های راهبردی و آینده
- حاکمیت نگاه جزیره در حوزه‌های اجرایی به تأکید بر فرآیندها و پیامدها بر اساس نظام معیار اسلامی
- از انتصاب سلیقه‌ای مدیران بر اساس ضوابط اداری به شایسته‌سالاری در مدیریت

### زیر نظام برنامه‌ی درسی

- از برنامه درسی موضوع به برنامه درسی مبتنی بر ساحت‌های تربیت برای کسب شایستگی‌ها
- از برنامه‌ریزی درسی کاملاً متمرکز به برنامه‌ریزی درسی متکی بر مشارکت مؤثر ارکان و عوامل سهمیم در تربیت در تمام

### سطوح

- برنامه درسی تک وجهی به برنامه درسی چند وجهی (ساختار مثلثی)
- از برنامه درسی نتیجه محور برنامه درسی پیامد محور (تحقق شایستگی‌ها در سطح محصول و سطح برونداد نظام و پیامد آن در سطح جامعه)

• از یادگیری با ذوات به فرآیند دستیابی به اندیشه‌ورزی و درک معنا

• از جداسازی برنامه‌های آموزشی و پرورشی به برنامه درسی یکپارچه

@dabirfile

### زیرنظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی

• از معلم به عنوان انتقال دهنده‌ی دانش به عنوان مربی و تربیتی و سازمان دهنده‌ی فرصت‌های تربیتی متنوع برای احیا و ارتقای مراتب حیات طیبه متریبان

• از معلم به عنوان مجری تصمیمات برنامه درسی به معلم تصمیم‌ساز در فرآیند برنامه‌ریزی درسی

• از برنامه‌های صلب و بسته در تربیت مربیان به برنامه‌های منعطف برای دستیابی آنان به هویت حرفه‌ای منحصر به فرد و توسعه آن مبتنی بر نظام معیار اسلامی

• از ارتقای خود به خودی سطح حرفه‌ای مربیان به ارزیابی عملکرد و صدور درجه مربیگری بر اساس میزان کارآمدی و اثربخشی

• از فرهنگ سازمانی بسته (محصور نمودن مربیان در فضای مدرسه) به مشارکت جویی علمی و انتقال تجربیات در سطوح متفاوت (مدرسه، محلی، ملی و بین‌المللی)

• از نگاه به معلم به عنوان کارمند اداری به معلم به عنوان شخصیتی علمی و تربیتی

### زیر نظام تأمین و تخصیص منابع مالی

- از انحصار در تامین منابع به مشارکت در تامین منابع
- از هزینه کرد منابع به مدیریت و سیاست‌گذاری بهینه منابع و مصرف
- از «عرضه مدار» و «نهاده محور» به «ستانده» و «نتیجه محور»
- از توزیع یکسان منابع به تنوع منابع و توزیع عادلانه آن
- از نگاه به نظام تربیت رسمی و عمومی به مثابه دستگاهی مصرفی به دستگاه سرمایه‌ای و مولد منابع انسانی
- از تغییر در روش نظارت بر هزینه توسط ذی‌حسابی به حسابرسی پس از خرج

### زیرنظام فضا، تجهیزات و فناوری

- از تأمین این کلاس درس به ساماندهی موقعیت‌های یادگیری
- از انحصار یادگیری در کلاس درس به تنوع بخشی به محیط‌های طبیعی و یادگیری
- از نگاه تفکیکی به فضای فیزیکی مدارس به نگاه فرایندی به تربیت و ساختار مجتمع‌های تربیتی
- از معماری بی‌هویت و وارداتی به معماری اسلامی-ایرانی
- از مدارس بی‌هویت و فاقد امکانات و فناوری‌ها به مدارس با هویت مدرسه‌ی صالح و کانون تربیتی محله
- از طراحی مدارس توسط مهندسين فنی به طراحی تیمی با لحاظ کردن ابعاد مدرسه‌ی صالح

@dabirfile

- از نگاه ابزاری به فناوری‌ها به استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین متناسب با نظام معیار اسلامی

### زیرنظام پژوهش و ارزیابی

- بند نگاه جزئی‌نگر به نگاه آینده‌نگر و کل‌گرایانه برای مواجهه‌ی سازنده با چالش‌های نظام
- از تمرکز بر روش‌های کمی در پژوهش به تنوع و کثرت در روش‌های پژوهش
- از پژوهش‌های توصیفی، موردی و پراکنده به پژوهش‌های نظام‌مند، نوآورانه و تحول آفرین در راستای عملیاتی کردن اهداف و کارکردهای نظام تربیت رسمی و عمومی
- از پراکندگی و جدایی مراکز پژوهشی به وحدت و یکپارچگی عملکرد مراکز پژوهشی سهیم و مؤثر در امر تربیت
- از تخصیص فرصت‌های پژوهشی به مراکز رسمی و پژوهشگران حرفه‌ای در سطوح کلان به ایجاد فرصت‌های پژوهشی و جاری و ساری شدن پژوهش در تمامی سطوح
- از تصدی‌گری در امر پژوهش به مدیریت، نظارت و بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌ها
- از رویکرد آکادمیک من نظری به پژوهش‌های تربیتی و پژوهش برای پژوهش به جهت‌گیری «عمل‌مدار» تشخیصی و درمانی، تصمیم ساز و کار بستی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش



تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران هم با اسناد بالادستی صورت گرفته است. بندهایی از این سند که ارتباط بیشتری با مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دارد در اینجا آورده شده است.

#### • در بیانیه‌ی ارزش‌ها

فرایند تعلیم و تربیت در تمام این ساحت هم شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه منطبق بر نظام معیار اسلام (مبانی و ارزش‌های برگرفته از قرآن کریم سنت حضرات معصومین علیهم السلام و عقل) که تعلیم و تربیت اعتقادی عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد.

روحیه‌ی کارآفرینی، کسب شایستگی‌های آموزش حرفه‌ای مهارتی و هنری زمینه‌ساز کار مولد.

#### • در هدف کلان

تربیت انسانی خلاق و کارآفرین، مقتصد و ماهر، سالم و با نشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر و آماده‌ی ورود به زندگی شایسته‌ی فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی

#### • در راهبرد کلان

بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی (هدف‌های

کلان ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۷)

#### • ذیل هدف عملیاتی

دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال باشند، به گونه‌ای که در صورت جدایی از نظام رسمی تعلیم و تربیت در هر مرحله، توانایی تأمین زندگی خود و اداره خانواده را داشته باشند.

#### • در راهکار ۶/۱

گسترش و تنوع دادن به حرفه‌ها و مهارت‌های مورد نیاز جامعه و تعلیم متناسب و برنامه‌ریزی شده آن در همه دوره‌های تحصیلی برای همه دانش‌آموزان

#### • در راهکار ۵/۴

اضافه کردن درس مدیریت و سلوک مناسب خانواده به جدول برنامه درسی دوره‌ی متوسطه در تمامی رشته‌ها و برای تمام دانش‌آموزان

#### • در راهکار ۵/۵

اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، و نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان‌ها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی ایرانی دانش آموزان در چهارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی

#### ۰ در راهکار ۳/۶

ایجاد موزه و نمایشگاه علم و فناوری در هر یک از شهرستان‌ها تا پایان برنامه ششم توسعه کشور، به منظور فراهم آوردن زمینه مشاهده و تجربه فزونی دانش آموز آموزش عینی‌تر کردن محتوای آموزشی کتب درسی

#### ۰ در راهکار ۵/۶

تنظیم و اجرای برنامه جامع کارآفرینی و مهارت‌آموزی برای تمام دوره‌های تحصیلی به ویژه دانش آموزان دوره‌ی متوسطه تا پایان برنامه‌ی پنجم توسعه در برنامه درسی و آموزشی

#### ۰ در راهکار ۶/۶

ایجاد شبکه‌ای از محیط‌های یادگیری، چند پژوهش سراها اردوگاه‌ها، خانه‌های فرهنگ، کتابخانه‌های عمومی، نمایشگاه، موزه‌های تخصصی علوم و فناوری، مراکز کارآفرینی، ورزشگاه‌ها و سایر مراکز مشاوره و برقراری تعامل اثربخش مدارس با این

**@dabirfile**

محیط‌ها با رعایت اصل غنی‌سازی محیط مدرسه با همکاری سایر دستگاه‌ها

#### ۰ در راهکار ۲/۱۷

تولید و به‌کارگیری محتوای الکترونیکی متناسب با نیاز دانش‌آموزان و مدارس با مشارکت بخش دولتی و غیردولتی، و کپی کردن محتوای کتاب‌های درسی بر اساس برنامه درسی ملی (با تأکید بر استفاده از ظرفیت چند رسانه‌ای) تا پایان برنامه پنجم توسعه کشور

#### ۰ در راهکار ۴/۱۷

گسترش بهره‌برداری از ظرفیت آموزش‌های غیرحضوری و مجازی در فیلم‌های آموزشی و تربیتی ویژه‌ی معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی در خارج از کشور سازنده از معیار اسلامی و با رعایت اصول تربیتی از طریق شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات

#### ۰ در راهکار ۳/۲۱

طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی به منظور هدایت دانش‌آموزان به سوی رشته‌ها، حرفه‌ها و مهارت‌های مورد نیاز حال و آینده کشور متناسب با استعدادها علاقه‌مندی و توانایی‌های آنان

**تحلیل مبانی نظری و سند تحول بنیادین به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای**

بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تأکیدات اصلی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی عبارتند از:

- توجه به تربیت بر اساس نظام معیار اسلامی
- اتخاذ رویکردی کل نگر در آموزش و برنامه‌های درسی یکپارچه
- با توجه به برنامه درسی «پیامد محور» (تحقق شایستگی‌ها)
- تلفیق مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های علمی به ویژه تلفیق بین مهارت‌های فرآیندی
- تخصص‌گرایی نرم
- توانایی دانش آموزان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای
- تلفیق نظر و عمل
- تربیت مستمر و مداوم و یادگیری مادام‌العمر
- کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای
- مشارکت ذینفعان
- توجه به نیازهای فردی و تحول شغل‌ها خواب حرفه‌ها در جامعه
- توسعه متوازن و متعادل ساحت‌های وجودی انسان
- درونی‌سازی ارزش‌های اصیل دینی و اسلامی
- توجه به شایستگی کارآفرینی
- توجه به نظام جامع راهنمایی و هدایت تحصیلی
- حرفه آموزی برای تمام دانش آموزان و دوره‌های تحصیلی

@dabirfile

سیاست‌های کلی نظام نظام مجموعه‌ای هماهنگ از جهت‌گیری‌ها و راهبردهای کلان نظام برای تحقق اهداف قانون اساسی در دوره‌ی زمانی مشخص می‌باشد، این سیاست‌ها الزام آور برای کلیه ارکان نظام بوده و ناظر بر همه قوانین از جمله برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه است. بندهایی از این سند که ارتباط بیشتری با مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دارد عبارت از:

### چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام

#### سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در کشور

- جامعه ایرانی برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی، و سرمایه‌ی اجتماعی در تولید ملی
- جامعه ایرانی دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با تأکید بر رشد پرشتاب اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه رسیدن به اشتغال کامل و ...

• جامعه فعال ایرانی، مسئولیت‌پذیر، مؤمن، رضایتمند، و برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون، سازگاری اجتماعی و

...

• جامعه ایرانی برخوردار از فرصت‌های برابر، به دور از فقر، توزیع مناسب درآمد و ...

### درصدهای کلی اشتغال ایران - ۱۳۹۰

۱. ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی به عنوان ارزش اسلامی و ملی با بهره‌گیری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور

۲. آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیاز بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقای توان کارآفرینی با مسئولیت نظام آموزشی کشور (آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی) و توأم کردن آموزش و مهارت و جلب همکاری بنگاه‌های اقتصادی به منظور استفاده از ظرفیت آن‌ها

۳. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری اقتصاد دانش بنیان آینده‌نگری وی نسبت به تحولات آن‌ها سطح ملی و جهانی

۱۲. توجه ویژه به کاهش نرخ بیکاری استان‌های بالاتر از متوسط کشور

@dabirfile

### سیاست‌های کلی تحول در آموزش و پرورش - ۱۳۹۱

۸-۴- تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

### سیاست‌های کلی حمایت از کار و سرمایه ایرانی - ۱۳۹۱

۱۲. توانمندسازی و ارتقای بهره‌وری نیروی کار با افزایش انگیزه، مهارت و خلاقیت در ایجاد تناسب بین مراکز آموزشی و پژوهشی با نیازهای بازار کار

### سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - ۱۳۹۲

۱. تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط

۲. پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه

۳. محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های کشور

۵. سهم‌بری عادلانه‌ی عوامل در زنجیره‌ی تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، به ویژه با افزایش سهم سرمایه‌ی انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه
۶. افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص
۷. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید

### سیاست‌های کلی جمعیت - ۱۳۹۳

۸. توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی - حرفه‌ای و تخصصی با نیازهای جامعه و استعداد و علاقه‌های آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد
- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۸۴

باتوجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ و به منظور شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقاء کارآیی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی، انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، گسترش اشتغال مولد و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها مقرر می‌شود.

متن ابلاغیه در خصوص سیاست‌های کلی بخش تعاونی

۱. افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنج ساله‌ی پنجم

۲. اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد

۳. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سایر حمایت‌های لازم به منظور افزایش کارآمدی و توانمندسازی تعاونی‌ها

### تحلیل سیاست‌های کلی نظام در بخش‌های مختلف

میزان توجه سیاست‌های کلی نظام به حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جدول زیر نشان داده شده است.

### تحلیل سیاست‌های کلی

- واژه آموزش و تربیت در ۲۰ سیاست کلی کشور در بخش‌های گوناگون به کار برده شده است.
- از عبارت فنی و حرفه‌ای در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اشتغال آمایش سرزمینی تحول در آموزش و پرورش و سیاست‌های کلی جمعیتی استفاده شده است.

در سیاست‌های کلی جمعیت، اشتغال، اقتصاد مقاومتی، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه و برنامه ششم توسعه از بیشترین واژگان مورد بررسی استفاده شده است.

موضوع توجه به نیروی انسانی و بازار کار در ۹ سیاست کلی کشور مورد توجه قرار گرفته شده است.

موضوع بازار کار در ۵ سیاست کلی کشور مورد توجه قرار گرفته است.

در اکثر سیاست‌های کلی کشور در سال‌های اخیر به موضوع فناوری توجه شده است.

از واژه رفع فقر و دوری از فقر در ۴ سیاست کلی کشور استفاده شده است

در برخی سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های کلی نظام در بخش شهرسازی، مسکن و ارتباطات مخابراتی و پستی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توجه شده است.

@dabirfile

۲



جمهوری اسلامی ایران

وزارت آموزش و پرورش

الگوها و روش‌های نوین تدریس (کلیه رتبه‌ها)

## فصل اول: مفاهیم و واژه‌شناسی

در هر مقوله‌ی علمی و تخصصی آشنایی با واژه‌های تخصصی ضروری است، زیرا در طول فعالیت علمی با این واژه‌ها به گونه‌ای کاربردی سروکار داریم. در روش تدریس نیز آشنایی با واژه‌های زیر ضرورت دارد:

### روش:

تلاش برنامه‌ریزی شده جهت دستیابی به مطلوب را روش گویند. بنابراین اگر تلاشی بدون برنامه‌ریزی صورت گیرد، آن کار روشمند نخواهد بود. همچنین برنامه‌ریزی بدون تلاش و کوشش جهت دستیابی به مطلوب نیز تحت مقوله‌ی روش‌ها قرار نمی‌گیرد.

یادگیری: فرآیندی است که به موجب آن تغییرات نسبتاً پایدار و مبتنی بر تجربه و آگاهانه انجام می‌شود. از آنجا که اساس آموزش و پرورش را یادگیری تشکیل می‌دهد، در مبحثی جداگانه به آن خواهیم پرداخت و عوامل، موانع و مراحل آن را بیان خواهیم کرد.

### انگیزش:

## @dabirfile

مهارت و قدرت معلم در توانایی برانگیختن فراگیر را انگیزش می‌گویند، کلید یادگیری، انگیزش است و هنر معلم در ایجاد انگیزه‌مندی بین فراگیران نمود می‌کند. مفهوم انگیزش را آنگاه به کار می‌بریم که می‌خواهیم از علت یا علت‌ها یا تعیین‌کننده رفتارها یا رفتارهای شخصی و یا گروهی بحث کنیم و دریابیم که چه عامل درونی و برونی باعث پیدا شدن چنان رفتار و یا باعث هدایت آن رفتار شده است.

### تدریس:

از تدریس، همانند یادگیری، تعریف‌های متعددی ارائه شده است. بعضی تدریس را " بیان صریح معلم درباره آنچه باید یاد گرفته شود " می‌دانند و گروهی دیگر تدریس را "هم ورزی متقابلی می‌دانند که بین معلم و شاگرد و محتوا در کلاس درس جریان دارد. "گروه زیادی از مربیان، متخصصان تعلیم و تربیت " فراهم آوردن موقعیت و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای شاگردان آسان کند " تدریس نامیده‌اند. از بررسی مجموعه تعاریف ارائه شده در این زمینه می‌توان نتیجه گرفت که تدریس یک فعالیت است. اما نه هر نوع فعالیتی، بلکه فعالیتی که آگاهانه و بر اساس هدف خاصی انجام می‌گیرد، فعالیتی که بر پایه وضع شناختی شاگردان انجام می‌پذیرد و موجب تغییر آنان می‌شود. عمل تدریس یک سلسله فعالیت‌های مرتب، منظم، هدف‌دار و از پیش طراحی شده است؛ فعالیتی که هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری است، فعالیتی که به صورت تعامل و رفتار متقابل بین معلم و فراگیر جریان دارد. این تعریف دو ویژگی خاص برای تدریس مشخص می‌کند:

۱- وجود تعامل یا رابطه متقابل بین معلم و شاگرد؛

۲- هدف‌دار بودن فعالیت‌های معلم

بنابراین، اگر فعالیت معلم در کلاس به صورت رفتار متقابل و بر اساس هدف خاص صورت نگیرد به هیچ وجه مفهوم تدریس به آن اطلاق نخواهد شد. ممکن است معلمی در کلاس درس صحبت کند یا تمرین حل کند، اما به مفهومی واقعی، تدریس نداشته باشد؛ زیرا به فعالیت‌های پراکنده و یک‌جانبه معلم که هیچ گونه تغییری در شاگردان ایجاد نکند، تدریس گفته نمی‌شود. تحقیق، اکتشاف، بررسی و پژوهش، آزمایش و خطا، گوش کردن و خواندن، همه تجربه‌های متفاوتی هستند که منجر به یادگیری می‌شوند و ممکن است در فرایند تدریس اتفاق بی افتند، ولی شرایط لازم برای کسب چنین تجاربی یکسان نخواهد بود.

=====

به طور کل توجه به سه نکته زیر در جریان تدریس لازم و ضروری است:

### محتوای درس:

محتوای درس دربرگیرنده نیازهای معین و خاصی از شاگردان است که معلم باید هنگام طراحی برنامه درسی و انتخاب روش تدریس در نظر داشته باشد.

### یادگیری:

یادگیری را مهارت‌های خاصی می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را انتقال مفاهیم علمی از فردی به فرد دیگر تصور می‌کنند. در این تعاریف مربی یا معلم نقش اساسی دارد و شاگرد چندان فعالیتی از خود نشان نمی‌دهد که باعث اختلال در امر یادگیری معنی‌دار می‌شود.

رفتارگرایان یادگیری را تغییر در رفتار قابل مشاهده و اندازه‌گیری تعریف می‌کنند و از دیدگاه مکتب گشتالت یادگیری کسب بینش‌های جدید یا تغییر در بینش‌های گذشته است. آنچه در این دو تعریف مشترک است بحث تغییر است. کامل‌ترین تعریفی که تاکنون از یادگیری توسط هیلگارد و مارکوئیز ارائه شده است عبارت است از فرآیند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد بر اثر تجربه آنچه این تعریف را متمایز کرده است در برگرفتن موضوعات فرآیند، تغییر نسبتاً پایدار، رفتار بالقوه و تجربه است که مختصراً هرکدام را تحلیل می‌کنیم.

- یادگیری یک فرآیند است چون مانند فرآیند، بر اثر تعامل دائم فرد با محیط، همیشه و در همه جا به طور پیوسته و مستمر صورت می‌گیرد.



- یادگیری نوعی تغییر است اما نه هر تغییری بلکه تغییری که به تدریج حاصل شود و نسبتاً ثابت و پایدار باشد. تغییرات و رفتار موردی، لحظه‌ای و تصادفی به هیچ‌وجه یادگیری نامیده نمی‌شود.
- بالقوه بودن عمل یادگیری اشاره به این موضوع دارد که همیشه یادگیری به یک رفتار بالفعل تبدیل نمی‌شود و قابل اندازه‌گیری نیست.
- یادگیری محصول تجربه است (تأثیر متقابل فرد و محیط در یکدیگر) در واقع در این فرآیند کل شخصیت فرد در تمام ابعاد خود در فرآیند تعامل قرار می‌گیرد و تغییر پیدا می‌کند.

### تفاوت بین تدریس و یادگیری

- تدریس و یادگیری دو فرآیند جدا هستند و هر کدام باین نظریه خاص خود را داشته باشند. یادگیری در همه‌جا و همیشه و حتی بدون تدریس صورت نخواهد گرفت. از طرف دیگر هر تدریسی نیز همیشه منجر به یادگیری نخواهد شد. نظریه‌های یادگیری تبیین‌کننده چگونگی یادگیری و توصیف‌کننده شرایطی است که با حصول آن‌ها یادگیری می‌گیرد، درحالی‌که نظریه‌های تدریس باید بیان‌کننده و پیش‌بینی‌کننده و کنترل‌کننده موقعیتی باشد که در آن، رفتار معلم موجب تغییر رفتار شاگرد می‌شود. برونر در بحث درباره تفاوت نظریه‌های تدریس و یادگیری، نظریه‌های یادگیری را توصیفی و نظریه‌های تدریس را تجویزی می‌خواند. یاد دادن عبارت است از واداشتن دیگران به توجه و مشاهده، ایجاد ارتباط، به یاد آوردن و سرانجام استدلال کردن. برای درس دادن، کوشش کمتری نسبت به یاد دادن صرف می‌شود، چنانچه صحبت کردن با مردم آسان‌تر از علاقمند کردن آن‌ها به صحبت‌های ماست، به نمایش درآوردن یک مهارت ساده‌تر از تزریق آن در افکار دیگران است.

=====

### تفاوت بین یادگیری و عملکرد

- عملکرد تجلی تغییرات ناشی از یادگیری در قالب رفتارهای آشکار شده و قابل مشاهده، به عبارتی تبدیل رفتار بالقوه به رفتار بالفعل است. لازم به ذکر است که عملکرد شاخصی است که گاه یادگیری را به درستی و نسبتاً واقعی و گاه به طریق نادرست نشان می‌دهد. ارزشیابی و عملکرد بندرت یادگیری شاگردان را به‌تمامی منعکس می‌کند. با چنین محدودیتی تنها راه اندازه‌گیری میزان یادگیری، مقایسه رفتار یادگیرنده پیش از تجربه و پس از آن است که اگر این رفتار گویای تغییر باشد یادگیری صورت گرفته است. باید توجه داشت تا حالت طلب و کشش و نیاز به یادگیری در یادگیرنده به وجود نیاید یادگیری به وقوع نمی‌پیوندد.

**عوامل مؤثر در یادگیری**

یادگیری زمانی برای شاگرد مفید خواهد بود که:

**۱- آمادگی:**

از هر نظر آمادگی لازم را داشته باشد. برای شاگردی که برای نوشتن، اعصاب و عضلات دست و انگشتانش به قدر کافی رشد نکرده باشد یا شاگردی که دلهره و اضطراب و پریشانی فکر دارد و یا شاگردی که رشد و آمادگی ذهنی کافی نداشته باشد و غیره، تدریس و فعالیت معلم تأثیری در یادگیری اش ندارد.

**۲- انگیزه و هدف:**

یادگیری نیازمند انگیزه‌های متفاوتی است از جمله میل و رغبت شاگرد به آموختن که در واقع این میل و رغبت محرکی است که نیروی فعالیت را افزایش می‌دهد. یکی دیگر از عوامل ایجاد انگیزه هدف است که به فعالیت انسان جهت و نیرو می‌دهد.

برای اینکه در مدارس یادگیری شاگردان عمیق‌تر و مؤثرتر باشد، هدف‌های تربیتی باید انعکاسی از **احتیاجات** و تمایلات شاگردان باشد و به‌طور مشخص و واضح بیان شود. مشخص بودن هدف‌ها در مدرسه سبب هماهنگی بین فعالیت‌های معلم و شاگرد می‌شود.

**۳- تجارب گذشته:**

آموخته‌ها و تجربه‌های گذشته شاگرد، ساخت شناختی وی را تشکیل می‌دهد. فرد زمانی می‌تواند مفاهیم مسائل جدید را درک کند که مفهوم و مسئله جدید با ساخت شناخت او مرتبط باشد، در واقع فرآیند یادگیری همچون روند رشد، جریانی است که تجارب گذشته پایه و اساس وضع فعلی را تشکیل می‌دهد.

**۴- موقعیت و محیط یادگیری:**

موقعیت یادگیری و محیط آن از عوامل بسیار مؤثر در یادگیری است. در مدرسه‌ای که دارای فضای مناسب، کتابخانه و منابع مختلف آموزشی هست و محیط از نظر عاطفی و روانی سالم باشد و محبت و احترام متقابل رعایت شود، یادگیری آسان‌تر و عمیق‌تر صورت می‌گیرد. ناگفته نماند که محیط و موقعیت یادگیری باید متناسب با آمادگی، استعداد، نیاز و گرایش شاگردان باشد. باعث برانگیختن و ایجاد سؤال در ذهن او و توانمند ساختنش جهت حل مسئله گردد.

#### ۵- روش تدریس معلم:

موقعیت و امکانات و تجهیزات موقعی می‌تواند در یادگیری مؤثر باشد که معلم محیط و امکانات آموزشی را سازمان‌دهی کند و موقعیت آموزشی مناسب را به وجود آورد و با شناخت استعداد، علایق و توانایی شاگردان، آنان را در طریق صحیح یادگیری هدایت کند که چنین نقشی به دانش و اعتقادات معلم بستگی دارد. معلم بایستی با نظریه‌های و اصول یادگیری آشنا باشد و درس را فقط انتقال واقعیت‌های علمی نداند بلکه بایستی بتواند فرصت حرکت و جنبش را به دانش‌آموز بدهد و به‌جای انتقال اطلاعات، روش کسب تجربه را به شاگردان بیاموزد و بداند که یادگیری بدون تلاش و فعالیت و تعامل با محیط صورت نخواهد گرفت.

@dabirfile

#### ۶- رابطه کل و جزء:

طبق نظر گشتالت، در فرآیند یادگیری حرکت از کل به جزء، یادگیری بهتر و فهم مطلب آسان‌تر می‌شود. طرح یا کل قابل‌انتقال و تعمیم است اما اجزاء و کیفیت خاص آن‌ها این خصوصیت را ندارند. کل عبارت است از نحوه ارتباط و پیوند اجزاء با هم و تا این ارتباط مشخص نشود، اجزاء قابل‌فهم نیستند. معلم در تدریس خود بایستی در حد امکان، ابتدا مطالب درسی را به‌صورت کل بیان کند و ارتباط اجزاء با کل را مشخص کند و پس از آن به بررسی و تحلیل اجزاء بپردازد.

#### ۷- تمرین و یادگیری:

تأثیر تمرین و تکرار در فرآیند یادگیری انکارناپذیر است ولی کیفیت اجرای تمرین، مقدار و زمان آن نقش بسیار مهمی در تثبیت یا عدم تثبیت رفتار دارد. تمرین و تکرار مؤثر باید شرایط و ویژگی خاصی داشته باشد. از جمله اینکه باید منظم و مرتب و طول دوره‌های آن مناسب باشد و در شرایط واقعی و طبیعی انجام پذیرد.

مهارت‌های فرایند تدریس شامل موارد زیر است:

مهارت قبل تدریس

مهارت حین تدریس

مهارت پس از تدریس

### ۱- طراحی برنامه درسی؛ مهارت پیش از تدریس

طراحی برنامه‌ی تدریس، فرایندی است که طی آن برنامه‌ی کار معلم در طول سال تحصیلی مشخص می‌شود. برای طراحی یک دوره‌ی تحصیلی باید آن را به اجزای کوچک‌تر تجزیه کرد و در قالب زمان‌بندی مشخص و از پیش طراحی شده، ارائه نمود. این بخش با تحلیل محتوایی که پیش‌ازاین بیان شد، شباهت بسیاری دارد، اما جزئی‌تر و خاص‌تر است. طراحی برنامه‌ی تدریس در یک نگاه کلی به دو بخش تقسیم می‌شود:

#### الف) طرح و برنامه‌ی عملی

تدریس شامل نحوه‌ی تدریس معلم است و روش عملی او اعم از کیفیت بیان درس و برنامه‌های جانبی همچون درخواست تحقیق‌های فردی و گروهی، کنفرانس، ارزیابی روزانه، امتحان هفتگی است. خلاقیت و نوآوری معلم در این بخش بسیار مؤثر است و معلم با پشتکار و اراده‌ی قوی می‌تواند طرح و برنامه‌ی درسی عملی را به‌صورت منظم و پیوسته انجام دهد.

@dabirfile

#### ب) انواع طرح و برنامه:

- ۱- طرح و برنامه‌ی درسی سالانه (درازمدت)
- ۲- طرح و برنامه‌ی درسی روزانه (کوتاهمدت) اجزای طرح درس روزانه عبارت‌اند از:
  - ۱- تعیین هدف درس جدید؛ معلم باید با استفاده از اصول و فنون طبقه‌بندی هدف‌ها که پیش‌ازاین به اختصار بیان کردیم. اهداف جدید درس موردنظر را مشخص کند.
  - ۲- تعیین رفتار ورودی؛ معلم باید آموخته‌ها و توانایی‌های شاگردان را قبل از شروع درس جدید معین کند تا به تناسب آموخته‌های پیشین آن‌ها طرح درس جدید را بریزد.
  - ۳- تهیه‌ی آزمون رفتار ورودی؛ معلم با طرح پرسش‌هایی که مبتنی بر توانایی‌ها و مهارت‌های قبلی و پیش‌دانسته‌های فراگیر هستند، می‌تواند به آگاهی‌های دانش‌آموز پی ببرد. بنابراین سؤال‌ها باید از قبل تعیین شود تا در مدت کوتاه به نتیجه برسد.
  - ۴- تعیین مراحل و روش‌های تدریس؛ این مراحل می‌تواند به‌صورت ذهنی موردتوجه قرار گیرد و یا روی کاغذی که با عنوان طرح درس معین شده، یادداشت شود. این مراحل به‌طور فهرست‌وار عبارت‌اند از:
    - الف) فعالیت‌های مقدماتی قبل از تدریس همچون حضوروغیاب شاگردان، اطمینان از سلامت روانی و جسمی شاگردان و تذکر برای یادداشت درس جدید.

**ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه**

برای دانش پژوهان که باید از قبل نحوه‌ی انگیزش مشخص شده باشد.

**ج) ارائه‌ی درس جدید** بر اساس هدف‌هایی که قبلاً تعیین شده است و توجه به عدم تداخل کلیات مطالب با جزئیات و یا مطالب اصلی با فرعی.

**د) فعالیت‌های تکمیلی** یعنی معلم پس از ارائه‌ی درس جدید با جمع‌بندی و یا ارائه‌ی خلاصه‌ی درس و یا درخواست تکرار مطالب از سوی فراگیران، تدریس را به کمال برساند و با در نظر گرفتن تمرین و یا تحقیق برای آن‌ها روند یادگیری را سرعت بخشد. کلیه‌ی این موارد باید در طرح درس مشخص باشد.

**ه) انتخاب وسایل کمک‌آموزشی** به تناسب موضوع موردبحث و امکانات موسسه‌ی آموزشی و یا مسائل اقتصادی و جانبی.

**@dabirfile****۲- مهارت‌های ضمن تدریس معلم در کلاس**

بنا بر مطالب پیش گفته، طراحی آموزشی و تحلیل موارد سه‌گانه (محتوا، ابزار و روش) از جمله مهارت‌های پیش از تدریس است. پس از موارد مذکور به مهارت‌های ضمن تدریس می‌پردازیم که جنبه‌ی اجرایی و عملیاتی دارد و در کلاس صورت می‌گیرد، اما باید با مطالعه و برنامه‌ریزی قبلی همراه باشد. در غیر این صورت، فاقد سیر منطقی خواهد بود و موجب آسیب‌زدگی در کیفیت آموزش می‌شود. این مهارت‌ها عبارت‌اند از:

**الف) اجرای آزمون رفتار ورودی:**

بیان شد که رفتار ورودی عبارت است از مهارت‌ها و توانایی‌هایی که شاگردان باید قبل از شروع درس جدید دارا باشند تا بتوانند با موفقیت به اهداف جزئی دست یابند.

**ب) مهارت برقراری ارتباط:**

در این بخش ضروری است، زیرا چنان که گفتیم تدریس یک تلاش دوجانبه است و در «روانشناسی ارتباطات» آشنایی با دانش سایه‌ی ارتباطی صحیح صورت می‌گیرد.

**ج) ایجاد تمرکز جمعی در کلاس:**

معلم باید عوامل محل در کلاس را که مانع تمرکز فراگیران می‌شود از بین ببرد و لازمه‌ی این کار شناخت آن عوامل است.

#### د) مهارت آماده‌سازی:

آماده‌سازی فعالیتی است که معلم از طریق آن می‌کوشد ارتباط معناداری بین تجارب پیشین فراگیران و نیازهای آن‌ها با اهداف آموزشی ایجاد کند. معلم با ایجاد تمرکز عمومی (که در قسمت قبلی بیان شد) و ایجاد علاقه و انگیزه برای فراگیران نسبت به مطلب آموزشی و نیز ایجاد کنجکاوی با طرح سؤالاتی که احتمال می‌رود دانش‌پژوه نسبت به آن‌ها آگاهی نداشته باشد، می‌تواند کلاس را آماده‌ی درس جدید کند.

ه) مهارت ارائه‌ی درس جدید: با استفاده از روش مناسب و بهره‌گیری از طرح درسی که پیش از کلاس نگاشته شده است و با خلاقیت‌های خاص و گاه منحصر به فرد برخی از معلمان این مرحله به خوبی صورت می‌گیرد.

@dabirfile

#### مهارت‌های پس از تدریس:

- مهارت جمع‌بندی: معلم در پایان کلاس برای رساندن فراگیران به نتیجه‌ی مناسب و ایجاد ارتباط بین مباحث جدید و مطالب قبلی و رابطه‌ی درس جدید با مباحث بعدی، به جمع‌بندی مطالب (به صورت خلاصه) می‌پردازد. البته ممکن است معلم از دانش‌پژوه بخواهد که این جمع‌بندی را انجام دهد و خود به رفع نواقص او بپردازد.

- مهارت در تکمیل یادگیری: معلم پس از ارائه‌ی درس جدید و رسیدن به مرحله‌ی پایانی، یعنی جمع‌بندی، به فعالیت‌های تکمیلی می‌پردازد. او برای کامل کردن فرآیند یادگیری می‌تواند روشی مناسب با سطح مخاطبان و موضوع مورد نظر را انتخاب کند تا به این مقصود برسد.

- ارزشیابی از فرایند تدریس: ارزیابی میزان یادگیری شخصی، موجب افزایش کیفیت تدریس و یادگیری می‌شود. با توجه به اهمیت ارزشیابی در تثبیت یادگیری این موضوع در فصل جداگانه‌ای مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### عوامل مؤثر بر تدریس:

- تأثیر شخصیت علمی معلم بر فرآیند تدریس

معلم هراندازه دارای رفتار انسانی مطلوبی باشد ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، موردقبول شاگردان واقع نخواهد شد. معلمی از نظر علمی قوی است که به روش‌های ارائه محتوا و چگونگی برقراری ارتباط آگاه و بر آن‌ها مسلط باشد و این نیازمند مطالعه مستمر است. روش تدریس معلم باید متناسب با اصول آموزشی و پرورشی و خصوصیات شاگردان انتخاب شود. نقش دیگر معلم ایجاد رابطه و پیوند بین جامعه و مدرسه است. اگر آموزش رسمی با زندگی اجتماعی و حقیقی شاگردان ارتباط نداشته باشد چندان اهمیت و اعتباری نخواهد داشت و وظیفه معلم انجام این مهم است. یک معلم خوب علاوه برداشتن محتوای غنی علمی باید از فنون و مهارت‌های آموزشی آگاه باشد. او باید قادر به تحلیل فرآیند آموزشی باشد و با استفاده از امکانات و تجهیزات موجود روش تدریس خود را انتخاب کند. زیرا معلمی که بر محتوا مسلط است ولی با روش‌های تدریس ناآشناست قادر به فراهم کردن موقعیت یادگیری برای شاگردان نیست.

#### - ویژگی‌های شاگردان و تأثیر آن در فرآیند تدریس

معلم نمی‌تواند بدون توجه به ویژگی‌های شاگردان، آنان را به کار کردن زیرا فعالیت‌های عقلی، اخلاقی و اجتماعی شاگرد و تابع اراده معلم نیست. تدریس

## @dabirfile

معلم باید بر اساس نیاز، علاقه و توانایی‌های ذهنی شاگردان تنظیم شود. البته به این معنا نیست که شاگردان هر چه دلشان خواست می‌توانند انجام دهند، بلکه به این معناست که فعالیت و کار مدرسه باید موردعلاقه دلخواه شاگردان باشد. ساخت ذهنی، هوش و تجربه‌های علمی شاگرد موضوع دیگری است که در روش تدریس باید به آن توجه شود.

#### - تأثیر برنامه و ساخت نظام آموزشی در فرآیند تدریس

ساخت نظام آموزشی هر جامعه اعم از نگرش‌ها، باورها، برنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها نمی‌توانند روش تدریس معلم را تحت تأثیر قرار دهد. در ساخت نظام آموزشی، دو برنامه‌ی متکی بر اصالت مواد درسی و برنامه هفتگی بر رشد همه‌جانبه شاگرد و چگونگی اجرای آن‌ها تأثیرات متفاوتی را در فرآیند تدریس معلم می‌گذارند. در برنامه متکی به اصالت مواد درسی، معلم آزادی عمل و ابتکار چندانی ندارد و او فقط سعی می‌کند به تعداد قبولی شاگردان بیفزاید حال آنکه در برنامه متکی بر رشد همه‌جانبه شاگرد معلم به علایق و نیازها و توانمندی‌های شاگردان توجه می‌کنند.

#### - تأثیر فضا و تجهیزات آموزشی در فرآیند تدریس

معلم خوب در شرایط محدود نیز می‌تواند مؤثر واقع شود. اما شکی نیست که فضا و تجهیزات آموزشی مناسب در کیفیت تدریس معلم بسیار مؤثر است. کثرت شاگردان، نداشتن میز و نیمکت، عدم نور کافی، نداشتن کتابخانه، آزمایشگاه می‌تواند روش تدریس معلم را دچار مشکل کند.

## فصل دوم: روش‌های آموزش و فنون تدریس

### الف: روش‌های آموزش و تدریس

مجموعه تدابیری که با استفاده از امکانات موجود برای رسیدن به هدفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش گفته می‌شود که نهایتاً به یادگیری در فراگیران منجر می‌شود. هر روش آموزشی و تدریس دارای معیارها و شرایط خاصی است که در ادامه به برخی از این معیارها اشاره می‌شود. روش مطلوب، اول و قبل از هر چیز باید با پایه‌های بیولوژیکی و روانی رفتار انسان‌ها هماهنگی داشته باشد. دوم، دارای اعتبار و ارزش منطقی و همسو و هم‌جهت با روش‌های معتبر کسب دانش باشد، سوم، با اصول و ایده‌ال‌های انسانی همدم و سازگار باشند و بالاخره دارای ارزش و اعتبار تربیتی باشد.

@dabirfile

هدف این قسمت، معرفی روش‌های متداول آموزش است. غالباً روش آموزش بر اساس میزان دستیابی فراگیران به مطالب و بهره‌گیری آن‌ها از دوره تعیین می‌شود فراگیران با گوش کردن، دیدن، پرسش و پاسخ و اجرای آموخته‌ها مطالب را یاد می‌گیرند و بر همین اساس هم روش آموزشی مناسب انتخاب می‌شود. روش‌های تدریس فراوان و متعدد هستند که هر کدام شرح مفصل و طولانی دارد هر یک از روش‌های آموزشی به‌تنهایی مزایا و معایبی دارد و از این روست که غالباً به‌کارگیری مجموعه‌ای از روش‌های تدریس و آموزش توصیه می‌شود تا کارایی و اثربخشی بیشتری به همراه داشته باشد. آشنایی با روش‌های آموزش می‌تواند در برنامه‌ریزی آموزش و نیل به اهداف آموزش کمک بسیار مؤثری می‌نماید. پاسخ به سؤالات زیر قبل از انتخاب روش ضروری است:

- ۱- تعداد فراگیران
- ۲- مدت‌زمان اجرای آموزش
- ۳- سطح آگاهی و دانش فراگیر
- ۴- تجهیزات آموزشی موردنیاز



۵-انتظار شما از میزان مشارکت فراگیران در طول دوره روش آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

باید با توجه به اهداف آموزش موردنظر در انتقال دانش، تغییر نگرش و مهارت‌های عملی و علمی رفتارهای فراگیران انتخاب شود. چنان چه روش آموزشی، مناسب با دوره موردنظر انتخاب شود، شما به اهداف آن دوره دسترسی پیدا می‌کنید و تدریس موفق را احساس می‌کنید. روش آموزشی منتخب شما باید به فراگیران اجازه شرکت فعال در کلاس و برنامه‌های درسی را بدهد و فراگیران بتوانند با ابعاد فرهنگی جامعه‌ای که می‌خواهند در آن خدمت کنند ارتباط برقرار نمایند.

=====

### آشنایی با انواع روش آموزش تدریس:

@dabirfile

#### ۱- سخنرانی:

این نوع آموزش بر اساس کلام و صحبت مربی یا سخنران هست و یادگیری از طریق گوش کردن و یادداشت برداشتن از طرف فراگیر انجام می‌گیرد. سخنرانی با انواع سخنرانی فی‌البداهه، حفظ سخنرانی و سخنرانی با آمادگی قبلی قابل اجرا است. مؤثرترین روش در انتقال اطلاعات روش سخنرانی است. بدیهی است مربی باید از اطلاعات وسیع و فن بیان خوبی برخوردار باشد و مطالب را به گونه‌ای ارائه دهد که نیازهای شنوندگان را برآورده سازد. مزایای این روش توانایی مربی در برنامه‌ریزی و هدایت فراگیران در راستای اهداف آموزشی، ارائه مطالب زیاد در مدت کوتاه، آموزش فراگیران زیاد در مدت کوتاه، هزینه‌بر نمی‌باشد و سود و زیانی مطرح نمی‌باشد. معایب این روش: مشارکت و فعالیت کم فراگیران، دشواری در یادداشت‌برداری و توجه و گوش دادن همزمان به سخنران، خمودگی و خواب‌آلودگی در فراگیران اگر مربی فعال و محرک نباشد، این روش قادر به تغییر نگرش و نهایتاً ایجاد رفتار جدید نمی‌باشد، آموزش عملی کمتر وجود دارد، دشواری در ارزیابی فراگیران در درک و فهم مطالب، یادگیری مشکل در زمانی که مربی مهارت کلامی موفق و جذاب نداشته باشد.

نکته: روش سخنرانی به تنهایی روش کافی و خوبی نیست و باید آن را همزمان با سایر روش‌های آموزشی استفاده

کرد.

**۲- بارش مغزی (ابتکارات فکری)**

این روش یک نوع فعالیت سریع است، که در جمع‌آوری نظرات فراگیران به مربی کمک می‌کند و یک روش پرتحرک هست.

**مزایای این روش:**

برقراری ارتباط آزاد بین فراگیران، ارائه نظرات و عقاید جدید، بیان آزادانه افکار، تحریک خلاقیت فکری فراگیران، شرکت در فعالیت‌های ذهنی معایب این روش: سردرگمی فراگیران در شناخت موضوعات موردنیاز، عدم احساس امنیت و راحتی در فراگیران، اتلاف وقت، عدم فایده در فراگیران با تحصیلات مختلف و رشته‌های گوناگون، سردرگمی و گیجی فراگیران در برخورد با ابتکارات فکری مختلف

**۳- نمایش و اجرای تمرین‌های عملی**

این روش درواقع نوعی تمرین مهارت عملی است که به‌وسیله شخص مربی نشان داده می‌شود، مربی باید قبل از اجرای نمایش تجهیزات لازم را تدارک دیده باشد و به عنوان یک مربی آماده، مهارت‌های لازم عمل را مرور و اجرا نماید (مانند نمایش احیاء قلبی - ریوی) غالباً پس از اینکه فراگیران دانش و تئوری‌های لازم را آموختند، خواهند توانست برای یادگیری مهارت‌های عمل آماده شوند. پس باید ابتدا دانش منتقل شود تا مربی بتواند مهارت‌های عملی را به فراگیران یاد دهد.

**مزایای این روش:**

یادگیری آسان و عینی و مصور، لمس واقعیت توسط فراگیر و درک حقیقی، امکان ارزشیابی و بررسی مهارت‌های عملی فراگیران، امکان تکرار و تمرین توسط فراگیران، ایجاد فرصت برای فراگیران به‌منظور شرکت در یادگیری.

**معایب این روش:**

وقت‌گیر است، عدم درک صحیح فراگیران و برداشت غلط، احتمال یادگیری در صورت اجرای غیراصولی و صحیح توسط مربی، اگر تعداد فراگیران زیاد باشند احتمال رؤیت دقیق نمایش برای همه مهیا نمی‌شوند، فراگیر ارتباط بین نمایش و اهداف یادگیری را درک نکند.

**۴- مباحثه**

در این روش فراگیران بیش از مربی صحبت می‌کنند، اغلب خوب است که فراگیران به صورت گروهی مباحثه کنند. این گونه مباحثات را می‌توان در گروه‌های کوچک و یا بزرگ رهبری نمود و به ۲ صورت انجام می‌شود: ۱. مباحثه در گروه کوچک ۲. مباحثه در گروه‌های بزرگ.

یک مباحثه در گروه کوچک یا بزرگ این امکان را به هر یک از فراگیران می‌دهد که از برنامه درسی برداشت مشخصی داشته باشد. مربی باید در برنامه مداخله و شرکت نموده و بحث را با تسهیلاتی که ایجاد می‌کند آسان‌تر و روان‌تر کرده و آن را هدایت کند و مراقب باشد تا بحث از مسیر خود خارج نشود. غالباً در این روش آموزشی برای فراگیران فرصتی فراهم می‌شود تا دیدگاه‌ها و نقطه نظرات شخصی خود را وسعت داده و با مربی و سایر فراگیران ارتباط مؤثر برقرار کند.

**مزایای این روش:** انتقال مطالب آموزشی زیاد در زمان کم، بروز نظرات و ایده‌های جدید و خلاقیت فکری و امتحان عقاید،

مشارکت فعالانه همه فراگیران در فرآیند یادگیری

ارتقاء مهارت‌های برقراری ارتباط و مهارت‌های کلامی در فراگیران، تشبیت دانش در ذهن فراگیران به واسطه تکرار و مداخله در موضوع درسی.

**معایب این روش:** ممکن است وقت گیر شود، ممکن است بدون نظارت، هدایت و راهنمایی مربی فراگیران از بحث و موضوع خارج شوند، برخی از فراگیران بخصوص فراگیران خجالتی در بحث شرکت نکنند، برتری‌یابی برخی از افراد گروه،

#### ۵- ایفای نقش

ایفای نقش، نوعی روش آموزشی است که مشکلات و مسائلی در آن عنوان می‌شود و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند که ممکن است برای فراگیران مبهم و سؤال برانگیز باشد. در این روش فراگیران نقش را ایفاء می‌کنند. درحالی‌که در روش نمایش و اجرای تمرین عملی مربی نقش را ایفاء می‌کند

**مزایای این روش:**

مربی می‌تواند از قدرت عملکرد و شناختی که توسط فراگیران به دست آمده، آگاهی پیدا کند، فراگیران قادر به تمرین در موقعیتی بسیار نزدیک به واقعیت می‌باشند، فراگیران اعتماد به نفس بیشتری در زمان مواجهه با واقعیت پیدا می‌کنند، فراگیران یاد می‌گیرند در موقعیت‌های مختلف واکنش‌های عملی و مختلف از خود نشان دهند، فراگیران می‌توانند به طور مستقل کار کنند و با فراگیری قواعد و نقش خود متکی به غیر نباشند، این روش باعث تداوم علاقه فراگیران به حضور در برنامه درسی

می‌شود، این روش موجب ایجاد حس همکاری و ارتباط و واکنش متقابل میان فراگیران می‌شود، فراگیران فرصت استفاده از تصورات و بروز تفکرات و خلاقیت را پیدا می‌کنند.

### معایب این روش:

اگر فراگیر نتواند نقش خود را خوب ایفا کند موجب شر مساوی و از بین رفتن اعتمادبه‌نفس وی می‌شود، ممکن است فراگیران این روش را به چشم سرگرمی نگاه کنند و آن را جدی نگیرند و اثر یادگیری کمی داشته باشد. وقت زیادی می‌گیرد و باعث طولانی شدن بیش‌ازحد برنامه درسی می‌شود، اگر تمرکز روی روش‌های ایفاء نقش متمرکز شود، می‌تواند اهداف آموزشی را تحت‌الشعاع قرار دهد و از اهداف دور شوید. ممکن است همه فراگیران فرصت ایفاء نقش و شرکت در فعالیت را نداشته باشند.

@dabirfile

### ۶- داستان‌گویی و نمایش

این روش در بسیاری از جوامع آسیایی و آفریقایی راه متداول و مناسبی برای آموزش مردم هست مانند (تعزیه‌خوانی و شاهنامه‌خوانی و...) ذکر داستان‌هایی از بزرگان، حکما، پهلوانان روش‌های خوبی برای انتقال اطلاعات و آشنایی کودکان با شیوه‌های صحیح زندگی است. داستان‌ها معمولاً پیرامون مسائل شایع و جریان‌ات مهمی که مردم در جامعه خود با آن روبرو می‌شوند خلق می‌گردند. این روش قرن‌های یکی از روش‌های بارز انتقال دانش و علوم، ارزش‌ها و آداب‌ورسوم در ایران بوده است.

### مزایای این روش:

قدرت زیاد در ایجاد انگیزه، نگرش جدید و پیدایش و بروز رفتارهای مطلوب، درک بهتر ارزش‌ها و تأیید باورهای درست و نفی باورهای غلط، فراهم آمدن شرایط مناسب برای فراگیران در فهم باورهای فرهنگی و اجتماعی، مدنظر قرار دادن باورهای خوب و تشویق فراگیران و مردم بر تکیه به نکات و باورهای خوب توسعه خلاقیت در فراگیران، کمک به شکل‌گیری، تغییر یا استحکام انگیزه‌ها و نگرش فراگیران و نهایتاً ایجاد رفتار مطلوب.

**معایب** این روش: وقت گیر است. نیاز به آمادگی قبلی دارد. بیان داستان اگر ضعیف باشد و خوب روی آن فکر نشده باشد ممکن است موجب گنجی و تحیر فراگیران شود. ممکن است داستان برای فراگیران جذاب نباشد و علاقه پیدا نکنند. نیاز به قدرت مربیان در داستان گویی و داستان پردازی و قدرت تحلیل و تصور زیاد در مربیان دارد.

### ۷- بازدید از صحنه‌های واقعی:

در این روش فراگیران قادر می‌شوند موقعیت‌های حقیقی را تجربه کنند و از نزدیک با آن آشنا شوند و آن را تجربه نمایند. برای مثال اعزام راهیان نور به مناطق جنگی و مشاهده آثار و صحنه‌های باقیمانده از ۸ سال دفاع مقدس که این مسئله آن‌ها را نسبت به مسائل دفاع مقدس آشنا می‌کند و اطلاعات و دانسته‌های آن‌ها به‌طور عینی مرور می‌شود و آن‌ها را درک می‌کنند. همیشه از ارتباط صحنه‌های واقعی با تجربیات و آموخته‌های فراگیران و جامعه اطمینان حاصل کنید و از فراگیران انتظار داشته باشید بعداً بتوانند در جامعه بکار ببندند. بازدید از صحنه به فراگیران فرصت کسب تجربیات فراوانی از زندگی می‌دهد و می‌توانند اطلاعات خوبی جمع‌آوری نموده و با تلفیق و انطباق این اطلاعات جدید با دانش قبلی، به درک واقعی موضوع برسند.

### مزایای این روش:

@dabirfile

ایجاد اعتمادبه‌نفس بالا در فراگیران، رویارویی فراگیران با مردم و واقعیت جامعه، افزایش مهارت‌های عملی و ایجاد نگرش عمیق و بروز رفتارهای مطلوب  
تماس نزدیک و ملموس با واقعیت‌ها، فراگیران با فعالیت و کار کردن انس می‌گیرند و تجربیات خود را وسعت می‌بخشند. ایجاد تشویق و علاقه در فراگیران نسبت به درس و تحریک و علاقه‌مندی در پذیرش بیشتر دانش و اطلاعات، افزایش درک و فهم بهتر مشکلات و مسائل جامعه.

### معایب این روش:

گاهی امکان بازدید از صحنه‌های واقعی وجود ندارد. ترتیب دادن بازدید از صحنه‌ها وقت گیر و هزینه‌بر است و مشکلات زیادی من جمله هماهنگی، همکاری و مراقبت به همراه دارد. به علت آزادی این روش ممکن است فراگیران آن را جدی نگیرند. تعداد فراگیران کمی را می‌توان به همراه برد.

### دشواری در نقل و انتقال

بازدید صحنه‌های مختلف ممکن است انتظارات زیادی را در مردم آن منطقه ایجاد کند. دشواری ایجاد ارتباط میان اهداف آموزش و تجربیات حاصله در صحنه عدم سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند موجب اتلاف وقت، سرخوردگی فراگیران و خستگی و دل‌زدگی از آموزش شود. مسئولین و مردم حاضر در صحنه و منطقه ممکن است الویت‌ها و مشکلاتی را مطرح کنند که به اهداف آموزش و جامعه ارتباط نداشته باشد و موجب انحراف مسیر آموزش شود.

## ۸- پرسش و پاسخ

در این روش آموزشی، مربی با پرسیدن سؤالاتی از فراگیران و گرفتن پاسخ از آن‌ها، شرایط پویایی و یادگیری فعال را در کلاس ایجاد می‌نماید و بدین طریق می‌تواند به‌طور سریعی به بررسی وضعیت علمی و میزان یادگیری آن‌ها پرداخته و می‌فهمد که فراگیران چه چیزهایی را می‌دانند و چه چیزهایی را نمی‌دانند. نکته جالب اینکه فراگیران همزمان که در سؤال و جواب شرکت می‌کنند، یاد می‌گیرند ولی نباید در جواب گرفتن عجله به خرج داد و فراموش نکنید که فراگیران برای شرکت در روش سؤال و جواب باید احساس آزادی و آرامش نموده و نباید احساس کنند در صورت غلط بودن جواب مورد مواخذه قرار می‌گیرند. هدف از این روش کمک و تشویق فراگیران به تفکر است و نباید روشی در پیش بگیریم که فراگیران دچار شرمساری شوند. در جریان سؤال و جواب اگر مربی جواب سؤالی را نمی‌داند، قبول کند و بگوید نمی‌داند ولی بعداً وقتی جواب سؤال را پیدا کرد به آن‌ها پاسخ دهد.

### مزایای این روش:

افزایش سرعت یادگیری، شروع خوب برای یک مباحثه، هوشیار سازی فراگیران نسبت به مطلب و موضوع کلاس، سنجش یادگیری نسبت به آموخته‌ها و آنچه از قبل می‌دانند، تشویق به تمرین کردن و مهارت‌های فکری مرور مفاد درسی، تشویق فراگیران به مطالعه بیشتر.

### معایب این روش:

کناره‌گیری برخی از فراگیران عقب‌مانده از درس، هدر رفتن زمان، دلسردی و ناامیدی فراگیران در زمان پاسخ غلط، خجالت کشیدن عده‌ای از فراگیران و ترس از تحقیر شدن طولانی شدن سؤال و جواب و خارج شدن کلاس از کنترل مربی، ارائه پاسخ‌های حدسی و بدون تفکر به سؤالات و ایجاد شبهه در فراگیران

**۹- آموزش چهره به چهره**

آموزش چهره به چهره جزء بهترین روش‌های آموزش از نظر ایجاد تغییر رفتار در فراگیران هست. در این نوع آموزش مربی و آموزش گیرنده به طور مستقیم و رودررو با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و فراگیر آزادانه اجازه صحبت، پرسش و ارائه نظر دارد. بزرگ‌ترین مزیت آموزشی انفرادی بودن آن است که می‌توان با افراد بحث و گفتگو کرد و آن‌ها را تشویق نمود که رفتار خود را دگرگون سازند. آموزش انفرادی فرصتی پیش می‌آورد تا پرسش‌هایی در مورد علائق ویژه فراگیر مطرح شود. محدودیت آموزش انفرادی چهره به چهره آن است که شمار گیرندگان آموزشی محدود است و تنها کسانی آموزش می‌بینند که با آموزش‌گر در تماس باشند.

**مزایای این روش:**

قابلیت بحث و گفتگو و تشویق، طرح پرسش‌های موردعلاقه، محدودیت تعداد فراگیران، انفرادی بودن، دریافت بازخورد، پایش و ارزشیابی مناسب

**معایب این روش:****@dabirfile**

وجود زمینه شکاف اجتماعی و فرهنگی بین فراگیران و مربیان، گیرندگی محدود فراگیر، پریشانی فکر، عدم اهمیت به مسائل، نگرش منفی نسبت به مربی و آموزش‌دهنده، پیام‌های متناقض، عدم تأکید کافی مربی بر آموزش: کمبود اعتمادبه‌نفس نسبت به مهارت‌ها و دانش در مربیان، بی‌حوصلگی، مربیان و اکراه داشتن مربی در آموزش فراگیران

**۱۱- یادگیری فعال:**

تنها گوش دادن به معلم، یادگیری ناچیزی را به همراه خواهد داشت و با روش‌های فعال می‌توان به یادگیری‌های کامل‌تری دست یافت. یادگیری فعال هر آن چیزی است که در کلاس درس اتفاق می‌افتد تا دانش‌آموز را با مطالبی که ارائه می‌شود درگیر بنماید. این نوع یادگیری از روش‌های بسیار متنوعی تشکیل می‌شود که در این نوشته فرصت بیان آن‌ها نیست. به‌عنوان مثال از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا برای مدتی به صورت فردی یا گروهی در مورد سؤالاتی که در ابتدای تدریس مطرح می‌شود فکر کنند یا گزینه‌های محتمل را بررسی کنند. کلاسی که در آن فرآیند یادگیری فعال در حال جریان است از نقاط قوت دیگری نیز برخوردار است. با این روش درواقع کلاس از یکنواختی خارج شده و دانش‌آموزان با انرژی بیشتری مشغول یادگیری می‌شوند. روش‌های دیگری نیز معرفی شده‌اند که عبارت‌اند از:

**۱۱- یادگیری مشارکتی:**

بررسی‌ها نشان داده است دانش‌آموزان و دانشجویانی که به صورت گروهی فعالیت می‌کنند، در برابر دانش‌آموزان و دانشجویانی که به صورت فردی فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند، بیشتر یاد می‌گیرند، عمیق‌تر یاد می‌گیرند، نگرش مثبت‌تری نسبت به موضوع درس دارند و اطمینان بیشتری نسبت به خود پیدا می‌کنند.

**۱۲- روش توضیحی:**

انتقال مستقیم اطلاعات به فراگیران با استفاده از متن‌های آموزشی چاپ شده و یا سخنرانی را روش توضیحی می‌نامند. در این روش، معلم، مطالب را به صورت منسجم و مدون به شاگردان منتقل می‌کند و آنان نیز آن مطالب را یا به ذهن می‌سپارند و یا یادداشت‌برداری می‌کنند و پرسش و پاسخ در این روش جایگاهی ندارد. از ویژگی‌های مثبت این روش، صرف جویی در وقت و امکانات آموزشی، ایجاد تمرکز در شاگردان جهت یادداشت‌برداری و تقویت بیان معلم است. البته این روش مشکلاتی را نیز به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به خستگی شاگردان از یکنواختی کلاس، عدم امکان تفکر فراگیران و در نظر نگرفتن تفاوت‌های فردی شاگردان اشاره کرد.

**۱۳- روش تدریس نوآفرینی (بدیعه پنداری):**

این روش معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که به توصیف و تشریح موضوع یا مفهوم موردنظر بپردازد و هر یک مفاهیمی مربوط به موضوع ارائه دهند و سپس در مرحله بعد دانش‌آموزان بایستی مقیاس‌های مستقیم پیشنهاد کنند که با ثبت و فهرست از همه ایده‌ها درباره موضوع انجام می‌شود. سپس با توجه به فهرست ایده‌های موجود هر یک از افراد گروه بایستی ایده‌های جدید بسازد. مرحله بعدی مرحله تعارض فشرده است که با توجه به تشریح مثبت و منفی یک پدیده در کنار هم به دست می‌آید و سپس با کمک هر یک از گروه‌ها مفاهیم کلیدی و دقیق درسی بیرون کشیده شده و به تعریف پدیده موردنظر می‌پردازند.

**۱۴- روش شبیه‌سازی:**



درسی از یک موقعیت مبتنی بر تجارب قبلی دانش‌آموزان ارائه می‌گردد و سپس از آنان خواسته می‌شود که مدلی از واقعیت‌های تازه‌ای که در درس جدید مورد مطالعه می‌شناخته‌اند بسازند. فعال بودن و مرتبط بودن با تجربه دانش‌آموزان - یادگیری عمیق - تقویت روحیه همکاری - مرتبط شدن مفاهیم و پدیده‌های علمی با واقعیات زندگی روزمره از محاسن این روش بوده و وقت‌گیر بودن - عدم کاربرد در همه موضوعات درسی و بر هم خوردن نظم کلاس از جمله محدودیت‌های هستند.

### ۱۵- روش تدریس ساخت‌گرایی:

در این روش یادگیرنده با استفاده از همه حواس خود به‌منظور ساخت دانش تلاش می‌کند. بخشی از دانش سازی در طی فرآیند کاوش صورت می‌گیرد. تعامل معلم با دانش‌آموزان و کاوشگری از طریق همیاری بیشترین سودمندی را عاید می‌کند. در مرحله دوم تشریح و تعامل معلم با گروه‌های دانش‌آموزان است. سپس مرحله گسترش که در آن اندیشه‌ها و فعالیت‌های ذهنی سازمان‌دهی می‌گردد و در مرحله آخر ارزشیابی از یافته‌ها و مهارت‌های اکتسابی دانش‌آموزان و بازخورد به فراگیران توسط معلم انجام می‌گیرد. افزون بر این دانش‌آموزان باید به خود ارزشیابی نیز هدایت گردند.

@dabirfile

### روش‌های نوین تدریس:

بحث در مورد روش‌های جدید در دو قسمت تحت عنوان "روش‌های آموزش انفرادی" و "روش واحدها" مطرح شده است:

### روش‌های آموزش انفرادی:

در روش آموزش انفرادی درباره راه‌های مختلفی که فرد می‌تواند بر اساس توان و سرعت یاد بگیرد بحث شده است تحلیل این روش نشان می‌دهد که بعضی از رفتارها که آموختن آن‌ها در اختیار شاگردان باشد بهتر مستقل‌تر و مؤثرتر یاد گرفته می‌شود آموزش انفرادی و مستقل در سطوح مختلف نتایج متفاوتی داده است این روش‌ها به اندازه‌ای که طرفداران یا مخالفان آن ادعا می‌کنند مفید یا مضر نیستند طرح کلر و سایر طرح‌های آموزشی اثبات کرده‌اند که روش‌های جدید آموزشی در مقایسه با روش‌های سنتی به مراتب مؤثرترند

-آموزش برنامه‌های (PI)

-آموزش به‌وسیله رایانه (CAI)

-آموزش انفرادی تجویز شده (IPI)

-آموزش انفرادی هدایت شده (IGE)

## واحدها

روش واحدها شامل یک رشته فعالیت‌هایی است که در اطراف یک دسته مفاهیم کلی دور می‌زنند و به‌منظور یک هدف کلی در نظر گرفته می‌شود کلیه مطالب در قالب یک مسئله و مشکل طرح می‌شود که اطلاعات و مهارت‌های گوناگونی از ابعاد مختلف برای حل آن بسیج می‌گردند و هدف همه آن‌ها مرکزی است که مسئله از آن ناشی می‌شود حل هر مشکل به یک رشته اطلاعات در زمینه‌های مختلف نیاز دارد که کلیه آن‌ها در یک قالب جمع می‌شوند و در مجموع برنامه واحدی را تشکیل می‌دهند. تمام روش‌های فوق ریشه در آموزش برنامه دارند. این روش‌ها از زمانی که فن‌آوری تولید مواد آموزشی گسترش یافت در نظام‌های آموزشی مطرح شدند.

@dabirfile

## ب: فنون تدریس

واژه فن که معادل واژه تکنیک به کار رفته است در زبان فارسی به راه، روش، شیوه و مهارت معنی شده است. در امر تدریس مجموعه تمهیدات و وسایلی که به‌منظور ارائه روش و تسهیل روند یادگیری به کار می‌روند فن تدریس گفته می‌شود. فنون تدریس مهارت‌هایی هستند که در اجرای روش‌های تدریس مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عبارت ساده‌تر باید گفت هر یک از روش‌های تدریس به کمک چند فن اجرا می‌گردد مثلاً در روش سخنرانی از فنونی چون فن بیان، تحریر و پرسش و پاسخ استفاده می‌شود. بنابراین مربی باید از فنون مختلف اطلاع داشته باشد و در بکارگیری آن‌ها مهارت‌های لازم را کسب کند. در تدریس و مربی‌گری بعد از اصول اعتقادی و ارزشی دو عامل مؤثرند: یکی علم و دانش مربی و دیگری هنر او منظور از علم تسلط داشتن به محتوای درسی و اطلاع کامل از نتایج تجارب صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در گذشته و حال است و منظور از هنر ذوق و سلیقه و ابتکار عمل در انتقال مفاهیم درسی است و این همان مهارت به‌کارگیری فنون مختلف تدریس است.

مهم‌ترین فنون تدریس عبارت‌اند از:

### فنون کلامی:

فن پرسش و پاسخ، فن بیان، فن تکلیف، فن تمرین، فن شروع درس، فن تشویق و تنبیه، فن مطالعه، فن برقراری انضباط، فن رشد بهداشت روانی، فن ارتباط، فن ارزشیابی، فن توضیح و جمع‌بندی.

### فنون غیر کلامی:

حالت چهره، کوبیدن روی میز، حرکات مختلف مربی در کلاس. به عنوان نمونه چند فن تدریس مختصراً توضیح داده می‌شود.

#### ۱- فن پرسش و پاسخ:

هدف از این فن برانگیختن حس کنجکاوی، ایجاد علاقه، ایجاد تفکر خلاق در فراگیران، سنجش میزان کارایی مربی و فراگیران، ارتباط دادن درس با تجارب قبلی فراگیران و مسائل روزمره زندگی، رفع یکنواختی در کلاس درس و تثبیت یادگیری هست. این فن در کلیه روش‌های تدریس کاربرد دارد.

@dabirfile

#### ۲- فن تمرین:

در این فن مربی فراگیران را به تکرار یا کاربرد مفاهیم موردنظر تشویق می‌کند تا تبحر کافی پیدا و عادت لازم را کسب کنند. این فن به صورت فردی یا گروهی قابل استفاده است.

#### ۳- فن شروع درس:

مربی باید آمادگی ذهنی فراگیران را برای فراگیری موضوع جدید فراهم کند. شروع تدریس ممکن است با پرسش چند سؤال از فراگیران یا اشاره مختصری به درس گذشته توسط خود مربی انجام شود.

#### ۴- فن بیان:

یکی از مهم‌ترین ابزار کار مربی سخن گفتن و فن بیان است. صدای معلم باید از این ویژگی‌ها برخوردار باشد. الف: صدا باید رسا باشد. ب: صدا باید دارای زیروم مناسب باشد و یکنواخت نباشد. ج: کلمات باید به فارسی و سلیس باشد. د: صدا باید با توجه به موقعیت و شرایط شمرده و درخور درک فراگیران باشد.

**۵- فن ارتباط کلاسی:**

همان‌طور که می‌دانید در هر ارتباط ۴ عامل دخالت دارند که عبارت‌اند از: پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده، پیام و بازخورد هرگز در کلاس متکلم وحده نباشید و اجازه دهید ارتباط دوطرفه باشد.

**۶- فن رشد بهداشت روانی در کلاس:**

مربی باید در کلاس محیطی به وجود آورد که فراگیران را جذب کند و فراگیران باید در انجام امور یادگیری افرادی منضبط و منظم به بار آیند نوعی ترس منطبق بر توان و تحمل خود را در این زمینه بپذیرند.

**۷- فن تشویق و تنبیه:**

تنبیه گاه‌ها موجب حذف یک رفتار نامطلوب می‌شود. تنبیه بدنی جایز نیست و باید متناسب با سن و کار اشتباه فراگیر صورت گیرد.

**@dabirfile****۸- فن برقراری انضباط:**

عوامل بی‌نظمی در کلاس یا ناشی از رفتار مربی به‌صورت سرزنش کردن، تهدید، ایجاد تبعیض، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و بی‌نظمی است و یا ناشی از رفتار فراگیر به‌صورت رفتارهای تهاجمی، رفتارهای کلامی نابجا و بی‌اعتنایی به دستورات مربی هست.

**۹- فن جمع‌آوری مطالب:**

در پایان هر درس مربی باید با این فن و بیان رئوس مطالب با هدف نتیجه‌گیری از مطالب، تمرکز حواس فراگیران بر مطالب درسی، پایان دادن به کلاس و ... جمع‌بندی به عمل آورد.

**۱۰- فن ارزشیابی نهایی:**

ارزشیابی نهایی به‌منظور اطلاع از نقاط قوت و ضعف تدریس انجام می‌شود.

## فصل سوم: شناخت و تدوین هدف‌های آموزشی

تا فرد نداند مقصدش کجاست هرگز نمی‌تواند به گزینش بهترین راه رسیدن به آن بپردازد. هدف، وسیله‌ای است که به فعالیت فرد جهت می‌دهد و دارای دو ویژگی توالی و پیش‌بینی است. ضرورت تعیین و تنظیم هدف‌های آموزشی؛ اگر هدف‌های آموزشی دقیق و روشن بیان نشوند هیچ مبنای معتبری برای طراحی و انتخاب مواد و وسایل، محتوا و روش‌های آموزشی وجود نخواهد داشت و فعالیت‌های آموزشی و آزمون‌های گمراه‌کننده و عاری از آگاه‌کنندگی می‌شوند. هدف به‌منزله روشی است برای دگرگون ساختن موقعیت موجود، هدف شایسته هدفی است که با توجه به اوضاع و احوال موجود اتخاذ شود و هدف، مرحله نهایی یک سلسله فعالیت مستمر است.

### منابع تعیین هدف‌های آموزشی:

۱- نیاز فراگیران

۲- نیاز جامعه

۳- دیدگاه‌ها متخصصان

@dabirfile

### - نیاز فراگیران (مازلو):

نیاز فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی، نیاز به محبت و نیاز به خود شکوفایی. این نیازها به ترتیب باید ارضا شوند تا نیازهای بالاتر فرصت خودنمایی و بروز داشته باشند.

### - نیاز جامعه:

هدف‌های تربیتی باید با توجه به احتیاجات و مشکلات اجتماعی تعیین شود. و بررسی وضع اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جامعه در زمان گذشته حال آینده به ما در تعیین این نیازها کمک می‌کند و هدف‌های آموزشی نباید با جهان‌بینی جامعه مغایرت داشته باشد.

- دیدگاه‌ها متخصصان:

با وجود همه ضوابط هدف‌ها پس از تعیین باید از تحلیل و آزمایش و غربال رد شوند و بهترین آن‌ها انتخاب شده و هدف‌های اضافی و کم‌اهمیت حذف شوند.

=====

### اصول تعیین هدف‌های آموزشی:

در یک از مراحل فعالیت تا زمانی که طی نشده‌اند هدف هستند و از لحاظ آینده وسیله خواهند بود. اگرچه هدف هر فعالیت آموزشی بیش از شروع آن تعیین می‌شود نباید تغییرناپذیر و غیرقابل انعطاف باشد. هدف باید فرد را به فعالیت برانگیزد و به فعالیت او جهت دهد. هدف تربیتی باید به اوضاع و احوال محیط شخص موافق باشد تا حاصل آن میسر شود. هدف‌های تربیتی باید عینی و قابل تصور و تحقق باشند.

@dabirfile

### طبقه‌بندی و تحلیل هدف‌های صریح آموزشی در حیطه یادگیری

منظور از طبقه‌بندی تعیین راه‌ها و مراحل دقیق و مشخص است که بعد از تحقق آن‌ها تغییرات لازم در تفکر، احساسات و مهارت‌های عملی شاگردان به وجود آید. در تعیین هدف‌های آموزشی لازم است حیطه‌های یادگیری مشخص شود. یادگیری معمولاً در سه حیطه شناختی، عاطفی، روانی - حرکتی اتفاق می‌افتد (طبقه‌بندی بلوم) این دسته‌بندی به دلیل تأکید بر جنبه‌های خاص هدف‌های مختلف است و نه متمایز کردن آن‌ها زیرا سه حیطه مشخص شده مجزا و نامربوط نیستند.

### هدف‌های صریح آموزشی در سه حیطه طبقه‌بندی می‌شوند:

#### - حیطه شناختی:

- ۱- دانش
- ۲- فهمیدن (ترجمه-تفسیر- برون یابی)
- ۳- به کار بستن
- ۴- تحلیل

۵- ترکیب

۶- ارزشیابی و قضاوت.

### - حیطة عاطفی:

۱- دریافت و توجه کردن

۲- پاسخ داد

۳- ارزش‌گذاری

۴- سازمان‌دهی ارزش‌ها

۵- تبلور ارزش‌های سازمانی.

### - حیطة روانی - حرکتی:

۱- مشاهده و تقلید

۲- اجرای عمل بدون کمک

۳- دقت در عمل

۴- هماهنگی حرکات

۵- عادی شدن عمل.

@dabirfile

### سطوح یادگیری در حیطة شناختی بلوم:

این سطوح باید به ترتیب اتفاق بیافتد تا راهی برای رفتن به سطح بعد باز شود.

#### ۱- دانش:

همان یادآوری و بازشناسی است و صرفاً جنبه حفظی دارد. مثلاً شاگرد بدون حفظ جدول ضرب تمارین مربوط را

نمی‌تواند حل کند.

#### ۲- فهمیدن:

توانایی پی بردن به مفهوم یک مطلب و توضیح آن با جملاتی که شخص خودش می‌سازد بی‌آنکه ارتباطی بین این مطلب و مطالب دیگر برقرار کند که به چند دسته فرعی تقسیم می‌شود.

### الف-ترجمه:

برگرداندن مطالب از شکلی به شکل دیگر بی‌آنکه معنی و محتوای آن دگرگون شود مثل ترجمه شعر

### ب-تفسیر:

تشخیص نکات اساسی و جدا کردن آن از قسمت‌های کم‌اهمیت‌تر مثل استنباط مفاهیم از یک قطعه شعر.

### ج-برون‌یابی:

مهارت در تعلیم دادن یا به‌کارگیری اطلاعات در طول زمان به‌منظور پیش‌بینی نتایج خاص مثل بسط دادن یک متن سیاسی به ورای آنچه در متن آمده.

@dabirfile

### ۳- کار بستن:

توانایی کاربرد اصول علمی، فرضیه‌ها و قضایا و دیگر مفاهیم انتزاعی در وضعیت و موقعیت مناسب بدون اینکه هیچ راه‌حلی ارائه شود. مثل: شاگردی که می‌تواند اصول و قوانین **مثلثات** را در موقعیت علمی جدید بکار برد

### ۴- تحلیل:

شکستن مطلب به اجزا تشکیل‌دهنده آن و یافتن روابط بین اجزا و نحوه سازمان یافتن آن مثل شاگردی که بتواند یک جمله ادبی را از نظر دستوری تجزیه و نقش و روابط کلمات را تشخیص داده و جمله را سازمان‌دهی کند.

### ۵- ترکیب:



در هم آمیختن دوباره قسمت‌هایی از تجارب گذشته با مطالب جدید و بازسازی آن به به صورت یک کل تازه و نسبتاً انسجام یافته مثل: طراحی طرح آموزشی مناسب در یک موقعیت ویژه در درس روش‌ها و فنون تدریس توسط دانشجو.

#### ۶- ارزشیابی و قضاوت (پیچیده‌ترین سطح شناخت):

سطح شامل قضاوت درباره امور، اطلاعات و حتی روش‌های روبرو شدن با مسائل است. در واقع ارزشیابی نتیجه جریان شناخت است مثل دانشجویی که بتواند دو قطعه ادبی را از نظر نگارش با هم مقایسه کند و یکی را با ذکر دلایل بر دیگری ترجیح دهد.

=====

#### سطوح یادگیری در حیطه عاطفی:

@dabirfile

هدف‌های حیطه عاطفی آن هدف‌های آموزشی هستند که با نگرش‌ها و عواطف و علائق و ارزش‌ها سروکار دارند که به پنج سطح طبقه‌بندی می‌شوند

#### ۱- دریافت و توجه کردن:

جلب و حفظ و هدایت توجه شاگرد نسبت به فعالیت آموزشی که نتیجه این سطح: از آگاهی ساده نسبت به موضوع شروع و تا توجه حساب شده نسبت به آن ادامه می‌یابد.

#### ۲- پاسخ دادن:

نشان دادن واکنش در مورد مسئله مورد نظر که نتیجه این سطح از پیروی و متقاعد شدن شروع و تا تمایل به پاسخ دادن و داوطلبانه اقدام کردن و سرانجام پاسخ دادن همراه با رضایت و علاقه پیش می‌رود.

#### ۳- ارزش‌گذاری:

درونی کردن دسته معینی از ارزش‌ها که نتیجه این سطح: از متعهد کردن شاگرد در برابر ارزش‌ها شروع و تا راهنمایی دیگران به قبول این ارزش‌ها و تشویق و ترغیب آن‌ها برای پذیرفتن آن پیش می‌رود.

## ۴- سازمان‌دهی ارزش‌ها:

ادغام ارزش‌های مختلف و رفع تعارضات بین آن‌ها و بنا نهادن یک نظام ارزشی پایدار و منسجم که نتیجه این سطح: از ادغام ارزش‌های جدید پذیرفته شروع شده و تا تطبیق این ارزش‌ها با ارزش‌های درونی شده قبلی ادامه می‌یابد.

## ۵- تبلور ارزش‌های سازمان یافته در شخصیت:

شاگرد دارای نظامی از ارزش‌ها می‌شود که رفتار وی را برای مدتی طولانی کنترل می‌کند و در نهایت به صورت نوعی شخصیت در وجود او پدیدار می‌شود. که نتیجه این سطح، مجموعه‌ای از ارزش‌ها در رفتار وی انعکاس دائم می‌یابد و جزء فلسفه زندگی وی و شخصیتش می‌شود.

=====

## سطوح یادگیری در حیطه روانی - حرکتی:

@dabirfile

هدف‌های این حیطه بیشتر نیازمند همکاری اعصاب و ماهیچه‌هاست مثل رانندگی، خیاطی و... و بیشتر شامل مهارت‌های عملی در زمینه‌های فنی حرفه‌ای و تربیت‌بدنی و هنر و ... است.

## ۱- مشاهده و تقلید:

شاگرد به مشاهده رفتار مربی می‌پردازد و سپس تقلید می‌کند و آن رفتار را انجام می‌دهد.

## ۲- اجرای عمل بدون کمک:

در این مرحله به اجرای آگاهانه‌تر عمل می‌رسیم و میزان وابستگی شاگرد به مربی بسیار ناچیز می‌شود ولی نظارت و هدایت او باید ادامه یابد.

## ۳- دقت در عمل:

اجرای عمل با سرعت و دقت بیشتر از مرحله قبل و کاهش اشتباهات مرحله قبل. نظارت و راهنمایی مربی و تمرین و تکرار در این مرحله نیز باید باشد.

#### ۴- هماهنگی حرکات:

یعنی برقراری هماهنگی بین مجموعه‌ای از اعمال، با رعایت نظم و کارایی لازم

۵- **عادی شدن عمل:** بالاترین سطح مرحله یادگیری در حیطة روانی حرکتی است که در آن شاگرد به به‌طور خودکار به انجام دقیق کارهای دقیق و موزون عادت می‌کند.

@dabirfile

### فصل چهارم: الگوهای تدریس

#### الگوی تدریس:

الگوی تدریس چارچوب ویژه‌ای است که عناصر مهم تدریس در روند آن قابل مطالعه است. شناخت و آگاهی از عناصر مهم تدریس می‌تواند معلم را در اتخاذ روش‌های مناسب تدریس کمک کند.

#### تفاوت الگوی تدریس و روش تدریس:

روش تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. مفهوم تدریس به آن قسمت از فعالیت‌های آموزشی که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می‌افتد اطلاق می‌شود، اما الگو معمولاً به نمونه کوچکی از یک شیء بزرگ یا به مجموعه‌ای از اشیای بشمار گفته می‌شود که ویژگی‌ها مهم و اصلی آن شیء بزرگ یا اشیاء را داشته باشد. همان‌طور که گفته شد: الگوی تدریس، چارچوب ویژه‌ای است که عناصر مهم

تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می‌تواند معلم را در اتخاذ روش‌های مناسب تدریس کمک کند. الگوی تدریس بر اساس نظریه‌های یادگیری و همچنین بر اساس تجربه و تحقیق به دست آمده‌اند و معلم با توجه به اهداف آموزشی آن‌ها را برمی‌گزیند در حالی که روش‌های تدریس به منظور سهولت تحقق الگوها انتخاب می‌شوند. الگوها عام و روش‌ها خاص هستند در هر الگوی تدریس ممکن است از چندین روش تدریس استفاده شود.

### الگوی عمومی تدریس:

- معروف‌ترین الگو برای تدریس الگوی عمومی تدریس است. این الگو در عین سادگی فرایند تدریس را به خوبی توصیف می‌کند به معلم در سازمان دادن فرایند تدریس کمک می‌کند.

### فرایند تدریس در الگوی عمومی تدریس به پنج مرحله تقسیم می‌شود:

-مرحله اول: تعیین هدف‌های تدریس (هدف‌های رفتاری)

-مرحله دوم: تعیین رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیص

-مرحله سوم: تعیین شیوه‌ها و وسایل تدریس

-مرحله چهارم: سازمان‌دهی شرایط و موقعیت آموزش

- مرحله پنجم: ارزشیابی و سنجش عملکرد

دو الگو که در مدارس کاربرد عملی بیشتر دارد:

۱- الگوی پیش سازمان دهنده

۲- الگوی حل مسئله

### الگوهای پیش سازمان دهنده:

منظور از پیش سازمان دهنده، مفهوم، مطلب یا موضوعی است که در تدریس یک درس مورد استفاده قرار می‌گیرد. تا به وسیله آن قسمت‌ها و مطالب مختلفی که رشته‌ای از دانش را تشکیل می‌دهد، با نظمی خاص سازمان یابد و در ذهن شاگرد جای

گیرد این‌گونه نظام آفرینی در ذهن را پیش سازمان دهند می‌نامیم. پیش سازماندهنده در مقدمه تدریس می‌آید. تا مباحثی را که به شاگردان ارائه داده می‌شود با مباحث همان درس مربوط سازد.

### الگوی حل مسئله:

فراگیر در هر سنی که باشد به تناسب ساخت شناختی خود با مسائل و مشکلات مواجه است برای حل این مشکلات نیاز به راه‌حل علمی و منطقی دارد. اگر دانش‌آموز در مدرسه راه‌حل‌های علمی منطقی را بیاموزد خود به دنبال حل مسئله خواهد رفت. شاگردان در یادگیری از طریق حل مسئله با بهره‌گیری از تجارب و دانسته‌های پیشین خود درباره رویدادهای محیط خود می‌اندیشند تا مشکلی را که با آن مواجه شده‌اند به نحو قابل قبول حل کنند.

=====

### فصل پنجم: تحلیل آموزشی

@dabirfile

تحلیل آموزشی فرایندی است که از طریق آن هدف نهایی آموزشی به وظایف یا اعمالی که شاگرد باید انجام دهد یا معلومات و مهارت‌هایی که پس از اجرای آموزش باید کسب کند، تقسیم می‌شود. فرایند تحلیل آموزشی شامل مراحل زیر هست:

۱- تبدیل هدف کلی (هدف نهایی آموزشی) به اهداف جزئی (اهداف مرحله‌ای آموزشی)

۲- تبدیل هدف جزئی (هدف مرحله‌ای آموزشی) به اهداف رفتاری (هدف‌های اجرائی)

۳- تعیین نوع ارتباط بین هدف‌های کلی و جزئی

۴- تعیین رفتار ورودی

۵- ارزشیابی تشخیصی

۶- تعیین نخستین گام آموزشی

هدف‌های کلی آموزشی: به آن دسته از اهداف آموزشی که به صورت عبارات‌های کلی بیان می‌شوند، هدف‌های کلی آموزش

گفته می‌شود؛ مانند مثال زیر:

آموزش و پرورش باید توانایی‌های ذهنی شاگردان را پروراند ". هدف‌های کلی آموزش‌های (هدف نهایی) هدف‌هایی هستند که به صورت مبهم بیان می‌شوند و ممکن است در مقایسه با هدف‌های مرحله‌ای در مدت‌زمان بیشتری تحقق پذیرد. این گونه هدف‌ها، به عنوان نوعی انگیزه به کار می‌رود. این هدف‌ها، فعالیت‌ها و هدف‌های مرحله‌ای و رفتاری را که در نهایت امر از نظر آموزشی با ارزش هستند، روشن می‌کنند و به آن‌ها جهت و هماهنگی لازم را می‌بخشند و به معلم امکان می‌دهند تا تمام فعالیت‌های لازم را برای کسب دانش‌ها و مهارت‌های جدید برای شاگرد طراحی کند.

هدف‌های جزئی (هدف‌های مرحله‌ای): هدف کلی جهت حرکت را مشخص می‌کند، درحالی‌که هدف جزئی مقاصد را می‌سازد و در نتیجه، نسبت به هدف کلی دارای جنبه‌های عملی بیشتری است. نکته مهم، نسبی بودن هدف‌هاست؛ مثلاً هدف کلی یک درس را می‌توان به دسته‌ای از هدف‌های مرحله‌ای تجزیه کرد. هدف‌های مرحله‌ای نیز ممکن است هر یک، هدف کلی فصلی از آن درس شوند و هدف‌های جزئی‌تری از آن‌ها سرچشمه بگیرد.

هدف‌های رفتاری (هدف‌های اجرایی): هدف‌های رفتاری یا هدف‌های اجرایی به آن دسته از هدف‌ها گفته می‌شود که نوع رفتار و قابلیت‌هایی را که انتظار داریم شاگرد پس از یادگیری مطالبی خاص به آن‌ها برسد، مشخص کند. هدف‌های رفتاری چون بر رفتار نهایی تأکید می‌کند، معیار خوبی برای مشاهده و اندازه‌گیری میزان یادگیری شاگردان خواهد بود. یک هدف رفتاری خوب باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- رفتار مورد مشاهده، باید دقیقاً مشخص باشد. یعنی هدف به‌گونه‌ای بیان شود که مانع ایجاد سوءتفاهم گردد. در تعیین هدف‌های رفتاری، باید انتظارات معلم از شاگردان به‌روشنی مشخص شود.

- موقعیتی که رفتار باید در آن مشاهده شود (انجام گیرد) مشخص شده باشد. یعنی در تنظیم هدف‌های رفتاری، بیان موقعیت کاملاً ضروری است؛ زیرا نه تنها شاگرد از موقعیتی که با در نظر گرفتن آن‌ها ارزیابی خواهد شد آگاه می‌شود، بلکه ذکر موقعیت برای معلم و شاگرد وسیله‌ای است برای اجتناب از سردرگمی و آشفتگی در عمل.

- سطح اجرا (درجه موفقیت) باید دقیقاً مشخص باشد. یعنی سطح مشخصی از یادگیری که از قبل به‌وسیله تعیین کنند، هدف مشخص شده است، معیاری است که با آن، موفقیت شاگرد در رسیدن به هدف‌های آموزشی سنجیده می‌شود. مثال زیر دارای سه ویژگی یک هدف رفتاری است:

"با در دست داشتن فهرستی از ۵۵ عنصر شیمیایی، دست‌کم ظرفیت ۵۱ عنصر را به یاد آورید و بنویسید "

**رفتار مورد نظر:** (به خاطر آوردن و نوشتن)،

**موقعیت:** (داشتن فهرستی از ۵۵ عنصر شیمیایی)،

سطح اجرا: (دست کم ۵۱ عنصر) نقش

### هدف‌های رفتاری در فرایند تدریس

هدف رفتاری به معلم کمک می‌کند تا نحوه ظهور رفتارهایی را که از شاگردان انتظار دارد با دقت بیشتری مشخص کند و بر اساس آن‌ها، برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده، مواد آموزشی و روش تدریسی مناسب را انتخاب کند. به‌طور کلی، هنگامی که معلم به طراحی آموزشی می‌پردازد، هدف‌های رفتاری ممکن است در موارد زیر به او کمک کند: سبب شدند که او برای تحقق آن هدف‌ها، مطالب آموزشی مناسبی انتخاب کند، راهنمای خوبی برای انتخاب روش مناسب تدریس و رسانه‌های آموزشی مختلف باشند. راهنمای خوبی برای طرح سؤالات ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باشند، موجب شوند که شاگردان دقیقاً بتوانند در هر مرحله از آموزش، پیشرفت خودشان را دقیقاً ارزیابی کنند.

@dabirfile

### مراحل تحلیل آموزشی

الف: تبدیل هدف‌های کلی (نهایی) به هدف‌های جزئی:

برای قابل استفاده کردن هدف‌های کلی، باید آن‌ها را تجزیه کرد و به‌صورت هدف جزئی نوشت.

ب: تبدیل هدف‌های جزئی (مرحله‌ای) به هدف‌های رفتاری:

هدف‌های جزئی باید به‌گونه‌ای تقسیم شوند که مهارت‌ها و فعالیت‌هایی که انتظار داریم شاگردان در پایان دوره آموزشی از خود بروز دهند و شرایطی که با وجود آن‌ها این مهارت‌ها و رفتارها باید شکل بگیرند، مشخص شوند. هدف‌های رفتاری نیز ممکن است به دو دسته تقسیم شوند.

- هدف‌های اجرایی نهایی، رفتاری است که شاگرد پس از پایان آموزش باید از خود نشان دهد.

هدف‌های اجرایی مرحله‌ای، رفتاری است که باید شاگرد ضمن آموزش و قبل از رسیدن به هدف‌های اجرایی نهایی از خود نشان دهد.

نکته مهم در اینجا این است که هدف‌های مرحله‌ای هدف‌هایی هستند که با تحقق آن‌ها، شاگرد به هدف‌های اجرایی نهایی می‌رسد، درحالی‌که فعالیت‌های یادگیری روش‌های آموزشی است که شاگرد را در رسیدن به این هدف‌ها یاری می‌دهد و نباید این دو را با همدیگر اشتباه گرفت.

### ج: تعیین روابط هدف‌های اجرایی نهایی با هدف‌های اجرایی مرحله‌ای:

در تحلیل آموزشی، هدف‌های اجرایی را باید به‌گونه‌ای مرتب کنیم که یادگیری ساده در پایان و یادگیری‌های مشکل در بالا قرار بگیرد، زیرا مشکل‌ترین یادگیری (مهارت‌های اصلی) هدف اجرایی نهایی است و یادگیری‌های ساده‌تر (مهارت‌های فرعی) در مقایسه با هدف‌های اجرایی نهایی، هدف‌های اجرایی مرحله‌ای به شمار می‌رود. در ضمن، سلسله‌مراتب هدف کل اجرایی مرحله‌ای نیز باید بر اساس ارتباط آن‌ها با یکدیگر تعیین شود.

## @dabirfile

### د: تعیین رفتار ورودی:

رفتار ورودی رفتارها و توانایی‌هایی است که شاگردان باید قبل از شروع یک فعالیت آموزشی از خود نشان دهند تا بتوانند با موفقیت به اهداف اجرایی دست یابند.

### ه: ارزشیابی تشخیصی:

از طریق ارزشیابی تشخیصی می‌توان مشخص کرد که شاگردان معلومات، توانایی‌ها و مهارت‌های لازم را برای ورود به مطلب جدید دارند یا نه. ارزشیابی تشخیصی را معمولاً از طریق اجرای "سنجش آغازین" یا "آزمون رفتار ورودی" انجام می‌دهند. بسیاری نیز ارزشیابی تشخیصی را به‌صورت ترکیبی از آزمون رفتار ورودی و "پیش‌آزمون" اجرا می‌کنند که این حالت مطلوب‌تر به نظر می‌رسد.

### و: تعیین اولین گام آموزشی:



معلم نخستین گام آموزشی، یعنی نقطه شروع تدریس خود را مشخص کند. معمولاً برای تعیین نقطه شروع، از ارزشیابی تشخیصی استفاده می‌شود. ارزشیابی تشخیصی می‌تواند دقیقاً مشخص کند که معلم فعالیت جدید را باید از چه نقطه‌ای آغاز کند. اگر معلمی بدون توجه به توانایی‌ها و قابلیت‌های شاگردان تدریس را شروع کند باید قبل از شروع تدریس درس جدید به ترمیم مفاهیم و پیش‌نیاز بپردازد. در صورتی که با توجه به توانایی‌های ورودی شاگردان تدریس را آغاز کند وی باید عمل تدریس را به صورت جهشی انجام دهد، یعنی آن دسته از هدف‌های اجرایی را که شاگردان می‌دانند، در تدریس نادیده بگیرد و تدریس را از نقطه‌ای آغاز کند که آنان نمی‌دانند.

=====

### فصل ششم: محتوا، روش و وسیله

#### الف: تحلیل و انتخاب محتوا:

محتوا اصول و مفاهیمی هستند که به شاگردان ارائه می‌شود تا رسیدن آنان را به هدف‌های اجرایی امکان‌پذیر سازد. محتوای آموزشی باید بر اساس هدف‌های آموزشی معین تهیه و تنظیم شود و مطالب و فعالیت‌های پیشنهادی باید دقیقاً با هدف‌های کلی، جزئی و رفتاری مطابق و همسو باشد تا تحقق آن را امکان‌پذیر سازد.

#### ب: شیوه‌های تحلیل محتوا:

- تحلیل محتوا یک روش علمی برای ارزشیابی پیام‌های آموزشی است و دارای چهار خصلت زیر است:
- ۱- عینی بودن: تحلیل محتوا مستلزم آن است که بررسی‌های انجام شده آن قابل بازبینی و بازرسی باشد.
  - ۲- منظم بودن: در تحلیل محتوا بایستی تمام عناصر موجود مورد توجه قرار گیرند و بر اساس واحدها بی که برای بررسی در نظر گرفته شده‌اند تحلیل شوند.
  - ۳- آشکار بودن: در تحلیل محتوا الزاماً باید به متن یا پیام آشکار توجه شود و استنباط‌های شخصی و پیش‌داوری‌های فردی مورد نظر قرار نگیرند.
  - ۴- مقداری بودن: خصلت مقداری بودن در واقع جانشین جنبه‌های ذهنی بررسی‌ها و تحلیل‌های نظری است که با مقیاس دقیق قابل ارزیابی نیستند.

#### ج: مراحل تحلیل محتوا: مهم‌ترین مراحل تحلیل محتوا عبارت‌اند از

- ۱- مشخص ساختن هدف تحلیل: تحلیل‌گر بایستی هدف خود را به‌طور صریح و مشخص از بررسی محتوا مشخص کند.
- ۲- جمع‌آوری نمونه‌های مورد تحلیل: پس از تعیین هدف، نخستین اقدام عملی، جمع‌آوری داده‌هایی است که در تحلیل بررسی خواهند شد. باید دقت داشت که نمونه‌ای که انتخاب می‌کنیم باید نمایانگر تمام ویژگی‌های محتوا باشد و موجب استنباط غلط نشود
- ۳- تقسیم مجموعه موردبررسی به واحدهای مختلف: در این تقسیم‌بندی باید به عناصر زیر توجه داشت.

#### الف) کلمه‌ها:

به‌ویژه کلماتی که در انتقال مفاهیم نقش اساسی دارند که بایستی خوانا و گیرا باشند.

#### ب) نمادها:

نمادها باید با توجه به سطح دانش گران، قدرت انتقال مفاهیم و میزان گیرایی بررسی شوند.

#### ج) مضمون‌ها:

@dabirfile

پرازش‌ترین واحدی است که در تحلیل محتوا باید مدنظر قرار گیرد. د) شخصیت‌های مطرح شده: در متون داستانی، شخصیت‌های مطرح شده و ویژگی‌های آنان باید به عنوان یک واحد بررسی موردتوجه قرار گیرد.

۴- طبقه‌بندی واحدها: واحدهای موردبررسی باید بر اساس ارزش و اولویت طبقه‌بندی شوند. طبقه‌بندی باید جامع باشد و مجموع محتوا را در برگیرد.

۵- ارزیابی عینی طبقه‌ها: ارزیابی طبقه‌ها با روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد که دقیقاً به هدف بررسی بستگی دارد. در ارزیابی از روش‌های تحلیل فراوانی، تحلیل همبستگی و تحلیل جهت‌گیری استفاده می‌کنیم.

=====

#### د: تهیه و تنظیم محتوای آموزشی

: اصول و ضوابطی که در تهیه و تنظیم محتوای آموزشی باید در نظر گرفته شود، عبارت‌اند از

۱- میزان علاقه و توانایی شاگردان: محتوای آموزشی باید با گروه سنی، قوه درک، علایق و رعبت شاگردان مطابقت داشته باشد.

۲- مفاهیم و اصول و قوانین هر علم: مفاهیم موجود در محتوای آموزشی را باید در خزانه علوم مختلف جستجو کرد. خزانه هر علم به مجموعه اطلاعات، میراث علمی و مجموعه دانش آموخته شده و سازمان یافته هر علم اطلاق می‌شود.

۳- ساخت علوم مختلف: هر علم ساخت ویژه و روش‌ها و قواعد اساسی ویژه خود را دارد که در تنظیم محتوای آموزشی باید به همه این ویژگی‌ها توجه کرد.

۴- توالی مطالب: مطالب محتوای آموزشی باید در یک خط سیر مشخص و با توجه به ساخت ویژه آن رشته و یادگیری‌های قبلی شاگردان تهیه و تنظیم شود.

۵- تازگی موضوع: محتوای آموزشی باید جدید و متحول و متناسب با شرایط و نیازهای روز باشد و از اعتبار علمی کافی برخوردار باشد.

۶- میراث فرهنگی: محتوای آموزشی باید مطالب مربوط به میراث فرهنگی جامعه را در برداشته باشد.

۷- پروراندن مفاهیم اساسی و روش‌ها: مفاهیم موجود در محتوای آموزشی باید بر اساس تحلیل مفاهیم اساسی و شناخت روش‌های درست، بر پروراندن و رشد اندیشه تأکید داشته باشد، نه انتقال انبوه واقعیت‌های علمی.

@dabirfile

=====

**ه: تحلیل و انتخاب روش و وسیله:** در فعالیت‌های آموزشی، معلم باید تلاش کند با بهره‌جویی از روش‌ها و وسایل مختلف، شرایط لازم را برای کسب دانش‌ها، مهارت‌ها نگرش‌های مطلوب شاگردان فراهم کند.

=====

### تحلیل مفهوم وسایل آموزشی:

مفهوم وسیله آموزشی بسیار فراتر از یک ابزار کمکی است. اطلاق لفظ کمک به وسایل آموزشی دست نیست. وسایل آموزشی جزء لازم و حتمی آموزش و یادگیری هستند. وسایل آموزشی، حامل‌ها یا راه‌هایی است که مربی یا معلم برای برقراری ارتباط، ناگزیر از انتخاب یک یا چند تا از آنهاست. به عبارتی وسایل آموزشی به کلیه تجهیزات و امکاناتی اطلاق می‌شود که می‌توانند در محیط آموزشی شرایطی را به وجود آورند که در آن شرایط، یادگیری سریع‌تر، آسان‌تر، بهتر، بادوام‌تر و مؤثرتر صورت بگیرد.

### انواع وسایل آموزشی:

۱- وسایل آموزشی معیاری

۲- وسایل آموزشی تسهیل کننده

**وسایل آموزشی معیاری:** وسایلی هستند که از فراگیر خواسته می شود برای نشان دادن کارآیی آموخته هایش، آن ها را شرح دهد، تفسیر کند، دوباره بسازد یا مشخص کند. مثلاً اتومبیل در آموزش رانندگی.

**وسایل آموزشی تسهیل کننده:** نقش این وسایل کمک به شاگرد برای درک بهتر مطلب یا اطلاع بیشتر از موضوع، پدیده و فعالیت مورد نظر است مانند فیلم، اسلاید و....

تفاوت انواع وسایل آموزشی: رسانه های معیاری یادگیری را از راه تمرین و مهارت آسان می کنند و جزء فرآیند یادگیری هستند در حالی که رسانه های تسهیل کننده به شاگرد کمک می کنند تا مهارت را کسب کنند. وسایل تسهیل کننده بعد از آموزش نادیده گرفته می شوند ولی حضور وسایل معیاری نه تنها در تمام طول آموزش، بلکه در هنگام ارزشیابی نیز لازم و ضروری است.

نقش وسایل آموزشی در فرآیند آموزش-یادگیری: وسایل آموزشی مناسب در انتقال و تفهیم و تأثیر مفاهیم نقش مؤثری دارند که عبارت اند از:

۱- اساس قابل لمسی برای تفکر و ساختن مفاهیم فراهم می کنند

۲- سبب ایجاد علاقه در یادگیری شاگردان می شوند

۳- پایه های لازم را برای یادگیری فراهم می سازند

۴- موجب فعالیت بیشتر می شوند

۵- پیوستگی افکار را در فرآیند یادگیری فراهم می کنند

۶- در توسعه و رشد معنا در ذهن شاگردان مؤثرند

۷- معنا و مفاهیم آموزش را سریع تر و صریح تر منتقل می کنند

۸- کامل و افزایش عمق و میزان یادگیری می انجامد.

**فصل هفتم: ارزشیابی**

ارزشیابی به معنای جمع‌آوری اطلاعات به منظور اخذ تصمیمات مناسب است. " ارزشیابی " مبحث پایانی تکنولوژی آموزشی گاه ارزشیابی از سوی معلم و در طول دوره‌ی آموزشی صورت می‌گیرد تا به فراگیر در امر یادگیری کمک کند، و گاه زمان آن از سوی مؤسسه‌ی آموزشی تعیین می‌شود تا تصمیم‌های مناسب جهت ارتقای تحصیلی فراگیر صورت گیرد و در جدول امتیازات، جایگاه او مشخص شود.

ارزشیابی علت‌های مختلف دارد که برخی را ذکر می‌کنیم:

الف) ایجاد انگیزه برای فراگیر جهت تسریع یادگیری در ابتدای آموزش.

ب) تشویق فراگیران به یادگیری و ایجاد رقابت سالم علمی.

ج) آگاهی بخشی برای فراگیر که خود را ارزیابی کند.

د) آگاهی بخشی برای فرادهنده (معلم) تا نقاط قوت و ضعف خود را در تدریس بیابد.

ه) اصلاح فعالیت‌های غیر صحیح در یادگیری.

بنابراین، با ارزشیابی است که هم فراگیر و هم فرادهنده سنجش می‌شوند و می‌توانند به اصلاح خود بپردازند. البته ارزشیابی

باید متناسب با اهداف آموزشی صورت گیرد تا در سایه‌ی هماهنگی این دو، تصمیمات لازم برای فراگیر گرفته شود.

### اهداف ارزشیابی:

۱- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای شناخت توانایی و زمینه‌های علمی شاگردان و تصمیم‌گیری برای انجام دادن فعالیت‌های

بعدی آموزشی: یادگیری جریانی متوالی و به هم پیوسته است، به همین دلیل کسب مهارت و دانش در هر زمینه مستلزم داشتن پایه‌های قوی در آن زمینه است. از همین رو معلم ارزشیابی تشخیصی و تکوینی را مورد استفاده قرار می‌دهد.

۲- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای شناساندن هدف‌های آموزشی در فرایند تدریس: یکی از وظایف ارزشیابی این است که وصول به هدف‌های تدریس را مشخص کند و با آگاه ساختن شاگردان از هدف‌های رفتاری هر یک از مواد آموزشی، هدایت یادگیری و زمینه‌سازی در آن‌ها و امکان مطالعه بهتر و بیشتر را فراهم کند.

۳- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزشی: نتایج ارزشیابی نه تنها میزان پیشرفت تحصیلی شاگردان و عملکرد آنان را در فعالیت آموزشی و پرورشی مشخص می‌کند، بلکه کیفیت تلاش شاگرد و روش تدریس معلم و

میزان مهارت وی را در این زمینه ارزیابی می‌کند و به معلم فرصت می‌دهد همواره درصدد اصلاح و بهبود روش تدریس خود برآید.

۴- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای شناخت نارسایی‌های آموزشی شاگردان و ترمیم آن‌ها: اگر ارزشیابی، به‌ویژه ارزشیابی تکوینی، بر اساس موازین علمی تهیه و اجرا شود، می‌تواند درباره پیشرفت تحصیلی شاگردان و ضعف‌ها و نارسایی‌های آنان اطلاعات مفیدی در اختیار معلم قرار دهد.

۵- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزشی در شاگردان: ارزشیابی باید شاگردان را با میزان کار و فعالیتشان آشنا سازد و علت میزان پیشرفت و عقب ماندن آن‌ها را مشخص کند و در آنان رغبت و انگیزه تلاش و فعالیت بیشتر به وجود آورد.

۶- ارزشیابی به عنوان عاملی برای ارتقا شاگردان: یکی دیگر از وظایف ارزشیابی سنجیدن میزان توانایی شاگردان برای ارتقا به مرحله دیگر است. اما نباید طوری عمل شود که تمام توجهات به محصول نهایی (نمره دادن و ارتقای شاگردان) معطوف و موقعیت صحیح آموزشی کم‌کم به دست فراموشی سپرده شود.

@dabirfile

### اهمیت و ضرورت ارزشیابی:

معلم در برنامه‌ریزی تدریس و تصمیم‌گیری در جریان فعالیت‌های آموزشی به داشتن اطلاعات زیاد و معتبر در زمینه آمادگی و پیشرفت تحصیلی شاگردان و بازده فعالیت‌های کلاسی نیازمند است. ارزشیابی می‌تواند چنین اطلاعاتی را در اختیار او قرار دهد. این اطلاعات را می‌توان در سه مقوله تقسیم‌بندی کرد:

الف - اشکالات و نواقص موجود در طرح آموزشی را از دیدگاه هدف‌ها، محتوا، روش‌ها، مواد و وسایل آموزشی و عناصر دیگر در اختیار معلم قرار می‌دهد.

ب - میزان پیشرفت تحصیلی شاگردان و آمادگی آنان را برای آموزش‌های بعدی مشخص می‌کند.

ج - کارآیی تدریس و کفایت ابزارهایی را که در اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی شاگردان به کار رفته است، نشان می‌دهد.

=====

### انواع ارزشیابی:

۱- ارزشیابی تشخیصی

۲- ارزشیابی تکوینی

## ۳- ارزشیابی پایانی

**ارزشیابی تشخیصی:** آموخته‌های پایه یا رفتار ورودی شاگردان را که لازمه یادگیری مطالب جدید است می‌سنجد.

**وظایف ارزشیابی تشخیصی:**

تعیین معلومات و رفتار ورودی، کشف دلایل اصلی مشکلات شاگردان در یادگیری، تعیین معلومات و رفتار ورودی و کشف

علل مشکلات شاگردان در یادگیری

الف ( تشخیص شاگردانی که مشکل یادگیری دارند

ب ) تشخیص نکات ضعف و ترمیم آن‌ها.

**ارزشیابی تکوینی (مرحله‌ای):**

به‌طور مستمر در پایان هر بخش از مطالب تدریس شده و در طول سال تحصیلی انجام می‌گیرد و مستقیماً ناظر به

اندازه‌گیری آن دسته از هدف‌های آموزشی است که برای هر یک از بخش‌های مختلف و در فواصل زمانی معین پیش‌بینی شده است.

**موارد استفاده از ارزشیابی تکوینی:**

الف ( گام‌به‌گام پیش رفتن در یادگیری: آموختن مطالب یک موضوع درسی به‌صورت مرحله‌ای صورت می‌گیرد و یادگیری واحدهای قبلی برای یادگیری واحدهای بعدی ضروری است.

ب ( اصلاح روش تدریس: با عنایت به اینکه ارزشیابی تکوینی مواد درسی، کیفیت محتوا، تنظیم محتوا و زمان مناسب برای

یادگیری را موردبررسی قرار می‌دهد، معلم می‌تواند با توجه به نتایج آن روش تدریس خود را اصلاح و یا روش مناسب‌تری

انتخاب کند

**ارزشیابی پایانی (تراکمی)**

در پایان هر دوره آموزشی و برای تعیین مقدار آموخته‌های شاگردان در طول یک دوره آموزشی به‌منظور نمره دادن و صدور

گواهینامه یا قضاوت درباره اثربخشی کار معلم و برنامه درسی یا مقایسه برنامه‌های مختلف با یکدیگر انجام می‌گیرد. این نوع

ارزشیابی برخلاف ارزشیابی تکوینی که تحقق هدف‌های جزئی مطالب آموزشی را ارزیابی می‌کند، معمولاً ناظر به ارزشیابی هدف‌های نهایی آموزشی است.

تحلیل و تعیین نظام ارزشیابی: در تحلیل و تعیین نظام ارزشیابی باید عمده فعالیت خود را بر " بازده " فعالیت آموزشی متمرکز کنیم. در این روند، دو مسئله اساسی باید مورد توجه قرار گیرد: ارزیابی بازده فعالیت‌های آموزشی و تعیین درجه هدف‌ها و استفاده از نتایج به‌دست‌آمده از ارزیابی برای اصلاح و تقویت برنامه.

بنابراین ارزشیابی و اصلاح برنامه یکی از اهداف اصلی از طراحی آموزشی است. ارزشیابی صحیح، اطلاعاتی از قبیل وجوه قوت و ضعف موجود در طرح (شامل قوت و ضعف‌های هدف، محتوا، روش و انتخاب وسایل) صحت و دقت نحوه ارزشیابی و میزان آمادگی شاگردان برای قبول آموزش‌های بعدی را در اختیار معلم قرار خواهد داد. این اطلاعات می‌تواند معلم را در تقویت یا اصلاح برنامه آموزشی یاری دهد. اگر معتقد باشیم که منظور از فعالیت‌های آموزشی ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار شاگردان است، سنجش رفتار شاگردان بهترین شاخص برای نشان دادن میزان یادگیری آن‌ها و در نهایت، معیار تحلیل کیفیت فعالیت‌های آموزشی خواهد بود.

## @dabirfile

برای سنجش میزان تغییر رفتار شاگردان، همانند ارزشیابی‌های دیگر، به جمع‌آوری اطلاعات دقیق و تحلیل آن‌ها نیاز خواهیم داشت. حال اگر در پایان تدریس مشخص شود که شاگرد در چه نقطه‌ای از تغییرات مورد نظر قرار گرفته است و این تغییر با اطلاعات پیش دانسته مقایسه شود، میزان یادگیری شاگرد در جریان تدریس مورد نظر مشخص خواهد شد.

=====

### روش‌های ارزشیابی

اگر چه هر معلمی با توجه به صلاحدید و قدرت خلاقیت خویش، روش خاص خود را در ارزیابی به کار می‌برد، ولی به‌طور کلی روش‌های ارزیابی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- کتبی (نوشتاری):



که بیشتر ارزیابی‌ها با این روش است. آزمون‌های کتبی نیز به دو شیوه‌ی تشریحی و تستی (عینی) برگزار می‌شوند که در شیوه‌ی اول گاهی پاسخ‌ها به صورت محدود است و گاه وسیع و گسترده، یعنی معلم به صورت تحلیلی پاسخ می‌طلبد. ارزیابی تستی نیز به چهار شکل صحیح غلط، چندگزینه‌ای، جورکردنی و کامل کردنی صورت می‌گیرد.

## ۲- شفاهی (گفتاری):

که محدود به مواقع خاص است. گاهی پس از آزمون کتبی، جهت کسب اطلاعات بیشتر آزمون شفاهی صورت می‌گیرد، مانند مصاحبه‌های بعد از آزمون کتبی که در برخی مؤسسات وجود دارد و گاهی اصل متن آموزشی با صلاحدید معلم به صورت شفاهی آزموده می‌شود تا قدرت تحلیل و بررسی و عمق دریافت فراگیر برای معلم ثابت گردد.

## ۳- عملی:

@dabirfile

که مربوط به متن‌های خاصی می‌شود. در مواردی که سنجش افراد به کاربرد برخی وسایل و یا به عمل آوردن یک پدیده‌ی تجربی منوط است، از امتحان عملی استفاده می‌شود، توجه به امکانات موجود در یک مؤسسه‌ی آموزشی از نکات مهم در این نوع آزمون است.

## روش‌های مختلف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی:

اغلب معلمان از ارزشیابی برداشتی محدود به انواع آزمون‌های کتبی و سؤالات امتحانی دارند در صورتی که بسیاری از ارزش‌گذاری‌های معلمان بر اساس مشاهده فعالیت‌هایی است که شاگردان در درون مدرسه انجام می‌دهند مثل وقت‌شناسی، انجام دادن مطلوب فعالیت‌های آموزشی یا احساس عدم امنیت شاگردی با شاگردان دیگر مقایسه کردن یا وقتی درباره حس همکاری آنان در فعالیت‌های آموزشی قضاوت می‌کنیم و...

همه ارزشیابی‌هایی هستند که بر مشاهدات رفتار شاگردان در درون مدرسه و موقعیت‌های آموزشی استوار هستند. پس اگر معلم خود را از قید ارزشیابی‌های کتبی و شفاهی معمول برهاند و روش‌های ارزشیابی را با روش‌های مختلف، عمق و محتوا ببخشد بیشتر می‌تواند به اعتبار روش ارزشیابی خود متکی باشد و به آن اطمینان کند.

اگرچه روش مشاهده نیز معایب و محدودیت‌هایی همچون موقعیت‌های خاص هر شاگرد و تفاوت میزان‌ها و مقیاس‌های مشاهده‌کنندگان مختلف دارد باید توجه کرد که ارزشیابی شاگردان در موقعیتی واقعی و با توجه به ویژگی‌های خاص خود صورت گیرد و باید به کلیه روش‌هایی که به نحوی ضریب اعتماد نتایج ارزشیابی را بالا می‌برد توجه کافی مبذول داشت. پس در مواردی که تهیه آزمون‌های مناسب میسر باشد به کارگیری روش‌های آزمون بهتر است ولی نباید فراموش کرد که بسیاری از جنبه‌های مختلف رفتار شاگردان را نمی‌توان به مرحله آزمون‌های ساده تنزیل داد و باید آن‌ها را در موقعیت واقعی سنجید

روش‌های ارزشیابی: معلم می‌تواند از مجموع روش‌های زیر یا آزمون‌های ترکیب‌شده (آزمون‌های موقعیتی) استفاده کند.

#### ۱- ارزشیابی از طریق مشاهده:

@dabirfile

##### مشاهده مستقیم:

مشاهده و بررسی حالات رفتاری شاگردان به‌طور مستقیم که ممکن است در صورت آگاهی شاگرد از بررسی، رفتار تصنعی به خود گیرد.

##### مشاهده غیرمستقیم:

مشاهده و بررسی رفتار شاگردان در وضع طبیعی یا تصنعی که افراد مورد مشاهده نمی‌دانند در معرض ارزشیابی هستند.

##### محاسن روش مشاهده:

دارای زمان نامعین است پس می‌تواند نشان‌دهنده فعالیت‌های طبیعی شاگردان باشد، تفاوت‌های فردی را مدنظر قرار می‌دهد، عدم آگاهی ارزشیابی شونده برای جلوگیری از رفتارهای تصنعی، قابلیت اجرایی برای همه گروه‌های آموزشی و سنی.

##### محدودیت‌های روش مشاهده:

به سبب دقت و هوشیاری مداوم ارزشیابی‌کننده این روش خسته‌کننده است، چون مستلزم صرف وقت است پس امکان بررسی دقیق و همه‌جانبه وجود ندارد، امکان ایجاد موقعیت مناسب برای همه شاگردان فراهم نیست، یکسان نبودن کیفیت برداشت و تغییر و تفسیر یک رفتار؛ امکان بازشناختن یک رفتار در رفتارهای ترکیبی ممکن نیست.

## ۲- ارزشیابی از طریق انجام دادن کار:

وقتی تغییرات ایجاد شده در شاگرد در حیطه روانی\_ حرکتی باشد از ارزشیابی از طریق انجام کار استفاده می‌شود که با ارزشیابی از طریق روش مشاهده کاملاً متفاوت است زیرا در این روش برخلاف روش مشاهده شاگرد می‌داند که مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد و شرایط ارزشیابی برای همه شاگردان یکسان است و معلم از طریق تغییرات انجام گرفته در عمل فرد و پیشرفت تحصیلی وی او را ارزشیابی می‌کند. در این روش مهارت و قدرت و سرعت عمل شاگرد مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد و این روش همراه با روش‌های دیگر از ضریب اطمینان بالاتری برخوردار است.

محدودیت‌های روش انجام کار: بسیاری از ابعاد ذهنی و روانی شاگرد قابل‌سنجش نیست، نوع تعبیر و تفسیر نتایج برای

@dabirfile

معلمین مختلف، متفاوت است. حالات عمومی و شخصیت آزماینده در نتایج ارزشیابی اثر می‌گذارد.

## ۳- ارزشیابی از طریق آزمون شفاهی:

آزمون: وسیله‌ای است برای بررسی مشاهدات منظم معلم از رفتار شاگرد و تفسیر مشاهدات و تبدیل آن به مقیاس‌های عددی و طبقه‌بندی شده. در ارزشیابی از طریق آزمون شفاهی پرسش و پاسخ هر دو به صورت شفاهی انجام می‌گیرد مانند مصاحبه و در صورتی که سؤالات آن اندیشیده و مبتنی بر محتوای آموزشی و از قبل تهیه شده باشد و دور از هرگونه اغراض شخصی و ارفاق باشد می‌تواند بسیار مفید و دارای ارزش و اعتبار علمی باشد. این آزمون وسیله خوبی برای سنجش معلومات، قدرت بیان، نظم فکری، فرم استدلال، تمرکز افکار و شناخت حالات درونی است و زمانی کاربرد صحیح و بیشتری دارد که آزمون کتبی قادر به سنجش در آن زمینه نباشد.

محاسن روش ارزشیابی شفاهی: دارای ارزش تشخیص قوی است و می‌توان به علت اشتباهات شاگردان پی برد. چون این روش دارای بازخوردی فوری است پس به تشویق و تقویت انگیزش و یادگیری شاگرد کمک می‌کند. در این روش می‌توان مهارت‌های شاگردان را در رویارویی با واقعیت‌ها به دقت سنجید. در تقویت قدرت بیان و استدلال شاگردان و اظهارنظر در حضور جمع و معلم مفید است. روش مناسبی برای شاگردان دوره آمادگی و سال‌های اول دبستان است که هنوز قدرت آزمون کتبی را ندارند.

محدودیت‌های روش ارزشیابی شفاهی: واهمه دانش‌آموزان از گفتن آنچه می‌دانند به علت نقص بیان. این روش به علت صرف وقت زیاد خسته‌کننده است و این خستگی تأثیر منفی روی دقت آزمایش دارد. چون مشاهده و ثبت پاسخ‌ها در حین پاسخ دادن دشوار است پس شاید بی‌دقتی و نظر شخصی وارد جریان ارزشیابی گردد. در مقایسه از نظر عینیت و اعتبار، ارزشیابی شفاهی نسبت به ارزشیابی‌های کتبی که شامل نوعی اثر دائم رفتار ارزشیابی شونده است، مزایای کمتری دارد.

#### ۴- ارزشیابی از طریق آزمون کتبی:

آزمون‌هایی که شاگرد باید به آن‌ها کتباً پاسخ گوید تا معلم بتواند با بررسی آن‌ها شاگردانش را دقیق‌تر بشناسد. بیش از دوپست نمونه آزمون در کتاب فرهنگ آزمون‌ها مطرح شده است. آزمون پیشرفت تحصیلی به دو قسمت کلی تقسیم می‌شود:

الف: آزمون‌های میزان شده

ب: آزمون‌های معلم ساخته

آزمون‌های میزان شده (مانند آزمون هوش و استعداد): در این نوع آزمون ملاک و معیار نسبی اندازه‌گیری مورد استفاده قرار

می‌گیرد و تهیه این نوع آزمون مستلزم تخصص و وقت بسیار است. و ویژگی این نوع آزمون داشتن پایایی و اعتبار عملی بودن و نورم یا هنجار است. این آزمون‌ها همراه با راهنمای دقیق به‌وسیله‌ی مؤسسات دولتی یا خصوصی برای اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی دوره‌های تحصیلی معین تهیه و همراه با راهنمای دقیق در اختیار معلمان و آزمایش‌کنندگان قرار می‌گیرد.

آزمون‌های معلم ساخته: آزمون‌هایی که معلمان برای ارزشیابی تحصیلی شاگردان خود با هدف سنجیدن اندازه توفیق شاگردان در رسیدن به هدف‌های دقیق آموزشی تهیه کرده و در طول دوره آموزش یا پایان آن اجرا می‌کنند. این آزمون‌ها هم باید شامل ویژگی‌های آزمون‌های میزان شده (پایایی، اعتبار، عملی بودن) باشند. در این آزمون‌ها معیار و ملاک مطلق اندازه‌گیری به کار می‌رود.

تفاوت‌های آزمون میزان شده و آزمون معلم ساخته:

- آزمون‌های میزان شده در مقایسه با آزمون‌های معلم ساخته به زمان و تخصص بیشتر نیاز دارد و آزمون‌های میزان شده قبل از اجرا باید تست شود که دارای پایایی و اعتبار و هنجار باشد در صورتی که آزمون‌های معلم ساخته پس از هر بار اجرا، به سهولت قابل تجدید نظر و اصلاح هستند.

- حاصل و نتایج آزمون‌های میزان شده مشخص و قطعی و قابل بررسی مجدد است و تابع نظر شخصی و نیست ولی آزمون معلم ممکن است دارای چنین ویژگی‌هایی نباشد. از آزمون‌های میزان شده برای مقایسه میزان پیشرفت شاگردان مناطق

مختلف استفاده می‌شود در صورتی که آزمون‌های معلم ساخته چون با توجه به محتوا و هدف‌های ویژه دروس خاصی تهیه می‌شوند برای این منظور خیلی مفید نیستند.

- آزمون‌های میزان شده به وجود داده‌های هنجاری اشاره دارد که برای معنی‌دار کردن نمرات آزمون هنجارهای لازم را تهیه می‌کنند در صورتی که در آزمون‌های معلم ساخته به دلیل عدم مقایسه بین گروه‌های شاگردان نیازی به هنجاریابی ندارد.

- آزمون‌های میزان شده صورت علمی دارند و درباره گروه‌های مختلف سنی و تحصیلی مورداستفاده قرار می‌گیرند و بر اساس ملاک و معیارهای علمی میزان می‌شوند پس دارای قدرت اجرایی، پیش‌بینی و تشخیص کافی هستند در صورتی که آزمون‌های معلم ساخته چنین خصایصی ندارند.

@dabirfile

#### انواع سؤال در آزمون معلم ساخته:

۱- آزمون عینی: در این آزمون هدف اندازه‌گیری توانایی شاگردان در بازشناسی مفاهیم و تعاریف درست است. نمره‌گذاری در این نوع آزمون مستقل از نظر و قضاوت شخص مصحح انجام می‌گیرد و پاسخ درست از بین پاسخ‌ها توسط دانش‌آموز انتخاب می‌شود.

#### انواع آزمون عینی:

- پرسش‌های چندگزینه‌ای (مثل سؤال‌های چهارگزینه‌ای)
- پرسش‌های صحیح و غلط: عیب این نمونه سؤال‌ها این است که اگر شاگردان تنها به این‌گونه سؤال‌ها عادت کنند یادگیری آن‌ها جزئی خواهد بود.
- پرسش‌های جور کردن: چند پاسخ در برابر چند سؤال قرار می‌گیرد و شاگرد باید تعیین کند که کدام پاسخ مربوط به کدام سؤال است
- پرسش‌های کامل کردنی: پر کردن جای خالی عبارات حذف شده توسط شاگرد

- پرسش‌های کوتاه پاسخ: همان پرسش‌های کامل کردنی است که به صورت جمله سؤالی نوشته می‌شود که جواب آن یک یا دو کلمه یا یک عبارت کوتاه است.

از این نوع پرسش‌ها می‌توان برای اندازه‌گیری معلومات لغوی، تاریخ‌های مهم، معانی و مفاهیم اصطلاحات علمی، اطلاعات عمومی و غیره استفاده کرد.

- آزمون‌های انشایی یا تشریحی: رایج‌ترین نوع آزمون‌های معلم ساخته‌اند و برای اندازه‌گیری سطوح بالای هدف‌های آموزشی در حیطه شناختی مانند تحلیل، ترکیب و قضاوت ارزشیابی بسیار مفیدند.

۳

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

@dabirfile

۱ مبانی فلسفی و علمی برنامه درسی ملی

مبانی فلسفی و علمی این برنامه همانند سایر اسناد هم‌تراز خود مبتنی بر مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی) می‌باشد و از این مجموعه، آن بخش از مبانی که مستقیماً به حوزه ی برنامه درسی دلالت دارد و به عنوان مبانی خاص برنامه درسی تلقی می‌شود، در پیوست آمده است.

## ۲- چشم انداز

برنامه‌های درسی و تربیتی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در راستای فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی- با تکیه بر میراث گران بها و ماندگار رسول الله (ص) قرآن کریم و عترت (ع) تحقق جامعه عدل مهدوی (عج) و چشم انداز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ با بهره‌گیری از الگویی پیشرفته و بومی زمینه تربیت نسلی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و خردمند، دانش‌پژوه و علاقه‌مند به علم و آگاهی، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت‌نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاک‌دامن و باحیاء، انتخاب‌گر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین، مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر، وفادار به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی را فراهم می‌سازد.

@dabirfile

## این برنامه‌ها دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- مبتنی بر مبانی و ارزش‌ها و معارف اسلام ناب محمدی (ص)؛
- ۲- برخوردار از یافته‌های معتبر علمی و پژوهشی با تأکید بر بومی‌سازی آن‌ها؛
- ۳- بهره‌مند از دستاوردها و یافته‌های علمی فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی؛
- ۴- منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط‌آفرین، پویا، انعطاف‌پذیر و مشارکت‌پذیر در تولید و اجرا؛
- ۵- ناظر به ویژگی‌ها، نیازها و فطرت الهی دانش آموزان و نیازهای اساسی جامعه؛
- ۶- بهره‌مند از تجربه‌های موفق ملی و جهانی با استفاده از ابزارها و شیوه‌های علمی و اثربخش؛
- ۷- برخوردار از رویکردی نوآورانه، آینده‌پژوهانه، واقع‌بینانه، متناسب با فطرت الهی انسان؛
- ۸- تأکیدکننده بر نقش مدرسه به‌عنوان جلوه‌ای از تحقق مراتبی از حیات طیبه و زمینه‌ساز جامعه عدل مهدوی (عج) و کانون اصلی تحقق اهداف برنامه‌های درسی و تربیتی.

## ۴- رویکرد و جهت‌گیری کلی

رویکرد برنامه‌های درسی و تربیتی «فطرت‌گرایی توحیدی» است. اتخاذ این رویکرد به معنای زمینه‌سازی لازم جهت شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت آنان به‌منظور دست‌یابی به مراتبی از حیات طیبه است.

**در این رویکرد:**

**۴-۱- دانش‌آموز:**

- ۱- امانت الهی و دارای کرامت ذاتی است.
- ۲- فطرت الهی در وجود او نهفته است و قابلیت شکوفایی و فعلیت یافتن دارد.
- ۳- همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خویش در راستای اصلاح مداوم آن حرکت نماید.
- ۴- توانایی انتخاب، تصمیم‌گیری و خویش‌داری دارد و می‌تواند با محیط یادگیری، رابطه تعاملی برقرار کند و تابع بی‌چون و چرا و مقهور محیط نیست.
- ۵- از اراده و انگیزه برخوردار است که در فرآیند یاددهی یادگیری، نقش اساسی دارد.
- ۶- در فرآیند یاددهی یادگیری و تربیت‌پذیری و توسعه شایستگی‌های خویش به لحاظ ذاتی نقش فعال دارد.
- ۷- دارای قابلیت‌ها، تجربیات، ظرفیت‌ها و توانایی‌های گوناگون است.

**@dabirfile**

##### ۵- حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی

حوزه سلامت و تربیت بدنی به دنبال برقراری سلامت کامل جسمی و روانی دانش‌آموزان به عنوان امانت الهی و بکارگیری روش‌های درست انجام فعالیت جسمانی، ارتقای توانایی‌های بدنی و حرکتی، تبیین روش‌های تفریحی سالم و ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن و پیشگیری از ایجاد بیماری و اختلال و معلولیت‌های اندامی و توانمندسازی افراد در تسلط بر رفتار خود و حفظ سلامت است.

ضرورت و کارکرد حوزه: در آموزه‌های اسلامی، بدن انسان هدیه و امانتی الهی برای تکامل روح محسوب می‌شود. حفظ بدن از خطرها، آسیب‌ها، تقویت جسمانی و برقراری سلامت، تکلیف دینی و الهی می‌باشد و در کلام معصومین علیهم‌السلام نیز بر این حقیقت تأکید شده‌است. سلامت و تربیت بدنی به عنوان عاملی اساسی و مؤثر در توسعه فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی است و ابزاری ضروری برای رشد

و پرورش انسان‌هایی سالم و توانمند جهت دستیابی به ابعاد از حیات طیبه است.



کسب صلاحیت‌های اساسی این حوزه، دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا ظرفیت‌های جسمی، روحی و روانی خود را بشناسند، به آن اعتماد کنند و در جهت پرورش آن کوشا باشند. این آموزه‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند که در قبال بهداشت و سلامتی خود مسئولیت بپذیرند و به نقش خود در تضمین سلامت جسمی و روانی و نشاط فردی و اجتماعی، به خصوص سلامت خانواده اعتقاد داشته باشند.

دانش‌آموزان در خلال ورزش و فعالیت‌های بدنی یاد می‌گیرند چگونه در قالب گروهی کار کنند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند، برای اوقات فراغت خود برنامه ریزی کنند، خطر کنند، در مسائل درگیر شوند و به کمک دیگران مسائل را حل کنند. سلامت و بهداشت موجب رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی و پیشگیری از ایجاد بیماری و ضایعات و معلولیت‌های جسمی، حسی، حرکتی، و موجب توانمندسازی فرد در تسلط بر رفتار و حفظ سلامت خود و پیشگیری از کردارهای پرخطر و بهبود زندگی دانش‌آموزان می‌شود.

**قلمرو حوزه:** بهداشت و سلامت، ورزش و تربیت بدنی و تفریحات سالم به عنوان موضوعات همبسته یک حوزه شناخته شده‌اند و اهداف مشترک بسیاری دارند. توجه به سطح کیفی زندگی و رشد و تکامل فرد، اصول صحیح تغذیه، رعایت آداب بهداشتی و کسب مهارت‌های ایمنی از مهم‌ترین اهداف این حوزه می‌باشد. این حوزه تربیت و یادگیری دارای دو زیر

حوزه اصلی «سلامت و بهداشت» و «تربیت بدنی، ورزش و تفریحات سالم» می‌باشد که شامل موارد زیر است **@dabirfile**

- مهارت‌های حرکتی و آمادگی جسمانی؛
- بازی‌ها و رشته‌های ورزشی؛
- تفریحات سالم؛
- اصول تغذیه سالم و متوازن؛
- ایمنی و پیشگیری از آسیب‌های فردی و جمعی در ابعاد و شرایط مختلف؛
- مهارت‌های زیستی و بهداشت فردی و عمومی؛
- نظام مراقبت از سلامت جسمانی و روانی با تأکید بر سلامت فرد، خانواده و اجتماع؛
- بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی.

#### جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه:

در سازمان‌دهی محتوای این حوزه در کلیه دوره‌های تحصیلی باید ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، روانی و معنوی به صورت تلفیقی مورد توجه قرار گیرد. در دوره متوسطه دوم، سازماندهی محتوا در شاخه فنی و حرفه‌ای موضوع محور و براساس رشته‌های ورزشی خواهد بود.

## ۹- اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری

راهبردهای یاددهی یادگیری باید بتواند بستر لازم را برای تحقق اهداف برنامه درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه تدارک ببیند. برای تحقق این مهم علاوه بر اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی یادگیری به شرح زیر خواهد بود:

۹-۱- امکان درک و تفسیر پدیده‌ها، وقایع، و روابط را در موقعیت‌های واقعی زندگی تدارک ببیند، به گونه‌ای که شرایط را برای درک و تصمیم‌گیری در مورد مسائلی که دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف با آن مواجه می‌شوند با رعایت نظام معیار اسلامی فراهم کند.

۹-۲- انگیزه دانش‌آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها، وقایع و روابط آن‌ها شکوفا و تقویت کند.

۹-۳- امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه‌های علت و معلولی یا وابستگی پدیده‌ها را با استفاده از تفکر بصیرت در دانش‌آموزان فراهم کند.

۹-۴- فرصت‌هایی را تدارک ببیند که شایستگی‌های کسب شده در فواصل زمانی توسط دانش‌آموز مرور و تصمیماتی برای تعدیل، بازنگری یا ادامه مسیر یادگیری توسط او اخذ شود.

۹-۵- فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌ها فراهم کند.

۹-۶- با بهره‌مندی فزونتر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی بخش و با سازمان دهی نوآورانه و خلاق فرآیند جمع‌آوری و انباشت حقایق، زمینه ساختن علم و معرفت را فراهم نماید.

۹-۷- صرفاً به انتقال دانش محدود نشده بلکه زمینه تولید علم از سوی دانش‌آموزان را با تأکید بر مشارکت آنان در مفهوم، تدارک ببیند.

۹-۸- زمینه تعامل مؤثر دانش‌آموزان را با معلم، همسالان و انواع محیط‌های یادگیری فراهم کند.

۹-۹- زمینه بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی را فراهم نماید و استفاده از آن‌ها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمندسازی (نه نگاه جایگزینی و واگذاری) دنبال کند.

### ۱۰- اصول حاکم بر ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی

برای نظام‌بخشی به تصمیمات در خصوص ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی در کلیه دوره‌های تحصیلی اصول زیر باید مد نظر برنامه‌ریزان درسی و معلمان قرار گیرد:

۱-۱۰ با استفاده از انواع روش‌ها و ابزارها، بتواند توانایی دانش‌آموزان، را در بهره‌گیری از شایستگی‌های پایه در موقعیت‌های مختلف، به صورت معنادار منعکس نماید.

۲-۱۰ با ارائه شواهد متنوع و کافی، امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش‌آموزان به اهداف برنامه درسی را تعیین نماید.

۳-۱۰ به صورت منقطع و مستمر، با توجه به وجوه متفاوت یادگیری هریک از دانش‌آموزان، فرآیند دستیابی به اهداف و چگونگی اقدام مؤثر را منعکس نماید.

۴-۱۰ با تأکید بر خودآگاهی، خودارزیابی و تصمیم‌گیری از سوی دانش‌آموزان، چگونگی جبران، رفع کاستی‌ها و دستیابی به سطوح بالاتر شایستگی در هر یک از حوزه‌های یادگیری را تدارک ببیند.

۵-۱۰ برای حفظ‌شان و کرامت انسانی دانش‌آموزان و تقویت خود پنداره مثبت آنان از بکارگیری روش‌های ارزش‌یابی ارزش‌یابی اضطراب‌آور و مایوس‌کننده، پرهیز شود.

۶-۱۰ برای تبیین و منعکس‌نمودن ظرفیت‌های وجودی و وجوه توانایی‌های متفاوت هریک از دانش‌آموزان، امکان مشارکت سایر دانش‌آموزان، مربیان و اولیاء در امر سنجش را فراهم کند.

۷-۱۰ در فرآیند ارزش‌یابی، نقش محوری و تصمیم‌سازی مدرسه و معلم در چارچوب سیاست‌های کلی آموزش و پرورش حفظ شود.

۸-۱۰ طراحی و اجرای نظام ارزش‌یابی نتیجه محور بر اساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره‌های تحصیلی، رویکرد ارزش‌یابی فرآیندمحور در ارتقای پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی و رویکرد تلفیقی (فرآیند محور و نتیجه محور) در سایر پایه‌های تحصیلی مبنا قرار گیرد.

۹-۱۰ با تأکید بر کارگروهی و فعالیت‌های جمعی و روش حل مسئله، وجه رقابت‌زایی یا رقابت‌جویی را به حداقل برساند و زمینه شکوفایی دانش‌آموزان را فراهم کند.

۱۰-۱۰ ارزش‌یابی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرایند یاددهی یادگیری تلقی شده و از نتایج آن برای برنامه‌ریزی رشد حرف‌های معلمان و بهبود برنامه‌درسی و نظام‌آموزشی استفاده شود.

۱۰-۱۱- با تأکید بر بهره‌گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش آموزان به شایستگی‌ها و تلاش برای تحقق جامعه عدل مهدوی(عج) و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش آموز، اولیا مدرسه و والدین تنظیم و ارائه شود.

#### 14 سیاست‌ها و الزامات اجرایی

اجرای برنامه درسی ملی به عنوان یکی از زیر نظام‌های مؤثر در تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و در چارچوب مفاهیم و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مستلزم اتخاذ سیاست‌های کارآمد و اثر بخش، فراهم آوردن شرایط، امکانات، منابع و زیر ساخت‌های فنی و تخصصی می‌باشد. برخی از اهم این سیاست‌ها و الزامات عبارتند از:

۱- 4 تهیه برنامه جامع، فراگیر و بلند مدت مشتمل بر کلیه اقدامات و فعالیت‌های مورد نیاز بخش‌های مختلف درون آموزش و پرورش براساس برنامه درسی ملی و تأیید و ابلاغ آن توسط وزیر آموزش و پرورش؛

۲- 4 طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی با رعایت استانداردها، حفظ مصالح ملی، افزایش مشارکت کلیه مجریان در سطوح مختلف با تأکید بر کاهش تمرکز؛

@dabirfile

۳- 4 بکارگیری روش‌های مؤثر در تأمین، نگهداشت و ارتقای نیروی انسانی متخصص اعم از کارشناسان، مشاوران و ناظران علمی به منظور طراحی و تدوین راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری؛

۴- 4 اختصاص منابع مالی مناسب و حمایت‌های حقوقی و اداری برای اجرا و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های مصوب؛

۵- 4 بکارگیری روش‌های اثر بخش در اشاعه برنامه درسی ملی، فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن آن با استفاده از ظرفیت‌های درون و بیرون آموزش و پرورش؛

۶- 4 فراهم آوردن استلزامات اداری و ساختار سازمانی مناسب برای پایش مستمر برنامه درسی ملی و بهبود آن و انجام مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز؛

۷- 4 ایجاد فرصت‌های متنوع و بکارگیری راهکارهای اثربخش برای ارتقای

توانمندی‌های ذی‌نفعان به ویژه معلمان و مدیران جهت ارتقای سطح عملکرد مدارس در اجرای برنامه درسی ملی؛

۸- 4 تجهیز مدارس به فناوری‌های نوین، کتابخانه، آزمایشگاه و کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای.

۴

چرخش‌های تحولی (ویژه‌نامه رشد ۱)

(صفحه ۱۵۴ - ۱۵۹)

## الزامات اجرای برنامه درسی ملی

### کلید واژه‌ها:

الزامات تحولی، برنامه درسی ملی، زیرنظام، الزامات اجرایی، فنی و حرفه‌ای و کاردانش

### اشاره

تحولات بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی شامل تغییرات هماهنگ منظمی است که براساس یافته‌های مطالعات نظری باید تمامی عناصر، مؤلفه‌ها و فرآیندها و روابط درون و بیرون نظام تربیت رسمی و عمومی و عملکرد ارگان و عوامل سهیم و مؤثر را دربرگیرد. از این سلسله تغییرات با عنوان چرخش‌ها از وضع موجود به سمت وضع مطلوب نام برده شده است. بر این اساس، نهاد فعلی با کارکرد صرفاً آموزشی به نهادی تبدیل می‌شود که وظیفه و رسالت اصلی آن بسترسازی برای دستیابی نسل آینده به مرتبه قابل قبولی از آمادگی به منظور تحقق حیات طیبه در تمام ابعاد است. لذا فراهم کردن شرایط و خلق فرصت‌ها و امکانات لازم برای تحقق این هدف باید در دستور کار نظام تربیت رسمی و عمومی قرار گیرد. از آنجا که زیر نظام‌های تربیت رسمی و عمومی مسیر اجرایی و الزامات تحولی را نشان می‌دهند، به برخی از این الزامات اساسی در هر یک از زیر نظام‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. زیر نظام راهبری تربیتی و مدیریت

@dabirfile

- از مدیریت اداری و کنترلی به راهبری تربیتی مبتنی بر نظام معیار اسلامی؛
- از «تمرکزگرایی» به مشارکت‌جویی و مسئولیت‌پذیری مبتنی بر خرد جمعی؛
- از برنامه‌ریزی‌های موردی و پراکنده به برنامه‌ریزی‌های راهبردی و آینده‌نگر؛
- از حاکمیت نگاه جزیره‌ای در حوزه‌های اجرایی به تأکید بر فرآیندها و پیامدها براساس نظام معیار اسلامی؛
- از انتصاب سلیقه‌ای مدیران براساس ضوابط اداری به شایسته‌سالاری در مدیریت.

### ۲. زیر نظام برنامه درسی

- از برنامه درسی «موضوع محور» به برنامه درسی مبتنی بر ساحت‌های ترکیب برای کسب شایستگی‌ها،
- از برنامه‌ریزی درسی کاملاً متمرکز به برنامه‌ریزی درسی متکی بر مشارکت مؤثر ارکان و عوامل سهیم در تربیت در تمام سطوح؛
- از برنامه درسی تک‌وجهی به برنامه درسی چندوجهی (ساختار مثلثی)؛
- از برنامه درسی «نتیجه‌محور» به برنامه درسی «پیامد محور» (تحقق شایستگی‌ها در سطح محصول و سطح برونداد نظام و پیامد آن در سطح جامعه)؛
- از یادگیری موضوعات به فرآیند دستیابی به اندیشه‌ورزی و درک معنا؛
- از جداسازی برنامه‌های آموزشی و پرورشی به برنامه درسی یکپارچه.

### ۳. زیر نظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی

- از معلم به عنوان انتقال دهنده دانش به معلم به عنوان مربی و اسوه تربیتی و سازمان‌دهنده فرصت‌های تربیتی متنوع برای احیا و ارتقای مراتب حیاط طیبه متربیبان؛
- از معلم به عنوان مجری تصمیمات برنامه درسی به معلم تصمیم‌ساز در فرآیند برنامه‌ریزی درسی؛
- از برنامه‌های صلب و بسته در تربیت مربیان به برنامه‌هایی منعطف برای دستیابی آنان به هویت حرفه‌ای منحصر به فرد و توسعه آن مبتنی بر نظام معیار اسلامی؛
- از ارتقای خودبه‌خودی سطح حرفه‌ای مربیان به ارزیابی عملکرد و صدور درجه‌مربیگری براساس میزان کارآمدی و اثربخشی؛

● از فرهنگ سازمانی بسته (محصور نمودن مربیان در فضای مدرسه) به مشارکت‌جویی علمی و انتقال تجربیات در سطوح گوناگون (مدرسه، محلی، ملی و بین‌المللی)؛

● از نگاه به معلم به عنوان کارمند اداری به معلم به عنوان شخصیتی علمی و تربیتی.

#### ۴. زیر نظام تأمین و تخصیص منابع مالی

● از انحصار در تأمین منابع به مشارکت در تأمین منابع؛

● از هزینه‌کرد منابع به مدیریت و سیاست‌گذاری بهینه منابع و مصارف؛

● از «عرضه‌مدار» و «نهادمحور» به «ستانده‌مدار» و «نتیجه‌مدار»؛

● از توزیع یکسان منابع به تنوع منابع و توزیع عادلانه آن؛

● از نگاه به نظام تربیت رسمی و عمومی به مثابه دستگاهی مصرفی به دستگاه سرمایه‌ای و مولد منابع انسانی؛

● از تغییر در روش نظارت بر هزینه توسط ذی‌حسابی به حسابرسی پس از خرج.

#### ۵. زیر نظام فضا، تجهیزات و فناوری

● از تأمین کلاس درس به سامن‌دهی موقعیت‌های یادگیری؛

● از انحصار یادگیری در کلاس درس به تنوع‌بخشی به محیط‌های تربیتی و یادگیری؛

● از نگاه تفکیکی به فضای فیزیکی مدارس به نگاه فرآیندی به تربیت و ساخت مجتمع‌های تربیتی؛

● از معماری بی‌هویت و وارداتی به معماری اسلامی - ایرانی؛

● از مدارس بی‌هویت و فاقد امکانات و فناوری‌های لازم به مدرسی با هویت مدرسه‌ صالح و کانون تربیتی محله؛

● از طراحی مدارس توسط مهندسين فنی به طراحی تیمی با لحاظ نمودن ابعاد مدرسه صالح؛

● از نگاه ابزاری به فناوری‌ها به استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین متناسب با نظام معیار اسلامی. @dabirfile

#### ۶. زیر نظام پژوهش و ارزشیابی

● از نگاه «جزئی‌نگر» به نگاه «آینده‌نگر» و «کل‌نگرانه» برای مواجهه سازنده با چالش‌های نظام.

● از تمرکز بر روش‌های کمی در پژوهش به تنوع و کثرت در روش‌های پژوهش؛

● از پژوهش‌های توصیفی، موردی و پراکنده به پژوهش‌های نظام‌مند، نوآورانه و تحول‌آفرین در راستای عملیاتی کردن اهداف

و کارکردهای نظام تربیت رسمی و عمومی؛

● از پراکندگی و جدایی مراکز پژوهشی به وحدت و یکپارچگی عملکرد مراکز پژوهشی سهیم و مؤثر در امر تربیت؛

● از تخصیص فرصت‌های پژوهشی به مراکز رسمی و پژوهشگران حرفه‌ای در سطوح کلان به ایجاد فرصت‌های پژوهشی و

جاری و ساری شدن پژوهش در تمامی سطوح؛

● از تصدی‌گری در امر پژوهش به مدیریت، نظارت و بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌ها؛

● از رویکرد آکادمیک و نظری در پژوهش‌های تربیتی و پژوهش برای پژوهش به جهت‌گیری «عمل‌مدار»، تشخیصی و

درمانی، تصمیم‌ساز و کاربردی.

اجرای برنامه درسی ملی به عنوان یکی از زیر نظام‌های مؤثر در تحقق چرخش‌های تحولی «سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش» مستلزم اتخاذ سیاست‌های کارآمد و اثربخش، و فراهم آوردن شرایط، امکانات، منابع و زیرساخت‌های فنی و

تخصصی است. برخی از اهم این سیاست‌ها و الزامات عبارت‌اند از:

● تهیه برنامه جامع، فراگیر و بلندمدت مشتمل بر تمامی اقدامات و فعالیت‌های موردنیاز بخش‌های گوناگون درون

آموزش و پرورش و تأیید و ابلاغ آن توسط وزیر آموزش و پرورش؛

● طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی با رعایت استانداردها، حفظ مصالح ملی، افزایش مشارکت همه مجریان در

سطوح گوناگون با تأکید بر کاهش تمرکز؛

- به کارگیری روش‌های مؤثر در تأمین، نگهداشت و ارتقای نیروی انسانی متخصص اعم از کارشناسان، مشاوران و ناظران علمی به منظور طراحی و تدوین راهنمای برنامه‌ی درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری؛
  - اختصاص منابع مالی مناسب و حمایت‌های حقوقی و اداری برای اجرا و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های مصوب؛
  - به کارگیری روش‌های اثربخش در اشاعه‌ی برنامه‌ی درسی ملی، فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن آن با استفاده از ظرفیت‌های درون و بیرون آموزش و پرورش؛
  - فراهم آوردن استلزامات اداری و ساختار سازمانی مناسب برای پایش مستمر برنامه‌ی درسی ملی و بهبود آن و انجام مطالعات و پژوهش‌های موردنیاز؛
  - ایجاد فرصت‌های متنوع و به کارگیری راهکارهای اثربخش برای ارتقای توانمندی‌های ذی‌نفعان، به‌ویژه معلمان و مدیران، به منظور ارتقای سطح عملکرد مدارس در اجرای برنامه‌ی درسی ملی؛
  - تجهیز مدارس به فناوری‌های نوین، کتابخانه، آزمایشگاه و کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای.
- در جدول ۱ اقدامات و فعالیت‌های موردنیاز بخش‌های گوناگون درون آموزش و پرورش را که می‌باید برای اجرای برنامه‌ی درسی ملی انجام شوند، مشاهده می‌کنید.

### الزامات اجرایی برنامه‌های درسی شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

اجرای برنامه‌ی درسی در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در کنار دیگر زیر نظام‌های تربیت رسمی و عمومی، از قبیل راهبری تربیتی و مدیریتی، نظام برنامه‌ی درسی، تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، تأمین و تخصیص منابع مالی، فضا، تجهیزات و فناوری تجهیزات، فضا، پژوهش و ارزشیابی مستلزم اتخاذ سیاست‌های کارآمد و اثربخش، و فراهم آوردن شرایط، امکانات و زیرساخت‌های لازم است. در جدول ۱، علاوه بر فعالیت‌های عام اجرای برنامه‌های درسی، برخی از فعالیت‌های مخصوص اجرای برنامه‌ی درسی شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش‌اند.

@dabirfile

در پایان، باتوجه به اسناد بالادستی، برای طراحی و اجرای برنامه‌ی درسی در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به صورت آموزش بهره‌ور و رایگان برای یک حرفه (مورد نیاز بازار کار با کدهای چهار رقمی) در آموزش و پرورش و در سطح ملی حداقل چهار ضرورت می‌توان پیشنهاد داد:

۱. حداقل نیاز توسعه‌ای بازار کار به نیروی کار در حرفه در سطح ملی برای ۳۰ سال آینده، حدود ۳۰ هزار فرصت شغلی باشد (علاوه بر تعداد افراد جویای کار در این حرفه در وضع موجود بدون در نظر گرفتن بی‌کاری اصطلاحی).
  ۲. براساس نیاز بازار کار در سطح ملی، استانی، شهری و منطقه‌ای، میانگین هزینه‌ی کلی آموزش و پرورش رایگان در هر حرفه برای هر دانش‌آموز بیش از شش میلیون تومان نباشد (بار رویکرد هزینه - فایده در دوره ۳۰ ساله).
  ۳. میانگین سالانه‌ی تعداد آموزش حرفه‌ای دانش‌آموزان ۷۰-۶۰ درصد معادل تقاضای نیروی کار در حرفه در سطح کشور باشد.
  ۴. میانگین زمان آموزش حرفه بین ۷۵-۷۰ درصد کل زمان آموزش متوسطه دوم باشد.
- در غیر این صورت یکی از موارد زیر می‌تواند اتفاق بیفتد:
- آموزش حرفه در آموزش و پرورش نیازمند خرید خدمت آموزش حرفه خواهد بود.
  - آموزش حرفه نیازمند نظام دوگانه آموزش خواهد بود.
  - آموزش حرفه با دیگر آموزش حرفه‌ها تلفیق یا تجمیع خواهد شد.
  - آموزش حرفه به آموزش غیررسمی رایگان نیاز خواهد داشت.
  - آموزش حرفه به آموزش رسمی غیررایگان نیاز خواهد داشت.
  - آموزش حرفه نیازمند آموزش غیررسمی غیررایگان خواهد بود.

جدول ۱. فعالیت های لازم به همراه متولی انجام آنها	
ردیف	فعالیت متولی انجام فعالیت
۱	تأمین نیروی انسانی (معلم، دبیر، هنرآموز و استاد کار فناوری اطلاعات به همراه دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و
۲	تهیه برنامه درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۳	تدوین استاندارد حرفه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۴	تدوین استاندارد آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۵	تهیه و تدوین جدول درس‌ها سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۶	انجام نیازسنجی آموزشی معاونت آموزش متوسطه
۷	ارائه مدرک تحصیلی مرکز سنجش
۸	مسئولیت اجرای برنامه آموزشی معاونت آموزش متوسطه
۹	مسئولیت اجرای برنامه آموزشی شایستگی حرفه‌ای معاونت آموزش متوسطه
۱۰	مسئولیت اجرای برنامه آموزشی شایستگی عمومی معاونت آموزش متوسطه
۱۱	تأمین هزینه اجرای آموزش حرفه‌ای معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی
۱۲	تأمین تجهیزات و فضای آموزش حرفه‌ای معاونت آموزش متوسطه
۱۳	طراحی گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی - حرفه‌ای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۱۴	ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی مرکز سنجش
۱۵	تعیین روش و ابزارهای سنجش پیشرفت تحصیلی و شایستگی‌های حرفه‌ای و عمومی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۱۶	تعیین ملاک کسب شایستگی‌های حرفه‌ای استاندارد ارزشیابی حرفه (مبتنی بر استاندارد عملکرد حرفه در تکلیف کاری) سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۱۷	تعیین ساختار و زمان آموزش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۱۸	تعیین استاندارد یادگیری الکترونیکی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۱۹	تعیین استانداردهای املی نرم‌افزارها سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۲۰	تعیین استانداردهای استفاده از فضای مجازی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۲۱	استفاده از فناوری‌های نو در فرآیند یاددهی و یادگیری کار و فناوری شامل یادگیری الکترونیکی و یادگیری همراه معاونت آموزش متوسطه
۲۲	استفاده از آموزش پودمانی و مبتنی بر شایستگی در تهیه مواد سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۲۳	استفاده از آموزش مبتنی بر رایانه و تهیه نرم‌افزارهای مربوطه برای تحقق عدالت آموزشی معاونت آموزش متوسطه
۲۴	ارائه مواد و بسته آموزشی براساس یادگیری مبتنی بر مغز سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۲۵	ایجاد تعامل بین اجزای بسته آموزشی در ارائه محتوای یادگیری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۲۶	استفاده از شبکه اجتماعی و یادگیری مشارکتی در ارائه محتوا معاونت آموزش متوسطه
۲۷	ارائه محتوای متنوع در فضای مجازی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۲۸	تولیدی و بارگذاری ساخت محصولات و نمونه کارهای متنوع و بارگذاری در سایت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



- ۲۹ استفاده فناوری ویکی معاونت آموزش متوسطه
- ۳۰ تألیف کتاب‌های متعدد برای یک عنوان درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۳۱ استفاده از جشنواره‌ها و بازارچه‌ها سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۳۲ طراحی سایت استانی و منطقه‌ای و در سطح مدرسه برای ارائه محصولات ادارات کل آموزش و پرورش
- ۳۳ برگزاری همایش‌های مجازی ادارات کل آموزش و پرورش
- ۳۴ بازدید از مراکز صنعتی، بنگاه‌های اقتصادی و ... ادارات کل آموزش و پرورش
- ۳۵ ایجاد تنوع در محیط یادگیری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۳۶ استفاده از فیلم‌های آموزشی و فیلم‌های رشد معاونت آموزش متوسطه
- ۳۷ استفاده از مجلات رشد معاونت آموزش متوسطه
- ۳۸ ارائه اسلاید و پوستر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۳۹ تهیه کتاب راهنمای معلم و دانش‌آموز و کتاب مرجع (کتاب همراه دانش‌آموز) سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۴۰ تهیه فیلم، نرم‌افزای و پادکست توسط دانش‌آموزان و معلمان، در تهیه محتوا سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۴۱ تهیه محتوا و نرم‌افزارهای آموزشی (شامل یاددهی - یادگیری بر خط انبوه - مووک) و بارگذاری در سایت کار و فناوری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۴۲ تهیه محتوای مبتنی بر یادگیری الکترونیکی و یادگیری همراه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۴۳ متناسب‌سازی و کاهش حجم محتوا و تعداد کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۴۴ تبیین بسته آموزشی برای معلمان و مدیران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۴۵ ارائه پوسترها، بروشورها و کتاب‌هایی برای مدیران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۴۶ تعیین صلاحیت‌های حرفه‌ای هنرآموزان و استادکاران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۴۷ تعیین صلاحیت‌های تخصصی هنرآموزان و استادکاران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۴۸ آموزش مدیران و هنرآموزان از یک سال قبل برای دستیابی آنان به شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و فناوری اطلاعات
- ۴۹ تعیین الزامات اجرای دوره آموزش ضمن خدمت مدران و هنرآموزان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۵۰ بازآموزی هنرآموزان و استادکاران با استفاده از ظرفیت هنرستان‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۵۱ تعیین استانداردهای ابزارها متناسب با دوره تحصیلی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۵۲ تعیین استانداردهای تجهیزات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۵۳ تعیین شرایط استفاده از امکانات هنرستان‌ها و امکان شبکه‌سازی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۵۴ تجهیز هنرستان‌ها براساس استانداردها سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس
- ۵۵ تعیین استاندارد فضا سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۵۶ تعیین استانداردهای چیدمان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- ۵۷ به‌کارگیری و مشارکت ذی‌نفعان در فرآیند طراحی و تدوین برنامه درسی و تهیه بسته آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

تهیه فرآیند اشاعه برنامه	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۵۸
تعیین استلزامات منابع مالی برای آموزش هنرآموزان و استادکاران، مدیران	مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و فناوری اطلاعات	۵۹
تعیین استلزامات منابع مالی برای آموزش هنرآموزان و استادکاران، مدیران	معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی	۶۰
تهیه استلزامات منابع مالی برای تجهیز هنرستان‌ها	معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی	۶۱
تهیه استلزامات منابع مالی برای تهیه و توزیع مواد مصرفی	معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی	۶۲
تهیه سازوکار اعتبار بخشی	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۶۳
تهیه سازوکار بازدید از استان‌ها	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۶۴
تهیه سازوکار ارزشیابی و اصلاح برنامه درسی و مواد و رسانه‌های یادگیری	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۶۵
آموزشی		
آموزش کارشناسان فنی و حرفه‌ای استان‌ها، گروه‌های آموزشی و کارشناس تحلیل محتوای استان‌ها	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۶۶
تدوین فرآیند اعتباربخشی راهنمای برنامه درسی		
تدوین فرآیند اعتباربخشی برنامه درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۶۷
تدوین فرآیند اعتباربخشی برنامه درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۶۸
تدوین فرآیند اعتباربخشی مواد و رسانه‌های یادگیری	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۶۹
تدوین فرآیند پایش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۷۰
تدوین فرآیند اصلاح و بهبود	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	۷۱

@dabirfile

## ۵

## آموزش چند فرهنگی و خشونت زدایی از محیط

## مقدمه

در گذشته ی نه چندان دور تصور بر این بود که ، نظام های تعلیم و تربیت بدون توجه به تنوع و گوناگونی فرهنگ ها و باورهای مردم در دیگر سرزمین ها و بدون توجه به آن چه خارج از مرزهای جغرافیایی قراردادی می گذرد ، برنامه ریزی کنند ؛ اما امروزه با از میان رفتن مرزهای قراردادی سنتی و با توجه به تاثیر فرهنگ ها بر یکدیگر ، ناگزیر باید در امر برنامه ریزی و به ویژه در طراحی برنامه های درسی به این مهم توجه شود وفایی و سبحانی نژاد ، ۱۳۹۴ ، ۱۲۱ ) . در چنین شرایطی آموزش و پرورش برای پاسخ گویی به چنین نیازی ناگزیر است ، در کنار ارائه ی دانش های تخصصی ، به دانش آموزان کمک کند دانش و مهارت هایی را کسب کنند که بتوانند در مواجهه با وضعیت و اقتضائات عصر جدید ، از جمله تعاملات و مواجهه های فرهنگی موفق عمل کنند ( حکیم زاده و همکاران ، ۱۳۸۶ ، ۲۹ ) . در این راستا ، بسیاری از کشورها به اهمیت و ضرورت آموزش چند فرهنگی توجه کرده و با طراحی و تدوین برنامه های درسی با چنین رویکردی ، سعی در تربیت دانش آموزانی آشنا به مهارت های زندگی در یک جامعه چندفرهنگی نموده اند . از جمله این کشورها می توان به استرالیا ، کانادا ، آمریکا ، مالزی و هند اشاره نمودار (قلی زاده ، ۱۳۸۱).

### مفهوم فرهنگ

در تعریف فرهنگ دو تلاش عمده صورت گرفته است. تلاش هایی که گاه مخالف یکدیگر و گاه به صورت تعاملی مطرح شده اند و عبارتند از: ۱- تلاش سنتی در تعریف فرهنگ. ۲- تلاش مدرن در تعریف فرهنگ. در تلاش سنتی برای تعریف و بیان مفهوم فرهنگ از مواردی استفاده شده است که با موارد تعریف مدرن از فرهنگ متفاوت است. در زیر به مواردی که نگاه های متعدد به فرهنگشان آورده شده است اشاره می شود:

در تعریف سنتی از فرهنگ، همسانی مشخصی میان جامعه و فرهنگ وجود دارد. در این تعریف بیشتر به توصیف ویژگیهای فرهنگ مانند پویایی، سازمان یافتگی فرهنگی، آموختگی، جامع، عام و وابسته بودن فرهنگ به نمادها، آداب و رسوم جامعه مورد بررسی قرار می دهد. در مفهوم سنتی، فرهنگ و جامعه متقابلاً قابلیت جایگزینی با یکدیگر را دارند (بهار، ۲۹: ۱۳۹۳).

در تعریف مدرن، مرکز مطالعات فرهنگی بیرمنگام، نیز تلاش زیادی در تعریف جدید از فرهنگ انجام داده است. استوارت هال یکی از چهره های اصلی مطالعات فرهنگی است که تعریف جدیدی از فرهنگ ارائه داده است. به نظر او فرهنگ کارهای زیست شده ای است که مشخصه جامعه، طبقه یا گروه خاصی در دوره ای خاص از تاریخ است. فرهنگ شامل ایدئولوژیهای عملی است که جامعه، گروه یا طبقه ای را قادر می سازد تا شرایط هستی خود را تجربه، تعریف و تفسیر کنند و معنای آن را درک نمایند (بهار به نقل از پیلینگتون، ۳۱: ۱۳۹۳).

کروبر و سی کلو کهون ترکیبی را ارائه می دهند که دربردارنده عناصری است که به طور قطع مورد قبول اکثر دانشمندان علوم اجتماعی معاصر قرار گرفته است: «فرهنگ شامل الگوهایی است آشکار و تا آشکار از رفتار که به واسطه نمادها حاصل می شود و انتقال می یابد، نمادهایی که دستاوردهای متمایز گروه های انسانی و از جمله تجسم های آنها را در کار ساخت ها تشکیل می دهند. هسته اصلی فرهنگ شامل عقاید سنتی (یعنی نشات گرفته و انتخاب شده در سیر تاریخ و بخصوص ارزش های وابسته به آن هاست. نظام های فرهنگ را میتوان از سویی فرآوردهای عمل و از سوی دیگر مشروط کننده عناصر عمل بعدی تلقی کرد. (گولد، کولب، ۱۳۹۴). بطور کلی می توان گفت فرهنگ، کلیت هم تافته و به هم پیوسته ای از باورها، فضائل و ارزش ها، آرمان، دانش ها، هنرها و فنون، آداب و اعمال جامعه را شامل شده و مشخص کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی هر ملت است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱).

### نقش فرهنگ در شکل گیری هویت افراد

هویت فرهنگی بخشی از مفهوم خود است که از دانش و احساسات درباره تعلق به یک گروه خاص فرهنگی به دست می آید .  
هویت فرهنگی در سه مرحله تکوین می یابد:

۱- هویت فرهنگی آزمون نشده : این مرحله در ابتدای نوجوانی رخ می دهد . فرد به مسئله هویت کمتر فکر می کند .  
مسائل هویت فرهنگی وجود دارد ولی نوجوان در مرحله هویت فرهنگی آزمون نشده است ( صادقی ، ۱۳۹۶ )

۲- جستجوی هویت فرهنگی : این مرحله جریانی از کشف هویت فرهنگی است که پس از یک تجربه مهم آگاهی از انتخاب را اجباری می کند . در جریان حضور در فرهنگ های متعدد در جستجوی هویت فرهنگی خود می پردازد در میر شاه جعفری و کلباسی ، ۱۳۹۵ ) .

۳- دستیابی به هویت فرهنگی : فرد با دو مساله برخورد می کند . نخست تفاوت بین حال و گذشته فرهنگ خود و دیگری پایین بودن گروه فرهنگی اش در جامعه . در این مرحله فرد به یک حس روشن و احساس اطمینان به هویت فرهنگی دست می یابد ( صادقی ، ۱۳۹۶ )

ادوارد هال ( ۱۹۷۶ ) بر این باور است که فرهنگ و زبان هر کودک ، ادراک و برداشت های ویژه ای را در وی ایجاد می کند . این برداشت به نوبه ی خود ، موجب پیدایش الگوهای مختلف تفکر ، سبک های متفاوت یادگیری و تفاوت های رفتاری در افراد می شود . بنابراین ، موفقیت یا عدم موفقیت هر دانش آموز ، بیش از آنکه جنبه فردی داشته باشد ، به فرهنگ و زبان خاص او بر می گردد . به علاوه ، ویژگی هایی چون زبان مادری ، جنسیت ، ارزش های مذهبی و حتی ترجیحات غذایی ، یادگیری های فرهنگی هستند و با فرد به مدرسه می آیند . بعضی از این یادگیری ها موجب انطباق بیشتر و برخی دیگر موجب انطباق کمتر با مدرسه هستند . برای مثال ، دشواری در ک و صحبت کردن به زبان آموزشی می تواند به تعامل شفاهی کمتر کودک منجر شود و انزوا و گوشه گیری در کلاس و روی گردانی از درس را به دنبال داشته باشد . هم چنین یادگیری کودک در زمینه ی نحوه ی برخورد با بزرگسالان می تواند بر میزان تعامل او با معلم اثر داشته باشد . رفتار معلم نیز متقابلاً تحت تاثیر قرار می گیرد ، چرا که معلمان نیز انتظارات ، نگرش ها و احساسات خود را دارند و رفتارشان می تواند محرکی برای رفتار دانش آموزان شود ، از این رو ، اگر آموزش ، " نک فرهنگی " باشد و از ارزش ها و الگوهای خاصی حمایت یا آن ها را تبلیغ کند ، کلیه دانش آموزانی که به خرده فرهنگ های دیگر تعلق دارند و از الگوهای رفتاری متفاوتی پیروی می کنند ، در موضع ضعف قرار گرفته و شانس چندانی را برای موفقیت در مدرسه و تبدیل شدن به افرادی کار آمد و مولد پیدا نمی کنند مکرونی و بلند همتان ، ۱۳۹۳ : ۷۸ )

بنابراین با توجه به اهمیت فرهنگ در شکل دادن به شخصیت افراد ، و هم چنین نقش موثر آن در میزان موفقیت دانش آموزان در محیط های آموزشی می توان گفت : " گرچه فرهنگ را ممکن است به عنوان راه انجام کارها توسط یک گروه تعریف کرد ، اما کمک به دانش آموزان برای شناخت فرهنگ های جهانی ، دلایل وجود فرهنگ های بی شمار و راه هایی که به واسطه آن ها تفاوت های فرهنگی بر روابط بین المللی اثر می گذارند ، به منظور تربیت دانش آموزان برای زیستن در یک جامعه و جهان متنوع و بسیار متغیر ضروری به نظر می رسد " ( غریبی و همکاران ، ۱۳۹۲ : ۴۵۰ ) ، که در غیر این صورت با شدت گرفتن تفاوت ها و تعارضات فرهنگی جریان آموزش و تحصیل با دشواری های زیادی مواجه گردیده و بخش قابل ملاحظه ای از انرژی دانش آموزان که باید معطوف به سازگاری و هماهنگی با محیط پیچیده و متغیر اطرافشان گردند ، در این برخورد ها تحلیل می رود .

چند فرهنگی

اصطلاح چند فرهنگی « مفهومی است که در سال های اخیر مورد تأکید تعلیم و تربیت و به خصوص جامعه شناسی آموزش و پرورش قرار گرفته و منظور از آن این است که به رغم گسترش ارتباطات بین کشورها و حرکت آن ها به سوی نظامی جهانی و منطقه ای ، مسئله ی « اقوام و ملیت ها و تفاوت های فرهنگی بین آن ها اهمیت خاصی دارد خسروی ، ( ۱۳۸۷ ) .

در حال حاضر گوناگونی فرهنگ ها و حفظ هویت های متفاوت فرهنگی خواسته منطقی و طبیعی میلیاردها انسان ساکن کره ی زمین است . گوناگونی فرهنگ ها به قاره ها و کشورها محدود نمی شود و در درون هر کشور نیز می توان اقوام و ملیت های گوناگونی را مشاهده کرد که به رغم تفاوت های فرهنگی با یکدیگر ، در درون فرهنگ ملی به حیات خود ادامه می دهند . این گوناگونی در اکثر کشورهای جهان قابل مشاهده است و به استناد آمار ، تنها ۱۰ درصد کشورهای جهان را می توان کشورهای همگن و یکدست به حساب آورد ( مهر محمدی ، ۱۳۸۴ ) .

چند فرهنگ گرایی تلاش می کند تا نشان دهد چگونه صداها و تجارب مردمان مختلف ، خاموش و از جریان مسلط فرهنگی حذف می شوند و نیز برای معضل بندی نگرش ها ، تجارب و اشکال فرهنگی متنوع توسط گروه هایی که از جریان مسلط محروم شده اند ، مبارزه می کند . چند فرهنگی گرایی ، ارزش انواع متفاوت فرهنگ و گروه های فرهنگی را تصدیق می کند و مدعی است که برای مثال سیاه پوست ، سرخ پوست ، آسیایی ، بومی آمریکایی اعتبار و اهمیت خودشان را دارند ( گریسولد ، ترجمه رضایی ، ۱۳۸۵ ) .

### تعریف آموزش چندفرهنگی

آموزش در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ به معرفی فرهنگ های مختلف از طریق برنامه درسی دلالت داشت ، فرهنگ هایی که از نظر تاریخی از بین رفته یا به اندازه ی مورد لزوم در برنامه درسی مدارس گنجانده نشده بودند . این اصطلاح بعدها مفهومی گسترده تر یافت و نه تنها گروه های قومی ، نژادی و اجتماعی بلکه گروه های دارای نیازهای خاص را نیز در بر می گیرد . ( ۲۰۰۸ ) . آموزش چندفرهنگی ، در تعریف امروزی خود به همه خط مشی ها و رویدادهایی اطلاق می شود که مدارس باید به کار گیرند تا نتایج آموزشی را برای همه دانش آموزان دارای ملیت ، طبقه ، مذهب و حتی جنسیت های مختلف و کودکان استثنایی بهبود بخشند . به عبارت دیگر ، آموزش چندفرهنگی مفهومی است که در آن ، تمام دانش آموزان صرفنظر از گروهی که به آن تعلق دارند ، باید از برابری فرصت آموزشی در مدرسه برخوردار شوند . اولین مفهوم از آموزش چندفرهنگی به دهه ۱۹۶۰ برمی گردد که تاکنون دستخوش تغییرات فراوانی شده است . از این مفهوم نیز مانند سایر مفاهیم نظام آموزشی تعاریف متعددی ارائه شده است و اغلب صاحب نظران تلاش دارند با توجه به دیدگاه خود به تبیین این مفهوم بپردازند . برخی تعاریف بر دانش آموزان ، برخی بر ویژگیهای معلم همچون فرهنگ معلم ، نحوه برخورد او با مسائل کلاس درس یا روش تدریس ، برخی به ویژگیهای خاص مدارس مانند نظام

مند شدن و در قالب سازمانی در آمدن ، رتبه بندی استاندارد کردن یا تبعیض در تخصیص منابع مالی ، برخی بر اصلاح مدارس در همه زمینه ها ، برخی بر ویژگیهای فرهنگی گروه های مختلف ، برخی دیگر آموزش چندفرهنگی را تغییر در برنامه های درسی تصور می کنند که به سادگی بتوان با افزودن مواد جدید و متنوع تغییراتی در برنامه به وجود آورد ( صادقی ، ۱۳۸۹ )

### ویژگیهای آموزش چندفرهنگی از نظر هانتر

- ۱ - یک ایده با مفهوم
- ۲ - یک نهضت اصلاح تربیتی
- ۳ - یک فرایند

این نوع تربیت بر نوع تعهد نسبت به تکثیر گرای مبتنی است که هدف آن هدایت فراگیران جهت آمادگی برای مشارکت فعال در یک جامعه متنوع و دموکراتیک هست. به عبارتی دیگر، در این رویکرد تمام فراگیران صرفنظر از گروهی که به آن تعلق دارند باید از برابری فرصت آموزشی برخوردار شوند. آموزش چندفرهنگی تلاشی است برای رها ساختن فراگیران از محدودیتهای قوم مداری و آگاه کردن آنان از برخورد فرهنگ ها، جوامع و راه های زندگی و تفکر دیگران. هدف غایی این آموزش این است که فراگیر به دور از هرگونه تعصب و پیش داوری به جهان بنگرد و بتواند و بخواهد تنوع و غنای آن را کشف کند (عسکریان، ۱۳۸۵).

نوعی آموزش است که به گروه های مختلف جامعه، که به علت ویژگیهای منحصر به فرد فرهنگ خود قربانی تبعیض و ضرب و شتم هستند. این نوع آموزش شامل مطالعه مفاهیم عمده ای نظیر تعصب، هویت، درگیری ها و از خود بیگانگی، اصلاح اعمال و سیاست های مدرسه ای است که به رسمیت شناختن تنوع قومی را در جامعه منعکس می سازد (بنکس، ۲۰۰۵). چند فرهنگی بودن یکی از موضوعات مهم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیاری از جوامع مدرن به شمار می آید. اگر چه پدیده جامعه چندفرهنگی نسبتاً کهن سال بوده و منشا و تاریخ آن در کشورهای مختلف، متفاوت است، اما اهمیت آن به ویژه در عصر جهانی گرای آشکار شده است. جامعه ایران نیز که به طور تاریخی - چه از زاویه جمعیتی و چه جغرافیایی چند فرهنگی محسوب می شود، این مساله را دامن زده است. وائسون (۱۳۸۱) معتقد است وقتی سخن از جامعه چند فرهنگی به میان می آید، صحبت از جامعه ای مرکب از یک دولت، یک ملت، یک

کشور، یک منطقه یا حتی به طور ساده، محلی چون یک شهرستان با یک مدرسه است که محاط در مرزهای جغرافیایی است و از مردمی تشکیل شده است که به فرهنگ های مختلف تعلق دارند.

@dabirfile

باوجود این تعاریف متعدد اما می تواند ایده مشترک همه تعاریف را آموزش ضد تبعیض نژادی و فرصت های برابر آموزش دانست. بزعم حامیان آموزش چندفرهنگی، این مفهوم در بهترین حالت خود یک فلسفه و یک روش برای اصلاحات آموزشی است. این افراد به شیوه آشکار به نوع فرهنگی ارج می نهند و معتقدند محتوا و ساختار و اعمال اجرا شده برای رسیدن به آموزش چندفرهنگی بسته به زمینه تفاوت خواهد کرد.

### تعلیم و تربیت و رویکرد چند فرهنگی

بدون شک، وجود این تنوع وظیفه دولت ها را در برنامه ریزی و اجرای خط مشی های تعیین شده به مراتب دشوارتر می کند؛ زیرا از یک طرف لازم است که به این تنوع فرهنگی احترام بگذارند و در عین حال، حداقل وحدتی را که لازمه بقای هر جامعه است و اغلب از طریق انتقال ارزش های مشترک و احساسی وفاداری به کشور تأمین می شود، حفظ کنند. بخش مهمی از این وظیفه به عهده نهاد آموزش و پرورش است و توانایی این نهاد در جوابگویی به نیازهای متفاوت و گوناگون شهروندان و در عین حال، حفظ وحدت و یکپارچگی کشور و برقراری تعادل مناسب بین این دو، از اهم وظایف آن است (بنکس، ۲۰۰۵).

شاید بارزترین بازتاب تفکر پست مدرن در نظام آموزشی به دلیل توجه آنان به دیگری و گرامیداشت تمایز و ارج نهادن به اقلیت های قومی، نژادی و جنسیتی، حمایت از تعلیم و تربیت چند فرهنگ گرا باشد. لذا فعالیت درسی و کار معلم باید بتواند دانش آموز را از عنصر دیگری (فرد دیگر، فرهنگ دیگر) مطلع کند (مهر محمدی، ۱۳۸۴). پست مدرنیست ها گاهی تعبیر در تربیت صداها را به کار می برند. یعنی تعلیم و تربیت مطلوبشان، تعلیم و تربیتی است که در آن صداها دیگر هم شنیده می شود. اگر فرهنگ مسلط، در متون درسی اندکی آهسته تر سخن بگوید، صدای پای خرده فرهنگ ها هم در آن شنیده خواهد شد.

هر جامعه ای فرهنگ خاص خود را دارد اما در کل دستگاه ها از نظر ساخت باهم متفاوت اند در هر سیستم با توجه به زیستگاه های طبیعی ، منابع ، زبان و ... فرهنگ خاص حاکم است .

۱ - فرهنگی آموختنی است . بهترین وسیله آموزش آن خانواده ، همسالان ، گروه همبازی ، مدرسه ، کتاب ، تلویزیون و ... است .

۲ - فرهنگ هویت دهنده است . تنها جنبه فردی نداشته بلکه دارای تجلی اجتماعی و جلوه های ناشی از روح جمعی نیز هست .

۳ - فرهنگ توسعه خواه است . فرهنگ در جوهر و سرشت خویش خواهان تبادل و ترکیب است .

۴ - فرهنگ خلاق و پویا است . فرهنگ مجموعه ای از محفوظات و معلومات علمی نیست بلکه پدیده ای اجتماعی ریشه دار و عمیقی محسوب می شود که قدرت انطباق با شرایط خاص اجتماعی را خواهد داشت . ۵ - فرهنگ ، وسیله ای است که مردم از طریق آن با محیط خویش ارتباط برقرار می کنند .

۶ - فرهنگ ، معرفت و دانشی است که مردم جهت تعبیر و تفسیر رفتار اجتماعی « به کار می گیرند . ( سبحانی نژاد و منافعی ۱۳۹۰) .

### مشکلات آموزش تک فرهنگی

@dabirfile

- کنجکاوای کودک درباره سایر جوامع و فرهنگ ها برانگیخته نمی شود ؛ زیرا او یا در معرض آن ها قرار نمی گیرد یا مطالبی از این دست ، به شکل مناسبی طرح نمی شود .
- آموزش تک فرهنگی موجب رشد خلاقیت نمی شود ؛ زیرا خلاقیت مستلزم توانایی تصور بدیل هاست (یعنی یک چیز را به چند طریق می توان انجام داد و موردی که آشنا به نظر می رسد ضرورتاً بهترین نیست).
- آموزش تک فرهنگی راه رشد تفکر منطقی را سد می کند ؛ کودک فقط از زاویه ننگ فرهنگی خود به جهان نگاه می کند و مجبور می شود همه دیدگاه هایی را که در چارچوب طبقه بندی محدود او نمی گنجد ؛ طرد کند او به فرهنگ و جوامع دیگران از دریچه ملاک های خود که ناشی از فرهنگ اوست می نگرد و آن ها را غیرعادی و بی ارزش تلقی می کند و چون جامعه خود را با هنجارهای خویش مورد قضاوت قرار می دهد ، هرگز نسبت به آن دید انتقادی پیدا نمی کند . ناتوانی در انتقاد از جامعه و به کار گیری راه حل دیگر ، فرد را به تمجید از شکوه و خلوص ، نژاد ، مذهب و فرهنگ خود وا می دارد و او را دچار خودشیفتگی خاصی می کند که زیان آور است .
- آموزش تک فرهنگی موجب ایجاد تکبر و نخوت و فقدان حساسیت و توجه می شود . کودکی که فرهنگ دیگران را مطالعه نکرده با این کار را با احساس نگرش مثبت و خلاقیت انجام نداده است ، نمی تواند احترام به فرهنگ دیگران را در خود رشد دهد .

- یادگیرنده از احترام گذاشتن به تفاوت ها و نیز پذیرش تنوع ارزش ها ، باورها ، لباس ، غذا و نحوه زندگی دیگران عاجز خواهد بود . لذا از این تنوع احساس خطر می کند و نمی داند چگونه باید خود را با آن انطباق دهد.
- آموزش تک فرهنگی ، بستر مناسبی برای نژادپرستی فراهم می کند ؛ زیرا به دلیل بی اطلاعی فرد از فرهنگ دیگران ، عکس العمل وی نسبت به این فرهنگ ها به صورت تعمیم های نادرست و عقاید قالبی است . در این دیدگاه ، فرد فرهنگ خود را به عنوان تنها مرجع جهانی معتبر ملاحظه می کند و درباره فرهنگ های دیگر با توجه به میزان نزدیکی آن ها به فرهنگ خود به قضاوت می پردازد ( بخشی و راهنما ، ۱۳۹۴ ).

### برنامه درسی آموزش چند فرهنگی

هدف اساسی برنامه های درسی چند فرهنگی ، ایجاد وفاق و اتحاد است نه افتراق و انتزاع . بر خلاف باور عمومی ، برنامه درسی چند فرهنگی خواهان هرج و مرج « ، « نگاه ترحم آمیز به اقوام و فرهنگ ها » ، « سلطه جویی فرهنگی » و در صدد استانداردسازی فرهنگ هاست ، بلکه خواهان زندگی مسالمت آمیز و همکاری میان فرهنگ های مختلف است که در برخی از موارد ، چند فرهنگی و تنوع فرهنگی با موارد مطروحه معادل گرفته شده است ، در حالی که این موارد اساسا با روح چند فرهنگی ناسازگار بوده است . تصور ناصواب دیگری که از این سو و آن سو شنیده می شود این است که برخی طراحی برنامه درسی چند فرهنگی را ، مساوی با طراحی برنامه های درسی خاص برای فرهنگ های خاص تصور کرده اند . به عنوان مثال طراحی برنامه های درسی خاص برای قوم و فرهنگ ترک ، لر ، عرب و غیره . اساس طرح چنین پنداشت های نادرستی از سوی برخی از افراد ، باعث شده است که هدف اصلی این رویکرد در میان جامعه ، کم رنگ شده و چنین پنداشت های نادرستی ، اصل و اساس رویکرد چند فرهنگی تصور گردد . برنامه درسی چند فرهنگی در صدد استقرار برنامه ای است که سعی دارد روش های زیست مسالمت آمیز توأم با صلح را در میان آحاد جامعه گسترش دهد . در این میان بهره مندی از خزانه فرهنگی همه اقوام و ملل در جهت تقویت اصول مشترک انسانی ، اساس کار است . حامیان برنامه درسی چند فرهنگی معتقدند که این نوع برنامه درسی یک مفهوم و ساز و کار انسانی است که بر پایه های عدالت ، آموزش ضد تبعیض نژادی ، توزیع برابر منابع و فرصت ها ، احترام متقابل ، تفاهم و تبادل فرهنگ (در مقابل تهاجم فرهنگی) و نیز بهره مندی از ظرفیت فرهنگ های گوناگون در جهت ساخت جامعه امن توأم با صلح ، استوار گشته است ( صادقی ، ۱۳۹۱ ).

گی ( ۲۰۰۶ ) ، اهداف برنامه درسی چند فرهنگی را مبسوط تر از دیگران بیان کرده و در شش خوشه کلی طبقه بندی نموده است . این خوشه عبارت اند از : رشد و توسعه فردی ، مهارت های اجتماعی چند فرهنگی ، توسعه سواد قومی و فرهنگی ، تبیین نگرش و ارزش ها . توانمندی در مهارت های اصلی و بهبودی فردی برای اصلاح اجتماعی .

### عناصر آموزش چند فرهنگی

#### 1. شرایط تدریس و فعالیت های کلاسی در آموزش چند فرهنگی

از آنجا که تنوع نژادی و فرهنگی در اغلب جوامع به قدر کافی در تصمیمات و اقدامات آموزشی انعکاس نیافته است ، همواره مدارس با دانش آموزان خود ، ناپیوسته یا ناهمخوان بوده اند . این ناپیوستگی اغلب زمانی پدید می آید که مدارس تحت کنترل کسانی قرار می گیرد که به فرهنگ غالب وابسته بوده و برای هدایت اقدامات ، صرفا از استانداردهای خودشان استفاده می کنند . در حالی که جمعیت موجود در آن مدارس به استانداردهای مشابه آنان عمل نمی کنند (لابل ، به نقل از صادقی ، اض ۱۹۹۷) .

ناهماهنگی های موجود ، موجب می شود دانش آموزان و معلمان دیدگ بدگاه و اعمال یکدیگر را سوء تعبیر کنند . این ناهماهنگی های فرهنگی ، اغلب با ناتوانایی های فکری اشتباه گرفته شده و تصمیمات آموزشی بر اساس آن ها اتخاذ می گردند . برای مثال ، عدم شناخت یک سبک فرهنگی ممکن است . معلمان را به این نتیجه گیری برساند که این دانش آموزان از



توانایی های ذهنی محدودی برخوردارند و یا ممکن است آن ها را به عدم خلاقیت ، فقدان انگیزه و عدم مسئولیت پذیری متهم کنند . نتیجه اجتناب ناپذیری که هنگام مواجهه این نظام های فکری متفاوت در کلاس های متکثر به دست می دهد عبارت از تعارض فرهنگی است که اگر به طور ارادی و هدفمند متعادل نشود می تواند اثربخشی فرایند آموزش و در نهایت زندگی فرد را دچار مشکل سازد(صادقی، ۱۳۸۹).

رفتار کودکان در کلاس درس ، تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ آن ها قرار دارد. از این رو ، ضروری است فعالیت های کلاس درس با هنجارهای اجتماعی متفاوت این کودکان و ارزش های فرهنگی آن ها منطبق شود تا بتواند یادگیری این کودکان را به شکل مناسبی تحقق بخشد . به هر حال ، فعالیت های کلاس باید به گونه ای باشد که مفهوم تفاوت های فرهنگی را مورد تأیید قرار دهد و به آن ارزش بگذارد ( اسپیندلر و اسپیندلر ، ۲۰۰۹ ) .

### نمونه از این فعالیت ها عبارت اند از :

- اطمینان حاصل کنید که تکالیف تعیین کننده برای دانش آموزان ، نسبت به فرهنگ های دیگر حالت اهانت آمیز با نامید کننده نداشته باشد .
  - از دانش آموزان بخواهید درباره ی موضوعات مربوط به فرهنگ های گوناگون داستان های کوتاهی بنویسند یا در این باره به بحث بپردازند .
  - درباره قانون اساسی و حقوقی که برای اقوام و ملیت های مختلف در نظر گرفته است ، بحث کنند . دانش آموزان را به بازدید نقاطی ببرید که به فرهنگ های دیگر متعلق است و درباره سهم آن ها در اعتلای کشور صحبت کنید .
- درباره نحوه ی متفاوت زندگی اقوام و گروه های فرهنگی بحث کنید و وجود گوناگون زندگی آن ها را و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.

@dabirfile

## ۲. ویژگی های محتوایی و برنامه درسی آموزش چند فرهنگی

برنامه ی درسی باید طوری تهیه شود که در آن به طور دائم نظریات ، تجارب و مشارکت فرهنگ های گوناگون ارائه شود . نیز مفاهیمی باید ارائه و تدریس شود که نشان دهنده گروه های مختلف فرهنگی و جنسیت باشد . برنامه درسی باید مطالبی را به خدمت بگیرد که از عقاید قالبی ، نژاد پرستی و ترجیح جنسیت به دور باشد و با افراد گروه های مختلف فرهنگی به طرز مثبتی برخورد کرده باشد .

برنامه ی درسی باید بر فرهنگ حال و گذشته به طور مساوی تأکید کند و افراد گروه های فرهنگی باید به عنوان افرادی فعال و پویا معرفی شوند .

برنامه ی درسی باید از هر گونه اعمال تبعیض بین زن و مرد بر حذر باشد . برنامه ی درسی و روش های یاددهی - یادگیری باید بر زمینه های تجربی کودکان متکی باشد و مفاهیم آن بر اساس زندگی روزانه و تجارب وی تنظیم شود . برنامه ی درسی باید دسترسی یکسان تمام کودکان را به آموزش امکان پذیر سازد ( اسپیندلر و اسپیندلر، ۲۰۰۹).

### رویکردهای آموزش چند فرهنگی

برای آموزش چند فرهنگی چهارچوب نظری و فلسفی مشخص وضع شده است ، خبگز ( ۲۰۰۱ ) به سه زمینه اشاره می کند :

#### ۱. چند فرهنگ گرانی محافظه کارانه

چند فرهنگ گرایی محافظه کار فرض می کنند که شرایط برای عدالت قبلاً برقرار بوده است ؛ مدارس دانش آموزان را در مسیر اصلی فرهنگ و با در نظر گرفتن ارزش ها ، آداب و رسوم و هنجارهای آن وفق می دهند . برنامه کار محافظه کاران شامل تعهدی است نسبت به استانداردهای علمی یکسان برای تمامی دانش آموزان ، با این باور که نیازهای متفاوت فرهنگی نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ندارد.

#### ۲. چند فرهنگی گرایی آزاد

رویکرد آزاد از آموزش چندفرهنگی بر نیاز به تنوع و کثرت گرایبی فرهنگی و پذیرش تفاوت ها تاکید می کند. دیدگاه آزاد در آموزش بیشتر بر محتوای برنامه درسی تاکید می کند.

### ۳. چند فرهنگ گرایی انتقادی

دیدگاه انتقادی به دنبال برابری و عدالت از طریق تمرکز بر روابط میان برابری و برتری از یکسو و اشکال نژادی، قومی و طبقه ای از سوی دیگر است. چند فرهنگ گرایان انتقادی معتقدند مدارس استانداردهایی را بر دانش آموزان تحمیل می کنند که روابط قدرت و قشربندی اجتماعی را در جامعه تقویت می کند بخشی و همکاران، (۲۰۱۵).

### چند فرهنگی و خشونت

نوربرت الیاس، جامعه شناس آلمانی در کتاب فرآیند تمدن (1939) چنین بیان می کند که در تمدنهای ابتدایی بشری، استفاده از زور و اجبار عاملی بود که افراد در جامعه را مجبور به قبول حقوق و حد و مرز زندگی دیگران می کرد. این تعریف از متدین بودن را می توان تا حد قابل قبولی به مفهوم «تقوا، منطبق دانست که در ادیان الهی نسبت به آن تأکید بسیار شده است. نتیجه اینکه متدین بودن و تقوا داشتن عامل مهمی در رعایت حقوق، مدارا و پرهیز از رفتار خشونت آمیز با دیگران است. واقعیت نیز چنین است که شخص هنگامی از روشهای خشونت گرایانه استفاده می کند که نتوانسته باشد دیگران را تحمل کند و در مواجه شدن با دیگران برای رعایت و تحمل دیگری، ترمزهای درونش عمل نکنند. وی معتقد است که خشونت پدیده ای است که در فرآیند اجتماعی شدن آموخته می شود عدم خشونت ورزی به سطح تمدن جامعه و رشد فرهنگ احترام به شخصیت و عقاید دیگران و روشهای زندگی شیوه های رفتاری دیگری و شکل گیری فرهنگی دموکراسی در جامعه مربوط است.

### @dabirfile

به نظر می رسد که محو خشونت ممکن نیست مگر آنکه در همه نهادهای رسمی و غیررسمی (مانند مدارس خانواده ها و ... و کلان جامعه تغییر و تحولی بنیادین و مستمر و پایدار صورت گیرد، تنها در این صورت فرهنگ خشونت ورزی جای خود را به مدارای اجتماعی خواهد سپرد. تعصبات و تبعیضات قوسی از جمله چالشهایی هستند که وقتی افراد از گروه های گوناگون با هم تعامل پیدا میکنند، به وجود می آید. اختلاف اغلب بخش ذاتی شرایط انسانی است، به ویژه در جامعه ی کثر تگرا، برنامه های آموزش چندفرهنگی که تنوع قومی را به روش واقع بینانه و مثبت مورد بررسی قرار میدهند، اختلاف قومی را از دیدگاه مناسب آن ارائه می کنند، به دانش آموزان می فهماند که تنوع ارزشمند است و اینکه همکاری میان گروه های قومی لزوماً مستلزم وجود اعتقادات، باورها و ارزشهای یکسان نیست.

از سویی دیگر و در عالم واقع ممکن است که فرآیند آموزش های تربیتی در ساحت های خانواده، مدرسه، رسانه ها و ... نه تنها با یک وحدت رویه انجام نمی گیرد بلکه در مواردی در تناقض و حتی تضاد با یکدیگر شکل گرفته و عمل می کنند. به این ترتیب واکنش برخی دانش آموزان به این گونه تضادها و تناقضات ممکن است به شکل نوعی خشونت های کلامی و یا حتی جسمانی بروز پیدا کند. هر چند این موضوع قاعدتا و به دلیل مشکلات ناشی از اختلافات طبقاتی و تفاوت های فرهنگی، در سطح خانواده ها پررنگ تر و ملموس تر است اما در نظام آموزشی

رسمی و متمرکز مدارس، چنین تعارضات و دوگانگی هایی ممکن است به گونه های دیگری به چشم آید. یکی از زمینه ها و بسترهای خشونت می تواند به تفاوت های فرهنگی، زبانی و قومی دانش آموزان برگردد. چرا که مدرسه برعکس خانواده دارای تنوعات و تفاوت های فرهنگی، قومی، نژادی و ... بیشتری بوده و از این جهت امکان بروز خشونت ها بیشتر می باشد. از سوی دیگر دانش آموز محیط مدرسه را مکانی برای تخلیه هیجانات و بروز رفتارهایی می بیند که در خانواده از آنها منع می شود و ضمن اینکه ممکن است به دلیل ارتباط عینی و تأثیر پذیری از گروه همسالان در محیط مدرسه امکان تخلیه چنین هیجاناتی به شکل رفتارهای مخاطره آمیز بیشتر شود.

خشونت گاه خود را بصورت کلامی ، توهین ، تحقیر ، تمسخر و لقب دادن و گاه بصورت خشونت های جسمانی نشان می دهد. به عبارتی بسیاری از تنش ها و نا آرامی ها در مدرسه ناشی از رفتارهای بین فردی دانش آموزان است که بدون در نظر گرفتن زمینه های اجتماعی و فرهنگی متفاوت در کنار هم در مدرسه تحصیل می کنند و هرگز آموزش برای ایجاد تفاهم و بهبود مهارت های اجتماعی لازم دریافت نمی کنند. اثرات فردی و اجتماعی این خشونت ها آشکار است ، کودکی که به هر علتی در محیط آموزشی تحت خشونت های کلامی یا بدنی قرار می گیرد ، علاوه بر احساس ناامنی و بیزاری از مدرسه که نتیجه آن بصورت افت تحصیلی یا ترک تحصیلی آشکار می شود و با اثرات ناگوار این رفتار در طول زندگی مواجه می شود ، به نحوی که او نیز ممکن است بعدها به هنگام تشکیل خانواده یا در مسئولیت هایی که بر عهده خواهد گرفت رابطه ای ناسالم با دیگران برقرار کرده و چه بسا خشونت را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد. علاوه بر آن خشونت در مدرسه می تواند به بد شدن جو کلاس و مدرسه بیانجامد و با ایجاد اختلال در تدریس معلم، روابط میان دانش آموزان و نیز روابط میان معلم و دانش آموز را ضایع کند.

دکتر عراقیه و دکتر فتحی در مقاله ای تحت عنوان جایگاه چندفرهنگی در آموزش مدرسه ای و آموزش عالی که در نشریه راهبرد فرهنگ به چاپ رسیده است ، معتقدند که آموزش چندفرهنگی در برنامه درسی پنهان و همچنین آموزش مدرسه ای ما دارای جایگاه ضعیفی بوده و این مساله می تواند زمینه ساز باز تولید نگرش طبقاتی ، جدا افتادن بین فراگیران ، به حاشیه راندن برخی از فرهنگ ها و قومیت ها و عدم درک متقابل دانش آموزان فرهنگ های مختلف گردد. آنها در مطالعات خویش به موارد و شواهدی اشاره دارند که موید این موضوع است:

یکی از دانش آموزان چنین می گوید: «یک روز که در حیاط مدرسه نشسته بودیم، متوجه صحبت دو نفر از بچه ها شدم.

@dabirfile

فهمیدم یکی از آنها آذری و دیگری هم تر است. بچه های دیگر هم در کنار آنها نشسته بودند. و این دو نفر رله جان هم انداخته بودند و آنها همدیگر را مسخره می کردند. من از این موضوع خیلی ناراحت شدم که آنها در جلو افراد دیگری که در اصطلاح فارس بودند، یکدیگر را مسخره می کردند و اطرافیان هم به این دو هم چنان می خندیدند.»

این وضعیت با آموزش چندفرهنگی که نیازمند درک ، پذیرش و همدلی و روابط سازنده میان فراگیران فرهنگ های مختلف است ، تفاوت زیادی دارد و به نظر می رسد دانش آموزان دوره متوسطه به عنوان برون داد نهایی آموزش و پرورش که بخشی از آنان جهت ادامه تحصیل وارد آموزش عالی خواهند شد ، از آموزش لازم در خصوص تعامل با دانشجویان فرهنگ ها ، قومیت ها و نژادهای مختلف برخوردار نیستند ... دانش آموز دیگری در ای زمینه عنوان می کند که : « در یکی از درس هایمان دبیری داشتیم که دارای لهجه بود ، رفتار بچه ها در این زمینه به صورتی بود که ابتدای سال تصور کردم بچه ها می خواهند کمی بخندند . اما بیچاره این معلم تا پایان ترم در هجوم جمله های نیش دار بچه ها قرار گرفت و بسیار ناراحت شد . آخر چرا ؟ مگر آنها ایرانی نیستند . بالاخره آنها هم در این آب و خاک به دنیا آمده اند و آنها هم غرور دارن . ره راستی چرا فردی به تهرانی ها ایراد نمی گیرد؟ »

بطور کلی می توان گفت تعامل بین فرهنگی هر روز در زندگی افراد جامعه جاری و ساری است و مدرسه ، اغلب نخستین مکانی است که مجبوریم با دیگران با فرهنگ های متفاوت زندگی کنیم . مدرسه محلی است که برای زندگی آینده آماده می شویم و آموزش انسان اجتماعی شدن « را از طریق احترام به دیگران و پذیرفتن آنان می آموزیم . دانش آموزان باید دانش و مهارت لازم را کسب کنند تا نه تنها به طور مؤثری با دانش آموزان گروه های گوناگون کار کنند بلکه به دانش آموزان گروه های دیگر کمک کنند تا دانش ، ارزشها و قابلیت های میان فرهنگی را گسترش دهند . اگر مدرسه نتواند چنین آموزش هایی بدهد در برابر نسل آینده وظیفه خود را انجام نداده است .

=====

### راهبردهای ارتقای آموزش چند فرهنگی در کشور

آموزش چند فرهنگی یکی از مباحث زنده ، مهم ، ضروری و در عین حال دارای دشواری هایی در بخش های طراحی و اجراست . امروزه تنوع در آموزش براساس قومیت ، طبقه اجتماعی ، زبان ، فرهنگ و علائق ، دیگر موضوعی از سر تحمیل یا گزینه اختیاری نیست ، بلکه برای بقای هر جامعه ای یک ضرورت اساسی است . نظام آموزشی کشور ناگزیر است در جهت تبعیت از الزام های قانونی به صورت متناسب و در راستای تحقق این مهم قدم های مؤثری برداشته تا بتواند فرصت های مناسبی برای رشد و تعالی کشور بر جای گذارد . زمینه ای فراهم کند افرادی تربیت شوند که نه تنها نسبت به فرهنگ خود قدردان اند ، بلکه نسبت به فرهنگ های دیگر نیز ارزش احترام قائل اند . وجود فرهنگ دیگران را مقوم فرهنگ خود و باعث پیشرفت و تعالی نوع بشر بدانند . البته موفقیت شکست این رویکرد خود وابسته به آمادگی ، دانش ، نگرش و مهارت موجود در نیروهای اثرگذار علمی و سیاسی هر جامعه ای است که آگاهی باور به چنین رویکردی را کسب کرده باشند . بدین جهت ، مطلوب آن خواهد بود که نقطه عزیمت همه دست اندر کاران نظام آموزشی کشور نیز به این سمت و سو باشد ؛ حرکت به سوی او حدت در عین کثرت . برای نیل به این هدف راهبردهایی در قالب دسته بندی های زیر پیشنهاد می شود:

#### الف ( راهبردهای کوتاه مدت

۱. تبیین اهداف برنامه درسی چند فرهنگی برای سیاست گذاران ، مدیران و برنامه ریزان در سی در جهت اصلاح و تغییر نگرش آنها در خصوص مفهوم و اهداف آموزش چند فرهنگی.

۲. برگزاری دوره های ضمن خدمت نحوه آموزش چند فرهنگی برای معلمان ؛ تا زمانی که معلمان کشور از رویکرد آموزش چند فرهنگی آگاهی درست و مناسب به دست نیاورده باشند ، آموزش چند فرهنگی راه به جایی نخواهد برد و نخواهد توانست به اهداف خود نزدیک شود . برای تحقق این هدف ، آشنایی معلمان با روش های تدریس چندفرهنگی ، نقطه شروع کار است ( صادقی ، ۱۳۹۱ ).

@dabirfile

۳. برگزاری دوره ها و همایش های ملی و محلی در سطح مدارس ، فرهنگسراها و سایر ارگان ها و نهادهای اجتماعی ، آموزشی و فرهنگی کشور در سطوح مختلف آموزشی.

=====

#### ب ( راهبردهای میان مدت

۱. تدین برنامه آموزشی آشنایی با تاریخ اقوام و فرهنگ ایران ، در قالب کتب درسی و آموزشی در جهت اجرای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی بدون تحلیل سلسله مراتبی تاریخ ، میراث اقوام و فرهنگ های ایرانی برای دانش آموزان ، از طریق ارائه محتواهایی که به صورت جامع بنواند به این هدف پوشش دهد ، تا اندازه زیادی ضروری به نظر می رسد تا زمانی که افراد از تاریخ و پیشینه اقوام و فرهنگ های موجود کشور ، اطلاعات صحیحی نداشته باشند ، ارتباط مناسبی نیز با آنها برقرار نخواهند ساخت . شاید یکی از علل پیش داوری افراد در جامعه کنونی نسبت به فرهنگ ها و داشتن تصورات منفی از فرهنگ به علت عدم آشنایی افراد با پتانسیل تاریخی و فرهنگی اقوام باشد.

۲. ارائه محتوای آموزشی ، « آموزش چند فرهنگی » در برنامه درسی رسمی دوره تربیت معلم ؛ یکی از مناسب ترین و اثربخش ترین دوره های آموزشی که می تواند فرهنگ محتوای آموزشی چند فرهنگی را نهادینه سازد ، دوره های تحصیلی مراکز تربیت معلم است که در سرتاسر کشور گسترده شده است . به رغم نویسنده اگر در این مراکز ، محتواهایی با عنوان « آموزش چند فرهنگی ، و با عنوان مشابه دیگر در اختیار دانشجو معلمان تربیت معلم قرار گیرد ، نیل به اهداف برنامه درسی چند فرهنگی ، کم هزینه و سهل تر خواهد بود . با توجه به اینکه فارغ التحصیلان این مراکز در جای جای کشور پراکنده می شوند به راحتی می توانند ، این نوع نگاه را در وجود دانش آموزان نهادینه سازند ( صادقی ، ۱۳۹۱ ).

۳. بستر سازی آموزش زبان مادری برای مناطق دو زبانه کشور در جهت اجرای اصل پانزدهم قانون اساسی ؛ زبان به عنوان عامل مهم فرهنگ و فرهنگ سازی نقش مهمی در برنامه درسی چند فرهنگی بازی می کند . درک حقایق یک زبان با درک

فرهنگ متکلمان آن ارتباط نزدیکی دارد ( دوستی زاده ، ۱۳۸۷ : ۶۸ ) . به همین جهت ، زبان به عنوان یک رفتار اجتماعی ، باید در بافت فرهنگی - اجتماعی خود مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گیرد ( پارسا ، ۱۳۹۱ ) ، زبان های مادری با توجه به پررنگ بودن بعد احساسی - عاطفی شان برای دارنده آن زمان در فهم یک موضوع ، عملکرد بهتری از خود نشان می دهد از این جهت توجه به زبان مادری نه تنها پیشرفت تحصیلی دانش آموز را تسهیل خواهد ساخت ، حس خود ارزشمندی به صاحبان فرهنگ ها اعطا خواهد نمود. بدین جهت بستر سازی برای آموزش زبان مادری ضمن اینکه پاسخگویی به یک الزام قانونی در کشور را تضمین خواهد ساخت ، سبب خود ارزشمندی فرهنگ های مختلف خواهد شد ( صادقی ، ۱۳۹۱ ) .

### ج ( راهبردهای بلند مدت

۱. تجدید ساختار برنامه های درسی با رویکرد چند فرهنگی هم در سطح آموزش عمومی و هم در سطح آموزشی عالی ایده آل برنامه درسی چند فرهنگی ، تجدید ساختار همه برنامه های درسی و در همه سطوح آموزشی براساس رویکرد چند فرهنگی است . با توجه به اینکه این امر نیازمند بستر سازی مناسب ؛ از جمله فهم ضرورت رویکرد چند فرهنگی از سوی مسئولین ذیربط ، برنامه ریزان درسی ، مدیران آموزشی ، معلمان مدارس دانشگاه هاست ، بدین جهت می توان این امر را یک راهبرد نسبتا بلندمدت قلمداد نمود که فراهم شدن این زمینه ، نیازمند صرف زمان و انرژی بیشتری است ( صادقی ، ۱۳۹۱ ) .

۲. ایجاد رشته های رسمی در سطوح تحصیلات تکمیلی در حوزه های آموزش چند فرهنگی به عنوان گرایش هایی از علوم تربیتی ، علوم اجتماعی و فرهنگ ؛ نمونه ایجاد رشته های دانشگاهی در این زمینه در کشورهای مختلفی از جمله نروژ ، استرالیا و کانادا ایجاد شده است .

@dabirfile

۶

### دستورالعمل نهایی سفیران سلامت

( کلیه رتبه ها)

ویژه سنجش دانش حرفه ای برای کلیه مشمولین دریافت رتبه نیمسال دوم سال ۹۹ (جامانده)

بحران ویروس کرونا و بیماری عالم گیر کووید ۱۹ رویدادی اضطراری است که وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای جوامع و دولت ها ایجاد کرده و باعث به وجود آمدن وضعیتی شده است که برای مقابله با آن به اقدامات اساسی و جدید نیاز است. اما این بحران علاوه بر اینکه حامل معنی "خطر" است، محمل "فرصت" نیز خواهد بود. کرونا نشانگر یک مانع، آسیب، ضایعه و تهدید است و در عین حال فرصتی برای رشد یا افول، زمانی برای آزمایش تاب آوری سیستم ها و آموزش های غیر حضوری و الکترونیک است.

کودکان و نوجوانان امروز، عاملان قدرتمند تغییر و نسل آینده ی مراقبین، دانشمندان و پزشکان کشور ما هستند. هر بحران، فرصتی است برای کمک به کودکان و نوجوانان برای یادگیری، تمرین و افزایش تاب آوری و در نهایت، ساختن جامعه ای امن تر. داشتن اطلاعات درست درباره بیماری کرونا به از بین بردن ترس و نگرانی های دانش آموزان نسبت به بیماری کمک

می‌کند و آنها را برای مقابله با هر گونه پیامد ثانویه بیماری بر زندگی‌شان آماده می‌سازد. آمارهای منتشره یونسکو، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۰ میلادی بالغ بر ۱/۶ میلیارد نفر دانش آموز در سراسر دنیا متأثر از شیوع بیماری کرونا از تحصیل در مدرسه دور مانده‌اند. دانش آموزان ایرانی نیز از اسفند ۱۳۹۸ به منظور کنترل این بیماری نتوانسته‌اند در مدارس حضور یابند؛ اما با این وجود از ابتدایی ترین ورزش‌های شیوع این بیماری روند آموزشی در مدارس تعطیل نشد، و با روش‌های مختلف مبتنی بر دانش و خلاقیت مربیان، معلمان و حمایت برنامه ریزان نظام تعلیم و تربیت و با کمترین تجربه و امکانات و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها شرایطی برای دانش آموزان، مربیان و معلمان فراهم شد که به صورت قابل قبولی سال تحصیلی را به پایان رسانند. به جرات می‌توان بیان کرد در سال تحصیلی سپری شده، مسئولیت مدیران، برنامه ریزان و مراقبن سلامت مدارس در ترویج فرهنگ سبک زندگی جدید در جهت ارتقای سلامت دانش آموزان و همچنین کنترل تبعات و پیامدهای منفی ناشی از قرنطینه خانگی، بسیار حائز اهمیت بوده است. با توجه به استمرار این بیماری در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ و تغییر شیوه اداره مدارس (به دو شکل حضوری و غیر حضوری)، ضروری است سازوکارهای لازم برای تبیین و تشریح وظایف و مسئولیت هر یک از عوامل سهیم و موثر در اجرای برنامه سفیران سلامت دانش آموزی با تاکید بر افزایش قابلیت و کارآمدی مراقبین سلامت در جهت تدوین و تهیه محتوای الکترونیکی متناسب با

@dabirfile

استفاده از فضاهای مجازی مورد تایید وزارت آموزش و پرورش از جمله کانال اطلاع رسانی شبکه آموزشی دانش آموزان (دانش آموزان) و اپلیکیشن سفیران سلامتی با شرایط مدارس فراهم گردد. تا این فرصت را برای دانش آموزان مهیا کنند که آگاهی‌های لازم در خصوص موضوعات سلامت و محیط زیست را با استفاده از روشهای تعاملی و مشارکتی فضاهای مجازی مورد تایید وزارت آموزش و پرورش کسب و آن را به سایر همسالان منتقل کنند.

برنامه سفیران سلامت در چهار دوره تحصیلی (اول و دوم ابتدایی، اول و دوم متوسطه) در مدارس شهری و روستایی با همکاری دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس و دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تدوین شده است.

➤ به استناد آیین نامه نحوه ارائه خدمات آموزشی و پرورشی فوق برنامه در مدارس دولتی، به شماره ابلاغ ۱۲۰/۴۷۷/۱ مورخ ۱۳۷۷/۴/۲۳، نحوه اجرای برنامه بهداشتی سفیران سلامت به شرح ذیل جهت اجرا ابلاغ می‌گردد:

#### تعاریف:

سفیران سلامت دانش آموزی: به دانش آموزان داوطلب و علاقه مند به فعالیت‌های گروهی مجازی در حیطه‌های مختلف سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی و معنوی) اطلاق می‌شود.

شرایط عضویت دانش آموزان در برنامه سفیران سلامت:

۱- استعداد و علایق فردی؛

۲- قابلیت فراگیری؛

۳- قدرت سازماندهی؛

۴- داشتن مهارت‌های هنری؛

۵- توانایی در انجام امور محوله؛

۶- داشتن مهارت در استفاده از فضای مجازی؛

• سفیر سلامت توسط مجری برنامه از بین دانش آموزان علاقه مند انتخاب می‌شود.

### شرح وظایف سفیران سلامت:

- حضور و مشارکت فعال در کانال اطلاع رسانی شبکه آموزشی دانش آموز (شاد) و اپلیکیشن سفیران سلامت

- حضور نمایندگان سفیران سلامت در جلسات مجازی شورای مدرسه

- همکاری با مجری برنامه در برگزاری هرچه با شکوه تر ایام و مناسبت‌های خاص در طول سال با توجه به شرایط موجود

- همکاری و همفکری اعضای گروه در انجام فعالیت‌ها

- همکاری در اجرای برنامه مدارس مروج سلامت (در صورتی که برنامه مدارس مروج سلامت در مدرسه اجرا می‌گردد)

- جلب همکاری سایر دانش آموزان در انجام فعالیت‌های بهداشتی در شرایط غیر حضوری با استفاده از فضای مجازی

- نوآوری و خلاقیت در روند آموزش فعال

- ارائه مطالب آموزشی و علمی مانند (پمفلت، بروشور، نشریه، پیام بهداشتی و ...) در مورد اصول بهداشت فردی، تغذیه سالم،

ایمنی و بهداشت محیط، محیط زیست، بیماری‌های واگیر و غیرواگیر و ... زیر نظر مجری برنامه؛

- انتقال مطالب آموخته شده به سایر دانش آموزان با نظارت مجری از طریق فضای مجازی

- تاکید بر ترویج فرهنگ تغذیه سالم در فضای مجازی به سایر دانش آموزان؛

- همکاری با مجری برنامه در نظارت بر وضعیت بهداشت، ایمنی و تاریخ شارژ کپسول اطفای حریق، نظارت بر رعایت

پروتکل‌های بهداشتی پیشگیری و کنترل کرونا ویروس و نظافت و ضد عفونی محیط داخل مدرسه (کلاس، پله، سالن، حیاط،

سرویس بهداشتی و ...) در صورت باز بودن مدارس

- همکاری با مجری برنامه در اجرای برنامه‌های زیست محیطی و حفظ و توسعه فضای سبز مدرسه در صورت باز بودن مدارس

- انجام سایر وظایف محوله بر اساس دستورالعمل ابلاغی از دفتر سلامت و تندرستی

- ارائه گزارش کار در موعد مقرر به مجری برنامه به نحو مقتضی

تبصره ۱: شرح وظایف سفیران سلامت دانش آموز با توجه به شرایط کرونا و دستورالعمل‌های ابلاغی متناسب قابل تغییر

خواهد بود.

تبصره ۲: مواردی که نیاز به حضور دانش آموزان دارد در زمان عدم حضور دانش آموزان به صورت فعالیت آموزشی با بستر فضای مجازی عنداللزوم انجام شود.

علامت مشخصه سفیران: نشان ویژه مانند (کاور، جلیقه، حمایل، مقنعه، شال، کلاه، کارت و ...) است که با استفاده از لوگوی کشوری و خلاقیت استانی برای گروه‌ها به عنوان مشخصه شناسایی اعضا تهیه و اهدا می‌شود.

#### گروه هدف:

مدارس شهری و روستایی دوره‌های اول و دوم ابتدایی، اول و دوم متوسطه  
شیوه انتخاب اعضا: انتخاب دانش آموزان کوشا، علاقه مند و داوطلب در سطح کلیه مدارس به گونه‌ای که از هر کلاس در هر مدرسه حداقل یک نفر انتخاب شود.

#### تعداد اعضا:

۲۰ درصد دانش آموزان ابتدایی و ۱۰ درصد دانش آموزان متوسطه (با رشد ۰/۵ درصد سالیانه)

#### مجری برنامه:

به مراقب سلامت یا رابط سلامت (مدیر، معاون، معلم و ...) در مدرسه، مجری برنامه اطلاق می‌شود.

@dabirfile

- در مدارس شهری دارای مراقب سلامت، اجرای برنامه جزء شرح وظایف ایشان است.
- در مدارس شهری فاقد مراقب سلامت، مدیران مدارس در صورت صلاحدید می‌توانند این وظیفه را به یکی از پرسنل اداری یا آموزشی یا پرورشی که علاقه مند و داوطلب هستند، تفویض نمایند.
- در مدارس روستایی اجرای برنامه و آموزش‌ها توسط بهروزان خانه بهداشت با نظارت مدیر مدرسه صورت می‌گیرد. (بر اساس بند ۷ تفاهم نامه جامع بین وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

#### شرح وظایف مجری برنامه:

- اجرای دستورالعمل؛
- شرکت در جلسات آموزشی - توجیهی، دوره ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی استانی؛ (ترجیحاً غیر حضوری)
- انتخاب سفیران سلامت (دانش آموزان داوطلب که در تعاریف آمده است).
- برگزاری کلاس‌های آموزشی ویژه سفیران به صورت مجازی؛
- اطلاع رسانی و اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌هایی متناسب با شرح وظایف سفیران به مناسبت‌های مختلف (مسابقه، و ...) از طریق فضاهای مجازی مورد تایید وزارت آموزش و پرورش؛
- نظارت و ارزشیابی مستمر فعالیت‌های سفیران سلامت؛
- تشویق و تقدیر از سفیران سلامت نمونه؛



- جمع آوری آمار از طریق بانک اطلاعاتی سامانه نظارت از سطح منطقه؛

- تهیه گزارش اجرای برنامه و ارسال آن به منطقه.

❖ لازم به ذکر است که با صلاحدید مجری برنامه و در صورت نیاز، عضو جدید جایگزین عضو قبلی می‌شود.

@dabirfile

فرآیند اجرا: فرآیند اجرای برنامه تا پایان سال تحصیلی بر اساس جدول گانت به شرح زیر است:

جدول گانت طرح سفیران سلامت

### آموزش:

از آبان ماه و به مدت ۱۶ جلسه آنلاین در طول سال تحصیلی بر اساس سرفصل‌های ارائه شده توسط مجری برنامه انجام می‌شود. (در ساعات غیر درسی مدرسه به صورت غیر حضوری و با استفاده از فضای مجازی مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش محتوای آموزشی دریافت گردد).

- در شرایط کرونا مجری برنامه می‌تواند به تناسب ۱۶ جلسه موضوعات ابلاغی را در قالب حداقل یک کلیپ، موشن گرافیک و یا سایر رسانه‌های تصویری در گروه سفیران سلامت مدرسه بارگذاری نماید.

- مدیر مدرسه با مسئولیت مراقب سلامت در شبکه آموزش دانش آموز (شاد) کانالی تحت عنوان سفیران سلامت دانش آموزی ایجاد نماید و کلیه دانش آموزان سفیران سلامت را در کانال مذکور جهت دریافت آموزش‌های غیر حضوری عضو نماید.

- هر سفیر سلامت بعد از دریافت آموزش‌های لازم از مجری برنامه حداقل به ۱۰ نفر از دانش آموزان همسالش در همان مدرسه از طریق فضای مجازی آموزش‌های دریافتی را انتقال دهد.

تبصره ۱: لازم به ذکر است مجری برنامه می‌تواند از شیوه‌های نوین آموزش بهداشت از جمله بارش افکار، بحث گروهی، ایفای نقش، تحقیق و بررسی، بازی و سرگرمی، نمایش و داستان گویی، طراحی و نقاشی و ... در قالب فضای مجازی و با استفاده از اپلیکیشن سفیران سلامتی استفاده کند.

تبصره ۲: در شرایط حضوری اجرای آموزش طبق پروتکل‌های بهداشتی انجام شود.

#### نحوه ارزشیابی:

ارزشیابی بر اساس موارد زیر صورت می‌گیرد:

- انجام فعالیت‌های محوله بر اساس شرح وظایف؛
- خلاقیت و ابتکار در اجرای فعالیت‌های محوله.

#### تشویق:

- برای موفقیت هر چه بیشتر و بهتر برنامه، لازم است در فرصت‌های ممکنه و به شیوه‌های مختلف از کلیه سفیران تشویق و تقدیر به عمل آید.

- تقدیر از مجریان فعال برنامه با اهدای جوایز و تقدیرنامه استانی در پایان کمپین هر دانش آموز یک سفیران سلامت با شعار آموزش ایمن ضامن سلامتی و ... صورت پذیرد.

تبصره: هر ساله حداقل یک کمپین در هر سال تحصیلی به صورت ملی اجرا خواهد شد.

#### شیوه‌های تشویق و تقدیر از سفیران:

- معرفی سفیران سلامت برگزیده در هر کمپین در هر استان از طرف ستاد؛
- اهدای جوایز به سفیران سلامت برگزیده؛
- معرفی سفیران سلامت برگزیده به منطقه و استان و تقدیر از ایشان در هفته سلامت؛

#### نحوه ارسال آمار و اطلاعات:

- کلیه آمار و اطلاعات و فرم‌های مربوط به برنامه سفیران سلامت دانش آموزی از طریق سامانه بانک اطلاعات حوزه سلامت، سامانه نظارت به آدرس

بانک اطلاعاتی حوزه سلامت → بانک‌های اطلاعاتی → [Nazarat.medu.ir](http://Nazarat.medu.ir) ارسال گردد.

سرفصل‌های آموزشی سفیران سلامت (دوره ابتدایی)

ردیف عناوین آموزشی

- ۱ آموزش مفاهیم پایه سلامت جسم و روان به دانش آموزان
- ۲ رشد و تکامل در دانش آموزان
- ۳ آشنایی با بهداشت فردی (بهداشت مو، پوست و ...)
- ۴ آشنایی مختصر با بیماری‌های شایع در مدارس و چگونگی شناسایی دانش آموزان بیمار
- ۵ آشنایی با بهداشت دهان و دندان، روش صحیح مسواک زدن و استفاده از نخ دندان
- ۶ آشنایی با عوارض چاقی و راه‌های پیشگیری از آن
- ۷ ارزش غذایی غذاهای سنتی نسبت به فست فودها
- ۸ آموزش در خصوص تغذیه سالم و شناخت مواد غذایی مجاز و غیر مجاز
- ۹ اهمیت ورزش و تحرک جسمانی در سلامتی
- ۱۰ آشنایی با اصول و موازین بهداشت محیط و سرویس بهداشتی
- ۱۱ آموزش نقش محیط زیست در سلامت جامعه
- ۱۲ آموزش تفکیک زباله و پسماند؛ بازیافت و توسعه محیط سبز

@dabirfile

سرفصل‌های آموزشی سفیران سلامت (دوره اول و دوم متوسطه)

ردیف عناوین آموزشی سرفصل‌ها

- ۱ مفاهیم خودمراقبتی چرا خود مراقبتی؟ خود مراقبتی چیست؟ انواع خود مراقبتی، ۱۴ گام برنامه ریزی فردی برای خود مراقبتی، ۱۴ فرمان خود مراقبتی فردی برای نوجوانان
- ۲ تغذیه و زندگی سالم رژیم غذایی سالم، ورزش برای زندگی سالم، اصول زندگی سالم
- ۳ خواب خوب شب مشکلات رایج خواب، نکاتی برای داشتن خواب خوب شبانه، تاثیر مشکلات خواب بر سلامت روان، ۱۰ نکته کلیدی بهداشت روانی خوب
- ۴ حل مساله اهمیت مهارت حل مساله، تعیین مشکل، تعریف مشکل، تعیین اهداف، تعیین راهکارها، انتخاب یک راهکار، اجرای راهکار منتخب، بررسی پیشرفت کار
- ۵ تفکر سالم معنی تفکر سالم، تله‌های فکری، فرار از تله فکری، تعادل در افکار، کمک به تفکر سالم

۶	مدیریت خشم	تحلیل خشم، عوارض خشم کنترل نشده، تشخیص خشم کنترل نشده، علل بروز خشم، مدیریت خشم، واکنش منفی به خشم
۷	استرس و سلامتی	نشانه‌های استرس، منشا استرس‌های روزمره، افراد در معرض استرس، دلایل استرس، تاثیر استرس بر سلامت، مدیریت استرس
۸	سلامت روان	۴ بعد اصلی سلامت روان، اهمیت سلامت روان، آزمون سطح سلامت روان، افراد در معرض خطر
۹	بلوغ	تغییرات جسمی و روحی و عاطفی دوران بلوغ، تغذیه دوران بلوغ، برخی اختلالات مرتبط با تغذیه، احکام دوران بلوغ

### متن سوگند سفیران سلامت

من به عنوان سفیر سلامت در پیشگاه خداوندی که یادش آرامش بخش قلب‌ها و شفای دردهاست، سوگند یاد می‌کنم که:

- سبک زندگی سالم اسلامی - ایرانی را رعایت و به دیگران توصیه نمایم.

- در مراقبت از سلامت خود، دوستان، خانواده و جامعه‌ام کوشا باشم.

- برای توانمندسازی همکلاسی‌هایم در زمینه خود مراقبتی اقدام نمایم.

- مراقب بهداشت محیط و سلامت محیط زیست در مدرسه، محله و شهرم باشم.

- مراقب سلامت دانش آموزان کم توان و بیمار باشم.

- با اولیای مدرسه برای ارتقای سلامت خود، سایر دانش آموزان و مدرسه‌ام همکاری نمایم.

- قدردان نعمت‌های بیکران الهی بوده و برای رشد و تعالی اخلاق و فضایل بشری تلاش نمایم.

۷

روانشناسی تربیتی و یادگیری

(کلید رتبه‌ها)

ویژه سنجش دانش حرفه‌ای دبیران، مدیران و معاونان دوره دوم متوسطه نظری، مربیان تربیتی و معاونان پرورشی

مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و امور اداری

آذر ۹۹

@dabirfile

فهرست مطالب

۳ ..... مقدمه

۴ ..... تعریف روانشناسی

۵ ..... تعریف روانشناسی تربیتی

۶ ..... اصطلاحات مهم حوزه روانشناسی تربیتی

۸ ..... مجموعه دانش حرفه‌ای مورد نیاز معلمان

۹ ..... آموزش اثربخش

۱۰ ..... راهبردها و روش‌های آموزش

۱۱ ..... آموزش به کمک سخنرانی

۱۳ ..... یادگیری مشارکتی

۱۶ ..... انگیزش

۱۹ ..... هوش

۲۲ ..... خلاقیت

۲۴ ..... حل مسأله

۲۵ ..... حافظه

۲۸ ..... ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

۳۰ ..... کتابنامه

@dabirfile

**مقدمه**

معلم خوب بودن هنری است آموختنی و هیچ معلم برجسته‌ای از مادر معلم متولد نشده است. امروزه روانشناسی تربیتی توانسته است به معلمان در امر پرورش کمک زیادی بکند. روانشناسی تعلیم و تربیت را تغییر داده است و معنای جدیدی به یادگیری بخشیده است. امروزه در دوران مدرن، روانشناسی تربیتی یا پرورشی پایه و اساس آموزش است و ارتباط آن با آموزش و یادگیری بر همگان مشخص است به طوری که باعث تعجب خواهد بود که یک معلم بتواند بدون دانش روانشناسی تربیتی خوب تدریس کند.

موضوعات مورد مطالعه روانشناسی تربیتی گسترده اند و زمینه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرند. نظریه‌های یادگیری، ویژگی‌های روانشناختی و رشدی دانش آموزان، مدیریت کلاس درس، طراحی آموزشی، روش‌ها و راهبردهای تدریس، انگیزش، هوش و خلاقیت و سنجش تحصیلی از جمله موضوعاتی هستند که در روانشناسی تربیتی به آن‌ها پرداخته شده است.

با توجه به اهمیت روانشناسی تربیتی در آموزش و پرورش، در این نوشتار سعی شده است برخی از مسایل و موضوعات

@dabirfile

کاربردی و عملی روانشناسی تربیتی به صورت بسیار خلاصه و با زبانی ساده در اختیار شما قرار داده شود. مطالعه و آشنایی در این موضوعات و فراهم شدن زمینه‌ای برای ادامه مطالعه در این حوزه، معلم حرفه‌ای‌تری گردیده و بهتر و عالمانه‌تر به آموزش بپردازد. با توجه به محدودیت تعداد صفحات، به برخی از موضوعات در حد یک پاراگراف بسنده شده است که این نپرداختن فقط به علت محدودیت است نه کم اهمیت بودن این موضوعات. علاقمندان به مطالعه در زمینه روانشناسی تربیتی می‌توانند برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های معرفی شده در قسمت کتابنامه مراجعه کنند.

**تعریف روانشناسی**

روانشناسی را به عنوان علم مطالعه رفتار ارگانسیم‌ها تعریف می‌کنند. در این تعریف سه واژه وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. (۱) علم، (۲) رفتار و (۳) ارگانسیم.

امروزه روانشناسی یک علم در نظر گرفته می‌شود زیرا داده‌های خود را از مشاهدات نظام دار کسب می‌کند. رفتار نیز که موضوع اصلی مورد مطالعه روانشناسی علمی است به هر نوع فعالیت مورد مشاهده جاندار اطلاق می‌گردد. رفتار سه بعد دارد: فرایندهای شناختی که به افکار فرد اشاره دارند؛ حالات عاطفی که به احساس فرد برمی‌گردند و اعمال که به آنچه فرد انجام

می‌دهد اشاره می‌کنند. ارگانیزم به هر موجود زنده‌ای اطلاق می‌شود. بنابراین علاوه بر رفتار انسان ها، روانشناسی مجاز است که به مطالعه رفتار سگ، موش، کبوتر و میمون و سایر جانوران نیز پردازد. هنگامی که از حیوانات در آزمایش‌ها استفاده می‌شود، هدف ضمنی این است که با مطالعه فرآیندهای اساسی مانند یادگیری و انگیزش در حیوانات، به درک ما از رفتار انسان کمک شود.

روانشناسی معاصر، مانند سایر علوم چهار هدف آشکار دارد: (۱) توصیف، (۲) تبیین، (۳) پیش بینی و (۴) کنترل رفتار. منظور از «توصیف» بیان دقیق و روشن پدیده‌ها و یا چستی آنهاست. در «تبیین» به بیان چرایی پدیده‌ها پرداخته می‌شود. البته بیان علت یا همان تبیین پدیده‌هایی که مربوط به انسان هستند نسبت به پدیده‌های فیزیکی بسیار مشکل است. مهم ترین دلیل دشواری این است که پدیده‌های روان شناختی تحت تأثیر علت‌های زیادی هستند؛ در حالی که در علوم دیگر این گونه نیست. اگر توصیف و تبیین دقیقی از رفتار صورت گرفته باشد می‌توانیم به پیش بینی رفتار آینده پردازیم و همچنین رفتارهای فرد را کنترل کنیم.

آغاز روانشناسی علمی را معمولاً مقارن با تأسیس نخستین آزمایشگاه روانشناسی توسط ویلهلم وونت در دانشگاه لایپزیک آلمان به سال ۱۸۷۹ می‌دانند. از آن سال به بعد، روان شناسی، با شتاب بسیار و به مدد روش‌های نوین، در کشورهای مختلف رشد یافته است.

### تعریف روانشناسی تربیتی

از به هم پیوستن دو رودخانه تعلیم و تربیت و روانشناسی، روانشناسی تربیتی به وجود آمده است که به بررسی کاربرد اصول و یافته‌های روانشناسی در موقعیت‌های آموزش می‌پردازد. به عبارت دیگر، روانشناسی تربیتی یکی از شاخه‌های روانشناسی است که به مطالعه ویژگی‌های یادگیرنده، شرایط یادگیری، و روش‌های آموزش می‌پردازد. روانشناسی تربیتی پرورشی (یک نظام مستقل است با نظریه‌ها، روش‌های پژوهشی و مسائل و فنون مخصوص به خودش).

مباحث اساسی روانشناسی پرورشی:

یادگیرنده:

۱. رشد و تحول
۲. هوش
۳. انگیزش
۴. سبک‌های یادگیری



معلم

۱. طراحی آموزش

۲. مدیریت کلاس درس

۳. روش های آموزش

فرایند یادگیری

۱. نظریه های یادگیری

۲. تفکر

۳. سنجش و ارزشیابی

روانشناسی تربیتی به معلمان کمک می کند تا ویژگی های دانش آموزان خود را بهتر بشناسند، ماهیت یادگیری و چگونگی شکل گیری آن را درک نمایند، روش ها و فنون موثر آموزش و کلاس داری را فرا بگیرند و راه های کمک به رشد و یادگیری شاگردان خود را بیابند. روانشناسی تربیتی دانش خود را از نظریه ها و پژوهش های روانشناسی و تجربه های کاری و عملی معلمان می گیرد و در این راستا دو هدف کلی را دنبال می کند:

۱. چگونه دانش آموزانی پرورش دهیم که یادگیرندگان موفق و ماهری باشند؟

۲. چگونه معلمانی پرورش دهیم که اثربخش و موفق باشند؟

@dabirfile

### اصطلاحات مهم حوزه روانشناسی تربیتی

یادگیری: ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده، مشروط بر آن که این تغییر بر اثر تجربه اتخاذ شده باشد.

ویژگی های مهم این تعریف عبارتند از:

- تغییر: تغییر به این معناست که موجود زنده از حالت قبل از کسب تجربه به حالت جدید تغییر کند. ما در طول زندگی می توانیم در اثر تجارب یادگیری در حال تغییر باشیم. بنابراین افرادی که در طول زندگی فرصت های یادگیری و کسب تجربه دارند بیش از کسانی که در زندگی فرصت های کمی دارند و زندگی یکنواختی را می گذرانند، تغییر می کنند. تغییر بر دو نوع است: تغییر پیچیده مانند کسب مهارت رانندگی، دوچرخه سواری و ...، تغییر ساده مانند حفظ کردن یک شماره تلفن.
- تغییر نسبتاً پایدار، تغییراتی که در اثر عوامل انگیزشی، هیجان، خستگی، انطباق حسی (مثل بسته شدن مردمک چشم در اثر رفتن گرد و خاک در آن به سرعت از بین می روند، در ردیف یادگیری نیستند. کسی که در ابتدای روز با انرژی است و سریع کار می کند و بعد خسته می شود، یادگیری در او اتفاق نیفتاده است.

۳. تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه: تغییر باید در تواناییهای فرد اتفاق بیفتد، نه در رفتار ظاهری. بنابراین یادگیری نوعی توانائی است. رفتار بر دو نوع است: (الف) رفتار آشکار که قابل مشاهده است مانند: نوشتن، راه رفتن و ...، (ب) رفتار نهان که قابل مشاهده نیست اما فقط از طریق رفتار آشکار به آن پی می‌بریم. مانند تفکر، یادآوری و ...

۴. تغییرات نسبتاً پایدار که بر اثر تجربه ایجاد شده باشد: منظور از تجربه این است که محرکی (بیرونی یا درونی) در یادگیرنده اثر بگذارد. به نحوی که رفتار وی در طی مدتی که محرک موثر است در مقایسه با قبل از تاثیرگذاری محرک تغییر کند اما در اثر انگیزش و هیجان، مصرف داروها، خستگی، و رشد (نوجوانی، میانسالی، پیری و ...) یادگیری محسوب نمی‌شود.

آموزش: آموزش فعالیت‌هایی است که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی معلم طرح ریزی می‌شود و بین آموزگار با یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد.

تدریس: فعالیت‌های کلاسی معلم است که در حضور دانش آموزان و غالباً به صورت کلامی انجام می‌شود.

پرورش: فرایندی منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است.

کارآموزی: گسترش نگرش، دانش، مهارت و الگوهای رفتاری مورد نیاز یک فرد برای انجام عملکرد مناسب در یک تکلیف یا شغل معین.

@dabirfile

### مجموعه دانش حرفه‌ای مورد نیاز معلمان

پژوهش‌های روانشناسی تربیتی نشان داده اند که معلمان موفق باید دارای چهار نوع دانش باشند که این دانش‌ها عبارتند از:

#### الف) دانش محتوای درس:

منظور از دانش محتوای درس، شناخت و تسلط معلم بر موضوعی است که درس می‌دهد. معلم اگر موضوعی را به خوبی یاد نگرفته و نفهمیده باشد نمی‌تواند آن را به دیگران آموزش دهد. معمولاً دانش محتوا، در دوران تحصیلی معلم در دانشگاه کسب می‌شود؛ به همین دلیل معلمانی موفق ترند که درس‌هایی را که تدریس می‌کنند، در زمره درس‌هایی باشند که در دانشگاه گذرانده اند.

#### ب) دانش آموزشگری:

منظور از دانش آموزشگری، چگونه ارائه دادن مطالب به راه‌هایی است که برای یادگیرندگان قابل درک باشد و همچنین دانش این که چه چیزی موجب آسان و سخت شدن موضوع‌های مختلف برای یادگیری می‌شود. دانش محتوا و دانش آموزشگری

بسیار به هم نزدیک ولی از هم متفاوت اند. به عنوان مثال دانش اینکه اعداد کسری چگونه در هم ضرب می‌شوند (دانش محتوا)، با دانش اینکه چگونه این مطلب را به دانش آموزان توضیح و آموزش داد، کاملاً باهم متفاوت و متمایزند.

### ج) دانش مربوط به یادگیرندگان،

دانش حرفه‌ای دیگر موردنیاز معلمان، دانش مربوط به یادگیرندگان است. معلمان موفق نیاز دارند دانش آموزان خود را از هر لحاظ، به ویژه از لحاظ رشد و توانایی شناختی بشناسند. لازم است معلمان، آموزش خود را به گونه‌ای طراحی کنند که برای دانش آموزان سن‌های مختلف، قابل استفاده باشند. از این رو داشتن اطلاعات جامعی درباره روانشناسی رشد، به معلمان کمک زیادی می‌کند.

### د) دانش مربوط به یادگیری دانش‌یادگیری،

به معلم کمک می‌کند تا شرایط، ماهیت، روش‌ها و فنون یادگیری را بفهمد و در بهتر یادگرفتن مطالب، به یادگیرندگان خود کمک کند. معلمان موفق از این که یادگیری چگونه رخ می‌دهد و چه اقداماتی را باید انجام دهند تا یادگیری بهتر رخ دهد، درک کاملی دارند.

@dabirfile

همانطور که گفته شد، از میان این چهار دانش، فقط دانش محتوای درس است که در ضمن تحصیلات باید کسب شود و برای یادگیری دانش‌های دیگر باید با روانشناسی تربیتی کاملاً آشنا بود و از آن به صورت مرتب کمک گرفت.

=====

### آموزش اثربخش

آموزش اثربخش مستلزم داشتن معلمانی کارآمد است که دارای مهارت و دانش حرفه‌ای، تعهد، بوده و به طور مداوم به دنبال رشد و توسعه حرفه‌ای باشند. هر کدام از ویژگی‌های آموزش اثربخش یا معلمان کارآمد دارای چند مؤلفه است که در زیر آمده است.

### الف - مهارت‌ها و دانش‌های حرفه‌ای معلم

۱. تسلط بر مطالب مورد تدریس
۲. راهبردهای آموزشی
۳. مهارت‌های هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی

۴. مهارت‌های انگیزشی

۵. مهارت‌های ارتباطی

۶. مهارت‌های کنار آمدن با دانش آموزان مختلف

۷. مهارت‌های تکنولوژیکی

=====

### ب - تعهد

۱. دلسوزی و علاقه به کار خود

۲. مسئولیت پذیری

پ- رشد و توسعه حرفه‌ای

۱. رشد و توسعه حرفه‌ای

۲. مشورت با معلمان با تجربه

۳. متوقف نکردن یادگیری

۴. فراهم کردن منابع خوب و جلب حمایت دیگران

راهبردهای آموزشی، مهارت برنامه ریزی و طراحی آموزش، مهارت‌های انگیزشی و ارتباطی و مهارت‌های کنار آمدن با دانش آموزان مختلف مواجهه صحیح با تفاوت‌های فردی و مهارت‌های فناورانه جزو دانش‌های قابل اکتساب هستند که در روانشناسی تربیتی و یا سایر علوم تربیتی به آن‌ها پرداخته شده است. تعهد از طریق کسب نگرش‌های سالم در طول زندگی و همگام با تکوین سایر ویژگی‌های شخصیتی حاصل می‌شود.

=====

### راهبردها و روش‌های آموزشی

در زمینه راهبردها و روش‌های آموزشی، اصطلاحاتی وجود دارد که بهتر است با تعریف آن‌ها آشنا شویم و هر کدام را در جای خودش به کار ببریم.

### الگوی آموزشی؛

الگوی آموزشی یک چهارچوب نظری است که به مبانی فلسفی و روانشناختی آموزش و یادگیری می‌پردازد. در بین اصطلاحات آموزشی، الگو کلی‌ترین اصطلاح است که بقیه اصطلاحات را در درون خود جای می‌دهد. مثال: الگوی خبر پرداز، اجتماعی - فردی؛ سازندگی، نظام‌های رفتاری

### راهبرد آموزشی؛

در درون هر الگوی آموزشی می‌توان از چندین راهبرد استفاده کرد. راهبرد رویکرد معلم را در رسیدن به هدف‌های آموزشی تعیین می‌کند. در واقع راهبرد مسیر رسیدن به هدف‌های آموزشی است. هر راهبرد اغلب به یک نظریه خاص مربوط است ولی می‌تواند به چند نظریه هم مرتبط باشد. انتخاب راهبرد آموزشی از سوی معلم بستگی به برنامه درسی، نوع هدف‌های آموزشی، دانش و تجارب پیشین دانش آموزان، سبک‌های یادگیری، سطح رشدی یادگیرندگان دارد. چند نمونه از راهبردهای آموزشی آموزش مستقیم، آموزش غیر مستقیم، آموزش تعاملی، یادگیری از طریق تجربه، مطالعه مستقل.

### روش آموزشی؛

@dabirfile

روش آموزشی تعیین کننده ماهیت فعالیت معلم و شاگرد در رسیدن به هدف هاست. معلم به کمک یک روش آموزشی شرایط یادگیری را برای دانش آموزان فراهم می‌کند. هر چه معلم در انتخاب روش آموزشی دقت بیشتری نماید یادگیرندگان در شرایط بهتری قرار گرفته و بهتر یاد می‌گیرند. مثال: سخنرانی، یادگیری مشارکتی، شبیه سازی، کاوشگری

### فن آموزشی (مهارت آموزشی)؛

فن آموزشی یک عمل مشخص معلم در ضمن فرایند آموزش است و می‌توان آن را به عنوان جزء واحدی از فرایند تدریس به حساب آورد. فن آموزشی به جزئی‌ترین فعالیت معلم اشاره می‌کند. فنون آموزشی فعالیت‌های مستقلی هستند که به راهبرد یا روش آموزشی خاصی تعلق ندارند. مثال: پرسیدن سوال، توضیح دادن، ارزشیابی، ارائه مطلب، روشنی بیان. روش‌های آموزش در دو دسته کلی روش‌های معلم - محور و یادگیرنده-محور قرار می‌گیرند. در دنباله مطلب از دسته اول روش سخنرانی و از دسته روش‌های یادگیرنده -محور، روش مشارکتی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### آموزش به کمک سخنرانی

روش آموزش (تدریس) به کمک سخنرانی آن دسته از فعالیت‌های کلاسی معلم است که برای گروه انجام می‌گیرد و عمدتاً جنبه کلامی دارد. در روش سخنرانی فعال‌ترین عضو در کلاس درس معلم است. او سخنرانی می‌کند، راه می‌رود و از حرکات

سر و دست استفاده می‌کند، سوال می‌پرسد، و مطالبی روی تخته می‌نویسد، شکل یا نمودار می‌کشد و فعالانه تلاش می‌کند اطلاعات را به یادگیرندگان منتقل نماید.

### موافقان و مخالفان روش سخنرانی

مخالفان روش سخنرانی عقیده دارند که این روش وقتی مفید بود که مواد چاپی وجود نداشت و اکنون که کتاب‌ها فراوانند و همه قادر به خواندن، دیگر نیازی به استفاده از روش سخنرانی نیست. آنان معتقدند که در روش سخنرانی معلم متکلم وحده است و شاگردان چندان فعال نیستند و به تفاوت‌های فردی آنان توجه نمی‌شود. مدافعان این روش به محاسن این روش توجه کرده و به مواردی اشاره می‌کنند که چاره‌ای جز به کارگیری روش سخنرانی نمی‌باشد. برای مثال، کاربرد این روش در کلاس‌های پرجمعیت، دانش آموزانی که از طریق خواندن خوب یاد نمی‌گیرند، ایجاد شور و حرارت بیشتر سخنرانی نسبت به خواندن، ارزان بودن و امثال اینها، از دلایل این گروه می‌باشد.

بهر حال با توجه به انتقادهای فراوان و کاربرد زیاد روش سخنرانی نباید اینگونه پنداشت که باید روش سخنرانی را کنار گذاشت یا همیشه از آن استفاده کرد، بلکه باید مواردی را که استفاده از روش سخنرانی مفید است از مواردی که استفاده از سایر روش‌ها مفیدتر است، مشخص نمود.

@dabirfile

### روش سخنرانی در مورد زیر مفید است:

- ۱- وقتی هدف اصلی معلم انتقال معلومات است.
- ۲- موقعی که مطالب سخنرانی به طریق دیگری در دسترس یادگیرندگان نیست.
- ۳- زمانی که مطالب پراکنده اند و معلم باید آنها را مرتب کرده، سازمان دهد، و در اختیار یادگیرندگان بگذارد.
- ۴- وقتی که نگهداری مطالب برای مدتی طولانی لازم نیست.

### مراحل روش سخنرانی

روش سخنرانی دارای چهار مرحله است که این مراحل عبارتند از:

۱. مرحله اول: آمادگی برای سخنرانی؛ در این مرحله باید سخنران از سه نظر ایجاد آمادگی نماید که شامل آمادگی از نظر تجهیزات، آمادگی عاطفی و آمادگی از نظر زمان می‌باشد.

۲. مرحله دوم: مقدمه سخنرانی؛ از مقدمه به منظور ایجاد رابطه بین معلم و شاگرد، جلب توجه شاگردان، نشان دادن مندرجات و مضامین اساسی و به فعالیت و جنبش در آوردن اطلاعات و تجربیات شاگردان استفاده می‌شود.
۳. مرحله سوم: متن و محتوای سخنرانی؛ متن سخنرانی قسمت اصلی و بسیار مهم سخنرانی را تشکیل می‌دهد.
۴. مرحله چهارم: جمع بندی و نتیجه گیری؛ معلم با کمک دانش آموزان جمع بندی مناسبی از محتوایی که آموزش داده شد را ارائه می‌نمایند.

### فنون آموزشی روش آموزش با کمک سخنرانی

۱. توضیح دادند که مهمترین ویژگی آموزش با روش سخنرانی می‌باشد گامی فراتر از ارائه صرف دانش و معلومات است و به بیان علت رویدادها، روابط میان مفاهیم و اندیشه‌ها، و توصیف و تشریح فرآیندها اشاره می‌کند.
۲. روشنی بیان: روشنی بیان یعنی استفاده از زبانی ساده، مستقیم و سازمان یافته برای بیان مفاهیم.
۳. پرسیدن: پرسیدن سوال یکی از فنونی است که معلم می‌تواند به کمک آن دانش آموزان را از حالت انفعالی خارج سازد و به واری درک دانش آموزان بپردازد.

## @dabirfile

۴. شوخ طبعی: استفاده از طنز در تدریس میزان توجه و یادگیری دانش آموز را افزایش می‌دهد.
۵. شور و شوق سخنران: آزمایش‌های مختلف نشان داده‌اند که شاگردان مطالبی را که با ذوق و شوق ارائه شده است، بیشتر آموخته‌اند. حرکت و جنب و جوش معلم به هنگام آموزش نشان دهنده شور و شوق یا اشتیاق یا علاقه او به کار خود و پیشرفت دانش آموزانش است؛ و این خود یکی از عوامل بالا برنده سطح اثر بخشی آموزش معلم شناخته شده است.

### یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی یک راهبرد موفقیت آمیز در تدریس است که در آن دانش آموزان دارای سطوح توانایی‌های مختلف در قالب تیم‌های کوچک از گستره‌ای از فعالیت‌های یادگیری استفاده می‌کنند تا درک خود را از موضوع بهبود بخشند. بسیاری از نظریه‌های اصیل یادگیری مشارکتی به شدت تحت تاثیر اصول روانی- اجتماعی اند. اصل کلی زیر بنای این نظریات هم وابستگی است.

هم وابستگی حالتی است که هدف اعضای گروه با یکدیگر تحقق پیدا می‌کند. هم وابستگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در یک بافت رقابتی وقتی یک فرد به هدف می‌رسد سایر شرکت کنندگان نمی‌توانند به هدف برسند. این امر هم وابستگی منفی نامیده می‌شود. برای مثال وقتی فردی در یک کلاس دبیرستان شاگرد اول می‌شود، شانس انتخاب شدن را از دیگران می‌گیرد،

زیرا فقط یک نفر می‌تواند این افتخار را دریافت نماید. وقتی یک فرد موفق می‌شود دیگران باید شکست بخورند. این اساس رقابت است. بر عکس در یک بافت مشارکتی هیچ فردی نمی‌تواند به هدف برسد مگر این که دیگران نیز برسند. این امر هم وابستگی مثبت نامیده می‌شود. موفقیت گروه وابسته به موفقیت تک تک اعضای گروه است. یک تیم فوتبال مثالی از گروه هم وابسته اشتراکی است. هیچ فردی در تیم موفق نمی‌شود مگر این که دیگران نیز موفق شوند.

### مولفه‌های اصلی یادگیری مشارکتی

۱. مسئولیت پذیری فردی
۲. تعامل چهره به چهره
۳. مهارت‌های بین فردی و کار در گروه‌های کوچک
۴. تشکیل گروه‌های نامتجانس
۵. هم وابستگی

@dabirfile

### تفاوت تیم با گروه

ابداع کنندگان روش‌های یادگیری مشارکتی، بین گروه و تیم تمایز قائل می‌شوند، در این باره اظهار می‌کنند ویژگی اصلی آموزش مشارکتی که آن را از فعالیت‌های گروهی متمایز می‌کند، این است که در آن هم فرد و هم گروه در یادگیری موفق می‌شوند. این نوع آموزش از یادگیری محتوا و مهارت‌های تحصیلی فراتر می‌رود و به هدف‌های مهم اجتماعی توجه می‌کند. هر چند یادگیری مشارکتی ظاهراً شبیه یادگیری در گروه‌های کوچک است که در بسیاری از کلاس‌ها مرسوم بوده است، ولی این دو اساساً تفاوت زیادی دارند. این تفاوت را می‌توان از مقایسه نکات عمده این دو روش استنباط کرد. این تفاوت‌ها را در قالب جدول زیر خلاصه شده است.

تفاوت‌های عمده یادگیری در گروه‌های همیار (مشارکتی) و یادگیری در گروه‌های کوچک:

### یادگیری در گروه همیار:

همبستگی مثبت: یا غرق می‌شویم یا همه با هم شنا می‌کنیم! کنش کلامی متقابل  
مسئولیت فردی قوی است: هر فرد خود را مسئول می‌داند که موضوع درسی را به خوبی مطالعه کند و بر آن تسلط یابد.  
آموزش مهارت‌ها: معلم رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان را تحت نظر دارد.  
باز خورد: ارائه بازخورد و بحث درباره رفتارهای گروهی دانش‌آموزان با دقت انجام می‌شود.



### یادگیری در گروه‌های کوچک

بدون همبستگی: دانش آموزان اغلب مستقل و انفرادی کار می‌کنند و گهگاه نتیجه کار آنها به وسیله دانش آموزان دیگر کنترل می‌شود.

مسئولیت فردی ضعیف است: برخی از دانش آموزان می‌خواهند بخش اعظم کار گروهی و یا اصولا تمام کار را به عهده دانش آموزان دیگر بگذارند.

عدم مشاهده رفتار: مشاهده مستقیمی از رفتارهای دانش آموزان وجود ندارد. در این روش معلم معمولا با دانش آموز دیگر کار می‌کند یا مشغول تنظیم برنامه جلسه آینده خود است.

باز خورد کلی: درباره نحوه همکاری دانش آموزان با هم بحث به میان نمی‌آید و جز اظهار نظرهای کلی باز خوردی داده نمی‌شود.

### فواید یادگیری مشارکتی

@dabirfile

تحقیقات بسیار زیادی به مقایسه روش یادگیری مشارکتی با سایر روش‌های تدریس سنتی پرداخته اند و نتایج آن به گونه‌ای است که روش یادگیری مشارکتی در برخی از زمینه‌ها از جمله میزان یادداری و تفکر سطح بالا و همچنین نگرش و انگیزش دانش آموزان بر روش‌های سنتی (سخنرانی) برتری دارد. البته نتایج مثبتی که در اینجا ذکر شده اند بدون طراحی و اجرای دقیق به دست نمی‌آیند.

### نقش معلم در یادگیری مشارکتی

نقش معلم مولفه‌ای کلیدی در یادگیری کلاسی است. هر چند روش‌های یادگیری مشارکتی نوع دانش آموز - محور هستند ولی باز هم معلم در طول کار مشارکتی وظایف متعددی بر عهده دارد. در جدول زیر نقش‌های معلم در طول کار مشارکتی بیان شده‌اند:

### ارائه تکلیف

بعد از ارائه درس با هر روشی برای تکمیل فرایند آموزش بهتر است تکالیفی برای دانش آموزان در نظر گرفت. آشنایی با انواع تکالیف به معلم کمک خواهد کرد که بهتر این کار را انجام دهد. تکالیف درسی بسیار متنوع اند و هدف‌های گوناگونی را برآورده می‌سازند. آشنایی با تکالیف مختلف درسی به معلمان در تعیین فعالیت‌های یادگیری دانش آموزان و دادن تکالیف متنوع به آنان حق انتخاب بیشتری می‌دهد.

## انواع تکلیف از نظر محتوا

- تکالیف مرور و تمرین: این نوع تکالیف قدیمی ترین و رایج ترین تکالیف درسی در مدارس هستند. معمولاً به صورت مرور شفاهی و یا کتبی و جهت تثبیت یادگیری به روش تکرار و تمرین انجام می‌گیرند. این تکالیف در صورت کثرت استفاده ملال‌انگیز و خسته‌کننده است. لذا از این نوع تکالیف در حد و اندازه خود باید استفاده کرد و پیشنهاد می‌شود عمده این گونه تکالیف در مدرسه انجام گیرد.
- تکالیف آماده‌سازی و آمادگی: این گونه تکالیف بیشتر برای درسهای روزهای بعد به کار می‌رود؛ تکالیفی که به منظور آماده‌شدن مورد استفاده قرار می‌گیرند از دانش‌آموزان می‌خواهند تا خودشان را برای یک درس تازه آماده کنند به دانش‌آموزان مقداری اطلاعات زمینه‌ای و مطالبی را که قرار است درباره آنها در کلاس بعد شود داده می‌شود دانش‌آموزان ممکن است با تعدادی سوال درباره آن چه خوانده‌اند وارد کلاس شوند. مثلاً اگر قرار است هفته آینده درس گیاهان تدریس شود شما می‌توانید از پیش به دانش‌آموزان خود بگویید که بخش گیاهان را ورق بزنند یا این که تعدادی برگ یا دانه گیاهان را جمع‌آوری کرده، به کلاس درس بیاورند.
- تکالیف بسط و امتدادی: این نوع تکالیف شاگردان را از سطح کلاس بالاتر می‌برد و دانش و مهارت و تجربه آنها را توسعه می‌دهد. این تکالیف می‌تواند به صورت پروژه به دانش‌آموزان ارائه شود. مثلاً به دانش‌آموزان گفته می‌شود که در کتابخانه کتابی درباره سنگ‌ها پیدا کنند و قسمت‌هایی از آن را به کلاس ارائه دهند.
- تکالیف خلاقیتی: این تکالیف دانش‌آموزان را وادار می‌کند به روش و از راه جدیدی کاری را انجام دهند یا اثر کاملاً جدیدی از خود ارائه دهند. در درس هنر این تکالیف جایگاه خاصی دارد.

@dabirfile

## انگیزش

انگیزش، حالتی درونی است که رفتار را برانگیخته، هدایت و حفظ می‌کند. انگیزش عامل بسیار مهم و اغلب مهم ترین شرط یادگیری است و اهمیت آن اغلب از هوش کلی نیز بیشتر می‌باشد. مجموعه‌ای از عوامل مرتبط با یکدیگر بر انگیزش دانش‌آموزان برای یادگیری تاثیر دارند. این مجموعه ممکن است شامل ویژگی‌های یادگیرنده، برنامه‌های درسی به لحاظ کمی و کیفی، ویژگی‌های معلمان، شرایط ویژگی‌های محیط آموزشی، فعالیت‌ها و تکالیف یادگیری و سایر عوامل محیطی باشد. شناخت این عوامل معلم را در انتخاب مناسب تدابیر و فعالیت‌های یاددهی و یادگیری و تعامل اثربخش با فراگیران و در نهایت افزایش اثربخشی تدریس یاری می‌نماید.

## نظریه‌ها و رویکردها در انگیزش یادگیری

در مورد انگیزش یادگیری هم مانند دیگر موضوعات روانشناسی رویکردها و نظریه‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام از یک منظر به این مسأله پرداخته اند. برخی از این رویکردها و چند نظریه مطرح را در زیر مشاهده می‌کنید.

- رویکرد رفتاری: طبق این رویکرد برای ایجاد انگیزه جهت انجام رفتارهای مطلوب و برای کاهش انگیزه انجام رفتارهای نامطلوب باید از روش‌های تقویتی و تنبیهی استفاده کرد.
- رویکرد شناختی: در این رویکرد باور بر این است که اندیشه‌های فرد سرچشمه انگیزش او هستند و رفتارها توسط هدف‌ها، نقشه‌ها، انتظارات و نسبت دادن‌های فرد ایجاد و هدایت می‌شوند. در این رویکرد انگیزش درونی بیشتر از انگیزش بیرونی اهمیت دارد.
- رویکرد انسان‌گرایی: منبع انگیزش انسان‌ها در این رویکرد، میل به تعالی و پیشرفت، آزادی انتخاب هدف‌های زندگی و ویژگی‌های مثبت است و مهم‌ترین نظریه پرداز انگیزش با رویکرد انسان‌گرایانه، آبراهام مازلو است که انگیزش را در قالب هرم نیازها مطرح کرد.
- نظریه انتظار ضرب در ارزش، طبق این نظریه انگیزش حاصل ضرب احتمال یا انتظار موفقیت در ارزش موفقیت است. وقتی ما برای انجام کاری انگیزه داریم که هم احتمال موفقیت در آن کار را بدهیم و هم این موفقیت برایمان ارزشمند باشد.

## @dabirfile

- نظریه برانگیختگی: در این نظریه کوشش می‌شود که میزان تحریک و فعالیت در سطح مطلوبی حفظ شود. بنا به این نظریه هنگامی که سطح برانگیختگی فرد در حد بهنجار یا میانه است می‌تواند وظایف و فعالیت‌های خود را با کارایی هرچه بیشتر انجام دهد.
- نظریه انگیزش پیشرفت: انگیزش پیشرفت یا نیاز به پیشرفت به میل یا اشتیاق فرد برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیت‌هایی که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی فرد وابسته است گفته می‌شود.
- نظریه نسبت دادن (اسناد): یکی از فرض‌های عمده نظریه اسنادی این است که جستجو برای درک و فهم امور و علل رویدادها، مهمترین منبع انگیزش انسان است. اصطلاح نسبت دادن یا اسناد به علت‌هایی که فرد برای رویدادها یا نتایج اعمالش برمی‌گزیند و جنبه استنباط شخصی دارند اشاره می‌کند. بر اساس این نظریه هنگامی که در یک تکلیف موفق می‌شویم یا شکست می‌خوریم بطور طبیعی در مورد این که چه کسی یا چه چیزی در پشت موفقیت و شکست ما قرار دارد به تفکر می‌پردازیم. یعنی درباره این که چه کسی یا چه چیزی مسئول بوده و چگونه عملکرد داشته ایم به اسناد می‌پردازیم.

برای ایجاد انگیزش یادگیری در دانش‌آموزان بهترین راه بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفیت روش‌های آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان در یادگیری به موفقیت بیشتر می‌رسند و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به

یادگیری مطالب تازه افزایش می‌دهد. در جدول زیر روش‌ها و فنون دیگری آمده است که با استفاده از آنها معلم می‌تواند سطح انگیزش یادگیرندگان را بالا ببرد.

### راهبردهای انگیزشی در کلاس درس

علاقه دانش‌آموزان را به موضوع درس جلب کنید:

- ببینید چه چیزی برای دانش‌آموزان جذاب و مهم است
- موضوعات و تکالیف مورد علاقه دانش‌آموزان را انتخاب کنید.
- درس را با مقدمه‌ای جالب شروع کنید.
- اهداف و انتظارات یادگیری را در شروع درس بیان کنید.
- از سؤالات و فعالیت‌ها برای جلب توجه دانش‌آموزان استفاده کنید.
- معرفی هر درس و موضوع به شیوه‌ای جالب، آگاهی بخش و چالش‌انگیز

برجسته سازی ارزش موضوع درس

- اهداف و فعالیت‌های یادگیری معنادار انتخاب کنید.
- مستقیماً به اهمیت هر موضوع جدیدی که بررسی می‌کنید بپردازید.
- وفق دادن آموزش با دانش، فهم، و تجربه شخصی دانش‌آموزان
- وادار ساختن دانش‌آموزان به استفاده از چیزهایی که قبلاً آموخته‌اند
- تنوع دادن به راهبردهای آموزشی برای حفظ علاقه در طول تدریس
- استفاده از چندین راهبرد آموزشی مختلف در طول تدریس
- استفاده از بازی‌های شبیه‌سازی با سایر اشکال مفرح
- استفاده گاه‌گاهی از فعالیت‌ها و رویدادهای غیر منتظره

### درگیر ساختن فعال دانش‌آموزان

- یادگیری موضوعات درسی را تا حد امکان به صورت فعال، تحقیقی، ماجراجویانه و اجتماعی ارائه دهید.
- نوع درگیری و مشارکت دانش‌آموزان را با توجه به سبک‌های شناختی و یادگیری آنان متنوع سازید.
- انتخاب راهبردهایی که کنجکاوی دانش‌آموزان را برمی‌انگیزند
- بر روی ارزش برانگیخته سازی حدس، کشف، کنجکاوی، کاوش و تخیل سرمایه گذاری کنید

@dabirfile

- استفاده از حکایت، ضرب المثل، شعر و امثال این‌ها برای اضافه کردن عناصر اجتماعی و شخصی به زمینه یادگیری

### انتخاب و استفاده از راهبردها و مطالب با درجه مناسب چالش و دشواری

- ارائه تکالیف دارای دشواری متوسط تا بتوانند با کوششی معقول کامل شوند.
- تقسیم تکالیف دشوار به بخش‌های کوچکتر که بدون تلاش بسیار زیاد قابل دسترس باشند.
- تمرکز بر نتایج یادگیری سطح بالاتر
- نظارت بر سطح دشواری تکالیف و آزمونها

### گروه بندی دانش آموزان برای یادگیری و انجام تکالیف

- داشتن برنامه برای استفاده از انواع فعالیت‌های انفرادی، مشارکتی و رقابتی
- ترویج مشارکت و کارهای تیمی

### طراحی درسی به منظور ارتقاء موفقیت دانش آموزان

- طراحی فعالیت‌هایی که منجر به موفقیت دانش آموزان می‌گردد
- هماهنگ سازی تکالیف با نیازهای انگیزشی دانش آموزان
- ایجاد یک محیط حمایتی
- به حداقل رساندن اضطراب دانش آموزان

@dabirfile

### هوش

هوش یکی از مفاهیم بحث انگیز در روانشناسی است که به رغم گذشت تقریباً یک قرن از تعریف و نظریه پردازی در خصوص آن هنوز اختلافات عمیقی در چگونگی تعریف و مفهوم سازی آن وجود دارد. بخشی از مشکل ناشی از این است که هوش در معنای فیزیکی وجود ندارد. برخلاف وزن یا قد، هوش را نمی‌توان به طور مستقیم مشاهده کرد. وجود یا فقدان و همچنین میزان آن را باید به طور غیرمستقیم درک کرد که حتی انجام دادن این کار نیز کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. برخی از تعریف‌های ارائه شده در زیر از آن جمله است.

- نوعی توانایی ذهنی

- توانایی درک و فهم امور
- استعداد یادگیری و موفقیت تحصیلی
- توانایی سازگاری با موقعیت‌های دشوار
- همان چیزی است که آزمون‌های هوش می‌سنجند

با این حال در بین تعریف‌های مختلفی که از هوش ارائه گردیده است، عناصر مشترکی وجود دارد.

### عناصر مشترک بین تعاریف مختلف هوش

۱. توانایی پرداختن به امور انتزاعی: افراد باهوش بیشتر با امور انتزاعی سر و کار دارند تا امور عینی
۲. توانایی حل مسائل: یعنی توانایی پرداختن به امور جدید، نه فقط دادن پاسخ‌های از قبل آموخته شده به موقعیت‌های آشنا
۳. توانایی یادگیری: به ویژه یادگیری انتزاعیات و نیز توانایی استفاده از آنها.

### نظریه‌های هوش

@dabirfile

نخستین آزمون هوش توسط آلفرد بینه و همکارش تئودور سیمون ساخته شد. هدف از ساختن این آزمون شناسایی کودکان با استعداد بالا و کم‌استعداد بود. این آزمون ویژه کودکان ۳ تا ۱۳ ساله بود. با این آزمون برای هر کودک یک سن عقلی (سن ذهنی) تعیین می‌شد. هر چند در ابتدا برای سنجش مشکلات تحصیلی بود بعداً یک آزمون هوشی معروف و قابل استفاده برای همه در آمد.

در مورد مفهوم هوش، روان‌شناسان به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروه اول بر این اعتقادند که هوش، از یک استعداد کلی و واحد تشکیل می‌شود، اما گروه دوم معتقدند انواع مختلف هوش وجود دارد. همان طور که در شکل مشاهده می‌کنید وکسلر و اسپیرمن از جمله روانشناسانی هستند که معتقد به هوش یگانه هستند و روانشناسانی از جمله ترستون، گیلفورد، استرنبرگ و گاردنر معتقد به هوش چندگانه هستند.

### نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر

معروف‌ترین نظریه هوش‌های چندگانه متعلق به هوارد گاردنر است. این نظریه با استقبال و همچنین مخالفت‌های زیادی روبرو شده است. معلمان از گروه‌هایی هستند که از این نظریه استقبال کرده و به شیوه‌های گوناگون از آن در کلاس‌های درس استفاده می‌کنند. گاردنر معتقد است که هشت نوع هوش وجود دارد که عبارتند از:

۱. **هوش زبانی کلامی:** توانایی اندیشیدن در قالب کلمات و استفاده از زبان به طور مؤثر برای توصیف حوادث، ایجاد ارتباط،

ایجاد بخش‌های منطقی و استفاده از استعاره و اصطلاحات برای بیان افکار

۲. **هوش منطقی ریاضی:** توانایی استفاده از استدلال، منطق و اعداد. این هوش با استدلال‌های منطقی، استقرایی، انتزاعی،

استنباطی و اعداد سر و کار دارد.

۳. **هوش دیداری / فضایی:** توانایی تشخیص جزئیات امور و تجسم و تغییر اشیاء دیداری به طور ذهنی و توانایی تفکر سه بعدی

۴. **هوش بدنی / جنبشی:** توانایی استفاده ماهرانه از بدن و کار کردن با اشیاء. کسانی که در این هوش قوی هستند، درک

خوبی از حس تعادل و هماهنگی دست و چشم دارند.

۵. **موسیقایی:** توانایی خلق، درک و ارج گذاری موسیقی

۶. **درون فردی:** توانایی آگاه شدن از احساسها، انگیزه‌ها و امیال خود، و استفاده از این شناخت درونی در جهت حل مسایل و

کنترل شرایط

۷. **برون فردی:** توانایی درک دیگران و ایجاد تعامل مؤثر با آنان

۸. **طبیعت گرا:** توانایی تشخیص جنبه‌های مختلف طبیعت

@dabirfile

با توجه به نظرات هوارد گاردنر، هوش‌های چندگانه، هشت راه مختلف برای نشان دادن قابلیت‌های فکری هستند. توضیح

گاردنر به معلمان این است که: "معلمان باید توجه خود را به همه هوش‌ها معطوف کنند."

البته دقت کنید که این طور نیست که هر دانش آموزی دارای یک نوع هوش است و در بقیه ضعیف؛ بلکه هر فردی نیم رخ

از هوش‌ها را داراست که ممکن است هر کدام از هوش‌ها دارای ضریب بالا یا پایین باشند.

### هوش هیجانی (EQ)

هوش هیجانی یا عاطفی که مفهومی نسبتاً جدید است عبارت است از «توانایی فرد در نظارت بر احساس‌ها و هیجانات خود و

دیگران به منظور متمایز ساختن آنها از یکدیگر و استفاده از این اطلاعات برای هدایت اندیشه و عمل خود».

### بخش‌های هوش هیجانی:

۱. شناخت هیجان‌های خود (خود آگاهی): خودآگاهی یا تشخیص هیجان‌ها در همان زمان که در حال وقوع هستند.

۲. کنترل هیجان‌های خود (خود گردانی): کنترل و اداره هیجان‌ها، مناسب و بجا بودن آنها در هر موقعیت، و مدیریت هیجان

ها.

۳. برانگیختن و به هیجان آوردن خود (خود انگیزشی): استفاده از هیجان‌ها برای هدفی خاص، تمرکز و توجه، ایجاد انگیزه در

خود و تسلط بر خویشتن و خلاقیت.

۴. شناخت هیجان‌های دیگران (همدلی): توانایی همدلی و یگانگی با دیگران.

۵. تنظیم روابط با دیگران (روابط مؤثر): مهارت کنترل و اداره هیجان‌های دیگران.

### خلاقیت

تحقیق در زمینه خلاقیت تقریباً یک قرن طول می‌کشد، اما تعریف خلاقیت هنوز بسیار مورد بحث است. خلاقیت تاکنون به شیوه‌های گوناگونی تعریف شده است. برخی در تعریف خلاقیت به ویژگی‌های افراد خلاق، برخی به فرایند و برخی دیگر به فرآورده و محصول خلاق توجه داشته‌اند.

یک توانایی. یک تعریف ساده از خلاقیت این است که خلاقیت توانایی تصور یا اختراع چیزی جدید است. خلاقیت توانایی خلق چیزی از هیچ نیست زیرا این فقط کار خداست)، بلکه توانایی تولید ایده‌های جدید بوسیله ترکیب، تغییر یا کاربرد مجدد ایده‌های موجود می‌باشد. برخی از ایده‌های خلاقانه حیرت‌انگیز و فوق‌العاده‌اند، در حالی که بقیه فقط ایده‌هایی عملی، خوب و ساده‌اند که به نظر می‌رسد تا آن زمان به فکر هیچ کس نرسیده‌اند.

## @dabirfile

یک نگرش، خلاقیت همچنین یک نگرش است: توانایی پذیرفتن تغییر و تازگی، تمایل به پرداختن به ایده‌ها و شقوق ممکن، انعطاف‌پذیری در دیدگاه‌ها و نظرات، عادت لذت بردن از وضعیت موجود و در عین حال به دنبال بهبود وضعیت موجود بودن. این نوشتار بیشتر به این مورد و تاثیر آن بر تولید خلاقانه پرداخته است.

یک فرآیند. افراد خلاق سخت کار می‌کنند و دائماً ایده‌ها و راه‌حل‌ها را با تغییرات مداوم و پالایش کارهای خود بهبود می‌بخشند. برخلاف تصورات افسانه‌ای در مورد خلاقیت، ابداعات و اختراعات بزرگ کمی وجود دارد که با یک فعالیت هیجانی و تند و یا با یک جرقه زیرکانه به وجود آمده باشند. واقعاً مطلب این است که ایده‌های جدید از ایده‌های دیگر ناشی می‌شوند و راه‌حل‌های جدید همان راه‌حل‌های قدیمی‌اند که به مرور بهبود یافته‌اند.

### مولفه‌های خلاقیت

خلاقیت دارای چهار مؤلفه یا ویژگی به شرح ذیل است:

### سیالی یا روانی:



سیالی به توانایی ذهن در تولید ایده‌های فراوان در مورد یک موضوع گفته می‌شود. این توانایی افراد را قادر می‌سازد راه حل‌های متعددی برای حل یک مساله واحد ارائه دهند. به عبارت دیگر روانی به کمیت پاسخ‌های فرد به یک مساله مرتبط است. این ویژگی بر این عقیده مبتنی است که کمیت موجب کیفیت می‌گردد.

### اصالت یا ابتکار:

این مؤلفه به توانایی ذهن در نوآوری و ابداع یک ایده یا محصول نو و منحصر به فرد برمی‌گردد. افرادی دارای این توانایی اند که می‌توانند از کلیشه‌ها، قالب‌ها و عادت‌های رایج و تکراری دور شده و ایده‌هایی بسیار متفاوت از دیگران ارائه دهند.

### . انعطاف پذیری:

این مؤلفه به توانایی ذهن در تغییر حوزه تفکر از یک بعد موضوع به ابعاد دیگر آن اشاره دارد. انعطاف پذیری الگوهای جدیدی برای اندیشیدن طراحی می‌کند و در نتیجه منجر به تولید ایده‌های گوناگون و متنوع می‌گردد. بسط یا گسترش: این مؤلفه به توانایی گسترش، به سازی و کامل کردن موضوع و افزودن جزئیات وابسته به آن برمی‌گردد. اندیشه بسط یافته به کلیه جزئیات لازم برای یک طرح می‌پردازد و چیزی را از قلم نمی‌اندازد.

## @dabirfile

خلاقیت یکی از مواهب خدادادی است که در همه افراد کم و بیش وجود دارد و تحقیقات نشان داده اند که این توانایی قابل پرورش و توسعه می‌باشد. مدرسه و معلم عواملی هستند که هم می‌توانند خلاقیت را پرورش دهند و هم مانع بروز و ظهور آن شوند. معلم باید به خوبی با فرآیند خلاقیت، ویژگی‌های محیط خلاق، دانش آموز خلاق و روش‌های پرورش خلاق آشنا باشد و به آن بها دهد

محیط بیش از حد رسمی توأم با سخت گیری و خشونت، ترس و تهدید و ارباب، خلاقیت را می‌کشد و بر عکس محیط آزاد همراه با پذیرش و احساس امنیت که محرک‌های فکری در آن زیاد است خلاقیت را توسعه می‌دهد.

=====

### حل مساله

زمانی که یادگیرنده با موقعیتی روبرو می‌شود که نمی‌تواند با استفاده از اطلاعات و مهارت‌هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت سریعاً پاسخ درست بدهد یا وقتی که هدفی دارد و هنوز راه رسیدن به آن را نیافته است، با یک مساله روبرو است.

تعریف حل مسأله: تشخیص و کاربرد دانش و مهارت‌هایی که منجر به پاسخ درست یادگیرنده به موقعیت یا رسیدن او به هدف مورد نظرش می‌شود.

### مراحل حل مسأله

۱. تشخیص مسأله: تشخیص و درک مسأله یا یافتن مسأله به عبارت دیگر یادگیرنده بفهمد که مسأله‌ای وجود دارد.
۲. تعریف و بازنمایی مسأله: تعریف کردن و فهمیدن مسأله از طریق یافتن اطلاعات مناسب و کنار گذاشتن جزئیات نامربوط
۳. کشف راه حل مسأله: جستجو و کشف راه حل مناسب برای پیدا کردن راه حل مسأله روش‌های مختلفی وجود دارد که با توجه به نوع مسأله می‌تواند متفاوت باشد.
۴. عمل کردن بر روی راه حل‌های کشف شده و پیش بینی نتایج انتخاب یک راه حل و اجرای آن و پیش بینی نتایج حاصل از آن (البته پیش از اجرای راه حل)
۵. نگاه به عقب و ارزشیابی نتایج فعالیت‌ها: ارزشیابی راه حل‌هایی را که انتخاب کرده ایم. این مرحله شامل واریسی خواهد برای تایید درست بودن راه حل و جواب مسئله است.

@dabirfile

پیشنهادهایی برای افزایش توانایی‌های حل مسأله در یادگیرندگان

۱. در شیوه‌های حل مسأله از راه مشاهده به یادگیرندگان کمک کنید.
۲. یادگیرندگان را تشویق کنید تا در حل کردن مسائل با یکدیگر همکاری کنید.
۳. یادگیرندگان را برای ادامه فعالیت‌های خود تا پیدا کردن جواب کامل مسأله تشویق کنید.
۴. در کلاس درس فضایی آزاد فراهم کنید تا مشوق کاوش‌های کنجکاوانه یادگیرندگان باشد.

### حافظه

همه یادگیری‌ها نشان از حافظه دارد. بدون حافظه نمی‌توانستیم چیزی یاد بگیریم، حتی تجربه‌هایمان را هم فراموش می‌کردیم. بدون حافظه حتی درباره «خود» هم نمی‌توانستیم اندیشه کنیم.

### انواع حافظه

۱. حافظه حسی:

حافظه حسی نخستین مرحله حافظه به شمار می‌آید. در این مرحله، اطلاعات حسی محیط برای مدت کوتاهی در حافظه حسی ذخیره می‌گردد. این زمان، برای اطلاعات تصویری در حدود نیم ثانیه و برای اطلاعات صوتی در حدود ۳ ثانیه است. حافظه حسی در واقع در نقش دریچه‌ای برای ورود اطلاعات به حافظه عمل خواهد کرد. از میان اطلاعاتی که وارد حافظه حسی می‌شوند، تنها اطلاعاتی که مورد توجه قرار گیرند، وارد مرحله بعد یعنی حافظه کوتاه مدت می‌شوند.

## ۲. حافظه کوتاه مدت:

حافظه کوتاه مدت که حافظه فعال نیز نامیده می‌شود، شامل اطلاعاتی است که ما به صورت آگاهانه مورد توجه قرار می‌دهیم و یا در مورد آن می‌اندیشیم. اطلاعات در حافظه کوتاه مدت برای ۲۰ تا ۳۰ ثانیه باقی خواهند ماند. این اطلاعات در صورت تمرین و تکرار می‌توانند وارد حافظه بلند مدت شوند. حافظه کوتاه مدت قادر به نگهداری ۵ تا ۹ قطعه یا واحد اطلاعات است. این واحد می‌تواند یک عدد، یک حرف و یا کلمه باشد. ناتوانی در توجه به اطلاعات مختلف به دلیل محدودیت فضای حافظه کوتاه مدت (حافظه فعال) است.

## ۳. حافظه بلندمدت:

حافظه بلند مدت به نگهداری طولانی مدت و شاید مادام‌العمر اطلاعات اشاره دارد. این اطلاعات خارج از آگاهی ما هستند، اما هنگامی که به آن‌ها نیاز داشته باشیم می‌توانیم آن‌ها را به حافظه کوتاه مدت فراخوانده و از آن استفاده کنیم. بررسی ظرفیت و مدت نگهداری اطلاعات در حافظه بلند مدت تقریباً غیرممکن است، با این حال شواهد نشان می‌دهند که احتمالاً باید حافظه بلندمدت را نامحدود دانست.

## اقسام حافظه درازمدت

۱. حافظه معنایی: در این قسمت، معانی ذخیره می‌گردند. برای نمونه، هنگامی که در یک کتاب جمله‌ای را می‌خوانیم معنای آن را حفظ می‌کنیم، نه کلمات یا ویژگی‌های دستوری را که در آن جمله به کار رفته اند.
۲. حافظه رویدادی: این نوع حافظه مربوط به خاطرات فرد از تجارب شخصی خود است که شامل رخدادها و اتفاقاتی می‌شود که در زندگی فرد رخ داده و به زمان و مکان خاصی وابسته اند.
۰. حافظه روندی: این نوع حافظه، که روند انجام کاری را شامل می‌شود، مربوط به فعالیت‌های فیزیکی و جسمانی است که به صورت «محرک - پاسخ» ذخیره می‌شوند. هر قدر عمل بیشتر تکرار گردد فعالیت خودکار بودن افزایش می‌یابد. برای نمونه، اگر برای مدتی طولانی کسی دوچرخه سواری نکرده باشد، به محض اینکه شروع به این کار

می‌کند، محرکها پاسخها را فرامی‌خوانند. از این رو، حافظه روندی به دانستن چگونه انجام دادن یک عمل گفته می‌شود.

### فراموشی

عده‌ای از صاحب نظران اعتقاد دارند که اصلاً چیزی به نام «فراموشی» وجود ندارد، بلکه مطالب در حافظه دراز مدت به طور درست جای نگرفته اند و ما توانایی یادآوری آنها را نداریم. ظرفیت حافظه یکی از موارد تفاوت بین انسان و حیوان است. حافظه انسان همچون ظرفی دارای خاصیت ارتجاعی بسیار زیاد و نامحدود است. در این ظرف، هر چیزی ریخته شود موجب افزایش حجم آن می‌شود و آنچه به «ضعف حافظه» معروف است، محدودیت ظرفیت حافظه نیست، بلکه ضعف یادآوری است. بنابراین، اگر مطالب را به خوبی نیاموخته باشیم در یادآوری آنها مشکل خواهیم داشت.

### علل فراموشی

فراموشی می‌تواند در هر کدام از حافظه‌های سه گانه رخ دهد. البته در نگاه عامه مردم بیشتر منظور از فراموشی، فراموشی اطلاعات از حافظه درازمدت است.

@dabirfile

### حافظه حسی

- انصراف توجه از محرک مورد نظر

حافظه کوتاه مدت:

- جانشینی و عدم مرور ذهنی
- زوال در اثر گذشت زمان

### حافظه بلندمدت

- عدم سازماندهی دقیق آموخته‌ها (مثل کتابخانه طبقه بندی نشده)
- عدم دسترسی به اطلاعات ذخیره شده (نارسایی در بازیابی)
- تداخل پس گستر: یادگیری بعد با یادآوری یادگیری قبلی تداخل می‌کند.
- تداخل پیش گستر: اطلاعات قبلی ما با یادگیری کنونی ما تداخل می‌کند.

=====

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی عبارت است از فعالیتی که در آن با استفاده از آزمون‌های پیشرفت تحصیلی، عملکرد یادگیرندگان تعیین می‌شود و نتایج حاصل با هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده سنجیده می‌شود و معلوم می‌گردد که کوشش‌های یادگیری دانش آموزان و فعالیت‌های آموزشی معلم به نتایج مطلوب انجامیده است یا نه.

### اهداف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

ارزشیابی وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف زیر می‌باشد.

۱. شناخت توانایی و زمینه‌های علمی شاگردان و تصمیم‌گیری برای انجام فعالیت‌های بعدی آموزشی
۲. شناساندن هدف‌های آموزشی در فرآیند تدریس
۳. بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزشی
۴. شناخت نارسایی‌های آموزشی شاگردان و ترمیم آنها
۵. ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزشی در دانش آموزان
۶. ارتقای دانش آموزان

@dabirfile

### انواع ارزشیابی آموزشی

ارزشیابی آغازین نخستین ارزشیابی معلم است که قبل از انجام فعالیت‌های آموزشی او به اجرا درمی‌آید و به منظور پاسخ دادن به دو پرسش زیر استفاده می‌شود:

۱. آیا یادگیرندگان بر دانش‌ها و مهارت‌های پیش نیاز درس تازه مسلط هستند؟
  ۲. یادگیرندگان چه مقدار از اهداف و محتوای درس تازه را قبلاً یاد گرفته‌اند؟
- اجرای این ارزشیابی به معلم کمک می‌کند تا کم و کاستی‌های یادگیری قبلی را تشخیص داده و آنها را برطرف کند.

### ارزشیابی تکوینی یا مستمر

ارزشیابی مستمر با فرآیند یاددهی- یادگیری آن همراه است. این نوع ارزشیابی هم بر فرآیند یادگیری و هم بازده و محصول یادگیری تأکید دارد. این ارزشیابی در زمانی که فعالیت آموزشی معلم در جریان است و یادگیری بچه‌ها در حال شکل‌گیری است انجام می‌گردد.

### ارزشیابی تراکمی

ارزشیابی تراکمی یا پایانی، اندازه گیری آموخته‌های کلی دانش آموزان در پایان یک دوره آموزشی است و به صورت امتحانات رسمی، اغلب برای گزینش با طبقه بندی و با تعیین ارتقای امتحان دهندگان و یا دادن امتیازهای تحصیلی انجام می‌گیرد و به عبارتی نتیجه آموزش مورد نظر است.

### اصول ارزیابی

۱. ارزیابی باید به گونه‌ای صورت گیرد که سه عنصر یادگیرنده، آموزش دهنده و محیط (دانش آموز، معلم، مدرسه) را بهبود بخشد.

۲. ارزیابی باید به گونه‌ای صورت گیرد که دانش آموز بتواند آنچه را می‌داند نشان دهد نه آنچه را نمی‌داند.

۳. ارزیابی فرایند محور، عملکرد مدار است یعنی توانایی و مهارت‌های دانش آموزان در کاربرد مطالب در موقعیت‌های زندگی مورد توجه است.

۴. ارزیابی باید به گونه‌ای باشد که هر دانش آموز بتواند دامنه کامل توانایی‌های خود را نشان دهد.

۵. ارزیابی باید تمامی اهداف آموزش (مهارت‌های سطح پایین، متوسط و عالی) را مورد ارزیابی قرار دهد.

۶. کیفیت ارزیابی فرآیندی نباید صرفاً از طریق نمره گذاری عینی و کمی تعیین شود.

@dabirfile



مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و

تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران

(صفحه ۳۳۶-۳۴۷)

(کلیه رتبه‌ها)

ویژه سنجش دانش حرفه‌ای برای کلیه مشمولین دریافت رتبه

نیمسال دوم سال ۹۹ (جامانده)

## مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و امور اداری

## ۲\_ مشخصات کلی نظام تربیت رسمی و عمومی

## ۲\_۱. تعریف و قلمرو

تحقق تربیت رسمی و عمومی با عنایت به ویژگی‌های آن که در فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران بیان شد مستلزم آن است که نهادی اجتماعی و فرهنگی، به عنوان مولفه اصلی بخش فرهنگ عمومی جامعه اسلامی \_ در جهت گسترش و تعالی مداوم ظرفیت‌های وجودی نسل آینده و بسط و اعتلای تجارب متراکم اجتماعی، با تکیه بر ارکان جریان تربیت و مشارکت فعال همه عوامل سهیم و موثر، متولی و مسئول تحقق شایسته تربیت رسمی و عمومی در همه سطوح کلان و خرد شود. اِذا این نهاد به منظور تعالی کیفیت حیات فردی و اجتماعی آحاد جامعه و آماده شدن ایشان جهت تحقق مرتبه لازم و شایسته‌ای از حیات طیبه، زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت نسل آینده با تاکید بر تکوین و تعالی وجوه مشترک هویت در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح براساس نظام معیار اسلامی خواهد بود.

بنابراین، تعریف "نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران" عبارت است از:

«نهاد اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته‌ای که، به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلاء فرهنگ عمومی در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت فراهم آوردن زمینه نظام‌مند و عادلانه کسب آمادگی متریبان جهت تحقق مرتبه- ای از حیات طیبه در همه ابعاد را برعهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه، لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان (با تاکید بر هویت مشترک انسانی اسلامی و ایرانی ایشان) در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح براساس نظام معیار اسلامی مستلزم آن است که تربیت یافتگان این نظام، شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را کسب نمایند.»

این نهاد اجتماعی و فرهنگی، با محوریت دولت اسلامی (به لحاظ نقش حاکمیتی آن در هدایت و پشتیبانی از جنبه بارز اجتماعی این نهاد) و با مشارکت فعال خانواده‌ها، رسانه، نهادها و سازمان‌های غیردولتی، متولی تحقق شایسته‌ی «جریان تربیت رسمی و عمومی» در همه سطوح سیاست‌گذاری؛ برنامه‌ریزی؛ پشتیبانی؛ هماهنگی و ساماندهی؛ اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح می‌باشد.

باتوجه مبانی حقوقی و روان‌شناختی مذکور در فلسفه تربیت رسمی و عمومی قلمرو فعالیت نظام تربیت رسمی و عمومی (جامعه هدف) همه افراد تابع نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند که بنا بر قانون (به لحاظ دامنه سنی) مشمول ورود به نظام تربیت رسمی و عمومی هستند.

## ۲\_۲. رسالت

بر بنیاد "فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران" و در راستای تحقق غایت و هدف کلی تربیت عمومی؛ رسالت "نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران" عبارت است از:

«فراهم آوردن زمینه نظام‌مند و عادلانه کسب شایستگی‌های فردی، خانوادگی و جمعی لازم برای عموم افراد جامعه به منظور دستیابی به مرتبه قابل قبولی از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در همه ابعاد.»

@dabirfile

بدیهی است نظام تربیت رسمی و عمومی، هم باید از امکانات و اختیارات لازم برای انجام این رسالت مهم برخوردار باشد. نسبت به چگونگی ایفای آن در برابر جامعه، پاسخگو باشد. این نظام با ایفای چنین رسالتی، افزون بر تمهید شرایط لازم جهت تحقق غایت و هدف کلی تربیت رسمی و عمومی (نسبت به آحاد متربیان)، در قبال جامعه نیز به مثابه نهادی اجتماعی و فرهنگی، کارکردهای مشخصی خواهد داشت که می‌توان و باید باتوجه به این کارکردها، عملکرد واقعی این نظام و عوامل سهیم و موثر در آن را مورد ارزیابی قرار داد.

## ۲\_۳. اهداف

در راستای تحقق غایت و هدف کلی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (که همان دستیابی به مرتبه‌ای از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد است)، مجموعه‌ای از شایستگی‌های اساسی به عنوان اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی تعریف می‌شوند که شامل دو دسته اهداف مشترک و اهداف ویژه می‌باشد.

باتوجه به هدف کلی جریان تربیت در جامعه‌ی اسلامی که «تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت متربیان به گونه‌ای است که بتوانند موقعیت خود و دیگران (نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و طبیعت) را به درستی درک و آن را به‌طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نمایند.»

اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی به این شرح است:



## اهداف مشترک

انتظار می‌رود تربیت یافتگان نظام تربیت رسمی و عمومی برای ورود مطلوب به زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارای شایستگی‌های زیر باشند:

- دیندار (مومن به باورهای اسلام ناب، علاقه‌مند به ارزش‌های اصیل و عامل به دستورات و احکام اسلامی)؛
- مودب و متخلق به آداب و اخلاق انسانی و اسلامی؛
- حقیقت‌جو، خردورز و پرسشگر؛
- انتخاب‌گر و آزادمنش؛
- حق‌محور و مسئولیت‌پذیر نسبت به خدا، خود، جامعه و طبیعت؛
- عدالت‌ورز، ظلم‌ستیز، مهربان و صلح‌جو؛
- سالم و بانشاط؛
- امیدوار نسبت به آینده و منتظر برپایی عدل جهانی (جامعه مهدوی)؛
- قانون‌گرا، منضبط و نظم‌پذیر؛
- خودباور، دارای عزت نفس، مصمم و بااراده؛
- پاکدامن، باحیا، امین، بصیر و حق‌شناس؛
- وطن‌دوست و استقلال‌طلب؛
- جهادگر، شجاع و ایثارگر؛
- مقتصد، خلاق و کارآفرین؛
- جمع‌گرا و جهانی‌اندیش؛
- دارای ذائقه هنری و زیبایی‌شناختی؛

@dabirfile

البته مرتبه قابل قبول و حد نصاب هریک از شایستگی‌های پایه یادشده، توسط بالاترین مرجع سیاست‌گذار در نظام یعنی شورای عالی تربیت رسمی و عمومی در بازه‌های زمانی ده یا بیست ساله با توجه به ملاک‌های یادشده در «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» تعیین خواهد شد.

## اهداف ویژه

باتوجه به لزوم ملاحظه تفاوت‌های متریبان، اهداف ویژه نظام تربیت رسمی و عمومی، در سطوح ملی، منطقه‌ای و مدرسه‌ای و برحسب نیازها و ویژگی‌های فردی و اجتماعی و ملاحظات جنسی، جنسیتی و سطح رشد متریبان توسط مراجع ذیصلاح (البته در چهارچوب اهداف مشترک تربیت رسمی و عمومی) تعیین می‌شوند.

## ۲\_۴. کارکردها

با تحلیل غایت، هدف کلی و اهداف تربیت رسمی و عمومی و با توجه به رسالت نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، می‌توان موارد ذیل را به عنوان مهم‌ترین کارکردهای این نظام در نظر گرفت:

## کارکردهای اختصاصی

- زمینه‌سازی برای شناخت ظرفیت‌های وجودی متربیان و کمک به تکوین و تعالی پیوسته هویت آن \_ با تاکید بر ابعاد مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی \_ براساس نظام معیار اسلامی
- بسترسازی برای کسب شایستگی‌های اساسی و پایه در متربیان برای دستیابی به مراتبی از حیاط طیبه و پاسخ‌گویی به نیازهای حال و آینده خود و جامعه
- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ورود تربیت یافتگان به انواع تربیت تخصصی (آموزش عالی و تربیت حرفه‌ای)
- اشاعه و ترویج عادلانه دانش پایه و کاربردی و فنآوری‌های موردنیاز جامعه و زمینه‌سازی برای اعتلای آن‌ها

## کارکردهای مشترک

نظام تربیت رسمی و عمومی همراه با سایر عوامل سهیم در تربیت عمومی دارای کارکردهای مشترکی نیز می‌باشد که اهم آن -

ها عبارتند از:

**@dabirfile**

- تقویت هویت انسانی، اسلامی \_ ایرانی متربیان و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی (باورها و ارزش‌های مشترک انسانی، اسلامی، ملی) افراد جامعه؛
- حفظ، ارزیابی و تعالی میراث فرهنگی (اسلامی و ایرانی) و انتقال آن به نسل جوان
- گسترش عدالت اجتماعی و تحرک اجتماعی طبقات محروم براساس کسب شایستگی‌ها؛
- گسترش اعتماد عمومی و امنیت اجتماعی (و دیگر مصادیق سرمایه اجتماعی)؛
- ایجاد انسجام اجتماعی و تحکیم وحدت ملی؛
- بسط مشارکت سازنده و نقش‌آفرینی عموم آحاد مردم در تحولات اجتماعی و سیاسی موردانتظار در نظام اجتماعی \_ سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی؛
- تنظیم و گسترش روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی بر مبنای نظام معیار اسلامی؛
- گسترش روحیه استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی بین آحاد جامعه
- ارتباط برادرانه با جوامع اسلامی در جهت شکل‌گیری امت واحده اسلامی و برپایی جامعه عدل مهدوی (عج)
- بسط روابط انسانی و مسالمت‌آمیز و حق‌محورانه و مبتنی بر عدالت با مردم دیگر کشورهای جهان.

## ۲\_۵. رهیافت

با عنایت به مبانی دین شناختی مندرج در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران از آنجا که باید به دین به مثابه آئین زندگی و جاری و ساری در متن زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی، توجه داشت، نظام تربیت رسمی و عمومی و همه مولفه‌های آن باید براساس آموزه‌های اسلامی که از منابع معرفتی معتبر اسلام (قرآن، سنت پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) و عقل) یا در چهارچوب آن‌ها سامان یابند که براساس احکام اولی، ثانوی و ولائی مربوط به جریان تربیت حسب فرایند اجتهاد و با استفاده از یافته‌های علمی و کارشناسی سازگار با این آموزه‌های اسلامی برگرفته شده‌اند..

لذا، رهیافت حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، دین محوری است.

بنابراین با آنکه در شناخت و جهت‌دهی جریان تربیت در نظام تربیت رسمی و عمومی باید از یافته‌ها و نتایج انواع دانش و خرد متراکم بشری استفاده شود، لیکن کلیت این نظام باید براساس مبانی و ارزشهای دینی سازمان یافته و با نظام معیار اسلامی سازگار و هماهنگ باشد.

## ۲\_۶. رویکرد اساسی

رویکرد اساسی نظام تربیت رسمی و عمومی سازگار با رهیافت دین محوری به این شرح است:

### موقعیت شناسی و موقعیت آفرینی براساس نظام معیار اسلامی؛

@dabirfile

با توجه به نقش مهمی که درک و اصلاح موقعیت در تکوین و تعالی هویت متریبان خصوصاً در دوره تربیت رسمی و عمومی دارد، باید نظام تربیت رسمی و عمومی را به مثابه نظامی دانست که با داشتن خصوصیتی \_ نظیر پویایی، آینده‌نگری و تحول- آفرینی، توجه به اقتضات بومی و ملی و بهره‌مندی از کارگزارانی فکور و متعهد به نظام معیار اسلامی \_ زمینه‌ساز درک شایسته مربیان و متریبان از موقعیت خویش و دیگران و عمل برای اصلاح مداوم آن براساس انتخاب و التزام اختیاری و آگاهانه نظام معیار اسلامی می‌شود.

تحقق این رویکرد مستلزم تغییرات هماهنگ و منظمی در تمامی ابعاد و سطوح تصمیم‌گیری است.

## ۲\_۷. روابط

از آنجا که نظام‌های اجتماعی در خلاء عمل نمی‌نمایند و با سایر نهادها و نظام‌های اجتماعی روابط و کنش متقابل دارند، عملکرد درست یک نظام به برقراری روابط صحیح و اصولی با دیگر نهادها و نظام‌های اجتماعی نیز وابسته است. براین اساس نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت خود نیازمند روابط صحیح با ارکان تربیت و دیگر عوامل موثر و سهیم در جریان تربیت می‌باشد چرا که برای تحقق رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی، همگان به نوعی مسئولیت دارند. به سخن دیگر نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت و اهداف خود باید از ظرفیتهای جامعه حداکثر استفاده را بنماید.

به بیان دیگر تمام نهادها و دستگاه‌های اجتماعی مسئولیت دارند تا زمینه هدایت آحاد جامعه را برای دستیابی به آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در راستای وصول به مقام قرب الهی و جایگاه رفیع خلیفه الهی فراهم آورند که تجلی این رسالت خطیر کمک به نهادهای تربیتی برای زمینه‌سازی تربیت همگان (به‌ویژه نسل آینده) در چارچوب نظام معیار اسلامی می‌باشد.

### ۱\_۲\_۷. روابط با ارکان

نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت و کارکردهای خود از مشارکت همه عوامل سهیم و موثر در جریان تربیت بهره‌مند می‌شود، اما در این میان به طور کلی بر چهار رکن مهم و اساسی اتکا دارد که عبارتند از: دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه و نهادها، سازمان‌های غیردولتی؛ که این چهار رکن نقش تکمیل کننده و متعادل کننده یکدیگر را دارند:

### دولت اسلامی (حاکمیت)

- در نظام تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی سیاست‌گذاری، نظارت و پشتیبانی از امر تربیت رسمی و عمومی برعهده دولت اسلامی (حاکمیت) است. بنابراین با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همه عناصر دولت اسلامی (حاکمیت) \_ از رهبری و مقام ولایت فقیه و نهادهای سیاست‌گذار، نظارتی، قضایی، و تبلیغی تحت نظر ایشان (نظیر مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی انقلاب فرهنگی، صداوسیما، قوه قضائیه) تا قوه مجریه (حاکمیت) شورای اسلامی و شورای نگهبان) و قوه مجریه (همه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های وابسته) \_ باید به نحوی در ایفای این مسئولیت سترگ متناسب با اختیارات قانونی و امکانات خود مشارکت داشته باشند که با توجه به شأن هدایتی حاکمیت اسلامی (براساس فلسفه سیاسی تشکیل حکومت اسلامی) این امر، مهم‌ترین مسئولیت فرهنگی آن‌ها به شمار می‌آید.

### خانواده

- خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی (در تداوم نقش‌آفرینی تربیتی خود در مرحله پیش از ورود فرزندان به نظام تربیت رسمی و عمومی) نقش اصلی را برعهده دارد و باید با کسب شایستگی‌های لازم، در امر تربیت فرزندان خود مشارکت فعال داشته باشند و باید دانش و مهارت لازم نسبت به اهداف، برنامه‌ها، اصول و روشهای حاکم در مدرسه، توانائی تعامل اثربخش و تعالی جویانه با نظام تربیت رسمی و عمومی را کسب نماید. از سوی دیگر، نظام تربیت رسمی و عمومی نیز باید زمینه حضور فعال خانواده‌ها و مشارکت همه جانبه آنان را در تمام سطوح تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها (البته در چارچوب مبانی، اصول و سیاست‌های کلان نظام) فراهم کند تا از این طریق بسیاری از کاستی‌ها را جبران کند، که ناشی از دوگانگی فرهنگ خانه و مدرسه و ناهماهنگی اهداف و تفاوت اولویت‌ها و روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه و سیاست‌ها و برنامه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی می‌باشد.

در راستای تحقق حق و تکلیف والدین نسبت به تربیت فرزندان، خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی نقشهای زیر را برعهده دارد:

- انتخاب آگاهانه نوع مدرسه برای فرزندان خود
- کسب آگاهی فزونتر نسبت به مسئولیت تربیتی خویش و عدم واگذاری تمامیت این مسئولیت به دیگران
- نظارت بر کارکرد مدرسه و ارائه بازخوردهای لازم و بموقع به مدیران و مربیان
- مشارکت در فعالیتهای مدرسه‌ای مانند مشارکت در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی غیرالزامی در ساعات درسی و غیر آن
- حضور فعال و اثربخش در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظام تربیت رسمی و عمومی مانند حضور نمایندگان نهاد خانواده در شوراهای در سطوح مختلف
- انتخاب سطوح بالاتری از تربیت برای فرزندان خود در ساحت‌های مختلف از طریق نظام‌های تربیتی جانبی و مکمل
- مشاوره و راهنمایی فرزندان برای همراهی و تحقق اهداف و برنامه‌های مدرسه
- ایجاد تشکیلات مردم نهاد برای توسعه کمی و کیفی نظام تربیت رسمی و عمومی

## @dabirfile

### نهادهای سازمان‌های غیردولتی

- با آنکه نهادها و سازمان‌های غیردولتی طیف گسترده‌ای از موسسات و نهادهای عمومی و خصوصی مانند رسانه‌های جمعی مساجد و حوزه‌های علمیه، شوراهای، شهرداری‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، انجمن‌های علمی و حرفه‌ای، نهاد وقف و سایر سازمان‌های مردم نهاد را در برمی‌گیرند که همه آنها را می‌توان به عنوان عوامل سهیم و یا موثر، در پشتیبانی از نظام تربیت رسمی و عمومی دخیل دانست، چنانچه بنگاه‌ها و موسسات خصوصی نیز می‌توانند و باید \_ با رعایت ضوابط \_ در جریان تربیت رسمی و عمومی مداخله موثر داشته باشند؛ اما منظور از نهادها و سازمان‌های غیردولتی به عنوان رکن نظام تربیت رسمی و عمومی به ویژه آن دسته از این نهادها و سازمان‌های غیردولتی است که به صورت سازمان یافته یا داوطلبانه در جریان تربیت نقش آفرین بوده و بطور مشخص عهده‌دار مسئولیت خاصی در زمینه کمک به نظام تربیت رسمی و عمومی می‌شوند (نظیر انجمن‌های اولیاء و مربیان، انجمن‌های علمی مربوط به متخصصان تربیتی، تشکل‌های حرفه‌ای مربیان، جامعه خیرین مدرسه‌ساز).

### رسانه

همانگونه که در فلسفه تربیت و فلسفه تربیت رسمی ذکر شد با توجه به نقش رسانه و تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات و گستره نفوذ و تاثیرگذاری آن در فرآیند تربیت، می‌باید از رسانه نیز به عنوان یکی از عوامل بسیار سهیم و موثر در فرآیند تربیت و حتی به مثابه رکن آن نام یرده شود. زیرا در عصر حاضر با تأسیس شاهراه و شبکه‌های اطلاعاتی و ایجاد ابر متن‌ها و

فرازبان‌ها، زندگی انسان متحول شده و معنای تازه‌ای از زندگی پدید آمده است. البته از مجموعه رویکردهایی که در زمینه ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات به عرصه تربیت وجود دارد، اتخاذ رویکرد اصلاح‌گرانه و کل‌گرانه در مواجهه با تغییرات حاصل از فناوری کارسازتر است. یعنی در عین هشیاری و توجه به تبعات منفی ناشی از فناوری، باید اثرات مثبت آن را موردتوجه قرار داد و تعاملی سازنده بین فرهنگ و فناوری را پذیرفت.

### ۲\_۷\_۲. روابط با دیگر عوامل سهیم

برای ایجاد هماهنگی و هم‌سوئی میان عوامل متعدد سهیم در تربیت رسمی و عمومی، عموم افراد جامعه باید هم‌غایت، هدف کلی و اهداف مشترکی برای انواع تربیت عمومی \_ اعم از رسمی و غیررسمی \_ تعیین شود و هم با تقسیم کار و وظایف میان عوامل سهیم، زمینه هم‌افزایی و تعامل سازنده بین آن‌ها فراهم شود. در این میان باید بطور ویژه در سطح ملی نوعی تعامل، هماهنگی و تقسیم وظایف با نهادهای ذیل به عمل آید:

- خانواده

- نظام آموزش عالی

- رسانه ملی و سایر شبکه‌های ارتباطی ملی

- حوزه‌های علمیه

- نهادهای تبلیغات دینی (مساجد و مؤسسات مذهبی، سازمان تبلیغات اسلامی و ...)

- نهادهای تربیت غیررسمی (مطبوعات، هنرهای نمایشی و مراکز فرهنگی)

- نظام آموزش فنی و حرفه‌ای (وزارت کار و امور اجتماعی، و ...)

### ۲\_۷\_۳. روابط با سایر عوامل موثر

موفقیت و ناکامی نظام تربیت رسمی و عمومی متأثر از عملکرد دیگر عوامل اجتماعی می‌باشد که در این زمینه حاکمیت اسلامی (به مثابه دولت زمینه‌ساز هدایت) نه تنها باید با اتخاذ تدابیر لازم این عوامل و نهادها را در فراهم آوردن دیگر زمینه‌های تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد جهت‌دهی نماید، بلکه لازم است با تنظیم سیاست‌های مناسب عملکرد آن‌ها را حتی‌الامکان دارای صبغه و عملکرد تربیتی نماید و (در صورت عدم امکان) راهبردهای مناسبی برای جهت دادن به پیامدهای عملکرد آن‌ها اتخاذ نماید.

- محیط فرهنگی (نهاد دین و حوزه‌های علمیه، نهاد علم و پژوهش، نهاد ارتباطات و نهاد هنر)

محیط فرهنگی بالاترین سطح تعامل را با نظام تربیت رسمی و عمومی دارد و به عنوان اصلی‌ترین عامل اثرگذار در امر تربیت باید همسویی و هماهنگی لازم را با سیاست‌ها و برنامه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی داشته باشد و از این طریق بستر

مناسبتی را برای تحقق اهداف تربیت (چه قبل از ورود متربی به نظام تربیت رسمی و عمومی و چه بعد از آن) فراهم کند. نظارت بر عملکرد دستگاه‌های فرهنگی و هماهنگی بین سیاست‌ها و برنامه‌های آن‌ها برعهده شورای عالی تربیت است.

• محیط اقتصادی (بخش تولید، بخش خدمات و بخش خصوصی ...)

نهادهای اقتصادی (دولتی و غیردولتی) به عنوان عامل پشتیبان سهم تعیین کننده‌ای در تحقق اهداف تربیت دارند و باید در تأمین و تخصیص منابع الویت‌های نظام تربیت رسمی و عمومی را مدنظر قرار دهند. الویت تخصیص منابع در تمامی ابعاد جهت تحقق عدالت تربیتی خصوصاً در مناطق/اقشار محروم یا متربیانی با نیازهای ویژه باید یکی از جهت‌گیری‌های کلان برنامه‌های اقتصادی باشد.

• محیط رسانه‌ای و فن‌آوری (رسانه ملی، مطبوعات، اینترنت، ماهواره، رایانه و انواع نرم‌افزار)

ظرفیت محیط رسانه‌ای و فناوری باید در راستای اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی مورد استفاده قرار گیرد، به گونه‌ای که زمینه رشد توانمندیهای متربیان در شناخت و بهره‌گیری و توسعه نتایج تجارب مترکم بشری در عرصه علم و فن‌آوری را امکان‌پذیر نماید. این جهت‌گیری نه تنها متربیان را قادر می‌نماید تا با عنایت به تحولات و تحولات آینده با کسب دانش لازم و بینش ارزش‌مدار نسبت به جهان هستی و پدیده‌هایش احترام قائل شوند بلکه، روش مسئولانه‌ای در مواجهه با آن اتخاذ نمایند. بدیهی است تأثیرات نامطلوب محیط رسانه‌ای و فناوری باتوجه به رویکرد مصون‌سازی بجای محدودسازی در نظام تربیت رسمی و عمومی ظرفیت‌های لازم را در متربیان برای برخورد سازنده فراهم می‌کند.

• جامعه محلی (مساجد، شوراها، شهرداری‌ها، تشکله‌ها و سازمان‌های اجتماعی...)

مدرسه به عنوان کانون تربیت برای تدارک فرصت‌های تربیتی غنی و متنوع نیازمند مشارکت جامعه محلی و ایفای نقش مسئولانه آن در بسترسازی و پشتیبانی از جریان تربیت در سطح مدرسه است. شوراها، شهر، شهرداری‌ها، مساجد و سایر تشکل‌های محلی باید بخشی از منابع و فعالیت‌ها خود را در راستای تحقق انتظارات مدارس سازماندهی نمایند و پاسخگویی به نیاز مدارس را در الویت برنامه‌های خود قرار دهند. متقابلاً نظام تربیت رسمی و عمومی و مدارس نیز باید تدابیری اتخاذ نمایند تا بتوانند خدمات فرهنگی، علمی، تربیتی و اجتماعی به جامعه محلی ارائه دهند.

• محیط سیاسی و اجتماعی (دولت، احزاب، نهادهای مدنی غیردولتی و عمومی و سازمان‌های مردم نهاد \_

نظیر هلال احمر، بسیج، انجمن‌های اسلامی، انجمن‌های علمی و موسسات فرهنگی و سازمان‌های خیریه

(... \_

لازمه مشارکت فعالانه مدرسه به عنوان کانون تربیت، مشارکت کلیه عوامل و تصمیم‌گیری جمعی است، وجود یک نظام نیمه متمرکز مدیریتی برای تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی، شرط لازم است (گرچه شرط کافی نیست). توجه به ویژگی‌های قومی و فرهنگی و جغرافیایی در مناطق مختلف برای پاسخگویی به نیاز متربیبان نیازمند کاهش تمرکز در تصمیمات و افزایش مشارکت عوامل سهیم و مؤثر در سیاست‌ها و برنامه‌های تربیتی است. دولت و سایر نهادهای سیاسی و اجتماعی باید ضمن رعایت جنبه‌های حاکمیتی تربیت رسمی و عمومی، بستر این‌گونه مشارکت را در همه سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به تناسب فراهم کنند.

#### • محیط قضایی و امنیتی

از آنجا که زمینه‌سازی برای دستیابی متربیبان به اهداف تربیت در محیط امن و دور از عوامل هستی‌زدا رخ می‌دهد لذا محیط قضایی و امنیتی با وضع قوانین و تأسیس واحدهای نظارت و کنترل از "حق و مسئولیت تربیت" دیده‌بانی نموده و زمینه شکل‌گیری رفتارهای آسیب‌زای تربیتی را در جامعه در تمامی مراحل تربیت کاهش دهد. باتوجه به نقش بی‌بدیل و تعیین‌کننده نظام تربیت رسمی و عمومی و مربیان آن در پیشگیری از وقوع جرایم و آسیب‌های اجتماعی و نیز تأمین و پایدارسازی امنیت ملی و مقابله با خطراتی فرهنگی (نظیر جنگ نرم و تهاجم فرهنگی)، نهادهای مذکور باید مساعدت و مشارکت لازم برای ارتقای کیفیت برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی مدارس را معمول دارند.

@dabirfile

#### • محیط بین‌المللی (سیاست و اقتصاد جهانی، قوانین و معاهدات بین‌المللی و...)

نظام تربیت رسمی و عمومی باید در مواجهه با تحولات و چالش‌های محیط بین‌المللی نسبت به شناخت راهبردها و سیاست‌های بین‌المللی اقدام نموده و بستر تغییرات متأثر از این امور را در عرصه‌های تأثیرگذار بر جریان تربیت شناسایی نموده و با تحلیل محیط پیرامونی و فهم منطق حاکم بر موقعیت‌های بین‌المللی به بازتعریف راهبردهایش اقدام نماید. این امر باید در راستای اهداف تربیت و رعایت نظام معیار اسلامی صورت گیرد. البته درعین حال، دستیابی به تجربیات علمی جدید و تبیین نقش نظام تربیت رسمی و عمومی در سطح بین‌المللی و حضور فعال در محافل علمی و پژوهشی بین‌المللی و ارائه نظریات و تجربیات اسلامی و بومی در این عرصه‌ها باید در الویت قرار گیرد.



## دستورالعمل اجرایی بسته تحولی کنترل وزن و چاقی دانش‌آموزان (کوچ)

(کلیه رتبه‌ها)

مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و امور اداری

آذر ۹۹

تندرستی از برترین نعمت‌هاست (حضرت علی (ع))

### مقدمه

وزارت آموزش و پرورش، سیاست‌ها و برنامه‌های خود را با الهام از آموزه‌های سند تحول بنیادین ترسیم نموده است. موضوع سلامت و توانایی جسمانی دانش‌آموزان در این سند، مورد اعتنای جدی قرار گرفته، به نحوی که در بیانیه ارزش‌ها، چشم‌انداز و هدف‌های کلان، بر نشاط و سلامت جسمانی دانش‌آموزان، حفظ و ارتقا سلامت فردی و پاسخ دهی به نیازهای جسمی روانی دانش‌آموزان از طریق ورزش و تفریحات سالم و گروهی تاکید شده است.

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۲ تا ۹ درصد هزینه سلامت جوامع مختلف، صرف پیامدهای چاقی می‌شود، که در دهه‌های اخیر با افزایش ۲ برابری همراه بوده است. طبق گزارش‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، چاقی ۵/۰ تا ۱۷/۱ درصد از تولید ناخالص ملی کشورها را هدر می‌دهد. از طرفی هزینه درمان خانواده‌هایی که اعضای آن‌ها با اضافه وزن و چاقی روبرو هستند، ۳۷ درصد بیش‌تر از خانواده‌های دارای وزن طبیعی می‌باشد.

آمارهای مختلف نشان می‌دهد که اضافه وزن و چاقی دانش‌آموزان به عنوان یک عامل خطر و زمینه ساز بیماری‌های غیرواگیر مانند دیابت نوع ۲، فشار خون بالا، مشکلات قلبی، عروقی، متابولیکی، عوارض روانی و اجتماعی و... در بسیاری از کشورها به مرز هشدار رسیده است. همچنین براساس مطالعه عوامل خطر بیماری‌های غیر واگیر سال ۱۳۹۵، حدود ۶۰ درصد جمعیت ایران دارای اضافه وزن و چاقی بوده و چاقی در کودکان و نوجوانان کشور، روند افزایشی را طی می‌کند، به طوری که باتوجه به مطالعه کاسپین، حدود ۲۱ درصد کودکان و نوجوانان ایران در سنین مدرسه، دچار اضافه وزن و چاقی هستند.

معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش در راستای ارتقا سطح سلامت دانش‌آموزان و با بهره‌مندی از ظرفیت معلمان تربیت بدنی و مراقبین سلامت، برنامه‌هایی از قبیل المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای، مدرسه پویا، ورزش صبحگاهی، کانون‌های ورزشی، انجمن‌های ورزشی، سفیران سلامت، آموزش تغذیه سالم و طرح مکمل یاری با قرص آهن و ویتامین D را اجرا نموده و توانسته است زمینه توسعه سلامت جسمانی و افزایش سواد حرکتی را فراهم نماید. با این حال، با توجه به تغییرات غلط در سبک زندگی خانواده‌ها، لزوم برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای بیش‌تری جهت افزایش فعالیت بدنی برای سلامتی و پیش‌گیری از عوارض چاقی برای این طیف سنی در سطح مدارس ضروری می‌باشد. چراکه پیش‌گیری و درمان هر چه زودتر اضافه وزن و چاقی باعث کاهش عوارض کوتاه مدت و بلند مدت آن خواهد شد و بدیهی است که شکل‌گیری عادات صحیح و سبک زندگی فعال و سالم در سنین پایین‌تر به مراتب ساده‌تر و پایدارتر از اصلاح عادت نادرست در سنین بالاتر خواهد بود. از این رو لازم است اقدامات زیربنایی جهت پیش‌گیری و کنترل هرچه زودتر اضافه وزن و

چاقی از سنین دانش‌آموزی انجام شود.

بنابراین وزارت آموزش و پرورش با احساس مسئولیت در قبال تضمین سلامت نسل، در برنامه ابلاغی سال ۱۳۹۹، بسته تحولی "کنترل وزن و چاقی دانش‌آموزان (کوچ) با رویکرد ترویج سبک زندگی فعال و سالم" را در دستور کار خویش قرار داده است.

در این پروژه سعی شده است با افزایش آگاهی عوامل سهیم و موثر در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور اعم از دانش‌آموزان، معلمان، مدیران، خانواده‌ها و... از عوارض و پیامدهای منفی ناشی از اضافه وزن و چاقی، انجام غربال‌گری و شناسایی دانش‌آموزان دارای اضافه وزن و چاق، ارائه مشاوره‌ها و توصیه‌های تغذیه‌ای و فعالیت بدنی با ترویج سبک زندگی فعال و سالم، زمینه تحقق شعار **دانش آموز سالم، مدرسه سالم و جامعه سالم** مهیا گردد.

بی تردید این مهم نیازمند برنامه‌ریزی مطلوب در کلیه سطوح و لایه‌های مدیریتی در نظام تعلیم و تربیت و مشارکت حداکثری مدیران، معلمان، دانش‌آموزان، اولیا و سایر بخش‌های مرتبط و مشارکت و حمایت دستگاه‌های برون سازمانی می‌باشد. امید است که این پروژه ضمن ترغیب دانش‌آموزان به داشتن وزن مطلوب، افزایش فعالیت‌های حرکتی و ارتقا نشاط و شادابی در پرورش نسل مورد انتظار، نقش موثر خود را ایفا نماید و از این رهگذر دانش‌آموزان با خود مراقبتی، وزن خویش را در طول عمر مدیریت نمایند.

### عوامل موثر و زمینه ساز اضافه وزن و چاقی در دانش‌آموزان

باید اذعان نمود که نمی‌توان چاقی و اضافه وزن را نتیجه انتخاب آگاهانه سبک زندگی کودکان و نوجوانان دانش‌آموز دانست، بلکه عوامل زمینه‌ای و محیطی در جامعه، مدرسه و منزل و همچنین عادات رفتاری، نوع تغذیه و سبک زندگی والدین تأثیرات تعیین کننده‌ای در ایجاد اضافه وزن و چاقی دانش‌آموزان دارد که می‌بایست در پروژه کنترل اضافه وزن و چاقی به آن‌ها توجه وافر نمود.

@dabirfile

اضافه وزن و چاقی دانش‌آموزان:

عوامل اجتماعی یا مدرسه‌ای:

توزیع مواد غذایی چرب، شیرین و پر نمک در بوفه مدارس، کمبود عرصه و امکانات ورزشی مدارس، زندگی ماشینی و شهری، عدم دسترسی به مراکز ورزشی، کم توجهی به برنامه و فوق برنامه تربیت بدنی در مدارس، نحوه گذراندن اوقات فراغت جامعه، فروشگاه‌های مواد غذایی در مسیر مدرسه، کم توجهی سازمان‌های محلی به توسعه فعالیت ورزشی کودکان، نبودن مسیرهای دوچرخه و پیاده‌روی شهری، عادی شدن چاقی در محیط اجتماعی

سبک زندگی والدین:

دانش تغذیه خانواده، میزان مصرف غذایی والدین، دسترسی به غذا در منزل، کنکورزدگی والدین، موقعیت و اندازه کوچه و منزل، کم تحرکی والدین، عدم ترغیب والدین به فعالیت تحرکی، وضعیت وزن والدین، ترجیحات غذایی والدین، عدم نظارت والدین بر میزان تماشای تلویزیون و استفاده از وسایل رایانه‌ای فرزند

ویژگی‌های دانش‌آموزان:

سن، وراثت، جنس، عادت به پر خوری، وابستگی به فضای مجازی، عادت به کم تحرکی، نداشتن برنامه شخصی، قدرت تصمیم‌گیری و اراده

اهداف پروژه

هدف کلی

افزایش دانش و بهبود نگرش و کمک به دانش‌آموزان در مدیریت وزن خویش و داشتن سبک زندگی فعال و سالم

## اهداف اختصاصی

- غربالگری و تعیین شاخص توده بدنی کلیه دانش آموزان کشور در دو مرحله اولیه و ثانویه
- جلب حمایت و همکاری کلیه ذی‌نفعان به ویژه مدیران، معلمان، کارکنان، دانش‌آموزان و والدین
- جلب حمایت و همکاری سازمان‌های سهیم و موثر در کمک به اجرای بهتر پروژه و همچنین مشارکت تمامی حوزه‌های وزارت آموزش و پرورش
- ایجاد تغییر رفتار و سبک زندگی دانش آموزان به سبک زندگی فعال و سالم
- کاهش ۳ درصدی تعداد دانش آموزان چاق و دارای اضافه وزن
- کمک به حفظ وضعیت دانش‌آموزان دارای وزن طبیعی و متناسب
- کمک به بهبود وضعیت دانش‌آموزان لاغر و کم وزن

### گروه مورد ارزیابی (گروه هدف):

کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر در دوره‌های تحصیلی ابتدایی و متوسطه

### زمان اجرای پروژه:

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

### نحوه جمع آوری و ثبت اطلاعات:

جمع آوری اطلاعات در این پروژه به ترتیب زیر انجام می‌شود:

۱- اندازه گیری قد و وزن دانش‌آموز مطابق فایل راهنما (پیوست ۱) در دو مرحله سنجش اولیه (پیش‌آزمون) و سنجش

@dabirfile

ثانویه (پس‌آزمون) و تکمیل اطلاعات پرسشنامه (فرم شماره ۱، پیوست ۲)

۲- ثبت اطلاعات در سامانه سناد

\*تذکر: در صورتی که مدرسه‌ای به سامانه دسترسی نداشته باشد، فرم اطلاعات دانش‌آموزان (فرم شماره ۱) را پس از

تکمیل، جهت ثبت در سامانه سناد به اداره آموزش و پرورش منطقه/ شهرستان/ ناحیه ارسال نماید.

نمودار تشکیلاتی پروژه ملی کنترل وزن و چاقی دانش‌آموزان ساختار و تشکیلات پروژه در سطوح ستادی، استانی،

منطقه ای و مدرسه ای به شرح زیر پیش بینی شده است.

ستاد عالی تشکیلاتی ← شورای راهبری سند تحول بنیادین ← ستاد ملی اجرای پروژه ← ستاد استانی اجرای پروژه (شورای

آموزش و پرورش استان) ← ستاد شهرستانی/ منطقه‌ای اجرای پروژه (شورای آموزش و پرورش شهرستان/ منطقه) ← ستاد

مدرسه‌ای اجرای پروژه (شورای مدرسه) ← مدیر پروژه (مدیر مدرسه) ← دبیر اجرایی پروژه معاون آموزشی و تربیت بدنی:

آموزگار/ دبیر (ارزیاب و آموزش دهنده)

دبیر تربیت بدنی و مراقب سلامت

انجمن اولیا و مربیان (حامی و پشتیبان)

معاون اجرایی مدرسه یا فرد جایگزین (ثبت نتایج در سامانه)

تشکل‌های دانش‌آموزی، سفیران سلامت، انجمن‌های ورزشی و... (برگزار کننده پویش‌های کلاسی و مدرسه‌ای)

### ستاد عالی تشکیلاتی:

این ستاد با حضور شخصیت‌ها، مسئولان وزارتخانه و سازمان‌های مرتبط تشکیل می‌شود و هدف آن ایجاد یک نظام یکپارچه و

هماهنگ ملی به منظور جلب همکاری و حمایت کلیه سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط کشور و مشارکت تمام حوزه‌های وزارت

آموزش و پرورش در اجرای موفق پروژه می‌باشد. ترکیب اعضای ستاد عالی تشکیلاتی به شرح زیر می‌باشد:

- وزیر آموزش و پرورش (رئیس)
- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه
- وزیر کشور
- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- وزیر ورزش و جوانان
- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات
- وزیر صنعت، معدن و تجارت
- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
- رئیس سازمان صدا و سیما
- رئیس سازمان بهزیستی
- رئیس سازمان حفاظت محیط زیست
- رئیس کمیته ملی المپیک
- دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش
- معاون تربیت بدنی و سلامت (دبیر)

### شورای راهبری سند تحول بنیادین

این پروژه یکی از پروژه‌های ملی تحولی مستخرج از سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش است و شورای راهبری سند تحول بنیادین به عنوان شورای راهبری این پروژه، میزان وضعیت پیشرفت و چالش‌های این پروژه را رصد و حمایت‌های لازم را به عمل خواهد آورد. اعضای این شورا عینا همان اعضای شورای راهبری سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش می‌باشد.

### ستاد ملی اجرای پروژه:

این ستاد که همان شورای مدیران معاونت تربیت بدنی و سلامت است، زیر نظر شورای راهبری سند تحول بنیادین با برگزاری جلسات مستمر هفتگی در ایام قبل، حین و بعد از برگزاری پروژه نسبت به هماهنگی بخش‌ها و کمیته‌های مختلف به منظور ایجاد مقدمات لازم، حمایت از اجرای موفقیت‌آمیز پروژه، ارزیابی نتایج و تحلیل مشکلات و نارسایی‌های احتمالی و تلاش در جهت رفع مشکلات و موانع اقدام خواهد نمود.

### ستاد استان:

این ستاد که همان شورای آموزش و پرورش استان می‌باشد و با موضوع "کنترل وزن و چاقی دانش آموزان با رویکرد ترویج سبک زندگی فعال و سالم" جهت انجام وظایف زیرتشکیل می‌گردد.

- جلب مشارکت و همراهی شورای سلامت استان و کلیه نهادها و ادارات کل استان در راستای اجرای ویژه پروژه و تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها بین مدیران استانی
- تاکید بر برگزاری جلسات مشترک شورای آموزش و پرورش شهرستان با دعوت از اعضای مرتبط شورای سلامت شهرستان‌ها و مسئولین سایر سازمان‌های مرتبط
- کمیته اجرایی استانی پروژه به ریاست مدیر کل آموزش و پرورش استان و دبیری معاونت تربیت بدنی و سلامت تشکیل می‌گردد و اعضای آن شورای معاونان اداره کل آموزش و پرورش استان و مدیران سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با اجرای پروژه می‌باشند و وظایف آن به شرح زیر است:
- سازماندهی و تقسیم کار مربوط به پیشبرد پروژه در سطح استان و صدور ابلاغ مسئولین و مدیران تعیین شده و ایجاد زمینه برای پیشبرد اهداف آن

- ✓ ارسال دستورالعمل اجرایی پروژه به مناطق و شهرستانها
- ✓ تشکیل جلسه ویژه روسای آموزش و پرورش مناطق و شهرستانها با دستور جلسه این پروژه
- ✓ هدایت و نظارت مستمر بر حسن اجرای پروژه در مناطق تابعه و تحلیل وضعیت پروژه در هر منطقه و ارائه بازخورد لازم
- ✓ تعیین، تهیه و توزیع وسایل اندازه‌گیری (قدسنج و ترازو) به تعداد مورد نیاز برای هر شهرستان یا منطقه
- ✓ بهره‌مندی از ظرفیت انجمن اولیا و مربیان در استان و مناطق به منظور مشارکت فعال انجمن اولیا و مربیان مدارس و والدین دانش‌آموزان در اجرای پروژه
- ✓ بررسی میزان پیشرفت پروژه در سطح استان، مناطق و مدارس و ارائه جمع‌بندی به شورا و ستاد ملی اجرایی برگزاری جلسات و دوره آموزشی و توجیهی ویژه کارشناسان، مدیران و معلمان استان، مناطق و مدارس
- ✓ معرفی همکاران مشارکت کننده در پروژه جهت تقدیر، به معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش

### ستاد شهرستان / منطقه:

شورای آموزش و پرورش شهرستان/منطقه با موضوع "کنترل وزن و چاقی دانش‌آموزان با رویکرد ترویج سبک زندگی فعال و سالم" جهت انجام وظایف زیرتشکیل می‌گردد:

- جلب مشارکت و همراهی کلیه نهادها و ادارات شهرستان/ منطقه در راستای اجرای ویژه پروژه و تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها بین آنها
- برگزاری جلسه مشترک مدیران مدارس با عنوان پروژه (عنداللزوم به تفکیک دوره‌های تحصیلی) با حضور رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان/ منطقه به منظور اطلاع رسانی، توجیه و جلب مشارکت جدی مدیران

**@dabirfile**

- کمیته اجرایی شهرستانی/ منطقه‌ای پروژه با مسئولیت رئیس آموزش و پرورش شهرستان منطقه و دبیری معاون پرورشی و تربیت بدنی و عضویت اعضای شورای معاونان اداره آموزش و پرورش شهرستان/ منطقه و مدیران سازمانها و نهادهای مرتبط با اجرای پروژه و کارشناس مسئولان تربیت بدنی و سلامت اداره تشکیل می‌گردد که وظایف آن به شرح زیر است:

✓ سازماندهی، تقسیم کارمربوط به پیشبرد پروژه در سطح شهرستان/منطقه و صدور ابلاغ مسئولین تعیین شده

- ✓ ارسال دستورالعمل اجرایی به کلیه مدارس و ایجاد زمینه برای پیشبرد اهداف آن
- ✓ تشکیل جلسات ویژه برای مدیران مدارس با دستور جلسه مربوط به این پروژه
- ✓ تشکیل جلسه هماهنگی معاونان پرورشی و تربیت بدنی مدارس با دستور جلسه مربوط به این پروژه

- ✓ تشکیل جلسه هماهنگی با دبیران تربیت بدنی و مراقبین سلامت، ناظرین و ارزیابان
- ✓ راهبری اجرای دقیق پروژه در مدارس و نظارت بر حسن اجرای آن
- ✓ فراهم آوردن استفاده از فضاهای مدارس جهت فعالیت بدنی و ورزش در ساعات آموزشی و غیر ساعات آموزشی مطابق دستورالعمل کانون‌های ورزشی درون مدرسه‌ای
- ✓ تقویت پایش و نظارت بر پایگاه‌های تغذیه سالم مدارس
- ✓ بررسی نقاط قوت و ضعف وارائه پیشنهادات مفید و مساعدت لازم درباره اجرای بهتر پروژه به مدارس

- ✓ جمع‌بندی اقدامات و ارائه گزارش اجرا در مدارس شهرستان/ منطقه به انضمام پیشنهادات و ارسال آن به ستاد استانی

- ✓ به کارگیری ظرفیت ذی‌نفعان و سازمان‌های ملی مانند شهرداری‌ها، شوراییاری‌ها، شوراهای مناطق و بهره‌مندی از ظرفیت مدارس مانند شورای معلمان، انجمن اولیا و مربیان، والدین و تشکل‌های دانش‌آموزی (شورای دانش‌آموزی، انجمن‌های ورزشی، سفیران سلامت، پیشتازان، هلال احمر و...) در اجرای پروژه
- ✓ تشکیل دوره آموزشی ویژه مدیران و اعضای تیم ارزیابی، ناظرین و حامیان
- ✓ معرفی همکاران مشارکت‌کننده در پروژه جهت تقدیر، به اداره کل آموزش و پرورش استان

=====

### ستاد مدرسه:

این ستاد همان شورای مدرسه است که با موضوع "کنترل وزن و چاقی دانش‌آموزان با رویکرد ترویج سبک زندگی فعال و سالم" و با مسئولیت مدیر مدرسه تشکیل می‌گردد و وظایف آن به شرح زیر است:

- بهره‌مندی از ظرفیت‌های درون و برون مدرسه‌ای و جلب مشارکت سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و خصوصی فعال در شهر یا روستا
- سازماندهی، تقسیم وظایف و تعیین نقش‌ها و ابلاغ به ارکان مدرسه اعم از معاونان، معلمان، مربیان، انجمن اولیا و مربیان، تشکل‌های دانش‌آموزی و...
- برگزاری جلسات توجیهی و آموزشی ویژه توانمندسازی دست‌اندرکاران و مجریان در راستای اجرای موفق پروژه
- ایجاد زمینه برای ارزیابی اولیه و ثانویه قد و وزن دانش‌آموزان مدرسه و ثبت نتایج در سامانه فراهم آوردن استفاده از امکانات مدرسه در راستای توسعه ورزش و فعالیت‌های بدنی در ساعات آموزشی و بعد از ساعات آموزشی مطابق دستورالعمل کانون‌های ورزشی درون مدرسه‌ای
- نظارت بر رعایت مقررات مربوط به عرضه مواد غذایی در پایگاه‌های تغذیه سالم مطابق دستورالعمل ابلاغی
- شناسایی ظرفیت‌های مالی و جلب حامیان برای جذب کمک‌های مادی و معنوی در راستای کمک به اجرای پروژه
- تشکیل متناوب جلسات ستاد و نظارت بر پیشرفت پروژه مطابقت زمانبندی و کیفیت پیش‌بینی شده
- توجیه والدین و جلب مشارکت آنان در سنجش شاخص توده بدنی فرزند خویش و رصد پیشرفت او در خودمراقبتی و مدیریت وزن
- افزایش آگاهی‌های عمومی دانش‌آموزان در زمینه فواید وزن مطلوب متناسب با اقتضائات سنی آنان
- برگزاری جشن پایانی و تقدیر از دانش‌آموزانی که موفق به کنترل و مدیریت وزن خویش شده‌اند.
- معرفی همکاران مشارکت‌کننده در پروژه جهت تقدیر، به اداره آموزش و پرورش شهرستان/ منطقه
- تاکید و نظارت بر اختصاص بخشی از نمره ارزشیابی درس تربیت بدنی با توجه به میزان مشارکت دانش‌آموز در فرایند اجرای پروژه و کسب دانش مرتبط با دستیابی به وزن متناسب، مضرات اضافه وزن و چاقی، اصول مربوط به تغذیه سالم، افزایش آمادگی جسمانی و همچنین بروز رفتارهایی که به مدیریت وزن می‌انجامد.

=====

### نقش‌ها و وظایف ارکان مدرسه در اجرای پروژه:

#### مدیر مدرسه

مسئولیت راهبری و اجرای پروژه را بر عهده دارد و وظایف ذکر شده در خصوص ستاد مدرسه را پیگیری و به مرحله اجرا خواهد گذاشت.

#### معاون پرورشی و تربیت بدنی

به عنوان دبیر اجرایی پروژه با راهبری مدیرمدرسه و مساعدت اعضای شورای مدرسه و سایر همکاران و بهره‌مندی از ظرفیت انجمن اولیا و مربیان و تشکل‌های دانش‌آموزی (شورای دانش‌آموزی، انجمن‌های ورزشی، سفیران سلامت، پیش‌تازان، هلال احمر و...) وظایف زیر را بر عهده دارد:

- هماهنگی جهت برگزاری جلسات آموزشی و توجیهی اولیا
- کمک به جلب حمایت سازمان‌های برون‌مدرسه‌ای و بهره‌مندی از همکاری کلیه همکاران مدرسه
- هماهنگی جهت اجرای مراسم در روزهای احسان و نیکوکاری و درختکاری در اسفند ماه ۹۹ بنا حضور دانش‌آموزانی که موفق به کنترل و مدیریت وزن خویش شده‌اند.
- برگزاری مراسم اختتامیه در هفته سلامت

### معاون آموزشی

مسئولیت هماهنگی و تسهیل امور مرتبط با اجرای پروژه را بر عهده دارد.

### معاون اجرایی

جهت اجرای پروژه وظایف زیر را به عهده دارد:

- ثبت نتایج سنجش اولیه (پیش‌آزمون) و سنجش ثانویه (پس‌آزمون) در سامانه سند
- هماهنگی‌های لازم جهت اجرای پروژه در مدرسه

## @dabirfile

### آموزگار / دبیر

در مدارس ابتدایی مسئولیت سنجش توده بدنی دانش‌آموزان با آموزگار هر کلاس می‌باشند. در مدارس متوسطه یکی از دبیران هر پایه/کلاس از جانب مدیر مدرسه به عنوان مسئول سنجش توده بدنی دانش‌آموزان آن پایه/کلاس تعیین می‌شود و وظایف زیر را به عهده دارد:

- سنجش اولیه و ثانویه شاخص توده بدنی دانش‌آموزان در مدرسه (وضعیت سفید و زرد) و توجیه والدین
- در راستای سنجش شاخص توده بدنی دانش‌آموزان (در وضعیت قرمز) مطاب با مفاد دستورالعمل ابلاغی
- اختصاص موضوع انشاء دانش‌آموزان به فواید وزن مطلوب، سبک زندگی فعال و سالم و مضرات اضافه وزن و چاقی
- بهره‌مندی از ظرفیت دروس تربیت بدنی، هنر، بهداشت و سلامت و مهارت‌های زندگی در راستای نیل به اهداف پروژه
- آموزش و ارائه مشاوره لازم به والدین و دانش‌آموزان در راستای حمایت از کنترل وزن دانش‌آموزان
- بارگذاری کلیپ‌ها و جزوات آموزشی مرتبط در کلاس مجازی شبکه آموزش دانش‌آموزان (شاد)
- ارائه نتایج سنجش اولیه (حداکثر تا ۱۵ آبان) و نتایج سنجش ثانویه (حداکثر تا ۱۵ اسفند) به مدیر و معاون اجرایی مدرسه جهت ثبت به موقع در سامانه سند
- ارائه دانستنی‌ها و آگاهی‌های لازم به دانش‌آموزانی که از وزن سالم و مطلوب برخوردار می‌باشند در راستای حفظ وضعیت شاخص توده‌بدنی خود
- بهره‌گیری از فنون تقویت مثبت، افزایش انگیزه و هدایت موثر دانش‌آموزان در راستای مدیریت و کنترل وزن

**خویش‌معلمان تربیت بدنی و مراقب سلامت**

دبیر تربیت بدنی و مراقب سلامت مدرسه به عنوان مشاورین تخصصی آموزگاران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین تعیین می‌شوند و وظایف آن‌ها به شرح زیر است:

- ارائه مشاوره، راهنمایی و پاسخگویی به سوالات آموزگاران و دبیران در زمینه نحوه تعیین شاخص توده‌بدنی و نحوه مشاوره و مداخله در زمینه کنترل وزن دانش‌آموزان
- رصد وضعیت وزن دانش‌آموزان در فاصله بین سنجش اولیه و سنجش ثانویه و تشویق و ترغیب آنان جهت مدیریت وزن
- همفکری با آموزگاران و دبیران مسئول سنجش شاخص توده‌بدنی و ارائه راهنمایی‌های لازم
- پاسخگویی به سوالات تخصصی در زمینه امور مرتبط با فعالیت‌های بدنی و تغذیه
- ارائه راهنمایی و مشاوره در خصوص چگونگی مقابله با موانع و بهره‌مندی از تسهیل‌گرهای کمک‌کننده به دانش‌آموزان در خصوص مدیریت وزن خویش
- آگاهی بخشی در خصوص میزان مصرف کالری در فعالیت‌های مختلف حرکتی و میزان کالری مواد مختلف غذایی
- اختصاص بخشی از نمره ارزشیابی درس تربیت بدنی با توجه به میزان مشارکت دانش‌آموز در فرایند اجرای پروژه و کسب دانش مرتبط با دستیابی به وزن متناسب، مضرات اضافه وزن و چاقی، اصول مربوط به تغذیه سالم، افزایش آمادگی جسمانی و مدیریت وزن

### تشکل‌های دانش‌آموزی

- با توجه به راهکار ۸-۳ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش باید سازوکار لازم برای حضور فعال دانش‌آموزان در تشکل‌های دانش‌آموزی ایجاد گردد و همچنین برابر راهکار ۸-۸ سند تحول بنیادین باید در مراجعه با نیازهای فردی و عمومی جامعه از قبیل شیوع بیماری‌ها مشارکت نمایند. لذا وظایف این تشکل‌ها به شرح زیر است:
- تشکل سفیران سلامت مدرسه نسبت به راه اندازی پویش مربوط به وزن سالم زندگی سالم، پویش تغذیه سالم زندگی سالم مبادرت نمایند.
- تشکل انجمن‌های ورزشی دانش‌آموزان نسبت به راه اندازی پویش فعالیت بیش‌تر، زندگی طولانی‌تر و پویش فعالیت حرکتی بیشتر، قلب سالم‌تر و پویش زندگی فعال، زندگی شاداب مبادرت نمایند.
- ترتیبی اتخاذ شود تا از ظرفیت سایر تشکل‌های دانش‌آموزی، انجمن اسلامی دانش‌آموزان، جوانان هلال احمر، سازمان دانش‌آموزی نیز به فراخور ماموریت خویش استفاده شود.

### انجمن اولیا و مربیان

به عنوان حامی و پشتیبان، همکاری و مساعدت جهت اجرای پروژه و کمک و راهنمایی سایر والدین دانش‌آموزان را به عهده دارند.

### والدین

جهت اجرای موفق پروژه وظایف زیر را به عهده دارند:

- آشنایی با اصول تغذیه سالم و پرهیز از فراهم نمودن غذاهای چرب، شیرین و شور
- رفع موانع کم تحرکی و پیشگیری از دسترسی فرزندان به جذب کالری بیش از حد نیاز
- اقدام به کنترل وزن خویش به عنوان یک الگو، همراه و تشویق کننده برای فرزندان
- اقدام و درج برنامه فعالیت‌های حرکتی در برنامه روزانه و همراهی نمودن فرزندان



- آشنایی با نحوه تعیین شاخص توده بدنی خود و فرزندان و درج تابلوی روند پیشرفت کنترل وزن در محل مناسبی از منزل برای ارزیابی و مقایسه هفتگی
- خودداری از اصرار به فرزندان در اتمام کامل وعده غذایی خود
- محافظت فرزندان در برابر تبلیغات نامناسب تنقلات شیرین و نوشیدنی‌های قنددار

نکته ۱: در صورت نیاز و صلاح دید منطقه/ شهرستان، تیم ارزیابی و غربالگری متشکل از متخصصین و معلمان آموزش دیده به مدرسی که با محدودیت مواجه هستند اعزام شوند.

نکته ۲: مدیران آموزش و پرورش شهرستان/ مناطق می‌توانند با هماهنگی شبکه‌های بهداشت و درمان شهرستان به منظور ارزیابی دانش آموزان در مدارس روستایی از ظرفیت خانه‌های بهداشت استفاده نمایند و پس از ارزیابی، فرم‌های تکمیل شده را به مدیر مدرسه جهت ثبت در سامانه تحویل دهند.

### مراحل اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش آموزان:

مراحل اجرایی این پروژه در سه مرحله درون داد، فرایند و برون داد قابل پیگیری است.

#### اقدامات مرحله درون دادی:

- تنظیم، تصویب و ابلاغ طرح به مراکز استانی، شهرستانی و مدارس کشور
- طراحی و تدوین محصولات آموزشی و توجیهی ویژه منابع انسانی
- آموزش و توانمندسازی منابع انسانی شاغل در مدارس
- توجیه و آموزش والدین و دانش آموزان
- خرید وسایل و تجهیزات مورد نیاز مانند قدسنج و ترازو
- اجرای طرح در بخشی از مدارس پنج استان پایلوت کشور و بررسی نتایج آن
- ایجاد آمادگی برای افتتاح سراسری طرح در کشور

#### اقدامات مرحله فرایندی:

- سنجش اولیه شاخص توده بدنی (پیش آزمون) کلیه دانش آموزان حداکثر تا پایان آبان ماه
- تکمیل پرسشنامه (پیوست ۲) و ثبت نتایج سنجش اولیه شاخص توده بدنی در سامانه سناد
- شناسایی دانش آموزان دارای اضافه وزن و چاق
- آموزش، مشاوره، حمایت و نظارت بر افزایش فعالیت‌های حرکتی و کنترل تغذیه (توانمندسازی و ترغیب دانش آموز در مدیریت وزن) و ارائه بازخوردهای لازم با توجه به پوشه‌های کار خود اظهاری (پیوست ۳)
- تکمیل و تحویل فرم ارجاع به مراکز جامع سلامت و خانه‌های بهداشت (پیوست ۴) در مورد دانش آموزان دارای کم وزنی و چاق
- دریافت میثاق نامه و دل نوشته دانش آموز در خصوص کنترل وزن خویش
- سنجش ثانویه شاخص توده بدنی (پس آزمون) کلیه دانش آموزان به ویژه دانش آموزانی که در سنجش اولیه با اضافه وزن و چاقی روبرو بوده اند
- ثبت نتایج سنجش ثانویه شاخص توده بدنی در سامانه سناد

**اقدامات مرحله برون دادی:**

- تحلیل نتایج و مقایسه نتایج سنجش اولیه و ثانویه
- اجرای فعالیت‌ها در روزهای احسان و نیکوکاری و درختکاری
- تدوین وضعیت شاخص توده بدنی دانش‌آموزان در سطوح ملی، شهرستانی/ منطقه‌ای و مدرسه‌ای
- تحلیل عوامل دخیل در تفاوت‌های وضعیت شاخص بدنی استان‌های مختلف کشور
- بررسی میزان اثر بخشی طرح و میزان نیل به هدف کاهش ۳ درصدی تعداد دانش‌آموزان دارای اضافه وزن و چاق
- برگزاری مراسم اختتامیه در هفته سلامت (فروردین ۱۴۰۰)

**مراحل اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش‌آموزان****• درون داد**

- تنظیم، تصویب و ابلاغ طرح به مراکز استانی، شهرستانی و مدارس کشور
- آموزش و توانمند سازی منابع انسانی شاغل در مدارس
- خرید وسایل و تجهیزات مورد نیاز

**• فرایند**

- سنجش اولیه شاخص توده بدین کلیه دانش‌آموزان از هفته تربیت بدنی آغاز و حداکثر تا پایان آبان‌ماه در پرسشنامه و سامانه ثبت می‌گردد. (پیش‌آزمون)
- دریافت میثاق نامه و آموزش و نظارت و ارائه بازخورد در خصوص فعالیت‌های حرکتی و کنترل تغذیه
- تکمیل فرم ارجاع دانش‌آموزان کم وزن و چاق به مراکز جامع سلامت
- تعیین شاخص توده بدنی دانش‌آموزان دارای اضافه وزن و چاق و ثبت در سامانه حداکثر تا ۱۵ اسفند (پس‌آزمون)
- مقایسه نتایج پیش‌آزمون پس‌آزمون و تحلیل نتیجه آن

**• برون داد**

- کاهش دانش‌آموزان دارای اضافه وزن و چاق به میزان ۳ درصد
- اجرا و حضور در فعالیت‌های احسان و نیکوکاری و درختکاری اسفندماه
- برگزاری مراسم اختتامیه در هفته سلامت (فروردین ماه سال ۱۴۰۰)

نکته: سنجش اولیه شاخص توده بدنی در هفته تربیت بدنی (۲۶ مهر تا دوم آبان ماه) انجام می‌گیرد و پس از ارائه مشاوره و راهنمایی به دانش‌آموزان در اسفندماه سنجش ثانویه شاخص توده بدنی صورت می‌گیرد. پیشنهاد می‌شود دانش‌آموزان به شکرانه توفیق در مدیریت وزن خویش، در روز چهاردهم اسفند ماه به مناسبت روز احسان و نیکوکاری در قبال جامعه اقدام خیرخواهانه انجام خواهند داد و در روز پانزدهم اسفندماه روز درختکاری یک درخت در محله، خانه یا مدرسه خود خواهند کاشت. این درخت به عنوان یادمان شوق دانش‌آموزان را برای استمرار مدیریت وزن خویش به همراه خواهد داشت. مراسم اختتامیه نیز در هفته سلامت برگزار می‌گردد.

**نحوه اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی در وضعیت‌های مختلف با توجه به شیوع بیماری کرونا**

با توجه به شیوع ویروس کرونا ممکن است استان‌های کشور در ۳ وضعیت سفید، زرد و قرمز قرار بگیرند.

#### وضعیت سفید:

به شرایطی عادی گفته می‌شود که کلاس‌های آموزشی در مدارس به صورت حضوری برگزار می‌گردد و دانش‌آموزان به صورت تمام وقت در مدارس حضور دارند.

#### وضعیت زرد:

به شرایطی گفته می‌شود که کلاس‌های آموزشی مدارس به صورت نیمه حضوری دایر می‌باشد و دانش‌آموزان به صورت پاره وقت در مدارس حضور خواهند داشت. برخی از مواد آموزشی نیاز بوده صورت غیر حضوری ارائه می‌گردد.

#### وضعیت قرمز:

به شرایطی گفته می‌شود که دانش‌آموزان در مدارس حضور پیدا نمی‌کنند و کلاس‌های آموزشی و فوق برنامه به صورت غیر حضوری برگزار می‌گردد.

اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش‌آموزان با توجه به وضعیت‌های مذکور به صورت زیر پیگیری خواهد شد:

- وضعیت سفید: مطابق دستورالعمل ابلاغی کنترل وزن و چاقی دانش‌آموزان با راهبری مدیر مدرسه و در مدارس ابتدایی توسط آموزگار پایه و مدارس متوسطه توسط یکی از دبیران کوه مدیر مدرسه مشخص خواهد کرد، صورت خواهد گرفت.
- وضعیت زرد: در صورت حضور دانش‌آموزان در مدارس به صورت پاره وقت، اندازه‌گیری قد و وزن توسط آموزگار پایه و مدارس متوسطه توسط یکی از دبیران که مدیر مدرسه مشخص می‌نماید، صورت خواهد گرفت.
- وضعیت قرمز: با توجه به عدم حضور دانش‌آموزان در مدارس در این وضعیت، اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش‌آموزان با هدایت و راهبری مدیر مدرسه و با مسئولیت و نظارت آموزگار یا دبیر تعیین شده پیگیری می‌شود. همچنین سنجش اولیه و ثانویه قد و وزن توسط والدین دانش‌آموزان صورت خواهد گرفت و نتایج برای آموزگار یا دبیر مربوطه ارسال خواهد شد. تا توسط معاون اجرایی مدرسه در سامانه سند ثبت گردد. توصیه‌ها و مشاوره‌های تغذیه‌ای و فعالیت بدنی و بازخوردهای لازم توسط آموزگار و دبیر مربوطه از طریق شبکه شاد ارائه می‌شود.

لازم به ذکر است در صورت تغییر وضعیت سنجش ثانویه مطابق دستورالعمل در مدرسه انجام می‌شود.

\*مدیر مدرسه از ظرفیت سایر همکاران مدرسه و همچنین معلم تربیت بدنی و مراقب سلامت به عنوان مشاورین تخصصی در اجرای پروژه و آموزش دانش‌آموزان و اولیا استفاده خواهند نمود.

### راهنمای اندازه‌گیری قد، وزن و محاسبه شاخص توده بدنی

#### مقدمه

متداول‌ترین روش برای تعیین اضافه وزن و چاقی در کودکان و نوجوانان استفاده از شاخص توده بدنی ( BMI: body mass index ) است. شاخص توده بدن یک شاخص ساده وابسته به وزن و قد است و از طریق تقسیم وزن (کیلوگرم) بر مجذور قد (متر) محاسبه می‌شود.

$$\frac{\text{وزن (kg)}}{\text{قد (m)}^2} = \text{BMI (kgm}^2\text{)}$$

از BMI برای غربالگری و شناسایی دانش آموزان لاغر، دارای وزن طبیعی، اضافه وزن و چاق استفاده می‌شود. هر چند روش‌های دیگر تعیین چربی دقیق‌تر هستند اما برای غربالگری و مطالعه جمعیت‌های بزرگ استفاده نمی‌شود. نتایج BMI با نتایج سایر روش‌های اندازه‌گیری چربی، همبستگی مثبت دارد. لذا نتیجه آن از نظر علمی قابل اعتماد و قابل استناد است.

سنازمان جهانی بهداشت نیز برای تعیین وضعیت وزن و ترکیب بدنی دانش‌آموزان (کودکان و نوجوانان) سنجش BMI را توصیه می‌کند. در این پروژه نیز برای سنجش ترکیب بدنی از روش استاندارد سنجش BMI وابسته به قد و وزن دانش‌آموز استفاده می‌شود.

### نحوه اندازه‌گیری قد

۱. دانش‌آموز به طور عمودی، بدون کفش و پاهای جفت کنار دیوار و روی یک سطح صاف (بنا زاویه قائمه نسبت به قدسنج نصب شده روی دیوار قرار دارد) بایستد.
۲. پاشنه‌ها، باسن، کتف، شانه و سر باید به دیوار بچسبند. اما در نظر داشته باشید که با توجه به قامت و وضعیت ساختاری دانش‌آموز، ممکن است همه این نقاط با دیوار در تماس نباشد.
۳. سر دانش‌آموز باید مطابق شکل ۱ روبه جلو و دست‌ها راحت در کنار بدن باشند.
۴. از دانش‌آموز خواسته شود یک نفس عمیق بکشد و بدن خود را سمت بالا کشش دهد.
۵. آزمونگر لبه بالایی قدسنج را بر روی بالاترین قسمت سر دانش‌آموز قرار داده و اندازه قد را از روبرو و بنا دقت ۰/۱ سانتی متر خوانده و ثبت می‌کند (چنانچه قدسنج وجود ندارد از نصب یک متر نواری بر دیوار با رعایت کلیه موارد ذکر شده استفاده شود و شرط استفاده از آن این است که چشم فرد آزمونگر در امتداد بالاترین نقطه سر دانش‌آموز، متر را ببیند و قد دانش‌آموز را بسنجد).
۶. مطمئن شوید که زانوها خم نشده‌اند و بازوها در کنار بدن قرار دارند.

### نحوه اندازه‌گیری وزن

از دانش‌آموز بخواهید کفش و لباس‌های نسبتاً سنگین مانند کاپشن و کت را از تن خارج کند. با استفاده از یک ترازو، وزن آزمودنی را اندازه گرفته و آن را با دقت ۱۰۰ گرم (۰/۱ کیلوگرم) ثبت کنید (شکل ۲).

### ملاحظات در اندازه‌گیری وزن بدن

۱. از یک ترازوی استاندارد استفاده کنید.
۲. دانش‌آموز باید بدون کفش‌های و بدون لباس اضافه، وزن شود.
۳. اندازه‌گیری وزن ترجیحاً ساعت ۸ الی ۹ صبح انجام شود.
۴. از آنجایی که تغییرات هورمونی که در طوب قاعدگی اتفاق می‌افتد می‌تواند تاثیر بسیاری روی تغییرات وزنی داشته باشند، اندازه‌گیری وزن در این دوران توصیه نمی‌شود.

\*جهت یکسان‌سازی و کاهش ضریب خطا بهتر است از ترازوی دیجیتال جهت اندازه‌گیری وزن استفاده شود.

### محاسبه شاخص توده بدنی (BMI)

جهت محاسبه شاخص توده بدنی، اندازه قد و وزن را در کادر مربوطه در سامانه سناد وارد نمایید. با فشردن دکمه محاسبه BMI، این شاخص بر اساس فرمول تعریف شده به صورت خودکار محاسبه شده و تفسیر آن بر اساس نمودارهای BMI ارائه شده بر حسب سن و جنس دانش‌آموز در اختیار کاربر قرار می‌گیرد. تفسیر مقادیر شاخص توده بدنی (لاغر، طبیعی، اضافه وزن یا چاق) در سامانه بر اساس نقطه تلاقی سن و مقدار شاخص توده بدنی محاسبه شده انجام می‌گیرد.

\*تذکر: در صورتی که مدرسه‌ای به سامانه دسترسی نداشته باشد، فرم اطلاعات دانش آموزان را پس از تکمیل، به اداره آموزش و پرورش شهرستان/ منطقه/ ناحیه جهت ثبت در سامانه ارسال می‌نماید.

طبقه‌بندی	(SD) Z-score
بیش‌تر از ۲+ (منطقه سفید بالاتر از ناحیه نارنجی)	چاق
بین ۱+ تا ۲+ (ناحیه نارنجی)	اضافه وزن
بین ۲- تا ۱+ (ناحیه سبز)	طبیعی
بین ۲- تا ۳- (ناحیه زرد)	لاغر
کمتر از ۳- (منطقه سفید پایین‌تر از ناحیه زرد)	لاغری شدید

۱۰

## اخلاق

اخلاق حرفه‌ای به معنای اخلاق در حرفه است. پیش از این به جای اخلاق حرفه‌ای واژه‌هایی چون اخلاق کار و اخلاق شغل به کار می‌رفت. اخلاق حرفه‌ای از دو مفهوم اخلاق و حرفه، مرکب است. ابتدا تعریف هر یک از این دو مفهوم را به دست می‌آوریم. در تعریف اخلاق غالباً به بیان معنای این واژه می‌پردازند. اخلاق جمع خلق است. خُلق در برابر خَلق (که بر وضعیت طبیعی، ظاهری و جسمی دلالت دارد) به معنای وضعیت درونی و نفسانی است که در اثر تکرار افعال حاصل می‌شود و خود منشأ رفتار به صورت غالب، آسان، بدون درنگ سنجش می‌گردد. وقتی در خصوص کسی می‌گوییم «فلانی فرد اخلاقی است» و درباره یک سازمان از اخلاقی بودن آن سخن می‌گوییم، واژه اخلاق در اینجا به معنای خُلق نیکو به کار می‌رود. گاهی واژه اخلاق را به معنای دانش اخلاق به کار می‌بریم که این کاربردها را نباید با هم درآمیخت. واژه آداب جمع ادب است به معنای فراوان از جمله به معنای خُلق نیکو به کار می‌رود. مولوی در مثنوی بارها ادب را به همین معنا به کار برده است.

از خدا جوییم توفیق ادب  
بی ادب محروم ماند از لطف رب

واژه اخلاق را در مفهوم اخلاق حرفه‌ای در دو معنا به کار می‌بریم:  
خلق نیکو و دانش اخلاق.

=====

۱- تحلیل مفهومی اخلاق:

## ۱-۱. رفتار ارتباطی:

نخستین مفهومی که در تحلیل اخلاق به دست می‌آید رفتار است. گویی رفتار موضوع اخلاق است. آدمی رفتارهای مختلف دارد: بازتابی، رفتار در خواب و ... . اخلاق به رفتار ارتباطی مربوط است. در این گونه از رفتار قصد و مقصود وجود دارد. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های میان انسان و سایر موجودات به همین مسئولیت‌پذیری و رفتار اخلاقی برمی‌گردد. انسان موجودی خودآگاه، مختار و مسئول است. فضیلت و رذیلت، سعادت و شقاوت همه به مسئولیت‌پذیری آدمی برمی‌گردد. رفتار ارتباطی برحسب طرف ارتباط، گوناگونی می‌یابد و آن حداقل شامل چهار امر می‌شود. خدا، خود، دیگر انسان‌ها و محیط زیست. این چهار گونه رفتار ارتباطی را می‌توان به ترتیب رفتار ارتباط قدسی، درون شخصی، بین شخصی، و برون شخصی نامید.

## ۱-۲. سبک رفتاری (ملکه نفسانی)

رفتار ارتباطی را می‌توان به سه قسم نادر، غالب (پایدار) و دائم تقسیم بندی کرد. اگر کسی همیشه راست بگوید و دروغ گفتن از او تحقق نیابد. می‌توان گفت راستگویی در او دائمی و همیشگی است فرد برخوردار از عصمت همیشگی رفتار نیکو انجام می‌دهد و هیچ وقت رفتار بد از او سر نمی‌زند ولی انسان‌های غیرمعصوم در نیکوکاری و بدکاری یا به نحو نادر رفتار می‌کنند یا به نحو غالب. توجه به این تمایل در تعریف اخلاق اهمیت دارد. علم اخلاق و رفتار غالب یا بیش و کم پایدار معطوف است که در قالب شرایط، به نحو آسان و بدون درنگ و سست‌شدن از رفتار صادر می‌شود.

هدف علم اخلاق تربیت شهروندی است که به نحو پیش‌بینی‌پذیری رفتار خوب انجام می‌دهند. اخلاق همان رفتار ارتباطی نیست بلکه امری است که رفتار ارتباطی پایدار را به میان می‌آورد. دانشمندان در نامگذاری آن اختلاف نظر دارند: صفت، شخصیت، ملکه و ... . رفتار ارتباطی بیش و کم پایدار را سبک رفتاری می‌نامیم. می‌توان گفت: اخلاق به سبک رفتار ارتباطی یا رفتار ارتباطی غالب و بیش و کم پایدار متعلق است و آن شامل چهار گونه قدسی، درون شخصی، بین شخصی و برون شخصی می‌شود.

## ۱-۳. رعایت حقوق طرف ارتباط

اخلاق سبک رفتاری نیکو است. ملاک خوب و بد کدام کدام است؟ اگر توانایی و برخورداری انسان‌ها را از آن جهت که انسان هستند حق آنان بنامیم. انسان‌ها حقوقی دارند: حق حیات، حق آزادی، حق احترام، حق حریم خصوص، حق رشد کردن و ... می‌توانیم در رفتار ارتباطی بین شخصی رعایت حقوق را ملاک نیکویی رفتار بدانیم.

اینک می‌توان مفاهیم اخلاق، زیست اخلاقی و الگوی رفتار اخلاقی را تعریف کرد:

اخلاق:

سبک رفتار ارتباطی استوار و رعایت حقوق طرف ارتباط

الگوی رفتار اخلاقی:

حقوق طرف ارتباط وظیفه اخلاقی کنشگر

زیست اخلاقی:

مسئولیت پذیری نسبت به حقوق طرف ارتباط در محیط ۳۶۰ درجه

مسئولیت پذیر بودن فن به معنای این است که وی در هر محیطی که قرار می‌گیرد، اولاً همه صاحبان حق را می‌شناسد. مثلاً وقتی او رانندگی می‌کند می‌داند که عابرها و سایر رانندگان صاحب حق هستند. ثانیاً حقوق هر یک از صاحبان حق را می‌شناسد. مثلاً شهروند مسئول می‌داند که غریبه در شهر او حق اطلاع یابی و حق راهنمایی شدن دارد. ثالثاً رعایت حقوق آنان را سرلوحه رفتار خود می‌داند. مثلاً وقتی غریبه از وی آدرسی می‌پرسد مشتاقانه، با حوصله و با خوش‌رویی و با شیوه‌های مفید وی را راهنمایی کرده، از آنجا این وظیفه اخلاقی لذت برده و از هر گونه منت و آزار یا تحقیر و توهین خودداری می‌کند.

=====

۲- تمایز مسئولیت اخلاقی با مسئولیتهای حرفه‌ای و حقوقی

مسئولیت اخلاقی سرشتی ولی مسئولیت حقوقی قراردادی است.

مسئولیت اخلاقی غالباً نامدون ولی مسئولیت حقوقی کاملاً مدون است.

مسئولیت اخلاقی فراگیر نسبت به همه شئون آدمی است ولی مسئولیت حقوقی غیرفراگیر است. **@dabirfile** مسئولیت اخلاقی همزاد و همراه انسان است.

مسئولیت اخلاقی ممیز قانون است ولی مسئولیت حقوقی حمایت کننده از اخلاق است.

مسئولیت اخلاقی یکی از منابع قانون است.

مسئولیت اخلاقی قانون پذیری اخلاقی است مسئولیت حقوقی اخلاق قانونگذار

=====

۳- تنوع زیست اخلاقی

مسئولیت پذیری در قبال حقوق طرف ارتباط نسبتی را بین کنشگر یک رفتار ارتباطی با طرف ارتباط بیان می‌کند. چنانچه اشاره شد طرف ارتباط در رفتار ارتباطی قدسی خداست. در رفتار ارتباطی درون شخصی خود کنشگر است و در رفتار ارتباطی بین شخصی سایر انسان‌ها و در رفتار ارتباطی برون شخصی محیط زیست است. از سوی دیگر طرف ارتباط بر حسب محیط ۳۶۰ درجه‌ای که فرد در زیست خود در آن قرار دارد گوناگونی می‌یابد.

۳-۱. ادبی بندگی:

انسان‌ها با خدا مواجهه‌های گوناگونی دارند. عده‌ای ارتباطی مانی دارند و خدا را بندگی می‌کنند. مومنان خدا باور شیوه‌های گوناگونی در بندگی خدا دارند: زاهدانه، عاشقانه، خالصانه، ریاکارانه و ... بندگی خدا ادب و اخلاق خود

را دارد و شکر، توکل، یاری خواهی، نیاز برون، شناخت خدا، یاد او، انجام فرمان او و ... ابعاد گوناگون ادب بندگی است.

### ۳-۲. اخلاق شخصی:

هرکسی تعاملی با خود دارد. مواجهه با تن و روان و امور روانی و روحی می تواند با مسئولیت پذیری یا مسئولیت گریزی همراه باشد. رعایت بهداشت فردی وظیفه اخلاقی فرد در قبال جسم خود است و حفظ سلامت روان نیز وظیفه اخلاقی اوست. خودشناسی، محاسبه نفس و خودارزیابی نمونه هایی از اخلاق در تعامل فرد با خود است.

### ۳-۳. اخلاق خانواده:

کنشگر در محیط ۳۶۰ درجه زندگی خانوادگی هم مسئولیت دارد. خود فرد، همسر، والدین، همسایه ها، فرزندان، خویشان و وابستگان کسانی که از خدمت آنها برخورداریم و صاحبان حق در این محیط هستند.

### ۳-۴. اخلاق شغلی:

کنشگر در برابر همه کسانی که در محیط کسب و کار با فرد به نحوی ارتباط دارد، (اعم از فرداست و فرودست، مشتری یا کارفرما و از اشخاص حقیقی یا حقوقی) مسئولیت دارد.

### ۳-۵. اخلاق شهروندی:

مسئولیت های اخلاقی فرد را در زندگی شهری اخلاق شهروندی می نامیم که در مقابل گروه های مختلف شهروندان، مسافران و غریبه ها، نهادها و کسانی که خدمات شهری ارائه می کنند، محیط زیست و ... مسئولیت اخلاقی دارند.

### ۳-۶. اخلاق ورزشی:

مسئولیت اخلاقی افراد در محیط ۳۶۰ درجه شامل همه عناصر مرتبط با ورزشکار است. باشگاه ورزشی، مربی، نیروها فنی، داور، رقیب، شهروندان، طرفداران تیم های ورزشی و ...

### ۳-۷. اخلاق پژوهش:

ناظر بر مسئولیت های اخلاقی پژوهشگران و موسسه های پژوهش در محیط ۳۶۰ درجه است. این محیط شامل امور مورد پژوهش (انسان، حیوان) پژوهشگر، همکاران، منافع ملی، حقیقت و ... است.

=====

اخلاق حرفه ای: از پیشه‌وران تا سازمان



در مطالب گذشته اخلاق را به مسئولیت پذیر کنشگر در قبال حقوق طرف ارتباط تحلیل کردیم. اینک در مقام تحلیل اخلاق حرفه‌ای هستیم و آن نیازمند تحلیل مفهوم حرفه و تمایز آن از شغل است. غفلت از تمایز حرفه از شغل می‌تواند به تصویری ناقص و فروکاسته از اخلاق حرفه‌ای بیانجامد.

#### ۱- حرفه‌ای گرایی:

توسعه اقتصادی با حرفه گرایی نسبت معناداری دارد. بسیاری از کشورهای توسعه یافته حرفه گرایی را به منزله بستر توسعه و پیشرفت اخذ کرده‌اند. حرفه گرایی چیست؟ حرفه گرایی را می‌توان ازم ملی و جریان عمومی جامعه دانست در دست یابی به دو هدف: ارتقای مشاغل به حرفه و رشد متوازن حرفه.

#### ۱-۱. ارتقای مشاغل به حرفه:

کار کردن گونه‌های مختلفی دارد کار کاذب، کار زیان بار برای جامعه (قاچاق و ...) و کار مفید. کار مفید یا به صورت تمام وقت است یا پاره وقت. کار مفید تمام وقت و دارای جبران خدمت (حقوق، پاداش، سود، درآمد و ...) شغل است.

## @dabirfile

وضعیت برتر شغل را حرفه می‌نامیم. اینکه حرفه علاوه بر مولفه‌های، از چه مولفه‌های دیگری برخوردار است مسئله‌ای پر چالش نزد دانشمندان است. حرف علاوه بر مولفه‌های شغلی (کار تمام وقت مفید با جبران خدمت) حداقل از ۶ مولفه دیگر برخوردار است: دانش تخصصی، تجربه شغلی، مهارت، توانایی، نگرش متمایز، تعهد حرفه‌ای و مرام اخلاقی.

در اینجا به بحث کوتاه در مولفه اخیر (تعهد حرفه‌ای و مرام اخلاقی) بسنده می‌کنیم  
تعهد حرفه‌ای، احترام و بلکه عشق به حرفه است. همانگونه که هنرمند اصیل عاشق هنر است فرد حرفه‌ای به حرفه خود سخت متعهد است. تعهد حرفه‌ای سبب می‌شود که:

- ۱) فرد از خود انتقادی و ارزیابی پایدار برخوردار باشد.
- ۲) در تربیت افراد حرفه‌ای و آموزش و توسعه حرفه، کوتاهی نکند.
- ۳) در داوری‌های خود منصف باشد.
- ۴) هرگز از رشد دیگران و شکوفایی آنان حسرت نخورد و رشک و حسد نرزد.
- ۵) رقبا را شریک خود در حرفه بداند و رشد آنان را عامل رشد حرفه بداند.
- ۶) کیفیت را فدای منافع شخصی و یا رضایت کارفرما نکند.

#### ۱-۲. رشد متوازن هر حرفه:

هرم توزیع جمعیتی حرفه‌ای‌ها در یک سطوح پایین به بالا به چهار دسته تقسیم می‌شود.  
۱- کاربران (تکنسین‌ها) که به تولید خدمات یا کالا می‌پردازند. معلم کارور حرفه تعلیم و تربیت است، همانگونه که پزشک کاربر حرفه پزشکی است.

۲- فن آوران که به تولید فناوری نرم یا سخت و تبدیل دانش به فناوری می‌پردازند.

۳- دانشمندان که به تولید علم و دانش می‌پردازند.

۴- فیلسوفان هر حرفه با مسائل بنیادی و نظری حرفه مواجه‌اند، مسائلی که برای حرفه سرنوشت سازند و از طرف دیگر پاسخ به آنها از روش شناسی دانش آن حرفه‌ای برنمی‌آید مانند تحلیل چيستی سلامت در حرفه پزشکی.

رشد متوازن حرفه در واقع تربیت متناسب چهار صنف یاد شده در هرم حرفه‌ای و مرام اخلاقی است. به عنوان مثال توجه به توزیع جمعیتی در حرفه پزشکی در کشورمان عدم توازن را در آن آشکار می‌کند. نبود رشته فلسفه پزشکی در ایران و عدم رشد مطلوب فناوری پزشکی دلیل این ادعا است. یکی از مسئولیت‌های رهبران مراکز دانشگاهی توجه به توسعه متوازن هر حرفه است.

=====

## ۲- چيستی اخلاق حرفه‌ای

در تعریف حرفه، بیان شد که یکی از مولفه‌های حرفه، تعهد حرفه‌ای و مرام اخلاقی است. این نکته نشان می‌دهد که حرفه، برخلاف شغل از اخلاق جداناپذیر است. شغل را می‌توان اخلاقی یا غیراخلاقی دانست اما حرفه بنا به تعریف با تعهد حرفه‌ای و مرام اخلاقی همراه است. مراد از اخلاق، چنانچه اشاره شد، مسئولیت پذیری در قبال حقوق افراد در محیط ۳۶۰درجه است. اخلاق حرفه‌ای را می‌توان اولویت‌پذیری در فعالیت حرفه‌ای دانست که در قبال همه کسانی که در محیط حرفه‌ای قرار می‌گیرند.

@dabirfile

=====

## ۳- انقلاب کپرنیکی در اخلاق:

تعریف اخلاق حرفه‌ای علاوه بر فراگیری، از حیث نظری بر بینش خاصی در اخلاق استوار است که آن را انقلاب کپرنیکی در اخلاق می‌نامیم. فضایل اخلاقی و ارزش‌ها، حاصل مسئولیت‌های اخلاقی است و مسئولیت‌های اخلاقی در قبال حقوق دیگران تعریف می‌شوند. سازمان با شعار من در قبال دیگران مسئولیت دارم، سبک ارتباط خود با دیگران را بنا می‌نهد: شما حق دارید و سازمان تکلیف.

تعریف اخلاق حرفه‌ای به مسئولیت‌های اخلاقی صاحبان حرفه و سازمان بر اصل حقوق شهروندی استوار است. رفتار ارتباطی سازمان با محیط بر اساس حقوق و تعهدات و وظایف است: حقوق محیط و وظایف بنگاه در قبال آنها. حقوق محیط بر دو قسمت حقوق عام مانند حریم شخصی، حق آزادی بیان، حق برخورداری از امنیت، حق آگاهی و ... و حقوق خاص که بر حسب مشاغل و بنگاه‌ها تعیین می‌یابد.

بر اساس چنین نگاهی شرکت‌ها و سازمان‌ها با انبوهی از مسائل اخلاقی مواجه هستند. معضلات زیست محیطی، بهداشت محصولات، سلامت کارکنان، بیماری ایدز در محیط کار، استعمال دخانیات، باران‌های اسیدی، دفن زباله‌ها و ... موج جدیدی از مسائل اخلاقی مربوط به بنگاه‌ها را به وجود آورده است. امروزه بسیاری از شرکت‌ها در جهان صنعتی به این بلوغ رسیده‌اند که بی‌اعتنائی به مسائل اخلاقی و فرار از مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی به از بین رفتن بنگاه می‌انجامد. به همین دلیل بسیاری از شرکت‌های موفق، نسبت به تدوین استراتژی اخلاقی احساس نیاز کرده‌اند و به این باور رسیده‌اند که در سازمان باید یک فرهنگ مبتنی بر اخلاق رسوخ کند.

گستره معرفتی اخلاق و شاخه‌های آن:

امروزه اخلاق توسعه فراوان و شاخه‌های گوناگون یافته است. توجه به تمایز سه شاخه عمده لازم است. فرااخلاق، به بحث از مبانی علم اخلاق و تحلیل مفاهیم بنیادی و گزاره‌های پایه دانش اخلاق می‌پردازد. اخلاق هنجاری نظری، به نحو روشمند و موجه قواعد کلی اخلاقی را بیان می‌کند. اخلاق کاربردی، معطوف به زمینه‌های عینی رفتار است و تکالیف و تصمیم‌گیری اخلاقی را در یک زمینه عینی براساس قواعد کلی اخلاق بیان می‌کند. ارتباط اخلاق کاربردی با اخلاق نظری همچون نسبت روانش درمانی با روانشناسی است. اخلاق کاربردی چون به زمینه‌های خاص معطوف است، برحسب آن زمینه‌ها به شکل تخصصی رشد می‌کند امروزه اخلاق زیستی، اخلاق خانواده، اخلاق شهروندی، اخلاق جنسی، اخلاق محیط زیست، اخلاق دشمنی را می‌توان از شاخه‌های گستره معرفتی اخلاق کاربردی دانست.

اخلاق حرفه‌ای به منزله یک دانش، شاخه بالنده‌ای از اخلاق کاربردی است که دامنه بسیار فراخ و شاخه‌های فراوان یافته است. اخلاق حرفه‌ای بر حسب حرفه خاص گوناگون می‌یابد: اخلاق پزشکی، اخلاق تجارت و بازرگانی و کار، اخلاق تعلیم و تربیت، اخلاق قضا و وکالت، اخلاق مهندسی، اخلاق مشاوره و ...

=====

انتظار از علم اخلاق:

به طور کلی از علم اخلاق دو توقع عمده وجود دارد

۱- ارائه ملاک نهایی ارزش‌ها

داوری‌های اخلاقی محتاج شاخص و ملاک است. وقتی می‌گوییم استخدام با فراخوان عمومی اخلاق خوب و شایسته است، شاخص اخلاق در این داوری عدالت است. هر نظام اخلاقی دارای ملاک نهایی است. در نظام اخلاق دینی این ملاک کارایی خود را در تقرب به خدا به دست می‌آورد. جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) سودمند بودن را به منزله ملاک اخلاق معرفی می‌کرد. بالاترین میزان منفعت برای بیشتر مردم با کمترین آسیب. کانت آلمانی (۱۷۲۴-۱۸۰۴) تکلیف را ملاک اخلاقی بودن می‌دانست است. جان راولز عدالت را برترین شاخص داوری اخلاقی می‌داند و رابرت توزیک آزادی فردی را نخستین ملاک ارزش آفرین تلقی می‌کند.

۲- ترسیم جدول فضائل و رذایل

اخلاقی در سازمان منوط به شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌هاست. ارزش‌ها چیست و ضدا ارزش‌ها کدام است؟ یکی از وظایف دانش اخلاق تعریف، برشمردن و طبقه بندی رفتارهای خوب و رفتارهای نارواست. نکته مهم در اینجا روشنی در مفهوم و تمایز در مصداق است. به عبارت دیگر انتظار می‌رود دانش اخلاق در خوبی و بدی، رفتارها را به نحوه روشن و متمایز تعریف کند و نشان دهد که حسد متمایز از غبطه است. هنجارهای سازمان کدامند و ناهنجاری‌های اخلاقی سازمان چیست؟

### توقع از دانش اخلاق حرفه

۱- بیان نظام‌مند مسئولیت‌های اخلاقی فضیلت‌ها و رذیلت‌های حرفه‌ای به صورت تفصیلی، مستدل و ناظر به موقعیت‌های عینی

۲- ارائه شیوه‌های پیشگیری و بهبود آسیب‌های اخلاقی در حرفه همانند مشکل زیر آب زنی

۳- سنجش اخلاقی در حوزه‌های مختلف منابع انسانی، فرایندها، مقررات و نظامهای شغلی نیازمند رهاورد دانش اخلاق حرفه‌ای است.

۴- شیوه‌های آموزش اثربخش ارزش‌ها، ترویج و نهادینه سازی رفتار اخلاقی در حرفه، یکی از اضلاع مهم نیاز سازمان به دانش اخلاق حرفه‌ای است.

@dabirfile

### ویژگی‌های معرفی اخلاق حرفه‌ای

۱- اخلاق حرفه‌ای به منزله دانش منسجم و یکپارچه

در اخلاق حرفه‌ای برحسب تصورات ناسنجیده، آگاهی‌های پراکنده، معلومات تحقیق نشده و تجارب خام تحلیل نشده، نمی‌توان تصمیم اخلاقی گرفت و در حل معضلات اخلاقی گام برداشت. مشاور اخلاقی سازمان کسی است که در دانش اخلاق تخصص لازم را یافته باشد و تفکر علمی را ملکه خود بگرداند.

۲- نقش کاربردی

دانش اخلاق برای به کار بستن در حین عمل است و لذا در برنامه آموزش اخلاق حرفه‌ای، آموزش برای آموزش، آگاهی برای آگاهی مقبول نیست، بلکه آگاهی برای اقدام و آموزش برای حل مسئله است و همین شاخص کارایی و اثربخشی چنین برنامه آموزشی است.

۳- صبغه حرفه‌ای

هویت کاربردی علم اخلاق آن را از عرش تحلیل‌های نظری به فرش زندگی روزمره می‌نشانند و حرفه‌ای بودن، جهت گیری کاربردی آن را در کسب و کار نشان می‌دهد. مفهوم امروزی حرفه مسبق به سه تحول بنیادی است: انقلاب صنعتی، سلطه سازمانی و انقلاب در فناوری اطلاعات. مفهوم جهانی شدن بر پیچیدگی حرفه‌ها خواهد افزود.

۴- دانش بومی

مسائل عینی و حرفه‌ای اخلاق مسائل فرهنگ وابسته‌اند. اخلاق حرفه‌ای اگر چه یک دانش است اما این دانش فارغ از زمینه‌های فرهنگی نیست و از داشتن اخلاق حرفه‌ای بومی گریزی وجود ندارد.

## ۵- دانش انسانی

اخلاق، دانش بشری است مراد از بشری بودن در اینجا این است که توصیه‌های اخلاقی این دانش نباید با انسانیت و لوازم آن ناسازگار باشد. هیچ نظام اخلاقی نباید هویت انسانی و حرمت او را از میان بردارد. اخلاق برای بشر است و در هر نظام اخلاقی محور، اخلاق انسانیت است.

## ۶- ویژگی‌های زبانی

کارایی اخلاق حرفه‌ای تا حدودی زیادی مرهون زبان آن است. از دانش اخلاق انتظار می‌رود از قدرت تاثیر بر همه ابعاد وجودی آدمی برخوردار باشد. مخاطب اخلاق ساحت وجودی، آدمی است و چنین خطایی، زبان خاصی را می‌طلبد. زبان انگیزشی و موثر و زبانی روشن، صریح و دقیق. زبان اخلاق سوق دهنده به عمل و نکالیف اخلاقی است. هیجانی بودن و عاطفی بودن به دلیل دقت زدایی، از آفات زبان علوم تجربی است. زبان، اخلاقی را کارا تر می‌سازد.

## ۷- دانش میان رشته‌ای طبقات یاد شده از اخلاق حرفه‌ای و ویژگی‌های معرفتی آن نشان می‌دهد.

دانش اخلاق حرفه‌ای به عنوان یک علم مصرف کننده از دانش‌های مختلفی بهره می‌گیرد. روانشناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی، علم تفسیر و دین پژوهی، انسان شناسی دانش‌هایی هستند که علم اخلاق را در بهره‌مندی از آنها گریزی نیست. اما مطالعه میان رشته‌ای آمیختن بی‌برنامه و بدون روش علوم مختلف نیست چرا که از آن جز التقاط حاصلی به بار نمی‌آید.

=====

## مسئله اخلاقی

## مسئله اخلاقی چیست؟

در منابع روانشناسی مسئله زمانی وجود دارد که فرد در موقعیتی است و می‌خواهد در موقعیت دیگر باشد اما نمی‌داند چگونه بدان موقعیت برسد. مسئله را می‌توان بلا تکلیفی دانست که یا ناشی از بلا تکلیفی در هدف گذاری است، چنین مسائلی با پرسش از چرا و یا آیا شروع می‌شود و یا ناشی از بلا تکلیفی در روش‌هاست و با پرسش از چگونه آغاز می‌گردد. مسئله در اخلاق حرفه‌ای بلا تکلیفی اخلاقی است. مسئله اخلاقی آن است که فرد یا سازمان می‌خواهد در موقعیت خاص حرفه‌ای بداند تکلیف اخلاقی چیست و شیوه اثربخش و اخلاقی در انجام آن تکلیف کدام است.

## مسائل اخلاقی کدامند؟

## ۱- مسائل اخلاقی در کسب و کار

فرد حرفه‌ای در زندگی شغلی در موقعیت‌های متفاوت با زندگی شخصی خود قرار می‌گیرد و در مقام تصمیم‌گیری اخلاقی، احساس بلاتکلیفی می‌کند از خود می‌پرسد: تکلیف اخلاقی من چیست؟ مانند تعادل بین کار و خانواده که مدیران توازن بین امور شغلی و امور مربوط به مسائل زندگی شخصی را آسان نمی‌یابند. عده‌ای از مدیران گاهی افراط می‌کنند و گاهی به تفریط می‌گروند. گاهی چنان غرق کارند که زندگی شخصی خود را فراموش می‌کنند گاهی برعکس آن بی‌محابا امکانات محیط کار را در رفاه و زندگی شخصی به کار می‌گیرند. مدیران در زندگی شغلی خود پدیده‌ای به نام هدایا مواجه می‌شوند. مناسبت‌های پیش می‌آید و افراد حقیقی، شرکت‌ها و سازمان‌های حقوقی به رسم تبریک هدیه تقدیم می‌کند. بدون تردید همیشه هدایا صرفاً تقدیر از زحمات مدیر و خالی از توقعات پسینی نیست. مدیران در برابر هدایا چه تکلیفی دارند؟ رد هدیه رفتاری غیر اخلاقی می‌نماید و پذیرفتن آن نیز خالی از پیامدهای غیر اخلاقی نخواهد بود. گاهی می‌پرسیم: آیا این پیشکش هدیه است یا رشوه؟ مرز این دو کجاست؟

## ۲- مسائل اخلاقی سازمان:

هر سازمانی به عنوان شخصیت حقوقی در حیات سازمانی خود با مسائل اخلاقی فراوانی روبرو است. سازمان تا چه اندازه مجاز است که مدیران و کارکنان را به فدا کردن اهداف مطلوب زندگی خود برای کامیابی شغلی سوق دهد؟ سازمان در خصوص تعادل کار و خانواده چه تکلیفی دارد؟ آیا استخدام بدون فراخوان ملی، اخلاقی است؟ سازمان در مواجهه با پدیده‌های ضد اخلاقی چون زیر آب زنی، اعتیاد، کم کاری، روابط نامشروع، قانون‌گریزی، سرقت و ... چه تکلیفی اخلاقی دارد

@dabirfile

====

## ویژگی‌های مسائل اخلاقی سازمان:

مسائل اخلاقی در حرفه دارای ویژگی‌هایی است که آنها را از سایر مسائل حرفه‌ای سازمان و نیز از مسائل اخلاقی در زندگی فردی - شخصی متمایز می‌کند کسانی چون هُس مر ویژگی‌های مسائل اخلاقی در کسب و کار را بیان کردند. ارائه فهرست کامل از ویژگی‌ها می‌تواند از ساده‌انگاری و خود درمانی در معضلات اخلاقی پیشگیری کند.

### ۱- فراگیری

معضلات اخلاقی از فراگیرترین مسائل سازمان است و همه ابعاد آن را شامل می‌شوند. هیچ اقدام، تصمیم و فعالیتی را در سازمان نمی‌تواند سراغ داشت که همراه با مسائل اخلاقی نباشد. در بن هر تصمیم مدیریتی، انبوهی از مسائل اخلاقی را می‌توان رصد کرد. توجه به فراگیر بودن مسائل اخلاقی چند نکته مهم را روشن می‌سازد: اولاً هر تصمیم و اقدامی در شئون حرفه‌ای محتاج ممیز اخلاقی است. بنابراین در فرآیند تصمیم‌سازی باید سنجش اخلاقی نیز یکی از مراحل تلقی شود. دوم: از آنجا که هیچ منطقه‌ای در سازمان فارغ از اخلاق وجود ندارد، همه سطوح منابع انسانی از مدیرعامل تا کارگران باید از توانایی تشخیص و حل مسائل اخلاقی برخوردار باشند. سوم: رفتار اخلاقی در مدیریت‌های تولید، کنترل پروژه، کنترل کیفیت، فروش، مالی و ... همان اندازه مهم است که در مدیریت منابع انسانی و مدیریت امور مدیران حائز اهمیت است.

## ۲- بسترهای فراسازمانی

توجه به بسترهای فراسازمانی مسائل اخلاقی سازمان، چه نکته را هویدا می‌سازد. نکته اول، سازمان‌ها برحسب جوامع و کشورها با مسائل اخلاقی گوناگون روبرو می‌شوند. به عنوان مثال بنگاه‌های کشور غالباً با مسائلی چون کم کاری، قانون گریزی، مالیات گریزی، افت وفاداری سازمان، شایسته گریزی و رانت خواری رو به رو هستند. در حالی که در مطالعه‌ای که بیکم (Beekm) در خصوص دو هزار شرکت بزرگ آمریکایی گزارش می‌کند معضلات آنها به ترتیب عبارتند از مواد مخدر و الکل، دزدی کارکنان از شرکت، تعارض در علایق، مباحث کنترل کیفیت، تبعیض در استخدام و ترفیع، استفاده غلط از اطلاعات مربوط به مالکیت، سوء استفاده از حساب‌های شرکت، تعطیل شدن کارخانه و اخراج کارکنان، استفاده غلط از دارایی‌های شرکت و آلودگی محیط. تنوع مسائل اخلاقی در کشور ما و آمریکا را نشان می‌دهد. نکته دوم، قالب مسائل اخلاقی ریشه در زمینه‌های اجتماعی، خانوادگی و حتی تاریخی دارد و چنین بسترهایی بر بنگاه تحمیل می‌شوند و لذا به سهولت قابل حل نیستند.

۳- آثار پایدار و زنده

مسائل اخلاقی و تصمیم‌های مدیران در مواجهه با آنها، آثار بلندمدت و نتایج ماندگاری دارد. هر تصمیم اخلاقی مانند موجود زنده‌ای است که سالها سازمان و محیط آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد، می‌ماند و رشد می‌کند. این سخن هرگز گزاف آمیز نیست که اگر دانشمندی تباه شود، گویی همه عالم تباه می‌گردد. در منطق قرآن، کسی که فردی را از مرگ نجات بخشد، گویی همه انسانها را زنده کرده است و کسی که ناحق فردی را از حیات محروم سازد چنان است که همه را از حیات محروم کند.

@dabirfile

۴- آثار فراسازمانی

نتایج تصمیم‌های اخلاقی سازمان به دلیل بلندمدت بودن صرفاً به آن محدود نمی‌شود، بلکه نهادهای اجتماعی و در مواردی تمدن بشری را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهند. استخدام هیات علمی، بدون ضوابط و غیرمبتنی بر شایسته سالاری تصمیمی است که نه تنها مراکز دانشگاهی و موسسات پژوهشی را تخریب و ویران می‌سازد بلکه با ایجاد حلقه معیوب و چرخه فاسد به تدریج بنیان علمی جامعه را متزلزل و صنعت و فرهنگ را نابود می‌کند. زیرا در پی آن زمینه برای مدیریت افراد ناشایست و بی‌تقوا فراهم می‌شود، فساد مالی و اداری و رفتاری در دانشگاه رواج یافته به جامعه سرایت می‌کند. بنابراین نتایج تصمیم‌های مدیریتی از حیث اخلاق، در نخستین سطح این پیامدها متوقف نمی‌شود بلکه زنجیره‌ای از علل و معلول‌ها را به میان می‌آورند و در سراسر جامعه تسری پیدا می‌کند. توجه به آثار فراسازمانی اهمیت مواجهه روشمند با مسائل اخلاقی را نشان می‌دهد. قبل از هر تصمیمی باید پیامدهای اخلاقی آن را به دقت تمام مطالعه کرد و با احتیاط و حزم اقدام نمود.

۵- نتایج ناپیدا

کسانی که در کسب و کار به اقدام‌های خلاف اخلاق تن می‌دهند، از عواقب مخرب نتایج پایدار آنها بی‌خبرند، زیرا آثار رفتارهای غیراخلاقی غالباً ناپیدا و نامعلوم است. پیامدهای اخلاقی نه آنی هستند و نه محدود بلکه به صورت زنده و مستمر اما پنهان چون آب زیرکاه تداوم می‌یابد و جهان شمول می‌شوند. میزان خسارت و ضرر ناشی از آن را به سادگی نمی‌توان محاسبه کرد. در بیان تمثیلی مولوی هر رفتار غیراخلاقی چون سوراخ موشی در انبار گندم است. سازمان اخلاق‌گریز مانند کشاورز ساده لوح است که سوراخ موشی را در انبار گندم نمی‌بیند و از اقدام‌های غیراخلاقی نمی‌پرهیزد. او روزی سوراخ موش را می‌یابد که گندمی نمانده است و همه اعتبار سازمان بر باد رفته است.

## ۶- جایگزین‌های مختلف

وقتی بر سر دو راهه قرار می‌گیریم و راه سومی را پیش روی خود نمی‌یابیم، تصمیم‌گیری آسان است. یا خط تولید را عوض می‌کنیم یا نه فناوری را مدون می‌کنیم. ساده‌نگاران در مواجهه با مسائل اخلاقی چنین تلقی دارند خود را بر سر دو راهی می‌یابند به گونه‌ای که مسائل اخلاقی دارای دو جواب است بلی یا خیر و دیگر هیچ این تلقی از معضلات اخلاقی را بن بست موهوم می‌نامیم. بن بست موهوم غالباً عامل سوق افراد به انتخاب اقدام غیراخلاقی می‌گردد چرا که در دوراهی اخلاقی خود را در مقابل تعدیل ۵۰۰ نفر کارگر یا ورشکستگی کارخانه می‌بیند. راه سومی را نیز نمی‌یابد و لذا توسل به قاعده (دفع افسد به فاسد) به انتخاب فاسد تصمیم می‌گیرد. با توجه به این ویژگی در مسائل اخلاقی باید قبل از هر اقدام و تصمیمی، راه حل‌های محتمل را شناسایی و بررسی کرد.

## ۷- نتایج مرکب

مسائل اخلاقی به دلیل برخورداری از جایگزین‌های مختلف، آثار و تبعات مرکب دارند. یک انتخاب اخلاقی، صرفاً گزینش یک طرف و فرو نهادن طرف دیگر نیست بلکه برگرفتن یک طرف و فرو گذاشتن مولفه‌های فراوان دیگر است به همین دلیل هر انتخاب اخلاقی شبکه‌های به هم تنیده از نتایج و آثار را در سازمان به وجود می‌آورد. وقتی در مواجهه با پاداش کارگران، خود را در برابر بن بست موهوم (یا دروغ بگویم یا نه) می‌یابیم با ساده‌انگاری دروغ را بر می‌گزینیم. چه آثاری را در سازمان می‌آفرینی؟ کاهش انگیزش، تهدید شدن وفاداری سازمانی، افت بهره‌وری، افزایش ضایعات، کاهش کیفیت تولید و ... نتیجه یک تصمیم اخلاقی مجموعه‌ای از آثار را می‌سازد.

@dabirfile

## ۸- شخص وابسته

مدیران در مواجهه با مسائل اخلاقی فارغ از احساسات، عواطف و هیجانات خویش نیستند. پایه‌های شخصیتی، الگوهای رفتاری و جهان بینی افراد اهمیت فراوانی در تشخیص و حل مسائل اخلاقی دارد. افراد با طرز فکر اخلاقی خاصی به معضلات اخلاقی می‌نگرند و در قبال آن تصمیم می‌گیرند. مهمترین نکته‌ای که از شخص وابسته بودن معضلات و تصمیم‌های اخلاقی می‌توان اخذ کرد، نقش بسیار مهم هوش هیجانی مدیران در تشخیص به ویژه هوش هیجانی آنان نشان می‌دهد.

## ۹- چند تباری

مسائل اخلاقی به سبب بسترهای متنوع فراسازمانی و نتایج مرکب، ریشه در گستره‌های مختلف معرفتی گوناگون دارد. به عنوان مثال، وقتی در کارخانه با پدیده اعتیاد روبرو می‌شویم چه نوع مسئله‌ای داریم؟ آیا مسئله جامعه شناسی پیش روی ماست یا مسئله روانشناختی یا ...؟ مسائل اخلاقی را نه می‌توان حصرگرایانه معضل روانشناختی دانست نه جامعه‌شناختی. زیرا آنها مسائل چند تباری‌اند. پدیده کم کاری و یا قانون‌گریزی بدون تردید ریشه در علوم بسیار مختلف و متنوع دارد. یکی از آثار ساده‌انگاری عدم توجه به چند تباری بودن مسائل اخلاقی است. مسائل چند تباری تنها از طریق روش‌های میان رشته‌ای قابل تشخیص و حل هستند اما مدیران



ساده انگار که در مواجهه با مسائل اخلاقی خود را بی‌نیاز از مراجعه به متخصص می‌پندارند چگونه می‌توانند بر ضرورت مطالعه میان رشته‌ای در معضلات اخلاقی بنگاه توجه یابند.

#### ۱۰- دشواری در حل

معضلات اجتماعی از دشوارترین مسائل در یک سازمان هستند آثار پنهانی در عین پیچیدگی ساختار سیب می‌شود آنها غالباً به چشم نیابند و یا مدیران به حذف مسئله به جای حل آن سوق یابند. نتایج اقدام‌های اخلاقی در کوتاه مدت خود را نشان نمی‌دهند. آیا به خوبی می‌دانیم که بین افراد بزهکار افتاده در زندان به برخی اقدام‌های غیراخلاقی و ناسنجیده مدیران آموزشی در مقطع ابتدایی می‌تواند رابطه معناداری وجود داشته باشد.

#### مهارت تشخیص مسائل اخلاقی در حرفه:

پیچیدگی مسائل اخلاقی و دشواری حل آنها، اهمیت برگرفتن رویکرد علمی به مسئله گشایی را نشان می‌دهد. سازمان‌ها بیشترین آسیب‌های اخلاقی را از روش‌های غیرعلمی در مواجهه با معضلات اخلاقی می‌پذیرند. حل روشمند مسائل اخلاقی در گروه تشخیص دقیق و به موقع آنهاست. توفیق در صورت بندی دقیق مسئله آغاز خوب برای حل آن است و هر آغازی اگر خوب صورت پذیرفت، پیمودن نصف طریق است. **@dabirfile** مواجهه روشمند و کارآمد با معضلات اخلاقی مستلزم دو مهارت و توانایی است:

- (۱) تشخیص دقیق مسئله و شکار آن از انبوه حوادث، پدیدارها و معضلات سازمان
- (۲) حل روشمند مسئله

اولین گام در شناخت مسائل اخلاقی بنگاه، هنر دیدن معضلات اخلاقی در بنگاه است این هنر به طور کلی از مزیت‌های حرفه‌ای مدیران است. رصد کردن تهدیدها تبدیل آنها به فرصت‌ها در گرو شناخت و تشخیص به موقع مسائل بنگاه می‌باشد و آن نیز یکی از مهمترین عوامل موفقیت است.

#### ۱- از مشکل تا بحران

مدیران را از حیث نحوه مواجهه با معضلات اخلاقی در سازمان به گروه‌های مختلف می‌توان تقسیم کرد: عده‌ای اساساً معضلات اخلاقی را نمی‌بینند. ندیدن مشکلات اخلاقی سبب می‌شود که این مشکلات به تدریج در فرهنگ سازمانی رسوخ کنند و سرانجام به بحران تبدیل شوند. برخی مدیران از چشم مشکل یاب برخوردارند اما بدون تحلیل دقیق مشکل و یافتن صورت مسئله از حل آن هراسان می‌شوند و غالباً به خود درمانی معضلات اخلاقی می‌پردازند. این مدیران نیز زمینه را آماده می‌سازند تا مشکلات اخلاقی به بحران تبدیل گردند.

=====

## ۲- تمایز دو رهیافت در حل مسائل اخلاقی

نحوه مواجهه مدیران با مسائل سازمان را رهیافت می‌خوانیم. دو گونه عمده از رهیافت مدیران به مسائل اخلاقی قابل تمایزاند: رهیافت وهم آلود و رهیافت علمی. توجه به تمایز این دو، نقش موثری در افزایش مهارت تشخیص دقیق مسائل اخلاقی محل اثر بخش آنها دارد.

۱- در مواجهه انفعالی یا فعال با مسائل اخلاقی در رهیافت وهم آلود معضلات اخلاقی در سازمان به وجود می‌آیند و به دور از چشم مدیران رشد می‌کنند در شرایط بحرانی خود را می‌نمایاند. اما در رهیافت علمی مدیران به سراغ معضلات اخلاقی می‌روند و آنان به وسیله کمیته‌های حل مسئله به پیش بینی و رصد مسائل اخلاقی سازمان می‌پردازند. چنین مدیرانی موفق به پیشگیری مسائل اخلاقی می‌شوند و البته پیشگیری مهمتر و موثرتر از درمان است.

## ۲- بازی با مشکل یا تبدیل آن به مسئله

در رهیافت وهم آلود تمایز مشکل از مسئله مورد توجه نیست و لذا وقتی با مشکلات اخلاقی روبرو می‌شویم بدون تحلیل آنها و یافتن مسئله دقیق سازمان در پی رفع مشکل پرس و جو می‌کنیم، اما در رهیافت علمی پس از مواجهه با مشکل به وسیله فنون، آن را به مسئله تبدیل می‌کنیم تا صورت دقیق مسئله به دست آید و در گام سوم، از حل مسئله جو یا می‌شویم.

## ۳- تجارب خام شخصی و یا دانش بشری

@dabirfile

در رهیافت خام، مدیران در مقام حل مشکلات به تجارب تحلیل نشده خویش تکیه می‌کنند این مدیران غالباً چنین جمله‌ای را تکرار می‌کنند (مشکل پیچیده نیست. وقتی که ما در فلان سازمان بودیم چنین مشکلی به وجود آمد و چنان کردیم و مشکل حل شد) ساده انگاری، عافیت طلبی و شتابزدگی در چنین مواجهه‌ای دامن می‌زند و مدیران را از حل مسئله باز می‌دارد. در رهیافت علمی مدیران فراتر از تجارب شخصی از دانش بشری حاصل پژوهش نظام مند و تحلیل تجارب و جمعی است، بهره مند می‌شوند.

## ۴- شناخت ناقص از محیط یا شناخت مستمر و معطوف به آینده از آن

تشخیص و حل مسئله در گرو شناخت محیط است. مدیران در رهیافت وهم آلود به شناخت وضعیت فعلی محیط و شناخت ناقص از آن بسنده می‌کنند. در حالیکه در رهیافت علمی شناخت کامل، همه جانبه معطوف به آینده از محیط مورد تاکید قرار می‌گیرد.

## ۵- نظریه پردازی یا فرضیه سازی

هرگاه با مشکلی روبه رو می‌شویم، اطلاعات و تجارب خویش و یا مشاوران ما را به جواب اولیه می‌رساند. مدیران از حیث نحوه تلقی از پاسخ اولیه دو گروهند: گروهی پاسخ اولیه را به منزله یک نظریه قاطع و پاسخ نهایی تلقی می‌کنند. گروهی دیگر از مدیران در رهیافت علمی، مسئله را پاسخ حدسی و محتمل می‌انگارند.

## ۶- جزم گرایی یا روی آورد انتقادی

کسانی که پاسخ اولیه خود به مسئله را نظریه می‌پندارند در مطالعات و بررسی‌ها فقط موارد تایید کننده را می‌بینند و از دیدن موارد نقض کننده محروم می‌شوند. اما در رهیافت علمی مدیر همکاران را به آزمون فرضیه و دیدن مواضع ضعف و قوت آن دعوت می‌کند و با رهیافت انتقادی به بررسی کارایی و اثربخشی راه حل خود می‌پردازد.

#### ۷- بحران یا حل مسئله

نتیجه رهیافت وهم آلود به مسائل اخلاقی، سرگشتگی مدیران و تبدیل مشکل اخلاقی به بحران است. اما رهیافت علمی مشکلات را به مسئله تبدیل و پس از تشخیص دقیق مسئله با روش‌های علمی به فرضیه سازی و آزمون آن می‌پردازد و با استفاده از دانش‌های مرتبط به حل مسئله نایل می‌گردند.

=====

#### ۳- فرایند عملیاتی تشخیص مسائل اخلاقی

##### ۳-۱. مواجهه فعال با معضلات اخلاقی

نخستین قدم در شناخت مسائل اخلاقی مواجهه فعال و روشمند با معضلات اخلاقی بنگاه است. مدیران برحسب پایه‌های شخصیتی و آموزش‌های پیشین خود، در برخورد با مشکلات اخلاقی سازمان عکس‌العمل‌های مختلفی دارند. برخی به دلیل فقدان هوش هیجانی لازم با رویت معضلات اخلاقی برمی‌آشوبند و با هیجانات و احساسات وارد معرکه می‌شود و از تحلیل منطقی و روی آورد عقلانی محروم می‌گردند. برخی دیگر ساز و کار حذف مسئله به جای حل مسئله را به دست می‌گیرند و با پاک کردن صورت مسئله از آن فرار می‌کنند. مواجهه روشمند اخلاقی نادری است که تنها فراچنگ مدیران دانا و برخوردار از دانش و مهارت تشخیص و حل مسئله می‌افتد. موانع دیدن معضلات اخلاقی چیست؟ چرا عده‌ای در حوزه اخلاق حرفه‌ای از چشم مشکل یاب برخوردارند و گروهی از رویت معضلات اخلاقی محرومند؟ چرا کار گروهی در فرهنگ ما از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نیست؟ حال باید به این سوال پاسخ داد که چه موانعی افراد را از دیدن معضلات اخلاقی سازمان محروم می‌کند؟

##### ۱- کاستی یا نیستی دغدغه‌های اخلاقی

معضلات اخلاقی به چشم کسی می‌آید که در این خصوص دغدغه داشته باشد. برای مدیری که مسائل اخلاقی را فاقد اهمیت می‌داند یا آنها را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهد و دغدغه‌های اصلی وی ترازنامه مالی، سود و زیان، تولید، فروش و ... است، بدون تردید معضلات اخلاقی سازمان را نمی‌بیند زیرا مسائل دیگر حرفه آنها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

طلب هر چیزی ای یار رشید

جز همان چیزی که می‌خواهد ندید

##### ۲- فقدان آینده نگری

مدیرانی که تنها به تدبیر حال معطوفند، به طراحی آینده کمتر می‌اندیشند و مسائل اخلاقی را نمی‌بینند.

### ۳- روزمرگی

فراوانی و فراگیری مسائل اخلاقی در سازمان نیز از موانع دیدن آنهاست. نزدیکی بیش از اندازه به مسائل سبب می‌شود که از دیدن آنها محروم شویم.

### ۴- سطحی نگری

مسائل اخلاقی غالباً چون آب زیرکاه پنهانند. مدیران ساده انگار و فاقد ژرف نگری از دیدن معضلات اخلاقی محرومند. شتاب‌زدگی، عافیت‌طلبی و سطحی نگری، مثلثی را تشکیل می‌دهند که حاصل آن بی‌خبری از تولد و رشد معضلات اخلاقی در سازمان است مگر آنکه مشکلات اخلاقی به بحران تبدیل شوند.

### ۵- نبود دانش و نیز نقصان دانایی

نبود دانش و نیز نقصان دانایی از دیگر عوامل بازدارنده از دید معضلات اخلاقی است. ذهن انباشته از اندوخته‌های علمی و نظریات، سبب آگاهی بیشتر بر مسائل اخلاقی می‌گردد. کسانی که با روش‌های میان رشته‌ای مطالعه می‌کنند در نسبت با کسانی که حصرگرایی روش شناختی دارند بیشتر از چشم مسئله یاب برخوردارند زیرا به تعبیر مولوی هم دیدن سوال و هم یافتن پاسخ مرحوم دانش است.

@dabirfile

هم سوال از علم خیزد هم جواب

همچنان که خار و گل از خاک و آب

زدودن موانع پنچگانه یاد شده می‌تواند از جهت گیری‌های راهبردی نظام آموزشی بنگاه باشد. آموزش‌های مبتنی بر مسئله محوری به جای موضوع محوری گول نهاده‌ی سازی آموزش‌های حین عمل، تاکید بر نگرش سیستمی و همچنین تلاش بنگاه در جهت رسیدن به سازمان یادگیرنده گام‌های موثری در رفع موانع هویت مشکل است. تشکیل کمیته حل مسئله، مرکب از متخصصان رشته‌های مختلف و با مدیریت کمیته به وسیله الگوهای پژوهشی میان رشته‌ای نقش موثری در رصد کردن مسائل اخلاقی دارد.

### ۳-۲. عبور از مشکل به مسئله

فرض کنید بر ارتباط ناسالم ستاد و صف در بنگاه به عنوان یک معضل اخلاقی واقف شویم. آیا همین اندازه از وقوف به معضل کافی است؟ نه. زیرا مسئله ما در این میان دقیقاً هویدا نیست. شرط اقدام این است که مسئله یا مسائل برخاسته از تعدیل نیروی انسانی در سازمان را تشخیص دهید.

بهترین اقدام، اقدام نکردن است زیرا هیچ مشکلی را مادامی که مشکل است نمی‌توان حل کرد بویژه اگر آن مشکل به زمینه‌های اخلاقی مربوط باشد. به جای هرگونه اقدام و تصمیم عملی ابتدا باید مشکل را به مسئله تبدیل کرد. بنابراین دومین گام در تشخیص مسئله تبدیل معضل به مسئله است.

دردی را در ناحیه‌ای از بدن خود احساس می‌کنیم و به وجود مشکل پی می‌بریم. مشکل غالباً مرکب از مسائل محتمل متعدد است و به همیت دلیل، کلی، فراگیر و لذا مبهم و نامتمایز است. درد را احساس می‌کنیم اما

نمی‌دانیم دقیقاً درد ما چیست و چه چیزی نیست. می‌دانیم رخنه هست اما نمی‌دانیم آن رخنه دقیقاً چیست؟ مسئله در برابر مشکل امری واضح، روشن، متمایز و معین است. مساله در سطح ژرف‌تر قرار دارد که با ابزارهای متخصصان قابل رصد است. مشکل تنها وقتی قابل بررسی است که حداقل از طریق هه دست به مسئله تبدیل گردد. مسئله روش بررسی دارد اما مشکل بدون تبدیل به مسئله قابل بررسی نیست.

**دستورنامه تحویل مشکل به مسئله:**

جهت گیری فرایند تبدیل مشکل به مسئله تلاش برای ابهام زدایی از معضلات و رسیدن به روشن‌ترین صورت مسئله است. مراحل مختلف دستورنامه به شرح زیر است:

۳-۲-۱. تحلیل به مسائل محتمل

مشکل در واقع مسئله مرکب است و شناخت تغییر آن منوط به فهرست کردن همه مسائل است. چرا که ممکن است مسئله یک سازمان با مسئله سازمان دیگر در معضل ارتشاء مختلف باشد. فقدان یا نقصان وجدان کاری معضلی مرکب از مسائل فراوان است. حل معضل بدون تبدیل آن به مسئله موجب سرگشتگی است. بنابراین گام نخست در ابهام زدایی از معضلات اخلاقی تجزیه آنها به مسائل محتمل است. یعنی هرگاه با معضلی روبرو می‌شویم از خود بپرسیم: در این موضع با چه مسائل احتمالی روبرویم؟ این سوال را بدون هر دغدغه دیگری باید پاسخ داد. فهرستی کامل و حداکثری از مسائل را در موضوع مورد مطالعه به دست می‌آوریم بدون آنکه به مهم یا غیرمهم بودن مسئله توجه کنید.

روش‌های تحلیل معضلات مرکب به مسائل محتمل کدام است؟

@dabirfile

**۱- تیغ ماهی**

در کارگاه‌های آموزشی غالباً دیده‌ایم مدیران صرفاً از فن «از عواملش بپرس» استفاده می‌کنند این روش در شناخت مسائل مفید است و به رابطه تجزیه و تحلیل علل و عوامل می‌پردازد. فن «از علت بپرس» به روش تحلیل علی و معلولی معروف است و ایشی کاوا، پدر توسعه مشارکت کارکنان در ژاپن، آن را روش تجزیه و تحلیل استخوان ماهی نامید. فرض کنید مشکل سازمان زیر آب زنی است. ابتدا خطی را شبیه تیغه‌های ماهی می‌کشیم و در ابتدای این خط معضل زیر آب زنی را در داخل یک یک دایره ترسیم می‌کنیم. سپس بر روی هر یک از تیغه‌های آن علل زیر آب زنی را می‌نویسیم به طور مثال بر روی یک تیغه بخل و تیغه‌های دیگر دشمنی، تبعیض، حسد، نبود رابطه آسان و درست با سازمان، کارگری و ... هر یک از این مسائل اگر چه هنوز نیازمند وضوح هستند اما نسبت به معضل و مشکل واضح‌ترند.

۲- درخت مسئله یاب

یکی از فنون تحلیل مشکل به مسئله تجزیه آثار محتمل است به عنوان مثال وقتی از معضلی مانند نبود شایسته سالاری بحث می‌شود، با معضلی مرکب از مسائل فراوان روبرو هستیم که از طریق ترسیم یک درخت که در تنه آن مشکل تصلی که شایسته سالاری است نوشته می‌شود سپس بر روی شاخه‌های آن آثار و عواقب حل شدن

مشکل را می‌نویسیم. مسائلی هم چون ضرردهی بنگاه، شکوفا نشدن خلاقیت‌ها، روشن کردن استعدادها، ترویج تبعیض، خودشیفتگی مرضی و زیرآب زنی را می‌توان نوشت.

۳- تجزیه به ابعاد

تحلیل معضل به ابعاد مختلف نیز از دیگر روش‌های موثر در تجزیه مشکل به مسائل محتمل است. فرض کنید با موضوعاتی چون فساد در سازمان روبرو می‌شویم چگونه می‌توانیم معضل را به مسائل تحلیل کرد؟ یکی از روش‌های تجزیه موضوع به مسائل محتمل، جستجو از ابعاد فساد یا سلامت در سازمان است هر یک از این ابعاد یکی از مسائل محتمل است.

۴- تحلیل مشکل و مصادیق آن

مسائل اخلاقی به دلیل فرهنگ وابسته بودن، هر چه به صورت کلی و انتزاعی طرح شوند، ذهنی‌تر، مبهم و انتزاعی‌تر خواهند بود. برای مواجهه با مسائل عینی، آنها را باید به مصادیق و موارد مختلف تقسیم و تجزیه کرد. چنین تحلیلی می‌تواند تمایز مسائل را نشان دهد و انتخاب راه حل ویژه هر یک از آسان نماید. برای مثال پدیده سرقت و دزدی در بنگاه تا زمانی که به صورت کلی و انتزاعی طرح شود، مبهم و غیرقابل حل خواهد بود. برای شناخت عینی دزدی و تشخیص مسئله می‌توان از فن تجزیه به مصادیق بهره جست همانند دزدی مالکیت معنوی، دزدی پول نقد، سرقت کالا، دزدی اطلاعات، دانش فنی و ...

۳-۲-۲. سنجش مسئله

@dabirfile

در این مرحله باید مسائل محتمل را مورد ارزیابی و سنجش قرارداد تا به مسئله واقعی دست یابیم. یکی از راه‌های سنجش مسئله شناخت دقیق محیط است. وقتی با معضل اعتصاب در کارخانه مواجه و مسائل محتمل خود را از طریق تجزیه فهرست می‌کنیم، براساس شناخت محیط می‌توانیم در میان تمام مسائل این مسئله واقعی خود را گزینش کنیم. در سنجش مسئله با چاه‌ها و موانعی مواجه هستیم که در واقع یکی از موانع موفقیت در تعیین وزن مسائل، «فراکنی» است که سهم مسئله نظام مدیریتی را ناچیز تلقی می‌کنند و از سنجش عینی منحرف می‌شوند. از دیگر موانع سنجش عینی می‌توان به «ساده‌انگاری» اشاره کرد که با مشاهده عدم کارایی و اثربخشی نیروی انسانی، خود را با موضوعی به نام استخدام نادرست مواجه می‌یابد.

۳-۲-۳. گونه شناسی مسئله

در گونه شناسی با قرار دادن مسئله، تحت مقوله معین از آن ابهام زدایی می‌کند. یکی از راه‌های گونه شناسی استفاده از طبقه بندی است. طبقه بندی‌های مختلفی از مسائل وجود دارد. در یک نوع طبقه بندی، از حیث متعلق در چهار گونه می‌توان تقسیم بندی کرد. مسائل اخلاقی از حیث زندگی فردی، زندگی شغلی، فرهنگ سازمانی و مسائل اخلاقی خود سازمان. در تقسیم بندی دیگر می‌توان مسئله را به دو دسته باز و بسته طبقه بندی کرد. در طبقه بندی دیگر نیز می‌توان مسائل اخلاقی را به چهار قسم: مالی، اداری، رفتاری و تلفیقی اشاره کرد.

۳-۲-۴. تبارشناسی مسئله

در تبارشناسی مسئله مسائل از حیث ریشه داشتن در علوم مختلف گوناگون بررسی می‌شود مانند پدیده خودکشی در خوابگاه دانشجویی. آیا این مسئله ریشه در زمینه‌های روانشناختی دارد یا جامعه شناختی یا هر دو

و یا در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی. خطای رایج برخی از مدیران در تبارشناسی مسائل اخلاقی، حصرگرایی روش شناختی است. ساده انگارانه گمان می‌کنند ارتباط نامشروع در محیط کار مسئله روانشناختی است و بس. اعتیاد مسئله‌ای جامعه شناختی است و بس. مسائل مدیریتی غالباً مسائل چند تباری‌اند.

### ۳-۲-۵. شناخت ساختار منطقی مسئله

مراد از ساختار صورت و قیدهایی است که مضمون مسئله مرهون آنهاست. غفلت از ساختار منطقه مسئله آثار زیان باری را در تحلیل آن به بار می‌آورد. این غفلت، از خطاهای رایج در تحلیل مسائل علوم انسانی است. فرض کنید پرخاشگری یکی از مدیران معضلاتی را در کارخانه آفریده و به هیئت مدیره منعکس شده است. ما با مسائل مختلفی روبرو هستیم.

این مدیر همیشه پرخاشگر است.

این مدیر در زمان خاصی پرخاشگر است.

این مدیر گاهی پرخاشگر است

مدیران بخش مالی پرخاشگرند.

بدون تردید تحلیل موفقیت آمیز معضل در گرو شناخت دقیق ساختار منطقی آن است.

@dabirfile

### ۳-۳-۳. تدوین مسئله

پس از طی مراحل فوق انجام آنها در نهایت ما را به مسئله واضح و متمایز می‌رساند که پس از ابهام زدایی، باید مسئله را با زبان صریح، شفاف، دقیق و عاری از هر گونه تفسیرپذیری سلیقه‌ای تدوین کنیم به گونه‌ای که بتوان گفت مسئله ما در اینجا چنین است.